



یا ایها صیاح المهدی
از جمعه بی تو گله داریم آقا...





نام کتاب : در انتظار منجی

نویسندگان : علامه علی کورانی ، آیت الله جواد جعفری ، آیت الله قاسمی ، آیت الله حبیب الله احمدی ، احمد مسجد جامعی ، آیت الله هادی حسین پور ، آیت الله جعفر فکری فلاح ، آیت الله عزیزالله حیدری ، آیت الله عبدالقادر همایون ، آیت الله حسن قائمی ، آیت الله زهیر دهقانی آرانی ، آیت الله محمدصابر جعفری ، آیت الله محمد شهبازیان ، آیت الله فرامرز سهرابی ، آیت الله فوادیان ، آیت الله رضا محمدی ، آیت الله بهروز لک ، آیت الله نصرت الله آیتی

طراح جلد و صفحه آرا : امیر قربانی

ناشران الکترونیک : مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجموعه وبلاگ های قرآن ستر

تاریخ انتشار : ۱۳۹۴/۰۳/۲۸

www.ahl-ul-bayt.org

www.qurancenter.blogfa.com

www.voi.blogfa.com

www.realprophet.blogfa.com

کلیه ی حقوق مادی و معنوی این مقاله متعلق به مجمع جهانی اهل بیت (ع) است. تکثیر، انتشار و یا

واگذاری آن به دیگران تنها با ذکر منبع مجاز میباشد.

فهرست

- در انتظار منجی - ۱ : رابطه داعش با "روایات سفیانی، دجال و پرچم های سیاه" چیست؟ / مدعیان دروغین مهدویت در شیعه بیشتر بودند یا در بین اهل سنت؟ ۵
- در انتظار منجی - ۲ : علائم ظهور امام زمان(ع) چیست؟ / آیا این علائم را می توان بر حوادث امروز تطبیق داد؟ ۱۴
- در انتظار منجی - ۳ : پاسخ به چند شبهه روشنفکرانه و مدرن / نسبت دموکراسی و مردم سالاری با حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) ۲۵
- در انتظار منجی - ۴ : با وجود قرآن و سنت، دیگری چه نیازی به امام هست؟ / امام زمان(عج) اکنون چه مشکلی از بشریت را حل می کند؟ ۳۶
- در انتظار منجی - ۵ : چه رابطه ای بین امام حسین(ع) با امام زمان(عج) وجود دارد؟ ۴۸
- در انتظار منجی - ۶ : بلوغ اجتماعی از اساسی ترین بایسته ها و کاستی های عصر غیبت است / شیعیان هم مهدویت را نمی شناسند! ۵۹
- در انتظار منجی - ۷ : آیا جریان حوثی همان "یمانی عصر ظهور" است؟ / احمد الحسن کیست؟ ۶۷
- در انتظار منجی - ۸ : ویژگی های یاران امام زمان(عج) چیست؟ / همه یاران حضرت همان ۳۱۳ نفر نیستند ۷۴
- در انتظار منجی - ۹ : فرصت ها، تهدیدها و آسیب های مباحث مهدویت و آخر الزمان چیست؟ ۸۲
- در انتظار منجی - ۱۰ : آسیب های ملاقات گرایی / راههای نجات از "دام مدعیان دروغین ملاقات با امام زمان(عج)" چیست؟ ۸۸
- در انتظار منجی - ۱۱ : تبارشناسی جریان "احمد الحسن" / روش های تبلیغی جریان مدعی یمانی چیست؟ ۹۴
- در انتظار منجی - ۱۲ : پاسخ به شبهاتی در مورد مسجد جمکران / آیا عریضه نویسی به امام زمان(عج) سند دارد؟ ۱۰۴
- در انتظار منجی - ۱۳ : معنای انتظار فرج چیست؟ / شیعیان چگونه مانع تعجیل ظهور می شوند؟ ۱۱۵
- در انتظار منجی - ۱۴ : رجعت در زمان ظهور؛ امری تبیین نشده / فلسفه و فواید "رجعت" چیست؟ ۱۲۴

- در انتظار منجی - ۱۵ : آیا در عصر ظهور کشتار جمعی رخ می دهد؟ / مردم جهان با ظهور مهدی (عج) مشکلی نخواهند داشت ۱۳۳
- داعش ارتباطی به قیام «سفیانی» ندارد/ تطبیق روایات ظهور امام زمان (عج) با زمان معاصر، خلاف شرع است ۱۳۹
- به مناسبت نهم ربیع الاول ؛ ویژگی های حضرت مهدی (عج) ۱۵۱
- مقابله با مدعیان دروغین مهدویت ؛ راه های شناخت «مهدی» نماها ۱۵۷
- حرکت های مدعی مهدویت؛ از "ابومسلم" و "باب" تا "ابوبکر بغدادی" و "داعش" ۱۶۰
- جهان پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ ۱۶۳
- سخن پایانی ۱۶۹
- از سایت های زیر حمایت می کنیم : ۱۷۰

در انتظار منجی - ۱ : رابطه داعش با "روایات سفیانی، دجال و پرچم های سیاه" چیست؟ / مدعیان دروغین مهدویت در شیعه بیشتر بودند یا در بین اهل سنت؟

ظهور منجی موعود یک اعتقاد عمومی در تمامی ادیان است. کتاب های مقدس آسمانی، چه آنها که بخشی یا تمام آنها وجود دارد و چه آنها که منقولاتی از آنان در کتاب های دیگر آمده است، بشارت داده اند که جهان در سیطره ظلم و فساد نمی ماند؛ بلکه جماعت صالحان به امامت "رهبر موعود" عدل و داد را در گیتی حاکم خواهند کرد.

ریشه دار بودن اعتقاد به مهدی و منجی، موجب آماده بودن مردم اعصار گوناگون برای پذیرش و تبعیت وی شده و می شود. از همین رو، این مفهوم موجب سوءاستفاده فریبکاران و شیادانی شده است که در طول تاریخ با ادعاهای دروغین، خود را مهدی یا از یاران او معرفی کردند تا از رهگذر عقیده پاک مردم به نیت آلوده خویش دست یابند. اتفاقاً بسیاری از این مدعیان، در نقشه خود موفق شده و به مقصود خود رسیده اند؛ چه مدعیان کوچکی که اهداف مالی و رمالی داشته اند، و چه مدعیان بزرگی که توانستند با این ادعا حکومت های عریض و طویل یا مذاهب منحرف دیرپا و گسترده ای برای خویش دست و پا کنند.

گذشته از نمونه های کوچک و محلی، بزرگ ترین نمونه این اقدام دروغین در برهه اخیر، گروه های تروریستی فعال در خاورمیانه — مانند داعش و خراسان — هستند که با شبیه سازی احادیث و روایات مهدویت، تلاش دارند خود را به این جریان منتسب نموده به اهداف پلید خود در منطقه و جهان برسند.

از امروز و در پایان هر هفته سلسله مطالبی متقن و مستدل در باب مهدویت — با عنوان "در انتظار منجی" — تولید و منتشر خواهد کرد؛ تا هم عرض ارادتی باشد به محضر امام زمان حضرت حجه بن الحسن المهدی (عج) و هم گامی باشد برای روشننگری درباره مسأله مهدویت در عصر هجوم غبارها و فتنه ها.



ABNA.ir
PHOTO

در انتظار منجی

پایان هر هفته
با مطالبی تازه
درباره امام زمان (عج)
در خبرگزاری ابنا

ABNA.ir

AhluBayt News Agency

با توجه به خبری که چند روز پیش درباره سوء استفاده گروه داعش از "دجال" منتشر شد؛ و نیز ظهور گروه جدیدی با عنوان "خراسان" که ظاهراً نام خود را از روایات آخر الزمان اقتباس کرده است، اولین گفتگوی سلسله مطالب در انتظار منجی را در زمینه این گونه ادعاها انجام داده ایم.

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد جعفری» عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) است.



متن کامل مصاحبه با استاد جعفری را در زیر بخوانید:

به کوشش: احمد محبوبی

عکس: سجاد ظاهری

ابنا: معنای لغوی و اصطلاحی دَجَال چیست؟

— بسم الله الرحمن الرحيم. واژه دجال همانطور که در لغت آمده از ریشه «دَجَل» است و مشتقات آن در کتاب های لغت وجود دارد. «دَجَل» به معنای روی چیزی را پوشاندن است. وقتی شما روی چیزی را می پوشانید، می گویند: «دَجَلَه» رویش را پوشاند. برخی گفته اند که به معنای مخلوط کردن چند چیز با هم است، کسی را به اشتباه بیاندازد یعنی خلط کردن به قصد فریب دادن و به اشتباه انداختن. گفته اند که موجودی هم در آخر الزمان می آید که دروغ های فراوانی به مردم می گوید و مردم را به اشتباه می اندازد به این خاطر از ریشه «دَجَل» صفت مبالغه «دَجَال» را استفاده کرده اند بنابراین دجال صفت مبالغه است که از «دَجَل» گرفته شده است و به معنای بسیار فریبنده، به التباس رساننده و مخلوط کننده است.

ابنا: آیا نام دجال در کتاب های روایی معتبر شیعه و سنی آمده است؟ و دجال دارای چه ویژگی هایی است؟
— دجال در روایات اهل سنت بیشتر آمده است. یعنی اهل سنت در «صحیح بخاری»، «صحاح سته» و خیلی از کتاب های حدیثی شان فراوان به بحث دجال پرداخته اند. دجال در کتاب معتبر و قدیمی مثل «مصنف ابی شیبه» - که متعلق به سنه ۱۲۰ قمری است یعنی همان زمان هایی که اجازه دادند حدیث نوشته شود - آمده است.

البته اهل سنت با واژه دیگری به نام «مسیح الدجال» آورده اند. مسیح در اینجا به معنای مسح و دست کشیده شده است. آنها معتقدند یک طرف صورت دجال را دست کشیده و پاک کرده اند و دجال ابرو و چشم ندارد و ممسوح العین است. چشم دجال مسح شده است یعنی روی چشم دجال دست کشیده و پاک شده است و دجال یک چشم ندارد و به همین خاطر به دجال «مسیح الدجال» می گویند؛ یعنی دجالی که یک طرف صورتش ممسوح است. بنابراین اگر ما این تعبیر را بپذیریم دجال کسی است که طرف راست صورت او مسح شده است یعنی پاک شده و از بین رفته است. در روایات آمده است که چشم چپ دجال روی پیشانی اش است. با توجه به این مطلب، اینکه معروف است که چهره دجال را چشمی در وسط پیشانی، ترسیم می کنند درست نیست؛ یعنی دجال یک چهره عادی دارد و سمت راست صورت و چشم راستش از بین رفته است.

در کتاب های شیعه و معتبر ما در بحث مهدویت، مثل کتاب "کمال الدین و تمام النعمه" اثر «شیخ صدوق» روایات متعددی در مورد دجال وجود دارد ولی تاکید می کنند که در روایات اهل سنت در مورد دجال است در شیعه نیست. در شیعه بیشتر بحث روی «سفیانی» است. دجال همان طور که از اسم آن بر می آید، نماد تزویر و دروغ است. و اهل سنت روایات فراوانی دارند که پیامبر(ص) در نمازها از دجال استعاذه می کرد و می فرمود: هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه مردم و امت خود را از دجال ترسانده است.

بنابراین در روایات اهل سنت بحث دجال اولاً خیلی پررنگ، قدیمی و معتبر است و ثانیاً نماد دروغ و تزویر است و به مردم خیلی توصیه شده که از دجال بپرهیزند. اهل سنت روایتی از پیامبر(ص) نقل می کنند که قیامت نمی شود مگر اینکه حدود سی نفر دجال قیام می کنند که هر کدام می گویند ما پیامبر هستیم. پیامبر(ص) در این روایت اشاره می کند که دجال ادعای نبوت می کند. ولی در خیلی از روایات اهل سنت آمده که دجال مدعی الوهیت و ربوبیت است و می گوید من پروردگار شما هستم. و بعد اوصافی برای دجال آمده است که چه کارهایی انجام می دهد که این را به اثبات برساند.

معیاری که پیامبر(ص) برای تشخیص دجال بیان می کند این است که می فرماید: «دجال ادعای خدایی خواهد کرد ولی شما بدانید که خدای شما سالم است ولی چشم او اعور است». این نشانه ساده و روشن دادن از طرف پیامبر(ص) نشان می دهد که دجال چگونه می تواند مردم را گول بزند و چه مقدار انسان ها حرفهای او را می پذیرند. لفظ اعور به معنای لوچ بودن چشم که در این روایت آمده است این طور به نظر می رسد که آنهایی که دجال را ممسوح العین معنا می کنند با این روایت در تعارض است. یعنی این روایت می گوید که چشم راست دجال چپ است نه این که چشم ندارد.

ابنا: آیا منظور از دجال، فکر و ایده و اندیشه است؟ و آیا کارهای دجال را یک فرد انجام می دهد یا به صورت گروهی این کارها انجام خواهند داد؟

— آنگونه که از روایات معلوم می شود دجال جریان، سمبل و نماد است. دلیل آن هم این است که نوع بیانی که احادیث دارند با معنا کردن عادی نمی تواند سازگار باشد و بر فرد منطبق نمی شود. مثلاً روایتی از پیامبر(ص) وارد شده است که دجال چهارپایی دارد که «عرض ما بین اذنیه میل» یک میل بین دو گوش این الاغ فاصله است. میل را در روایات از شش هزار متر تا سه هزار متر یعنی نیم فرسخ تعبیر کرده اند. بنابراین وقتی که روایت می گوید که دجال سوار بر مرکبی که بین دو گوش آن حداقل سه کیلومتر فاصله است نمی شود بر شخص تطبیق شود. یا در روایت دیگر آمده است: «یخرج معه جنّه و نار»، بهشت و جهنمی با او همراه است. یا «و جبل من خُبز» کوهی از نان همراه دجال است. «و نحر من ماء» دجال رودخانه آب با خود می برد. این تعبیرات نمی شود به فرد حمل شود؛ مثلاً بگوییم که دجال آدمی است که با خود کوه به همراه دارد. یا تعبیراتی که امیرالمومنین(ع) دارد که «یخوض البحار، یسیر معه الشمس، بین یدیه جبل من دُخان، خلفه جبل ابیض، تحته حمار اقمر، خطبه حماره میل» هر قدمی که الاغ دجال در راه رفتن بر می دارد سه هزار متر است. یا در مورد سرعت دجال روایتی وجود دارد که با سرعت خورشید برابر است. چنین چیزهایی باید ناظر به ابزارهایی باشد. بنابراین دجال را نمی شود گفت که شخص تنهاست. منتها دجال در روایات به اشخاص مثل کسی که ادعا کرده من پیامبر هستم، هم اطلاق شده است. و دجال مثل سفیانی - که معتقدم سفیانی شخص خاصی است - نیست. دجال در طول تاریخ جریان داشته و نماد دروغ و نیرنگ است و نمی شود گفت که دجال شخص خاص است و نشانه ها به شخص خاص قابل تطبیق نیست.

ابنا: آیا حضور دجال از علائم قطعی ظهور است یا از علائم غیر قطعی؟

— جدید ترین تحقیق درباره روایات دجال در کتاب دانشنامه امام مهدی(عج) آمده و از طرف دارالحدیث منتشر شده است. «حجت الاسلام سید محمد کاظم طباطبایی» معتقد است ما طبق تحقیقاتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که دجال هیچ ربطی به مهدویت ندارد. ما در روایات خود داریم که کسی که دجال را خواهد کشت بنابر برخی روایات حضرت مهدی(عج) است و بنابر برخی روایات حضرت عیسی است. از این باب می شود گفت دجال به مباحث مهدویت ربط دارد.

البته این را باید بگویم که به صورت کلی در اهل سنت علائم ظهور با علائم قیامت به هم آمیخته شده است یعنی اهل سنت چیزی به عنوان علائم ظهور ندارند. آنها این تعبیر که بگویند که قبل از آمدن امام مهدی(عج) و خلیفه آخر، فلان اتفاقات می افتد چنین چیزهایی ندارند. آنها «اشراط الساعه» یعنی نشانه های قیامت اطلاق می کنند. از دیدگاه اهل سنت پیامبر(ص) وقتی نشانه های قیامت را بیان می کند هم به ظهور امام زمان(عج) اشاره می کند و هم به دجال می پردازد که قبل از وقوع قیامت اینها اتفاق می افتد.

اینکه دجال به عنوان نشانه ظهور باشد، چنین چیزی نداریم. ما وقایع دوران ظهور را داریم که به بحث دجال مربوط می شود. به عبارت دیگر یکی از اتفاقاتی که در دوران ظهور می افتد این است که دجال به دست حضرت عیسی بنابر برخی روایات و بنا بر روایات دیگر به دست حضرت مهدی(عج) کشته می شود. معلوم است که قبل از آن، دجال فعالیت می کرده نه اینکه تازه پیدا شده باشد و این سیر همیشه وجود دارد و در هر وقت کسی نماینده جریان انحراف است و راس جریان انحراف به دست حضرت عیسی یا امام مهدی(عج) کشته می شود. روی این حساب می شود گفت دجال جزء نشانه های ظهور نیست اتفاقی است که در طول تاریخ جریان دارد و زمانی که حضرت مهدی(عج) ظهور کرد سر این جریان قطع می شود و مضمحل خواهد شد.

ابنا: مفهوم دجال در ادیان دیگر مثل مسیحیت و یهودیت وجود دارد یا مختص اسلام است؟

— در رساله یوحنا که متعلق به ادبیات دینی مسیحیت است ذکری از دجال آمده است و آنها خودشان به عنوان «آنتی کریست»(ضد مسیح) از آن یاد می کنند. می گویند که ضد مسیح همان دجال است و دجال دشمن اصلی حضرت عیسی است. در روایات اهل سنت دشمن اصلی حضرت مهدی(عج) دجال است ولی در روایات شیعه دشمن اصلی حضرت مهدی(عج)، سفیانی است.

ابنا: آیا می شود دجال را به گروههای تکفیری که در عراق و سوریه فعال هستند تطبیق داد؟

— نشانه اصلی دجال فریب و نیرنگ است یعنی اختلاف اساسی بین سفیانی و دجال همین است. سفیانی اهل خونریزی و کشتن است و به زور نظامی و قتل و غارت کارش را پیش می برد ولی کار دجال فریب است. در روایات نداریم که دجال خونی می ریزد یا جایی را به آتش می کشد. در یکی از روایات از پیامبر(ص) آمده است که «دجال همراه خود یک بهشت و جهنمی همراه دارد و به مردم می گوید این جهنم، و این بهشت است در حالی که برعکس می گوید. ایها الناس؛ اگر شما دجال را دیدید به هرکدام که به شما گفت این جهنم است درون آن بپرید که آن ماء عذب و آب گوارا است». تعبیر دجال در روایات با نیرنگ و فریب همراه است و به هیچ وجه با داعش که کارشان با زور اسلحه است، قابل تطبیق نیست. گروه داعش جلوی دوربین مردم را می کشند و زشتی ها را مخفی نمی کنند. به عکس دجال کسی است که به قدری نیرنگ و فریب می کند که خیلی ها به آن می گروند. و در برخی از روایات آمده است که کار به جایی می رسد که زن ها به قدری به دجال می گروند که مردها مجبور می شود زن و دختر و عمه و خاله خود را با طناب ببندد که به سمت او نروند. نوع رفتاری که در رابطه با دجال است قابل تطبیق بر حرکت های خونریزی و کشتار نیست.

ابنا: آیا شخصیت سفیانی را می توانیم با گروههای تکفیری و داعش تطبیق دهیم؟

— آن طور که در روایات ما گفته اند سفیانی را با کارش بشناسید و عمل سفیانی این است که در شش ماه، چهار کشور یعنی آبادی های شامات شامل؛ فلسطین، اردن، لبنان و سوریه را تصرف می کند. کسی که با خونریزی بتواند شش ماهه این چهار کشور را بگیرد به ما گفته اند که این سفیانی است. شما می بینید داعش در عرض سه سال نتوانست سوریه را بگیرد و دیدند نمی شود سوریه را بگیرند به عراق حمله کردند ولی در روایات ما این آمده است که سفیانی اول این چهار کشور را می گیرد، تمام رقبایش را می کشد و بعد سراغ شیعه گشی می رود. و برای شیعه کشی لشگری به عراق و کوفه و لشگری به مدینه می فرستد چون می شنود که امام مهدی(عج) در مدینه فعالیت می کند و به مدینه حمله می کند.

عمر سفیانی از اول ظهور خود تا مرگش ۱۵ ماه بیشتر طول نمی کشد کل جریان سفیانی ۱۵ ماه است و تا ۹ ماه بعد از ظهور زنده است. یعنی ۶ ماه بحث گرفتن کشورهاست و وقتی کشورها را می گیرد ظهور اتفاق می افتد و بعد از ۹ ماه به دست امام زمان(عج) در بیت المقدس کشته می شود نوع رفتاری که سفیانی دارد خیلی ریزتر، و پیشرفت آن خیلی شدیدتر از آن چیزی است که داعشی ها دارند.

ابنا: روایات سفیانی را اهل سنت نیز نقل کرده اند یا مختص شیعه است؟

— روایات سفیانی را ما بیشتر نقل کرده ایم. در نقل های اهل سنت خیلی کم به سفیانی پرداخته شده و آنها بیشتر به «جیش الکعبه» یعنی نیرویی که می خواهد به کعبه حمله کند، پرداخته اند. و واژه سفیانی را آنها به کار نبرده اند. چون واژه سفیانی به قوم بنی سفیان و بنی امیه مرتبط است. شاید نشود لفظ سفیانی در روایات اهل سنت پیدا شود و کم پیدا می شود و آنها سفیانی را با تعبیرات دیگری مثل سپاهی که علیه کعبه حرکت می کند یاد کرده اند. و برخی از روایاتی که متعلق به سفیانی در روایات ما است را آورده اند و گفته اند این سپاه به مکه حمله می کند. چون در روایات آمده است که سپاه سفیانی بعد از مدینه به مکه حمله خواهد کرد. سفیانی بیشتر در شیعه و به عنوان دشمن بنی امیه ای امام زمان (عج) و به عنوان نماد بنی امیه که همیشه در مقابل اهل بیت (ع) می ایستادند، آمده است. یعنی در آخرالزمان کسی از بنی امیه در مقابل ایشان می ایستد به همین خاطر سفیانی نامیده شده است.

ابنا: روایاتی که در مورد پرچم های سیاه وجود دارد آیا این روایات در منابع ما وجود دارد یا نه؟ و این روایات به چه گروههایی اشاره دارد و آیا قابل تطبیق بر گروههای تکفیری است یا نه؟

— روایات «رایات سود» در کتاب های معتبر مهدویت ما هم آمده است ولی در اینجا به بحث عمیق حدیثی نیاز داریم که از لحاظ سند شناسی معلوم شود آیا این احادیث اصالت شیعی دارند یا نه؟ چون ما حدیث ها را دسته بندی های مختلفی می کنیم؛ مثلاً بعضی از روایات، حدیث شیعه در کتاب اهل سنت هستند. مثلاً در کتاب «فتن ابن حماد» حدیثی داریم که جابر از امام صادق (ع) روایت کرده است. این حدیث شیعی در کتاب سنی است. بعضی از احادیث اهل سنت در کتاب های شیعه است مثلاً کل سند کتاب «الملاحم و الفتن» سید بن طاووس از اهل سنت است. یا حدیث سنی در کتاب سنی است و یکسری کتاب ها حدیث شیعی در کتاب های شیعی است.

تحقیقی که استاد ما در دارالحدیث انجام داده است این است که حدیثی از شیعه در رابطه با رایات سود که در کتاب شیعه باشد و به دوران ظهور اشاره داشته باشد نداریم، روایاتی که داریم روایاتی است که به حرکت بنی عباس ناظر است. بنابراین روایاتی که رایات سود در آنها آمده روایاتی هستند ولو اینکه در کتاب های شیعی آمده اند ولی سندهایشان از اهل سنت است. پس نمی توانیم بگوییم که یکی از نشانه های ظهور رایات سود است.

اما اگر این تحقیق ثابت نشود احادیثی داریم که پرچم های سیاه قبل از ظهور از طرف مشرق حرکت می کنند. البته اهل سنت به شدت این روایات را قبول دارند و روایات صحیح السند در کتاب های معتبر اهل سنت است و معتقدند که روایات سود از نشانه های ظهور است و از مشرق حرکت خواهد کرد. آنها مشرق را بر طبق روایات دیگر تقریباً ماوراء النهر زمان قدیم مثل شهر بخارا می دانند. و این منطقه خارج از ایران است و این حرکت از آنجاها نشأت می گیرد.

آنچه که در روایات ما تاکید شده پرچم های سیاهی است که از شرق می آید و زمینه ساز ظهور امام زمان (عج) است این متعلق به مشرق است و هیچ ربطی به داعش و پرچم سیاه اینها ندارد.

برخی از اهل سنت یک سری روایات دیگر پیدا کرده اند که در آنها بحثی از پرچم های سیاه وجود دارد که مثلاً در روایات آنها است که این ها آدم های بدی هستند. یعنی قبل از ظهور دو نوع پرچم سیاه وجود دارد و در روایاتی آمده است که آدم های بدی پرچم سیاه خواهند داشت و این را بر داعش تطبیق کرده اند و کسی که پرچم سیاه خوب دارد خراسانی است و از شرق می آید. پس بحث دو پرچم سیاه بودن را داریم و این نیاز به کار بیشتر دارد که آیا ما پرچم سیاه بد در روایات داریم یا نه؟ ولی آنکه که خیلی معروف است و اهل سنت در کتاب های معتبر روایی شان نقل کرده اند همانی است که از شرق می آید و در روایات آمده است که بنی عباس از همانجا که شکل گرفته اند از آنجا از بین خواهند رفت و این نشان می دهد که شرق همین خراسان است.

پرچم های سیاهی که از شرق می آیند را سنی ها قطعاً قبول دارند. در شیعه هم معمولاً می گویند که این چنین چیزی هست؛ مثلاً در سی دی انحرافی "ظهور بسیار نزدیک است" هم این آمده بود و گفته بودند که سید خراسانی، مقام معظم رهبری است و پرچم سیاه دارند. یا «آقای کورانی» می گوید پرچم های سیاه، پرچم های عزای امام حسین (ع) است و این عزاداریها در ایران نماد پرچم های سیاه است و کعنای پرچم های سیاه خواهند آمد این است که عزاداران اباعبدالله (ع) این کار را خواهند کردند. اینها تفسیرها و برداشت هایی از آن روایات است؛ اما اگر کسی تحقیق کند می تواند اثبات کند که پرچم های سیاه در روایات اصیل شیعه، ربطی به علائم ظهور ندارد.

ابنا: اکنون شاهد هستیم که گروههایی مانند داعش از روایات مربوط به مهدویت برای جمع کردن طرفدار و مشروعیت بخشی استفاده می کنند. در این مورد تحلیل خود را بیان کنید.

— مهدویت در شیعه مدعیان دروغین داشته است ولی جالب است بدانید که این مدعیان دروغین بیشتر در اهل سنت بوده اند! ما حکومت های خیلی بزرگی مثل حکومت «مهدی سودانی» و اینها را داشتیم که با ادعای مهدویت حکومت های عریض و طویلی تاسیس کردند و توانستند با این ادعا کشورهای را بگیرند، جنایت هایی مرتکب شوند و انسان هایی را بکشند. در تاریخ انسان های خونریز وجود دارد که به نام مهدویت قیام کردند، خیلی ها را فریب دادند و حکومت های خیلی پایداری را تشکیل دادند. داعشی ها اگر بخواهند این کار را بکنند چیز جدیدی نیست که بگوییم اینها حرف تازه ای را پیدا کردند که جهانی را به خود متوجه کنند. همانطور که مستشرقین می گویند اکثر کشورهای که از یوغ استعمار نجات پیدا کردند اکثرشان با مهدویت بودند مثلاً در کشور ایران، نیجریه و بخشی از هند که توانستند از استعمار انگلیس و فرانسه نجات پیدا کرده و استقلال پیدا کنند مستشرقین می گویند کسانی که قیام ها را شروع کردند و توانستند مردم را دور خود جمع کنند با ایده مهدویت موفق به این کار شدند. داعشی ها اگر این کار را کنند چیز بعید و جدیدی نیست. قبلاً هم بوده و افرادی را فریب داده و حکومت هایی را تشکیل داده اند.

ابنا: در این بحثی که فرمودید دلیل ورود مستشرقین به مباحث مهدویت چه بود؟

— آنها می خواستند کارکرد مهدویت را بگویند و خطر مهدویت را به سران خودشان گوشزد کنند. یکی از مستشرقین آلمانی کتابی نوشته به نام "مهدویت". وی کشورهای اسلامی را گشته و تأثیر مهدویت را در این کتاب آورده است.

عده ای معتقدند چون ایران دارای آموزه امام غائب و مفهوم نیابت عام از امام غائب به نام "ولایت فقیه" هست و بحث انتظار را دارد، انقلاب اسلامی پیروز شد ولی انقلاب سایر کشورهای منطقه به پیروزی واقعی نرسید. بنابراین مستشرقین جستجو کرده اند تا بدانند که کارکرد مهدویت در جوامع اسلامی چیست. آنها در بحث هایشان گفته اند که مهدویت چه شور و آثاری را در جامعه اسلامی ایجاد کرده است؛ و الا مستشرقین غصه مهدویت اصیل را نمی خوردند.

ابنا: از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید بسیار سپاسگذارم.

در انتظار منجی - ۲ : علائم ظهور امام زمان(ع) چیست؟/ آیا این علائم را می توان بر حوادث امروز تطبیق داد؟

با توجه به سوءاستفاده گروه های تکفیری از مفاهیم آخر الزمانی در برهه اخیر، دومین گفتگوی سلسله مطالب در انتظار منجی را در زمینه علائم حتمی ظهور انجام داده ایم.

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین نصرت الله آیتی» عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) است.



متن کامل مصاحبه با استاد آیتی را در زیر بخوانید:

به کوشش: احمد محبوبی

عکس: سجاد ظاهری

ابنا: علائم ظهور امام زمان(عج) چند نوع هستند؟

— بسم الله الرحمن الرحيم. نشانه های ظهور از ابعاد مختلف مثل نشانه های آسمانی، زمینی یا نشانه های عادی و اعجاز آمیز و... تقسیمات مختلفی شده اند. اما آن تقسیم بندی نشانه های ظهور که ریشه در روایات دارد و اهل بیت(ع) آن را فرموده اند تقسیم نشانه ها به حتمی و غیر حتمی است.

ابنا: علائم حتمی ظهور امام زمان(عج) کدامها هستند؟

علائم حتمی نشانه هایی است که حتما پیش از ظهور اتفاق خواهد افتاد و علائم غیر محتوم نشانه هایی است که ائمه(ع) علی رغم اینکه به عنوان نشانه ها از آن یاد کرده اند ولی بسته به علل، عوامل، شرایط و زمینه هایی است که اگر آن علل و زمینه ها محقق شود این علائم تحقق خواهد یافت و الا نه.

پنج نشانه محتوم داریم که هم در روایات از آن ها به عنوان نشانه های محتوم یاد شده و هم در لسان اهل علم نیز متداول است: اول "خروج سفیانی"، دوم "خروج یمانی"، سوم "صیحه آسمانی"، چهارم "خسف بیداء" و پنجم "کشته شدن نفس زکیه". اینها از علائم حتمی ظهور هستند.

ابنا: لطفاً درباره هر کدام از اینها توضیح دهید!

— اولین نشانه حتمی، خروج سفیانی است. سفیانی فرمانده مهم ترین جبهه ای است که بر علیه امام مهدی(عج) تشکیل می شود و در روایات زیادی از او و حوادث مربوط به او گفتگو شده است. خسف بیداء هم به فرو رفتن یکی از لشکرهای سفیانی در منطقه بیداء که بین مکه و مدینه است، اشاره دارد.

کشته شدن نفس زکیه به معنای این است که انسانی بی گناه یا انسانی با شخصیتی برجسته و کسی که به لحاظ اجتماعی موقعیت بزرگی دارد - بسته به اینکه نفس زکیه را چه معنا کنیم - بین رکن و مقام ۱۵ شب پیش از ظهور حجت(عج) کشته می شود. و از فحوای روایات استفاده می شود که کشته شدن این شخص در دنیا موج و سر و صدایی ایجاد می کند چرا که حادثه محدودی که کسی از آن اطلاعی پیدا نکند وجهی ندارد که نشانه حتمی ظهور باشد.

بنده معتقدم محتوم بودن خروج یمانی قابل اثبات نیست. مقاله ای از بنده منتشر شده به نام «یمانی؛ درفش هدایت» که در اولین شماره مشرق موعود چاپ شده است. بنده در آنجا آورده ام که حتمی بودن یمانی قابل اثبات نیست و مشکلاتی دارد. اما در لسان عوام و خواص معروف است که یمانی را هم از نشانه های محتوم یاد می کنند.

این ۵ نشانه، نشانه های حتمی ظهور است و سایر نشانه ها از اتفاقات غیر محتوم است که احتمال رخ دادن یا رخ ندادن آنها وجود دارد. و تفصیلات و ابعاد و جزئیاتی که مربوط به هر کدام از این هاست بحث های خاص دارد.

ابنا: بعضی از نشانه‌ها مثل طلوع خورشید از مغرب که در روایات آمده با عقل جور در نمی‌آید. آیا می‌توان در این موارد در صحت روایات تردید کرد؟ تحلیل شما در این مسئله چیست؟

— در روایات از این موارد خیلی محدود داریم. اولاً: در طلوع خورشید از مغرب دقت داشته باشید این از نشانه‌های ظهور نیست از نشانه‌های قیامت است و گاهی از ظهور حضرت حجت(عج) به طلوع خورشید از مغرب یاد شده است.

طلوع خورشید از مغرب از نشانه‌های ظهور نیست از نشانه‌های قیامت است و چون ظهور قبل از قیامت است از این حیث هم می‌شود پذیرفت که هر چه که نشانه ظهور است نشانه قیامت هم باشد. از این حیث بعید نیست در بعضی از روایات به عنوان نشانه ظهور یاد شده باشد.

در ثانی: طلوع خورشید از مغرب هیچ بُعدی ندارد. علامه طباطبایی در المیزان به یک مناسبتی این حدیث را می‌آورد و می‌گوید یافته‌های علمی به هیچ عنوان این را نفی نمی‌کند و بلکه از یافته‌های علمی استفاده می‌شود که مشرق و مغرب خورشید در حال تبدل است و هر چند سال چند درجه تغییر می‌کند. جزئیات عبارات علامه در خاطر نیست ولی اجمالاً ایشان صحه می‌گذارد که یافته‌های علمی این مسئله را نفی نمی‌کند و استبعادی ندارد که در طلوع خورشید، مشرق و مغرب زمین عوض شود.

اگر ما در روایات به نشانه‌ای برخورد کردیم که به هیچ عنوان قابل فهم بر اساس اطلاعات عمومی بشر نیست مثل آنچه که درباره دجال گفته شده است؛ مثلاً درباره دجال در روایات آمده است که وی یک الاغ دارد که یک پای آن این طرف دنیا و یک پای آن در طرف دیگر دنیا است، در چنین مواردی باید روایات را تأویل کرد مثلاً باید زبان را زبان نمادین گرفت. یعنی ما اگر به نشانه‌ای برخورد کردیم که ظاهر آن قابل اخذ نیست نمی‌شود خیلی زود آن را به دروغ و جعلی بودن متهم کنیم. اگر واقعا بررسی‌های سندی و حدیثی نشان داد که این روایت از معصوم(ع) صادر شده مجبوریم حدیث را تأویل کنیم مثل آنچه که در باب دجال اتفاق افتاده است.

به این خاطر بزرگان ما دجال را نمادین معنا می‌کنند و می‌گویند اگر بخواهیم روایات دجال را به همان شکل ظاهری آن بفهمیم و اخذ کنیم قابل التزام نیست مجبوریم بگوییم اینها نماد و سمبل است، و تأویل می‌کنیم. حال اگر نشانه‌ای بود که هم ظاهر آن با عقل مخالف باشد و با اصول علمی در تعارض بود و نمی‌شد به نوعی تأویل کرد راه آخر این است که بگوییم حدیث دروغ و جعلی است. و ما در روایات مربوط به نشانه‌های ظهور از این نوع روایت نداریم. یعنی نشانه‌ای که هم مخالف با عقل و ضوابط علمی باشد و قابل تأویل و توجیه نباشد نداریم و اگر باشد قابل تأویل است و زبان، زبان نمادین و سمبلیک است.

ابنا: علامت های حتمی ظهور که بیان کردید آیا اهل سنت هم در این موارد اتفاق نظر دارند یا مسئله اختلافی است؟

— سفیانی، از نشانه های متفق علیه است و در منابع اهل سنت از سفیانی یاد شده که در آخرالزمان خواهد آمد و اینکه در گذشته تاریخ اهل سنت چندین نفر مدعی سفیانی گری بودند نشان می دهد که بحث خروج سفیانی در آخرالزمان را اهل سنت قبول دارند. یمانی هم از نشانه هایی است که در منابع اهل سنت است با این تفاوت که عمدتاً اهل سنت از یمانی به عنوان "قحطانی" یاد می کنند. قحطان نام دیگر یمن است و قحطانی مترادف با یمنی و منسوب به یمن است. خسف بیداء از نشانه های متسالم علیه است. در صحیح بخاری و مسلم روایت داریم که مضمون آن این است که: «در آخرالزمان کسی به خانه کعبه پناهنده می شود و سپاهی به قصد کشتن او در پی او به سمت مکه حرکت می کنند و آنها به اعجاز در دل زمین فرود می روند». راوی از پیامبر(ص) می پرسد اینها که به دل زمین فرو می روند ممکن است افراد بی گناهی با اینها باشد پس تکلیف آنها چه می شود؟ پیامبر(ص) می فرماید: «هر کس در روز قیامت بر طبق نیت خود محشور می شود». در خصوص صیحه آسمانی هم اهل سنت روایت دارند و هم شیعه. و در منابع غیر اسلامی از صیحه آسمانی یاد شده است. اما اینکه کشته شدن نفس زکیه از دیدگاه اهل سنت یکی از نشانه های ظهور باشد و در آخر الزمان اتفاق بیفتد آن طور که تفحص کردم در اهل سنت نیست.

ابنا: دجال چگونه؟ آیا اهل سنت دجال را جزء علائم ظهور می دانند یا نه؟

— اهل سنت از دجال نه به عنوان علائم ظهور بلکه به عنوان رخدادهای پیش از قیامت یاد می کنند. البته در اهل سنت بحث دجال خیلی مفصل است یعنی به اندازه ای که در شیعه از سفیانی به تفصیل گفتگو شده است آنها در قبال آن از دجال گفتگو کرده اند و در منابع ما خیلی از دجال صحبت نشده است.

ابنا: آیا می توان گفت که فتح قسطنطنیه به وسیله مسلمانان از علائم ظهور است و این نشانه به وسیله ترکان عثمانی در گذشته محقق شده است؟

— حجت الاسلام آیتی: فتح قسطنطنیه به وسیله مسلمانان از نشانه های حتمی نیست. باید بین اخبار و نشانه های ظهور و اخبار "ملاحم و فتن" تفاوت گذاشت. بین این دو معمولاً خلط می شود. ملاحم و فتن یعنی پیشگویی اتفاقات و جنگ ها و درگیری های آینده. ائمه(ع) بعضی از حوادثی که در آینده اتفاق می افتد را

گزارش کرده اند. گاهی ائمه(ع) تصریح کرده اند که فلان نشانه از حوادث ظهور است یا گاهی در مقام ذکر واقعه ای که اتفاق می افتد یک پیوندی با ظهور حضرت داده اند. این طیف از روایات از نشانه های ظهور هستند. به عبارت دیگر؛ یا خود امام(ع) تصریح می کنند که فلان حادثه از نشانه های ظهور است یا اینکه آن حضرت بین این حادثه و ظهور یک ربطی داده اند و فرموده اند بعد از فلان حادثه، مهدی(عج) چه می کند. اما طیفی از روایات داریم که ائمه(ع) در خصوص اتفاقات، جنگ ها، درگیری ها، کشتارها و حوادث طبیعی و غیر طبیعی که در آینده رخ می دهد احادیثی فرموده اند و هیچ نسبتی بین این رخدادها و ظهور برقرار نکرده اند. دلیلی ندارد که ما این رخدادها را به عنوان نشانه های ظهور یاد کنیم. اینها را "اخبار ملاحم و فتن" می گویند. به زبان عامیانه فارسی یعنی "پیشگویی". ائمه(ع) در خصوص حوادث آخرالزمان پیشگویی کرده اند و اینها لزوماً ربطی به ظهور ندارد. اینطور نیست که در منابع حدیثی به هر حدیثی برخورد کردیم که ائمه(ع) در خصوص یک حادثه و اتفاقی که در آینده اتفاق می افتد گفتگو کرده باشند نشانه ظهور باشد. فتح قسطنطنیه یک پیش بینی بوده است که فرموده اند و اتفاق افتاده است. مثل اینکه ائمه(ع) پیش بینی کرده اند "زنگیان" یا "زنجیان" به خانه کعبه حمله کرده ویران می کنند و حجرالاسود را می برند. اینها در روایات ائمه(ع) وجود دارد و اتفاق افتاده است. دلیلی ندارد که اینها را نشانه های ظهور بنامیم؛ چون ائمه(ع) از آنها به عنوان نشانه های ظهور یاد نکرده اند بلکه پیش بینی کرده اند که فلان اتفاق خواهد افتاد و به شکلی خواستند که شیعیان در مواجهه با این پدیده ها موضع درستی بگیرند و از قبل آمادگی داشته باشند.

ابنا: آیا تطبیق علائم ظهور با جریان ها، حوادث، گروهها و اشخاص درست است؟

— تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خارجی از مسائل خیلی حساس و مهم است چون زمانی که فلان نشانه را بر فلان مصداق تطبیق می کنیم مردم را مزده می دهیم که ظهور نزدیک است. چون گاهی فاصله زمانی برخی از نشانه ها و ظهور، در روایات مشخص شده است. در حدیث معتبری از امام صادق(ع) آمده است که خروج سفیانی در ماه رجب است یعنی شش ماه قبل از اینکه آن حضرت ظهور کند سفیانی می آید. روایات معتبر داریم که نفس زکیه ۱۵ شب قبل از ظهور حضرت کشته می شود. یا صیحه آسمانی در ماه رمضانی است که ماه محرم آن ظهور اتفاق می افتد. خب اگر من بخواهم دست روی شخصیتی بگذارم و بگویم این آقا سفیانی است به التزام ادعا می کنم که شش ماه دیگر امام زمان(عج) ظهور خواهد کرد. این حرف خیلی بزرگی است. این که می گویم مهم است یعنی اینکه باید حواسمان باشد که تطبیق ها منجر به تعیین زمان ظهور می شود.

نکته دیگر این است که زمانی که ما روایات را بر مصادیق تطبیق می‌کنیم و به عنوان مثال می‌گوییم: "این آقا سفیانی است" یعنی ایها الناس؛ آنچه که پیامبر(ص)، حضرت علی(ع) و امام صادق(ع) فرمود که قبل از ظهور امام زمان(عج) یک سفیانی می‌آید، این آقا، همانی است که ائمه(ع) فرموده‌اند. و ما داریم به ائمه(ع) چیزی را نسبت می‌دهیم. اگر چیزی را به ائمه(ع) نسبت می‌دهیم باید آنقدر حرفمان محکم باشد که اگر احیانا ماه رمضان بود، روزه مان باطل نشود. تطبیق یعنی استناد دادن به اینکه این شخص همانی است که امام صادق(ع) فرمود. آیا موارد تطبیق - که در بین مردم اتفاق می‌افتد - همراه با چنین اطمینان و یقینی است که من با جرات بتوانم در روز ماه رمضان ادعا کنم که این همان سفیانی است و ترسی از باطل شدن روزه ام نداشته باشم؟ معمولا این طور نیست. پس تطبیق از این حیث که به شکلی خبر دادن از زمان ظهور است که خیلی مواقع هم همین است و از این حیث که نسبت دادن چیزی به ائمه(ع) است و ما حق نداریم بدون حجت شرعی چیزی را به همین سادگی به ائمه(ع) نسبت دهیم، امر حساس و مهمی است و حواس ها در مقام تطبیق باید جمع باشد که خدای نکرده حرفی نزنیم که مردم را امیدوار به ظهور کنیم که این فرد سفیانی است و شش ماه دیگر آقا می‌آید. بعد شش ماه بگذرد و هیچ خبری نشود و مردم را به سرخوردگی و یأس مبتلا کنیم و چیزی را به ائمه(ع) نسبت دهیم که دروغ باشد و حجت شرعی نداشته باشیم.

نکته دوم اینکه تطبیق ها حوزه لغزشگاههاست. حوزه تطبیق حوزه ای است که بزرگان ما به لغزش افتاده‌اند. موارد متعددی داریم. مثلا از امام باقر(ع) روایت معروف و معتبری از لحاظ سندی داریم و معمولا ما طلبه ها این حدیث را در ایام ۲۲ بهمن و دهه فجر می‌خوانیم، آن حضرت می‌فرماید: «من گویا قومی می‌بینم که از مشرق زمین قیام می‌کنند اینها حق را طلب می‌کنند حقشان به آنها نمی‌دهند. دوباره طلب حق می‌کنند حقشان را نمی‌دهند. مرتبه سوم که شمشیر را به دوش می‌گیرند. جبهه باطل می‌پذیرد که حق را به اینها بدهد و اینها نمی‌پذیرند و می‌گویند ما شمشیر به دوش گرفته ایم و شمشیر را پایین نمی‌گذاریم و جبهه باطل را نابود می‌کنند و خودشان حکومت را به دست می‌گیرند و اینها پرچم را به صاحب الزمان(عج) خواهند داد».

بر این حدیث تطبیق های مختلفی کرده‌اند. اولین تطبیق متعلق به "علامه مجلسی" است ایشان ادعا کرده است و صریحا می‌گوید که «مقصود از این گروهی که از مشرق قیام می‌کنند طلب حق می‌کنند و بعد به حکومت می‌رسند حکومت صفویه است». صفویه آمد و منقرض شد. در دوران مشروطه برخی از نویسندگان این حدیث را بر حوادث مشروطه تطبیق کرده‌اند. "ناظم الاسلام کرمانی" از نویسندگان دوره مشروطه این طور می‌نویسد: «این علامت واقع شد در سال ۱۳۲۶ که محمد علی شاه مشروطه را برداشت و توپ به

مجلس بست پس از مدتی مردم در مقام استرداد حق برآمدند. و بعضی از نمایندگان به سفارتخانه عثمانی پناهنده شدند. از آذربایجان و جاهای دیگر حق را طلب کردند اما حق را به آنها ندادند پس از چندی دوباره در مقام طلب حق برآمدند باز به آنها ندادند تا آنکه در اکثر بلدان بلوا کردند. در تبریز و اصفهان و رشت اعلام مخالفت کردند تا اینکه محمد علی شاه دست خط مشروطه را در مرحله سوم نوشت و امضا کرد. اما ملت قبول نکردند. ناظم الاسلام حدیث امام صادق(ص) را بر حوادث مشروطه تطبیق کرده است و اینکه دفعه سوم محمد علی شاه مشروطه را قبول کرد اما ملت قبول نکردند تا اینکه محمد علی شاه استعفا داد.

یک عده این حدیث را بر حوادث انقلاب اسلامی منطبق کرده اند و می گویند: "بار اولی که ایرانی ها قیام کردند دوره مشروطه است که حق را خواستند ولی به آنها ندادند. بار دوم ملی شدن صنعت نفت و قیام آیت الله کاشانی است و دفعه دوم نیز حق را به آنها ندادند و دفعه سوم که دیدند حق را به آنها نمی دهند حکومت ظالم را از بین برده و حکومت اسلامی تشکیل دادند یعنی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)".

یک حدیث داریم با سه تطبیق. این یقینی است که تطبیق «علامه مجلسی» تطبیق اشتباهی بوده است. پس تطبیق هم مهم است و هم لغزشگاه، که بزرگان هم به اشتباه دچار شده اند.

«مرحوم سید بن طاووس» از امام صادق(ع) روایتی ذکر می کند که: "مادام که بنی عباس بر اریکه سلطنت تکیه زده اند امت پیامبر(ص) راحتی و فرج ندارد. وقتی که بنی عباس منقرض شد خداوند مردی از دودمان ما را که دستور به تقوا می دهد، به هدایت رفتار می کند و در صدور حکم رشوه نمی گیرد بر می انگیزد. زمانی که این آقا آمد بعد از این شخص امام زمان(عج) می آید". این آقای اول امام زمان(عج) نیست چون بلافاصله بعد از ذکر این فقره می گوید که: سپس قائم عدلی که زمین را پر از عدل و داد می کند ظهور خواهد کرد.

سید بن طاووس درباره این روایت می گوید: "به نظرم این آقا من هستم!". یعنی حدیث را بر خودش تطبیق می کند. می گوید: "من نذر کردم که خدایا اگر این شخص مورد نظر من هستم در فلان زمان، فلان ذکر و اعمال عبادی را انجام دهم، و انجام دادم. باز گفتم خدایا اگر آن شخص مورد نظر من هستم، در فلان زمان فلان عمل عبادی را انجام دهم، باز موفق شدم و انجام دادم. و من به این اطمینان رسیدم که پس این "رجلا منا اهل البیت" که در روایت امام صادق(ص) آمده من هستم".

افرادی دیگر تطبیق های دیگری کرده اند. برخی گفته اند مقصود از این آقا «شاه اسماعیل صفوی» است! برخی گفته اند مقصود این روایت «امام خمینی(ره)» است.

در هر زمان این حدیث بر یک شخصیتی تطبیق شده است. ما که به عنوان ناظر بیرونی به «سید بن طاووس» علی رغم جلالت، عظمت و اوج عرفانی که دارد نگاه می کنیم این تطبیق را بی دلیل و اشتباه می دانیم و می گوئیم که هیچ حجتی وجود ندارد که شما این را بر خودتان تطبیق کرده اید. می خواهم بگویم که تطبیق لغزشگاه است و بزرگان ما در آن به لغزش افتاده اند.

نکته سوم این است که اگر از اهمیت و لغزشگاه بودن بگذریم، تطبیق دو مشکل اساسی دارد. اول اینکه: ما زمانی که حدیث را بر مصداق خارجی تطبیق می کنیم همیشه مواجه با احتمال تکرار مصداق هستیم. یعنی در زمان ما اگر می بینیم فلان حدیث نشانه ای را ذکر کرده، سند و دلالت آن مشکل ندارد و همه ویژگی هایی که در حدیث است در این آقا هم وجود دارد، ما احتمال نمی دهیم که صد سال دیگر شخصیتی مثل این آقایی که در زمان ما است بیاید و تمام آنچه که در روایات گفته اند در این شخصیت صد سال آیند هم باشد؟ احتمال نمی رود؟

«علامه حلی» برادری به نام «رضی الدین علی بن یوسف مطهر حلی» دارد و صاحب کتابی به نام "العدد القویه" است در کتابش می نویسد: "بسیاری از نشانه های ظهور مثل خراب شدن دیوار مسجد کوفه، کشته شدن حاکم مصر به دست مردم مصر و ویران شدن شام در زمان ما اتفاق افتاده است". اینها مسائلی است که در زمان ما نیز اتفاق افتاده است. مثلاً زمانی که نیروهای «مقتدا صدر» در مسجد کوفه بودند آمریکایی ها یک راکت زدند و دیوار مسجد کوفه خراب شد. همان زمان عده ای گفتند که یکی از نشانه های ظهور، خراب شدن دیوار مسجد کوفه است و این همان نشانه است. ۷۰۰ سال پیش هم این اتفاق رخ داده بود. همین الان خیلی از مردم می گویند از نشانه های ظهور این است که پادشاه مصر به دست مصریان کشته خواهد شد و منتظرند که "مرسی" یا "مبارک" را بکشند یا اعدام کنند و بگویند این همان نشانه ظهور است. خب ۷۰۰ سال پیش هم این اتفاق رخ داده بود. یا مثل ویران شدن شام، الان می گویند شامات خراب شده و در جنگ و درگیری است و این، مصداق همان فرمایش است. مشکل کار کجاست؟ ما توجه نداریم که این نشانه ها قابلیت تکرار مصداق دارند. یعنی هر کس که می خواهد حدیثی را بر مصداق خارجی تطبیق کند اولین سوالی که مطرح می کنیم این است: شما که می گوئید این همان واقعه است که در روایت آمده آیا احتمال نمی دهید که صد یا ۵۰۰ سال دیگر یک مصداق دیگری بیاید که دقیقاً عین همین باشد و تمام آنچه که در مورد این شخصیت است در مورد آن شخصیت هم صحیح باشد؟ خب این احتمال وجود دارد. اگر این احتمال را منطقی بدانیم حق تطبیق نداریم.

مشکل دوم این است که در نشانه‌هایی که مرتبط به شخصیت‌ها و رخداد‌های اجتماعی است احتمال جعل مصداق وجود دارد و این احتمال وجود دارد که دست‌ها و جریان‌هایی دست به کار شوند و شخصیت تراشی کنند. اگر در روایت آمده است که سفیانی از شام قیام می‌کند، آیا دستگاه استعمار این قدرت را ندارد که از شام یک نفر را به عنوان سفیانی بکارد و قیام کند؟

یا اینکه بعید نیست که اگر در حدیث آمده است که فلان بن فلان در فلان منطقه قیام می‌کند و همزمان با او فلان بن فلان در فلان منطقه دیگر قیام می‌کند، شما استعمار را این قدر زرنگ نمی‌دانید که از یک نسل قبل دست به کار شود و در همان منطقه اول شخصی را با همان نام بفرستد و بگوید اسم پسر را فلانی بگذار تا نام این پدر و پسر طبق روایت باشد. و در یک نقطه دیگر که در حدیث آمده فلان ابن فلان، در آنجا کسی را از نسل قبل دست به کار شود بگوید اسم پسر را فلان بگذار. و در زمانی که شرایط فراهم شد به هر دو بگوید قیام کنید. و دقیقاً هم طبق آنچه که در حدیث آمده، با همان نام‌ها دو قیام در مثلاً شام و یمن اتفاق افتاده بیفتند.

باب این احتمال همیشه باز است. مثلاً داعش می‌گوید من سفیانی هستم. با دو سوال می‌توان ادعای آنها را از بین برد. فرض بگیریم که تمام نشانه‌هایی که در روایات برای سفیانی ذکر کرده‌اند - سفیانی در شام و در ماه رجب قیام می‌کند و همزمان با او یمانی خراسانی قیام می‌کند و سفیانی در شام پنج منطقه را فتح می‌کند - در داعش وجود دارد. ما از کسانی که از داعش فریب می‌خورند سوال می‌کنیم - داعش که خودش می‌داند دروغ می‌گوید - می‌گوییم شما احتمال نمی‌دهید صد سال یا دویست سال دیگر یک جریانی مثل داعش بیاید که تمام ویژگی‌هایی که در روایات برای سفیانی آمده در این جریان دوم دقیقاً وجود داشته باشد؟ آیا این احتمال را نمی‌دهید؟ همچنان که ۷۰۰ سال پیش دیوار مسجد کوفه خراب شد و دوباره همین اتفاق در زمان ما رخ داد. امیر مصر را کشتند دوباره احتمال اتفاق افتادن این حادثه وجود دارد. احتمال همیشه وجود دارد. اگر احتمال همیشه وجود داشته باشد شما از کجا می‌دانید که سفیانی همان داعش است؟

سوال دوم: از کجا که در اینجا خلق شخصیت نباشد؟ دست استعمار از پشت این جریان را مدیریت نکرده باشد؟ و جریانی را با تمام ویژگی‌ها سر کار آورده و مدیریت کرده باشد؟ از استعمار کارهای عجیب و غریب تر از این دیده‌ایم. انسان اگر خاطرات "مستر همفر" و غیره را بخواند متوجه می‌شود که اینها چگونه وارد شده‌اند. شاید کسی تفصیلات را قبول نکند و بگوید که اینها ساختگی است ولی اصل ماجرا واقعیت دارد. من دیده‌ام بعضی‌ها به کتاب "مستر همفر" با دیده تردید نگاه کرده‌اند ولی همین‌ها گفته‌اند اصلی وجود داشته ولی مقداری بال و پر داده و افراط کرده‌اند. ما که استعمار را با این کارهایش می‌شناسیم از کجا

که داعش را اینها درست نکرده باشند؟ اگر این دو سوال در برابر این ادعاها قرار بگیرد به هیچ عنوان این تطبیق‌ها قابل اطمینان نیست.

ابنا: مرجع تطبیق حوادث با روایات ظهور چه کسانی هستند؟ بالاخره مردم جواب می‌خواهند و نمی‌شود سرگردان باشند.

— حجت الاسلام آیتی: یک مسئله این است که تطبیق اساساً امکان دارد یا نه؟ من در این فضا صحبت می‌کردم. مقاله ای با عنوان "معیار تطبیق نشانه های ظهور" نوشته ام و خوانندگان را ارجاع می‌دهم که این مقاله را بخوانند. خلاصه این مقاله این است که تا صیحه آسمانی دمیده نشود هیچ تطبیقی درست نیست. قبل از صیحه آسمانی اساساً سفره تطبیق را باید برچید. حال این مسئله، مسئله دینی است. و امر اگر دینی بود، دین کارشناسی دارد و مردم باید به کارشناسان مراجعه کنند. اگر واقعا ظهور نزدیک است، سفیانی آمده و شش ماه دیگر امام زمان(عج) خواهد آمد، مراجع، عالمان دین شناس و پرهیزگار ما که کم نیستند و رغبت آنها برای دیدن و درک عصر حضور حضرت حجت(عج) از مردم عوام بیشتر است. معنی ندارد که مراجع، بزرگان و فقهای بزرگ ما در این حوزه حرفی نزنند و حرف نزدن آنها به این معنی باشد که این تطبیق بی اساس باشد و عوام الناس به سمت تطبیق گرایي هجوم ببرند. این تناقضی است که بین رفتار مردم وجود دارد که مرجع تشخیص مسائل دینی را خودشان قلمداد کنند و تصور اشتباهی است. ما در این حوزه باید گوش به فرمان مراجع، بزرگان و فقیهان باشیم. اگر نشانه ای اتفاق افتاده باشد و این نشانه، مژده نزدیک شدن ظهور را بدهد بدون تردید عالمان دین در این حوزه موضع گیری می‌کنند و مردم را مطلع می‌کنند.

ابنا: اگر در این مسئله عالمان و کارشناسان دین دو گروه شدند چه؟ عده ای از علما تایید کردند و عده ای تایید نکردند؟

— قضاوت اینکه فلان عالم درست می‌گوید یا نه کار عوام نیست. این کار کسی است که در این حوزه تخصص داشته باشد. باید ادله طرفین را نگاه کند و با نگاه اجتهادی دیدگاه دو طرف را نقد و بررسی کند و تشخیص بدهد که کدام درست می‌گوید و عوام نمی‌توانند در این حوزه تصمیم بگیرند.

ابنا: دیدگاه شما در مورد افرادی که ادعای دیدار با امام زمان(عج) دارند چیست؟ آیا می شود گفته آنها را باور کرد؟

— ارتباط با امام زمان دو حالت دارد: یا اینکه شخص ادعای ملاقات می کند و یا اینکه می گوید من از طرف حضرت حجت(عج) پیام و دستوری آورده ام. ادعای دوم به اتفاق عالمان شیعه ادعای باطلی است و حتی بعضی از علما به کفر چنین شخصی حکم کرده اند. این متفق علیه است که بعد از رحلت "علی بن محمد سمري"، نایب چهارم حضرت حجت(عج)، بین امام زمان(عج) و مردم هیچ سفارت و نیابت خاصه ای وجود ندارد. کسی که ادعا می کند من از طرف حضرت پیامی آورده ام این به اتفاق و اجماع عالمان شیعه دروغگوست؛ هرچند کارهای خارق العاده انجام دهد. خود این ادعا دلیل بر دروغگو بودن اوست چون فرمایش حضرت حجت است که به "علی بن محمد سمري" فرمودند: «بعد از اینکه از دنیا رفتی غیبت کبری شروع می شود و به کسی وصیت نکن.» این یعنی باب سفارت خاص بسته شد و کسی که ادعا می کند من از طرف حضرت پیام و دستورالعملی آورده ام ادعای سفارت و نیابت می کند و حرفش در تعارض با اجماع همه علمای شیعه است.

گاهی اینطور نیست و شخص ادعای ملاقات می کند و نمی گوید از طرف آقا پیام و دستورالعملی آورده ام. در چنین مواردی به تعبیر یکی از بزرگان: «نفس ادعای ملاقات دلیل بر دروغگو بودن مدعی است».

به قول معروف، "آن را که خبر شد خبری باز نیامد"، یا "آن که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند". کسی که جار می زند من آقا را دیدم و آقا به من فلان چیز را فرمود، مثل آن کوزه ای است که داخل آن چند قطره آب بیشتر نیست که صدا می دهد چون اگر داخل کوزه پر از آب باشد هر چه تکان بدهی صدا نمی دهد.

ما ادعا نمی کنیم که باب ملاقات در عصر غیبت بسته شده است؛ گرچه این دیدگاه هم طرفدار دارد. در عصر غیبت امکان تشرف وجود دارد اما کسی که ادعای ملاقات می کند نفس این ادعا دلیل بر است که این شخص اهل این مسیر نیست. کسی که اهل آن است حرف نمی زند ولی کسی که جار می زند معلوم است که یک ریگی در کفش آن است و می خواهد از این ادعاها به نان و نوایی برسد و الا آنهایی که اهل ملاقات باشند لام تا کام حرف نمی زنند و هزاران افرادی بودند که توفیق ملاقات داشتند، سر به تیره تراب گذاشتند و احدی هم از این حادثه مطلع نشد. کسانی که ادعای ملاقات می کنند تردیدی در دروغگو بودن آنها نیست. ابنا: از اینکه این فرصت را در اختیار ما گذاشتید از شما تشکر می کنم.

در انتظار منجی - ۳: پاسخ به چند شبهه روشنفکرانه و مدرن/ نسبت دموکراسی و مردم سالاری با حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

یک دسته از شبهات در این زمینه - که بیشتر بین نخبگان رواج دارد - مسأله نسبت دموکراسی با حکومت مهدوی است؛ مثلاً فرض کنیم مردم کشوری در عصر ظهور بر مبنای دموکراسی و مردم سالاری، به حضرت مهدی (عج) حکومت عدل جهانی ایشان را نپذیرند؟ آیا امام (ع) دیکتاتور مآبانه حکومت خود را بر آنان تحمیل خواهد کرد؟ یا به رأی و آزادی آنان احترام خواهد گذاشت؟

با توجه به القاء این شبهات مسموم، سومین گفتگوی سلسله مطالب در انتظار منجی را در زمینه "رابطه مردم سالاری با حکومت مهدوی" انجام داده ایم.

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بهروزلک» عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) است که مطالعات وسیعی نیز در زمینه مهدویت و فرجام شناسی دارد.



متن کامل مصاحبه با استاد بهروزلک را در زیر بخوانید:

به کوشش: احمد محبوبی

عکس: سجاد ظاهری

ابنا: خبرگزاری ابنا با صاحب نظران و اندیشمندان عرصه مهدویت، در مورد مسائل، موضوعات و شبهات این عرصه مصاحبه و در پایان هفته در این خبرگزاری منتشر می کند. گفتگوی ما با حضرتعالی در مورد مهدویت و دموکراسی است. لطفا در ابتدا تاریخچه ای از شکل گیری دموکراسی در غرب را بیان فرمایید.

— بسم الله الرحمن الرحيم. دموکراسی به معنای حاکمیت مردمی است. یعنی آحاد مردم از طریق انتخابات، اظهار نظرهای آحادی و فردی و رأی اکثریت به اعمال حاکمیت می پردازند. به عبارت دیگر دموکراسی شکلی از حکومت است که مردم در آن حاکم هستند و به نوعی خواسته های مردمی اعمال می شود و تاریخچه طولانی دارد. در یونان باستان هم بحث از دموکراسی بود. "افلاطون" و "ارسطو" به دموکراسی بدبین بودند و افلاطون از حکومت مردم سالاری و دموکراسی "آتن" خاطره خوبی نداشت. حکومت دموکراسی آتن حکومتی بود که "سقراط"، استاد افلاطون و فیلسوف فرزانه یونان باستان را به اعدام محکوم کرده بود. در کل آتن یک انسان فرزانه وجود داشت، مردم تحمل نکردند و او را به اعدام محکوم کردند. و این کینه ای در دل افلاطون ایجاد کرده بود. و ارسطو هم نسبت به دموکراسی بدبین بود. ارسطو به جای دموکراسی از جمهوریت سخن می گوید. جمهوریت شکلی از حکومت است که هرچند مردم حضور دارند اما تشخیص بهتری دارند و منافع جمعی را لحاظ می کنند.

در دوره میانه مسیحی با توجه به حاکمیت الهی کلیسا و نظریه های مسیحی و آئین دو شمشیر توسط "سنت آگوستین" و "آکوئیناس قدیس" هم این دوگانگی و عدم اقبال به مردم سالاری وجود داشت. خب؛ مردم سالاری نخستین نمود از رویکردهای اومانستی در غرب مدرن است که به شکل شایع و فراگیر ابتدا زمینه هایی پیدا کرده و رفته رفته گسترش بیشتری پیدا می کند. قرارداد اجتماعی در غرب توسط کسانی چون "هابز"، "جان لاک" و "روسو" تئوری پردازی شد و آنها به دنبال این بودند که توضیح دهند حاکمیت مردمی چگونه امکان پذیر است و چگونه صورت می پذیرد. در روزگار اخیر دموکراسی عملاً در شکل نظام های نمایندگی و پارلمانی با ظهور احزاب، تشکل های مردمی و «NGO»ها عملاً رواج پیدا کرده و در عصر جهانی شدن موج دموکراسی سازی بسیار گسترش پیدا کرده است.

دموکراسی تلاشی بوده است برای مشارکت دادن مردم از یک سو و از سوی دیگر نفی استبداد؛ استبداد مطلقه که گاه از جانب دولت های باستانی یا دولت های مطلقه اعمال می شد. دموکراسی در صدد است که با این حکمرانی هوس رانانه و بولهوسانه جلوگیری کند. پس این فلسفه پیدایش دموکراسی است که مردم در سرنوشت خود دخالت کنند.

پس تا اینجا دموکراسی مثبت بوده است؛ به معنای اینکه نفی امری کرده که سلبی بوده است. اما سوال اینجاست که آیا دموکراسی بهترین است و یا بهترین نیست؟ و می توان بهتر از دموکراسی هم پیدا کرد؟ در شرایطی که فرض می شود انسان های فرهیخته ای وجود ندارند که بتوانند هدایت و رهبری جامعه را برعهده بگیرند و رضایت و توافق عمومی را ایجاد کنند دموکراسی می تواند بهترین باشد. و از سوی دیگر در شرایطی که مردم دارای افکار مختلف هستند، دیدگاههای متفاوت و منافع مختلفی دارند و منفعت گرا هستند اینجا دموکراسی بهترین است. اگر مردم دو ویژگی داشته باشند یک؛ افکار مختلفی برای اداره جامعه وجود داشته باشند. دو؛ منافع مختلفی داشته باشند، در اینجا چه کسی حاکم باشد؟ یک راه این است که استبداد نفی شود و افراد جامعه از طریق رأی اکثریت، جامعه را اداره کنند. این خوب است. اما اگر اکثر انسان ها آگاهی کافی پیدا کردند که خیر چیست و به این نتیجه رسیدند که یک انسان اعلم، آگاه و انسان حکیمی وجود دارد که می توان دور او جمع شد و این شخص می تواند انسان ها را راهنمایی کند و انسان ها دارای منفعت طلبی و دنیا طلبی نیستند که دنبال ازدیاد نفع باشند، در این شرایط آیا دموکراسی بهترین است؟ یا اینکه می توان سیستمی بهتر از دموکراسی پیدا کرد؟ در این شرایط است که مسئله حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و مردم سالاری در آن مطرح می شود. اگر در چنین شرایطی در جامعه مهدوی صحبت از دموکراسی کنیم آن وقت پاسخ متفاوت پیدا می کنیم. خوب حالا باید دید که خصوصیات جامعه مهدوی چیست؟ و آیا جامعه مهدوی دموکراسی پذیر است یا بهتر از دموکراسی است؟

لذا باید ببینیم که نسبت و یا ارتباط مردم سالاری دینی با حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) چیست؟ خوب این پرسش را اینگونه باید توضیح دهیم که مردم در جامعه مهدوی چه جایگاهی دارند؟ آیا کومت جهانی مهدوی شکلی از حکومتی دموکراتیک را احیاء خواهد کرد یا نه، بهتر از حکومت دموکراتیک خواهد بود که متمایز از دموکراسی های مدرن امروزی است؟ به نظر می رسد که این صورت مسئله است؛ یعنی مسئله این است که آیا می توان حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را یک حکومت مردم سالار و دموکراتیک تصور نمود یا نه؟

ابنا: نقش مردم در حکومت جهانی امام زمان(عج) چه خواهد بود؟ آیا نقش فعال خواهند داشت و یا منفعل؟
و خصوصیات جامعه مهدوی چیست؟

— مقایسه نظریه دموکراسی با مهدویت در دو برهه دوران غیبت و دوران تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) شکل می گیرد. به نظر می رسد که در دوران غیبت ویژگی هایی وجود دارد که متفاوت از دوران حکومت مهدوی است. و احکام این دو را جداگانه بررسی کنیم.

جامعه مهدوی ویژگی هایی دارد. یک؛ گسترش آگاهی های همگانی به گونه ای که علم و آگاهی انسان ها آنچنان گسترش پیدا کرده که می توانند حقایق را همسان درک کنند و تضاد در دیدگاه ها و نگرش ها وجود ندارد. دو؛ آگاهی انسان ها به گونه ای است که می توانند آگاهتر از خود را بپذیرند. یعنی انسان های عصر ظهور کسانی هستند که تسلیم آگاه تر از خود هستند و نخبگان فرهیخته را آگاهانه می پذیرند. سوم؛ جامعه مهدوی جامعه وفور است و جامعه ای است که نعمت های الهی در آن کاملاً آشکار شده است. از سوی دیگر نگرش مردم در تشخیص خیر این است که خیر عمدتاً در فضایل انسانی نهفته است نه در جمع و تصاحب ثروت. این خصلت باعث می شود که انسان ها در جامعه مهدوی دارای تضاد شدید نباشند و حتی به جای تضاد شدید منافع، به دنبال فضایی مثل؛ ایثار، کمک، امداد، مواسات، عدالت و امثال اینها باشند. انسان ها تلاش می کنند به دیگران خدمت کنند و زهد مثبت کاملاً سرشار است. پس دنیا طلبی وجود ندارد و این باعث می شود که تضاد منافع شکل نگیرد که هر گروهی بیاید منافع خود را جستجو کند و اگر کسی دنبال حکومت باشد به قصد خدمت است نه برای کسب قدرت شخصی و گروهی.

اگر این سه ویژگی را در یک جامعه پیاده کنیم آیا نیازی به دموکراسی خواهیم داشت؟ خب؛ دموکراسی در یک جامعه ای جواب می دهد که انسان ها دارای دیدگاه های متفاوتی باشند، فهم شان متضاد باشد، تکثر باشد و از سوی دیگر منفعت، متعدد و متضاد باشد. در چنین جامعه ای دموکراسی بهتر جواب می دهد. اما در جامعه ای که تحت رهبری یک انسان فرهیخته باشد آیا دموکراسی در اینجا جواب خواهد داد؟ به نظر می رسد که ما در اینجا بهتر از دموکراسی را داریم. اصلاً دموکراسی مورد فایده نیست و نمی تواند فایده بخش باشد؛ چون تضاد دیدگاهها نیست و انسان ها حاضر به پذیرش انسان فرهیخته تری هستند که آنها را بتواند رهبری کند و منفعت طلب و سودجو هم نیستند.

به عبارت دیگر؛ قرارداد اجتماعی اساس نظریه دموکراسی مدرن است و "جامعه مشترک المنافع" اساس را بر منفعت افراد، گروهها و مردم می گذارد. در حالی که جامعه مشترک المنافع با نگاه منفعتی در جامعه مهدوی وجود ندارد. در جامعه مهدوی، جامعه و دولت کریمه مطرح است که اوج قصد و تلاش آنها را در دعای

افتتاح می خوانیم که «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام و اهله، و تذل بها النفاق و اهله، و تجعلنا فيها من الدعاء إلى طاعتك». کار اصلی جامعه، کار فرهنگی است. «من الدعاء إلى طاعتك» دعوت به خدا، «و القادة إلى سبيلك، و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الآخرة». اگر کار اصلی جامعه این باشد، دموکراسی یعنی چه؟ تکتیری وجود ندارد. همه به دنبال ایثار و خیرخواهی هستند. اینجاست که نظام امامت بهتر از دموکراسی عمل می کند. در نتیجه در جامعه مهدوی و در عصر ظهور، دموکراسی ارزش اساسی خود را از دست می دهد. یعنی خود انسان ها و فرهختگان مشارکت فعال دارند و مشارکت تحت یک رهبر آسمانی و فرهیخته است. پس حضور مردم تنها به شکل حاکمیت مردم نیست. خب؛ مردم بر اساس چه چیزی حاکمیت می کنند؟ چون انسانها عقل دارند، عقلشان شکوفا می شود و عقلشان بر اساس علم است طبعاً خودشان تسلیم حاکمیتی خواهند بود که انسان فرهیخته ای چون امام معصوم در آن حاکمیت دارد. و همگی با اقتدا به او سعی خواهند کرد که عقل، علم و درایت خودشان را افزایش دهند. و این سخن زیبا که از «امیرالمؤمنین علی(ع)» بخوبی این مطلب را روشن می سازد که فرمود: "ألا و إن لكل مأموم إماما یقتدی به و یستضیء بنور علمه" یعنی "آگاه باشید که هر مأمومی امامی نیاز دارد که به او اقتدا کند و از علم او کسب نور کند". در جامعه مهدوی، امام اکمل از همگان است و انسان ها هر چه بیشتر می خواهند تکامل پیدا کنند در اینجا راه آشکار تر و «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» است. و نیازی نیست که انسان ها عقل های ناقص خود را محور قرار دهند. همگی می فهمند که از امام اکمل و امام هدایت گر باید تبعیت کنند. در نتیجه دموکراسی بی معنی می شود. دموکراسی در جایی بود که اختلاف نظر وجود داشت و مردم می خواستند انتخاب کنند که کدام راه درست است و اعمال حاکمیت کنند. در اینجا مردم آگاهانه و داوطلبانه حضور دارند و تسلیم یک امر بالاتری هستند که آن هم نظام امامت است. مشارکت مردم می تواند از طریق تسلیم آگاهانه همگانی به یک نظام برتر حاصل شود و این را ضرورتی ندارد که نظام دموکراسی معرفی کنیم. بلکه ما این نظام را، نظام هدایت و نظام امامت می نامیم. و لذا امامان کسانی هستند که مردم را به طرف خداوند هدایت می کنند؛ «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» این کار پیامبران بوده و خدا می خواسته این سیستم برقرار شود و لذا در نظام امامت مهدوی انسان ها، مبتنی بر هدایت الهی عمل می کنند و این هدایت الهی اساس جامعه را تشکیل می دهد و ما از آن به "دولت کریمه" تعبیر می کنیم. پس مردم در دولت کریمه مشارکت دارند و فعال و متعهد هم هستند. فعال اند یعنی آگاهی دارند حضور داشته باشند. تعهد دارند یعنی سعی می کنند که با هم کمک کنند که امر الهی در جامعه محقق شود. و خودشان آگاهانه تسلیم یک راهبر هستند و آن راهبر، امام است. پس ما بهتر از دموکراسی در جامعه موعود داریم و هیچ ضرورتی برای تصور نظام دموکراتیک به معنای امروز از جامعه نداریم. بلکه "امت واحده" این معنا را دارد که همه انسان ها آگاهی دارند تحت هدایت الهی که در

امام تجلی پیدا کرده جمع می شوند، اعتصام به "حبل الهی" می کنند. این حبل الهی که هر چه بیشتر تجلی پیدا خواهد کرد، امام است. پس ضرورتی برای طرح ایده دموکراسی نداریم؛ بلکه پرسش این است که حضور و مشارکت مردم در نظام امامت چگونه خواهد بود؟ پاسخ این است که انسان ها به شکل مشارکت حداکثری فعال و متعهدانه عمل خواهند کرد. ما در عرصه سیاست زمانی که از مشارکت سیاسی سخن می گوئیم، می گوئیم مشارکت سیاسی عبارت است از حضور آگاهانه مردم در صحنه. حضور آگاهانه فعال عبارت است از اینکه هر کس حزب خود را تشکیل دهد، باهم رقابت کنند و هر حزبی که جایگاه داشت و رای آورد حاکم شود. در حالی که در نظام امامت ضرورتی برای این کار نیست و مردم بهتر از نظام دموکراسی را خواهند داشت. چون همه انسان ها از عقلانیت کافی برخوردار شده اند به اضافه اینکه خودشان را متعهد می دانند و تعهد به هدایت، تعهد به کسب علم بیشتر و تعهد به فضایل دارند. پس مردم در جامعه مهدوی مشارکت فعال، آگاهانه و متعهدانه خواهند داشت. تعهد آنها به خاطر رسیدن به خداوند است. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». تعهد آن ها طوری خواهد بود که بتوانند به فضائل و وظایف خود تحت اختیار یک هادی عمل کنند. پس خلاصه این است که در نظام مهدوی هیچ ضرورتی برای طرح و پیگیری دموکراسی به معنای حاکمیت مردم از پایین به بالا نخواهد بود بلکه مردم خودشان آگاهانه و داوطلبانه خواهند پذیرفت که جامعه ای اکمل از جامعه دموکراتیک وجود دارد. اما این بحث در مورد عصر غیبت متفاوت است.

ابنا: نظام دموکراسی بر مبنای حق محوری است نه تکلیف محوری؛ اما حکومت عصر ظهور بر مبنای دین است و دین تکلیف گراست. اینکه مردم حق اندیش هستند با حکومت امام زمان(عج) مشکلی نخواهند داشت؟

— در هر نظامی هم حق وجود دارد و هم تکالیف. این طور نیست که فقط حق گرای محض باشیم. حتی در نظام های فردگرایانه لیبرال این گونه نیست که افراد حقوق خود را طلب کنند بلکه تکالیفی را هم می پذیرند. اساس دموکراسی مدرن بر قرارداد اجتماعی است. در قرار داد اجتماعی قراردادی بسته می شود تا نظمی به وجود بیاید. افراد اگر تکالیفی را در این نظم نپذیرند نظمی به وجود نخواهد آمد. پس تکالیفی وجود دارد. به عبارت دیگر؛ افراد در نظریه "هابز" با هم توافق می کنند که از حق قدرت خود دست بکشند، آن را به شخص سومی واگذار کنند و همگی تسلیم او شوند. یعنی تکالیفی را بر خودشان می پذیرند. یعنی آنجا هم تکلیف وجود دارد. حتی در قرارداد اجتماعی که "جان لاک" تصور می کند انسان ها از اعمال انفرادی قدرت خود خودداری می کنند تا بتوانند در یک جامعه مدنی وارد شده و همگی خود را به قوانین و تصمیماتی که

در آن جامعه است ملزم و مکلف بدانند. در چنین جامعه ای اساساً حق و تکلیف وجود دارد و تصور اینکه یک جا حق محض است و در جای دیگر تکلیف محض، واقع بینانه نیست. اما اینکه حقوق انسان ها چه مقدار باشد؟ اراده افراد تا چه میزان اعمال شود؟ اینها در نظام های فردگرایانه بیشتر است. یعنی آزادی فردی را به انسان می دهند اما تکالیفی را هم می پذیرند. برای مثال؛ تصمیم به پرداخت مالیات یک نوع تعهد است و کسی که در جامعه ای زندگی می کند باید هزینه آن جامعه را تأمین کند. پس یک سری تکالیف وجود دارد ولی چون نظام لیبرالی است حداقل تکالیف را می پذیرد. در جامعه مهدویت هم حق وجود دارد و هم تکالیف. یعنی این طور نیست که فقط تکالیف محض باشد. عدالت به معنای رعایت استحقاق ها و حقوق، شاخصه اصلی نظام مهدوی است. عدالت را رعایت می کنیم که چه بشود؟ حقوق انسان ها حفظ شود. در اندیشه اسلامی ما تعهدات و تکالیفی هم وجود دارد چون برخلاف نظریات فردگرایانه لیبرالی که تعهد اجتماعی برجسته است اینجا تکالیف و حقوق نسبت متفاوتی پیدا می کنند. پس حق و تکلیف در جامعه مهدوی وجود دارد. حق است اما تعهد هم وجود دارد. تعهد، تعهد به هدایت است. انسانها خود را مکلف احساس می کنند که به یک جامعه آرمانی برتر برای رسیدن به یکسری اهداف بیانیدهند و در نتیجه تعهد را می پذیرند. این چیزی است که ما در جامعه مهدوی داریم و حق و تکلیف توأمان است. اما چگونگی ترکیب آن به ماهیت نظام مهدوی بستگی دارد.

ابنا: فرض کنیم مردم کشوری در عصر ظهور بر مبنای دموکراسی به حضرت مهدی(عج) بگویند که ما نه با شما هستیم و نه بر علیه شما. تعامل امام با آنها چگونه خواهد بود؟

— چون با نگاه دموکراتیک و حق مردم به مسئله نگاه می کنیم شاید تصور حق مردم این باشد که انسان ها هرگونه تشخص دادند و هرگونه طلب کردند و مصلحت دانستند باید مسائل اینگونه اعمال شود. اما امام زمان(عج) در جامعه می خواهد مأموریت الهی را محقق کند؛ مأموریت الهی آن است که «لیحق الحق و یحققه». در دعای عهد می خوانیم که امام می آید که احقاق حق کند و حق در زمین حاکم شود. «جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» اگر با این نگاه بیانیدشیم امام زمان(عج) مأموریت دارد که جلوه های باطل را از بین ببرد. تصور کنید در عصر ظهور گروهی از مردم با اکثریت یا تمام آراء می خواهند بر شرک باقی بمانند. آیا چنین جامعه ای از نظر خداوند متعال مجاز به بقا هستند یا نه؟ خوب؛ نه. خدا امام فرستاده تا مأموریتی را انجام دهد و آن احقاق حق و حاکمیت الهی روی زمین است. اینجا انسان ها مجاز نیستند که برخلاف اراده الهی عمل کنند و از منظر الهی و تشریحی فرصتی برای این نیست که کافر باقی بمانند. فرض

کنید که گروهی انتخاب کنند که به شکل دموکراتیک ما می خواهیم کافر و بت پرست بمانیم. خب؛ مأموریت امام این است که اینها را از بین ببرد. از لحاظ تاریخی، سیره انبیاء الهی (ع) هم همین بوده است. مثلاً مردم سرزمین «ملکه سبأ» در یک سرزمینی دور افتاده نسبت به مُلک «حضرت سلیمان (ع)» مشغول زندگی خودشان بودند و کاری به سلمیان (ع) نداشتند و او هم از آنها خبر نداشت. هُدُهد به سلیمان خبر آورد: "چه نشستی که یک گروهی در آن طرف عالم، خورشید پرست هستند." غیرت توحیدی سلیمانی نپذیرفت و تحمل نکرد که آنها در یک سرزمین دور بر کفر و شرک خود باقی بمانند. فرض کنید که جامعه سبأ، پادشاهی نبود و شکل حکومت، دموکراتیک بود. سلیمان (ع) با ملکه آنجا مشکل داشت یا با بت پرستی؟ آن حضرت با بت پرستی - چه با دموکراسی ایجاد شود و چه با پادشاهی - مشکل داشت؛ لذا آن را نپذیرفت و تحمل نکرد. پس در جامعه مهدوی هم پذیرش شرک به هر نحوی جایز نخواهد بود. خدا در آیه ۵۵ نور به این اشاره می کند که «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» در جامعه مهدوی همه خدا را عبادت می کنند. عبارت «لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. یعنی هیچ شرکی؛ در حالی که باقی ماندن بر ادیان دیگر میزانی از شرک و ناخالصی را با خود خواهد داشت. مضافاً بر اینکه اگر بزرگترین جامعه جهانی امروز را مسیحیت بدانیم و در آینده این ادامه پیدا کند، بازگشت و اقتدای مسیح به امام مهدی (عج) زمینه ای باقی نمی گذارد که مسیحیت بگویند: ما می خواهیم مسیحی بمانیم. مسیحی ها منتظرند که مسیح بیاید و زمانی که حجت تمام شد و مسیح به حضرت حجت (عج) اقتدا کرد، مسیحی بمانند که چه بشود؟ با استدلال دموکراسی بگوئیم اینها مجازند؟ نه؛ مجاز نیستند. یعنی اینها هیچ حق بقا بر کفر ندارند.

در دیدگاه علما در اینکه اهل کتاب و ادیان دیگر در عصر ظهور باقی می مانند یا نه؟ اختلاف نظر وجود دارد. یک روایت می گوید که اهل کتاب جزیه می پردازند. روایت دیگر می گوید که از آنها جز اسلام پذیرفته نمی شود و امام جزیه هم نمی پذیرد. روایات متفاوت است. اما جامعه توحیدی بر اساس قرآن کریم و بر اساس شواهد و قرائن، در عصر ظهور همه باید توحید را بپذیرند. آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» تکوینی است. یعنی اجبار به پذیرش نمی شود کرد. شما می توانید شخص را وادار کنید پیش شما خم و راست شود و اطاعت خود را نشان دهد اما قلباً نمی شود که او را وادار کرد. پذیرش، امر قلبی است. "علامه طباطبایی" می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ» بیانگر این است که دین را به شکل زور نمی شود در دل انسان ها وارد کرد، انسان ها باید خودشان ایمان بیاورند و ایمان امری پنهانی است که با اطاعت ظاهری می توان فهمید که شخص ایمان آورده است ولی ممکن است شخص نفاق داشته باشد. و لذا مردم در جامعه مهدوی مجاز به کفر، اظهار کفر و حتی شرک نخواهند بود چون «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ»، حق می آید و هیچ شرکی هم باقی نمی ماند. تعدد ادیان نوعی شرک است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، و «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا» خدا

می فرماید که ابراهیم یهودی و نصرانی نبود ابراهیم تسلیم بوده است. اگر تسلیم همگانی صورت بگیرد دین واحدی تشکیل می شود و کل جهان را تشیع، که اسلام حقیقی است می گیرد.

ابنا: اینکه شما فرمودید «جامعه مهدوی جامعه بدون تکثر است» به چه معناست؟ آیا به معنای جامعه بدون طبقه است؟

— تکثر چند نوع است تکثر معرفت شناسانه داریم. یعنی انسان ها معرفت های متعددی از خیر داشته باشند، این عملاً بی معنی است. وقتی که هدایت آمد تکثر دینی وجود خواهد داشت؟ آیا انسان ها دین متکثر خواهند داشت؟ تکثر سیاسی به معنی اینکه انسان ها با دیدگاهها و منافع مختلف با هم رقابت کنند، به نظر می رسد این تکثر سیاسی هم وجود نخواهد داشت. اما غیر از این سه تکثر، تکثر به معنای تفاوت شخصیتی انسان ها چه اشکال دارد باشد؟ البته معنای طبقه در مفهوم مارکسیستی شکل گرفته است. یعنی انسان ها در جامعه رسول اکرم(ص) چگونه بودند؟ آیا افراد ثروتمند یا فقیر نبودند؟ بله بودند. البته در جامعه مهدوی فقیر نخواهیم داشت. ممکن است یکی ثروتمندتر باشد یکی نباشد. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یکی بیشتر تلاش کند و یکی کمتر. ولی در جامعه مهدوی اکثراً خواهند دید که عشق به خدا، زهد مثبت، خدمت به دیگران و ایثار مال ثوابش بیشتر است. ما چون عقلمان نمی رسد فکر می کنیم جمع مال بهتر است ولی کسی که درک می کند ایثار بهتر است، چیزی می کارد که در جهان آخرت درو کند. ما که جاهلیم می ترسیم فردا نداشته باشیم و به دنبال جمع ثروت هستیم. فلذا در روایتی آمده است که؛ یک نفر می رود از امام حاجت می طلبد و امام بدون حساب بخشش می کند آن شخص کیسه خود را پر می کند، اما وقتی می خواهد از نزد امام برگردد پشیمان می شود و می گوید چه کار کنم؟ اگر وضع این طور باشد عملاً ثروت جویی بی ارزش خواهد بود. ممکن است افرادی ثروت داشته باشند و این منافاتی ندارد.

پس تکثر در قشربندی اجتماعی و تکثر در دیدگاههای مختلف، امکان پذیر است. در عصر ظهور با توجه به آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» ممکن است سبقت جویی به شیوه های مختلف باشد؛ ولی منطق ساختار اجتماعی این طور نیست که بر اساس طبقه اجتماعی - طبقه زیر سلطه و طبقه مسلط - که "مارکس" تصور می کرد، باشد. چون همه تحت سلطه الهی و نظام حق است. پس تسلط نظام طبقاتی بی معنی است. لذا مفاهیمی مثل طبقه اینجا بی معنی خواهد بود. ساختار آن جامعه مثل این جامعه نیست. در نتیجه یک جامعه توحیدی داریم. جامعه توحیدی به این معنی که همه یک جور باشند نیست. چون فرد در قاموس دینی برجسته است. به لحاظ نظریه اجتماعی اسلام، افراد مهم هستند. «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى» خدا به قریه ها و اجتماع ها اشاره می

کند ولی در آخر، محاسبه و حسابرسی بر اساس تلاش های فردی و آحاد است. و لذا در جامعه مهدوی ممکن است یکی عالم باشد یکی اعلم. کفه علم خواهد بود اما اعلم تر و تلاش گرتتر مقدم خواهد بود و انسان ها تلاش خواهند کرد و عنایت خدا بر اساس تلاش انسان ها خواهد بود و این منافاتی با تکثر ندارد. همه، کف کمال را خواهند داشت ولی این به این معنا نیست که همه به لحاظ درجات یکی باشند و «السابقون السابقون» خواهیم داشت. اصحاب کهف هم به این جامعه برمی گردند و امام علی و ائمه (ع) هم بر می گردند. آیا درجه و رتبه همه یکی است؟ یقیناً متفاوت است. این نشان می دهد که در آن جامعه توحیدی هدایت محور همه به سمت هدایت الهی خواهند رفت. در قرآن آیه «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» داریم. از طرف دیگر «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا» هم داریم. لذا جامعه متکثر را در جامعه مهدوی می توانیم فرض کنیم.

ابنا: امروزه استکبار جهانی و صهیونیست ها از طریق هنر و فیلم به موضوع مهدویت می پردازند و به گونه ای در اذهان جوانان القا می کنند که به اهداف شیطانی خود برسند. تحلیل شما از این موضوع چیست؟

— این موضوع چند علت می تواند داشته باشد. اول به خاطر تضاد منافع است. امروزه استکبار با استثمار پیوند خورده است. سود و منفعت استکبار با آرمان های مهدوی در تعارض است. فرض کنید یک شرکت چند ملیتی که حقوق انسان ها را رعایت نمی کند وقتی شعار مهدوی عدالت باشد اولین هدفی که اصابت خواهد کرد همین شرکت های چند ملیتی کذایی است. و لذا خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» یک عده از این حق و عدالت اکراه خواهند داشت. دوم اسلام ستیزی و اسلام هراسی است؛ برای اینکه منطق خودشان را قابل دفاع نمی دانند و اسلام قابل دفاع تر است با غیریت سازی و دشمن تراشی می خواهند خود را انسجام دهند و این یک مبنای دیگر برای اسلام ستیزی آنهاست. و گاهی به خاطر جهل اینهاست. به عبارت دیگر مقابله با آرمان مهدوی از سوی غرب به ترکیبی از جهل، ستیز تمدنی، غیریت سازی، منفعت خواهی و استکبار طلبی بر می گردد.

با توجه به آیه « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» یکی از کلمات سواء و مساوی ما با اهل کتاب این است که همگی موعود داریم. هر چند موعود را به نام های مختلف می خوانیم. و این می تواند مبنای واحد و مشترکی میان ما و اهل کتاب باشد. این خاطره برای من نکته برجسته ای دارد که در جلسه ای که ادیان مختلف از زرتشتیان، ارامنه، کلیمیان، سنی و شیعه ایرانی حضور داشتند سخنرانی می کردم، گفتم: «این جهانی شدن، چشم انداز موعود ادیان است. یعنی جهانی شدن چشم اندازی است از اینکه

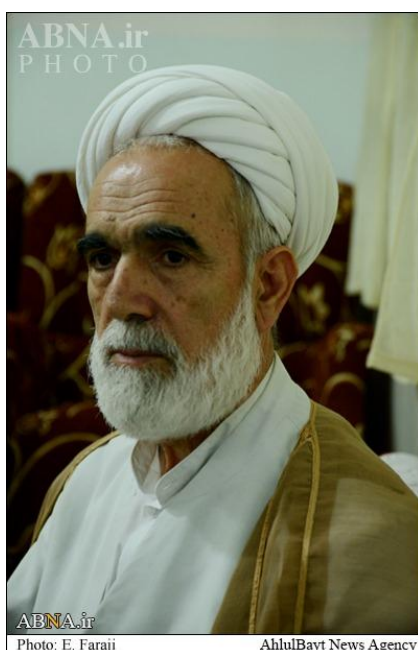
شخصی که وعده داده شده می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند و جهان در حال آماده شدن است.» یکی اشکال دارد و گفت: افراد حاضر در جلسه به موعودهای مختلف اعتقاد دارند. من می خواستم جواب دهم که کسی قبل از من یک جواب عامیانه داد و گفت: «هر کدام از این موعودها زودتر بیاید و ثابت شود که موعود واقعی است قدمش روی چشم ما، و همه از او اطاعت خواهیم کرد.» امروزه هم یکی از چیزهایی که ما را با کلیمی ها، زردشتی ها حتی با هندوها و بودایی ها پیوند می زند، اعتقاد به ظهور موعود است و این می تواند مبنای مشترکی برای ادیان باشد. اما چون گروهی منافع خود را با این امر در تضاد و تقابل می بینند این اجازه را نمی دهند که اخذ به مشترکات شود. ولی یقیناً حضرت خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد و هیچ ظلمی نخواهد بود.

ابنا: از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید تشکر می کنم.

— بنده هم از شما و دوستان خبرگزاری ابنا تقدیر و تشکر می کنم که مروج مکتب اهل بیت (ع) هستید.

در انتظار منجی - ۴: با وجود قرآن و سنت، دیگری چه نیازی به امام هست؟ / امام زمان (عج) اکنون چه مشکلی از بشریت را حل می کند؟

ریشه ای ترین شبهاتی که در این زمینه وجود دارد مرتبط با اصل اندیشه مهدویت است. اینکه اصلاً ضرورت وجود امام در همه اعصار چیست؟ یا اینکه امام غایب چه فایده ای دارد؟ و آیا بود و نبودش تفاوتی می کند؟ میهمان این هفته خوانندگان ابنا که پاسخ این سؤالات ریشه ای را در سومین گفتگوی سلسله مطالب در انتظار منجی می دهد، «حجت الاسلام والمسلمین رضا محمدی» از اساتید حوزه علمیه قم است که مطالعات وسیعی در زمینه مهدویت و فرجام شناسی دارد.



متن کامل مصاحبه با استاد محمدی را در زیر بخوانید:

به کوشش: احمد محبوبی

عکس: اسماعیل فرجی

ابنا: از دیدگاه حضرتعالی با وجود قرآن و سنت چه نیازی به امام داریم؟ به بیان دیگر، ضرورت وجود امام بعد از پیامبر (ص) چیست؟

- حجت الاسلام محمدی: از دو منظر عقل و نقل به این مسئله می توان پاسخ داد. از منظر عقل همه برهان هایی که بر ضرورت و لزوم بعثت دلالت دارند عیناً درباره امام نیز اقامه می شوند. اگر برهان حکمت را بگوییم حکمت خدا منحصر به زمان حضور پیامبر (ص) نیست. اگر برهان لطف را مطرح کنیم لطف خدا

منحصر به زمان وجود پیامبر(ص) نیست بعد از پیامبر(ص) هم وجود دارد. برهان رحمت و تمام برهان هایی که بر ضرورت وجود بعثت و نبوت عقلا مطرح است بدون کم و کاست عینا بر ضرورت وجود امام نیز مطرح است.

از نظر عقلی نظام هستی، نظام اسباب و مسببات است. امام واسطه فیض خداست. فرض کنید؛ پشت سد دریاچه ای از آب وجود دارد آیا می شود انسان دهانش را به دریاچه سد بگذارد و آب را باز کند؟ آب او را پرت می کند. باید واسطه هایی آب دریاچه را تعدیل کند تا فشار را بگیرد. در این وقت انسان می تواند آب بخورد. آب حیات بنوشد تا از بین نرود. امام به منزله واسطه آن فیضی است که از دریای بی کران خدا می گیرد و به بندگان منتقل می کند و اگر نباشد نظام هستی از بین می رود. «لولا الحجۃ لساخت الارض باهلها» یا «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء» در واقع امام واسطه دریافت روزی از خدا و انتقال به خلق است. و زمین و آسمان به وساطت فیض او برپاست. پس ما اول گفتیم که تمام برهان هایی که بر ضرورت وجود نبی دلالت کند عقلا بر ضرورت امام هم دلالت می کند. دوم؛ از لحاظ هستی شناسانه باید واسطه فیضی باشد تا فیض به بندگان برسد.

از منظر سوم که می شود از دیدگاه عقل به مسأله نگاه کرد این است که آیا نیاز به یک فرد معصوم که بندگان خدا را معصومانه هدایت کند به طوری که راه تضمین شده ای برای رسیدن انسان ها به مقصد وجود داشته باشد بعد از پیامبر(ص) وجود دارد؟ بعد از رحلت پیامبر(ص) مردم چه کنند؟ جز وجود امام راه تضمین شده ای وجود نخواهد داشت.

نکته دیگر این است که مردم در فهم قرآن یا فهم سنت نبوی اختلاف کردند. این بدیهی است. اگر کسی بگوید اختلاف وجود نداشت انکار آفتاب در روز است. در مورد قرآن که قرآن چه می گوید؟ بین مردم اختلاف افتاد. مردم در مورد سنت نبوی به چه کسی باید رجوع بکنند تا رفع اختلاف شود؟ ما می گوئیم امام رافع اختلاف بین مردم است.

مطلب بعدی اینکه آیا همه حقایقی که بشر نیاز دارد به تفصیل در قرآن آمده است؟ قطعا نیامده است. در قرآن درباره کامپیوتر حکم پیدا می کنید؟ اصل آن حلال است یا حرام؟ در سنت نبوی هم همین طور. در مدت ۲۳ سال که دوران بعثت پیامبر(ص) بود بیش از ۸۴ جنگ تحمیل شد. ایشان فرصت نکردند خیلی از مسائل را به مردم بگویند. آنچه را هم که گفتند به عده معدودی گفتند. سنت پیامبر(ص) به خیلی ها نرسید و آنها نمی دانند که سنت پیامبر(ص) چیست؟ الان ما سنت واقعی پیامبر(ص) را از که بگیریم؟ سنت پیامبر(ص) الان در دنیا اجرا می شود یا نه؟ مگر نه اینکه فریقین می گفتند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله

و عترتی اهل بیتی»، خب؛ بعد از پیامبر(ص) شما می بینید که عده ای می گفتند «حسبنا کتاب الله». آیا این سنت نبوی است که ما عترت را کنار بگذاریم و بگوییم «حسبنا کتاب الله»؟ حتی اگر حدیث ثقلین را «کتاب الله و سنتی» بخوانیم، کسی که می گوید «حسبنا کتاب الله» یعنی باید سنت پیامبر(ص) را کنار گذاشته و اسم خودمان را سنی بگذاریم؟ به این سنی می شود گفت که سنت پیامبر(ص) را کنار گذاشته است؟ پیامبر(ص) عملاً فرصت پیدا نکرد همه مطالب را بگوید و آنچه گفت به همه نرسید. ما الان سنت پیامبر(ص) را می خواهیم. سراغ چه کسی برویم که سنت پیامبر(ص) را بداند و به آن عمل کنیم؟ در قرآن آمده است: «لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» قرآن را چه کسی تبیین بکند تا ما یقین کنیم که این همان چیزی است که خدا خواسته است؟ جز امام راهی وجود ندارد. امامی که شیعه می گوید این است که مُبَيِّن و مُفَسِّر قرآن باشد. امامی که با عصمت ادامه دهنده، شارح، مُفَسِّر و بیان کننده سنت پیامبر(ص) باشد. جز امامی که شیعه می گوید راه دیگری نداریم.

زمانی که سراغ نقل می رویم آیات و روایات نبوی آنقدر زیاد است که نمی شود انکار کنیم. و اگر انکار کنیم این، انکار بدیهیات است. شما آیه امامت ۱۲۴ بقره را نگاه کنید در این آیه می بینیم که؛ اولاً جامعه نیاز به امام دارد و اگر نیاز نداشت خدا این کار را نمی کرد «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا». جامعه نیاز به امام دارد و این امام باید معصوم باشد و «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». امامت انتخابی نیست. «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ» خدا می فرماید: من هستم که امامت را جعل کردم و مردم دخالتی ندارند. از این آیه می فهمیم که اگر غیر از امام شیعه اعتقاد دیگر داشته باشیم این آیه قابل اجرا نیست. آیه دیگر آیه اولی الامر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». از این آیه بر می آید که در هر زمانی باید اولی الامر باشد و اولی الامر باید معصوم باشد. چون اگر معصوم نباشد بین اطاعت از خدا و اطاعت از اولی الامر تعارض و تناقض به وجود می آید. از این آیه بر می آید که اطاعت از اولی الامر در حد اطاعت از پیامبر(ص) است؛ چون با یک «اطيعوا» آمده است. از این آیه بر می آید که اختلافاتی وجود خواهد داشت و باید در این اختلافات به اولی الامر مراجعه کرد. می رویم سراغ آیه صادقین «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». ای کسانی که ایمان آورده اید تقوا داشته باشید و با صادقین باشید. من می خواهم با صادقین باشم. با چه کسی باشم؟ آیا صادقین وجود دارد یا نه؟ آیا می شود صادقین معصوم نباشند و خدا امر کرده با انسان های منحرف و گنه کار باشیم؟ نه؛ باید صادقین معصوم باشند. اینکه صادقین باید معصوم باشند حرف ما نیست "فخررازی" هم این مطلب را فهمیده است. فخررازی می گوید: «این صادقین باید معصوم باشند». خب؛ این معصوم چه کسانی هستند و باید سراغ چه کسی برویم؟ فخررازی می گوید: «صادقین امت هستند». یعنی با امت باشید. خب؛ معیت و همراهی باید دو سر داشته باشد من باید با شما باشم، نمی شود که من با خودم باشم این معنی

ندارد. ضمن اینکه فخررازی این امت را از کجا آورده است؟ آحاد امت معصوم نیستند امت جمع که می شوند عصمت را از کجا آورده اند؟ یک صفر، صفر است دو صفر، صفر است همه صفرها، صفر هستند. ولی وقتی همه صفرها جمع می شوند عدد می شوند؟ امت را از کجا آورده اید؟

نمی خواهم تمام آیات را بررسی کنم. روایات نبوی هم زیاد است و اهل سنت هم نقل کرده اند. پس وقتی ما سراغ نقل می رویم باز می بینیم که امام باید باشد و باید معصوم باشد.

ابنا: در عصر ظهور امام زمان(عج) چه خلأهایی را برای شیعیان و بشریت پر خواهد کرد؟ به عبارت دیگر بشریت امروز چه مشکلاتی دارد که امام زمان(عج) آنها را حل می کند؟

- حجت الاسلام محمدی: فقط شیعیان بندگان خدا نیستند. همه بشریت بندگان خدا هستند. از هفت میلیارد چه تعداد از انسان ها مسلمان هستند؟ از این مسلمان ها چه تعداد شیعه هستند؟ از این شیعیان چه تعداد واقعا افرادی هستند که آنچه را امام زمان(عج) می فرماید، اجرا می کنند؟ این قدر کم می شود که تخصیص اکثر که نه، چیزی باقی نمی ماند. چرا؟ چون موانع وجود دارد. شیاطین و قدرت های شیطانی هستند که اجازه نمی دهند حقیقت اسلام ناب به همه بشریت برسد. خدا می خواهد همه انسان ها و همه بشریت به مقصد برسند؛ همه اهل عبادت و اهل بهشت شوند. در حالی که شیاطین نمی گذارند. امام زمان(عج) می آید و این موانع را بر می دارد. اکثر انسان ها چون موانع برداشته شده است مثل شیعه خالص پاک، همه آنچه که خدا می خواهد، انجام می دهند. الان نمی توانیم بگوییم درصد، نمی توانیم بگوییم در هزار، می گوئیم یک در میلیون بندگان خدا خوبند. چون از این هفت میلیارد این کسانی که الان کاملا مورد قبول هستند خیلی کم می شوند. با تسامح می گوئیم یک در میلیون. در زمان ظهور نه، آن زمان می گوئیم نود و نه درصد. همه راهها باز می شود و همه می توانند پیش خدای متعال در آن مسیر حرکت کنند. چون موانع برطرف می شود.

مطلب دوم اینکه؛ از خود قرآن و روایات این مطلب روشن می شود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» از این آیه بهتر پیداست که امام زمان(عج) می خواهد چه بکند. یک؛ امام زمان(عج) وقتی که آمد حاکمان، کارگزاران و همه انسان ها مومن و صالح می شوند. الان درست برعکس است. در دنیا می بینید که حاکمان و کارگزاران چه کسانی هستند؟ در عصر ظهور همه حاکمان خوب می شوند. حاکم بد نخواهیم داشت. وقتی که حاکم خوب شود مردم بهره می برند و مشکلی نخواهند داشت. مطلب دوم اینکه؛ دین اسلام، دینی که خدا می پسندند و مرضی خداست تمکن پیدا

می کند. الان این طور نیست. اسلامی که ما از آن به عنوان اسلام ناب یاد می کنیم تمکنی در دنیا ندارد. در یک گوشه دنیا و در ایران این دین قدرت پیدا کرده و موانع هم زیاد است و هر روز بیشتر می شود. با تحریم ها، فشارها و سایر موانع نمی گذارند نفس بکشیم. در بقیه کشورها که اسلام، اسلام ناب نیست. در عصر ظهور، اسلام ناب حاکم می شود. «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» و «رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» حاکم خواهد شد. سه؛ بر عالم امنیت حاکم می شود. الان از هر حیث عالم نا امن است؛ از حیث اعتقادی اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی نا امن است و شما هر جا می بینید نا امنی است. امنیت بر تمام عالم حاکم می شود. در حکومت امام زمان(عج) یک زن از شرق عالم یا شرق حجاز یا از شرق عراق با تمام زیورآلات خود مسافرت می کند بدون اینکه هیچ گونه خطری وی را تهدید کند. یعنی امنیت محض و کامل خواهد بود. مطلب بعدی اینکه «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» شرک و بت پرستی جمع می شود.

به هر حال از قرآن می شود فهمید که در آن دوره چه اتفاقاتی خواهد افتاد. جمع بندی این مطلب اینکه؛ آنچه که خداوند انسان را برای آن خلق کرده است در آخرالزمان محقق خواهد شد. رفاه و آسایش، به کمال رسیدن اکثریت به اتفاق انسان ها، بهشت شدن تمام زندگی دنیوی انسان ها چه برسد به آخرتشان که آن هم جای خود دارد و اینکه این ظلم و جور و بی عدالتی که جهان را پر کرده است از بین رفته و عدالت عام و کلی خداوند بر تمام عالم حاکم شده و علم در اوج خود در جهان حاکم می شود. تا آن زمان بشر ۲ حرف از ۲۷ حرف علم را به دست می آورد ولی در آن دوره امام ۲۵ حرف دیگر را در اختیار بشر خواهد داد. رشد عقلانیت بشر به طوری که خیلی از جرائم خود به خود حذف خواهد شد و چیزهایی از این قبیل.

من توصیه می کنم دوستان کتاب «خورشید مغرب» آقای حکیمی یا کتاب «در فجر ساحل» را بخوانند. اینها کتاب هایی است که کمک می کند عزیزان با جامعه عصر ظهور بهتر آشنا می شوند.

ابنا: معنای اینکه امام زمان(عج) خورشید پشت ابر است؟

- حجت الاسلام محمدی: این حدیث معانی متعددی دارد، یکی از معانی این است که امام زمان(عج) مثل خورشید است و زمانی از مغرب طلوع خواهد کرد و جهان را خراسان خواهد کرد. امام زمان(عج) از مغرب جهان اسلام و ایران طلوع خواهد کرد. این یک بحث است. اما خورشید چه آثار و خواصی دارد؟ اگر خورشید نبود در عالم حیات نبود، نور نبود، حرارت و هدایت نبود. اما اگر خورشید پشت ابر باشد حیات، نور و هدایت وجود دارد؛ هرچند اشعه طلایی رنگ نیست. اگر خورشید ۲۴ ساعت نباشد همه چیز در زمین منجمد می شود و هیچ چیز باقی نمی ماند. اگر خورشید ۶ ماه پشت ابر باشد - در بعضی از کشورها ممکن است

آفتاب یک ماه یا دو ماه اصلاً طلوع نکند - حرارت و حیات وجود دارد. اما اگر خورشید نباشد ظرف ۲۴ ساعت همه نابود می‌شوند. پس امام زمان(عج) حضور دارند و آن آثار، برکات و ثمرات برای بشریت مثل خورشید می‌تابد. بله؛ بشریت از بخشی از وجود امام محروم است. این را نمی‌شود انکار کرد. و علت محرومیت هم خود انسان‌ها هستند. مرحوم "خواجه طوسی" در کتاب "تجرید" عبارت زیبایی دارند. چون اهل سنت اشکال می‌کنند که «آنچه که شما قبول دارید متصرف نیست پس لطفی وجود ندارد.» ایشان می‌فرماید: «وجوده لطف و تصرفه آخر» وجود امام زمان(عج) یک لطف است و تصرف ایشان که حاکم و ظاهر باشد و مردم ببینند لطف دیگر است. «و عدمه منا» خود ما هستیم که باعث محرومیت از حضور امام زمان(عج) شده ایم. پس قبول داریم که مردم، از بخشی از اثرات وجود امام محروم اند ولی بخش عمده آن وجود دارد. نکته بعدی اینکه؛ اگر امام نبود زمین اهلش را تحمل نمی‌کرد. چون فلسفه ای برای وجود انسان‌ها باقی نمی‌ماند. اگر انسان کامل که واسطه فیض باشد حضور نداشته باشد، دیگر فلسفه ای برای عالم باقی نمی‌ماند. و عالمی معقول نیست. اما اگر امام پشت پرده باشد این مسئله حل می‌شود.

نکته سوم اینکه؛ در قرآن به این مطلب اشاره شده است که جنس هدایت امام با جنس هدایت نبی فرق دارد. هدایت پیامبر(ص) ارائه طریق و آدرس دادن است. برای آدرس دادن باید حتماً شخص حضور داشته باشد. آدرس را در قلب افراد نمی‌شود القاء کرد. باید شما باشید و از شما بپرسم که آدرس "چهل اختران" در شهر قم کجاست، و شما پاسخ دهید. اما در هدایتی که اسم آن "ایصال الی المطلوب" است، حضور فیزیکی هادی لازم نیست. جنس هدایت امام که در قرآن در چند جا مثل آیه ۲۴ سوره سجده و آیه ۷۳ سوره انبیاء بیان شده، ایصال الی المطلوب است و بود و نبود امام فرق نمی‌کند. به جنس هدایت امام «هدایت به امر» گفته می‌شود. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» در این جنس هدایت، بود و نبود امام تأثیر ندارد. امام یک حوزه هدایتی وسیعی در همه عالم ایجاد می‌کند و هر دل شایسته و به در بخوری را جذب می‌کند. الان شما در هر جای دنیا قطب نما داشته باشید عقربه های این قطب نما به طرف شمال یا جنوب قرار می‌گیرند. چون در دو قطب زمین، حوزه های مغناطیستی خیلی قوی وجود دارند که در همه عالم پخش هستند و هر آهن ربایی را هر جا که باشد، جذب می‌کنند. در نتیجه آن عقربه ها جهت قطب نما را نشان می‌دهند. این باعث می‌شود که در هر جای دنیا آهن ربایی باشد جذب به آن قطب ها شود. شبیه این در حوزه هدایتی امام زمان(عج) وجود دارد. امام یک حوزه هدایتی وسیع در کل عالم ایجاد می‌کند که در هر جای دنیا هر انسان شایسته، هر جن شایسته و هر موجودی که مختار باشد و قلب شایسته ای داشته

باشد جذب به حوزه هدایتی امام شده و از این طریق به خدا متصل می شوند. این نقش امام که هدایت به امر باشد در دوران غیبت هم وجود دارد و غیبت هیچ تاثیری در این خاصیت ندارد.

امام زمان(عج) ناظر بر جوامع بشری است. چه کسی گفته است که ارتباط جامعه با امام(عج) قطع است؟ علاوه بر نواب عام، هم افرادی هم تحت نظر او هستند و از طریق آنها همان کارها را انجام می دهد. امام زمان(عج) در جاهایی که باید وارد بشود وارد می شوند. اگر بخواهد همه امت اسلامی منحرف شوند امام وارد می شود. اعتقاد شیعه این است که امام در حلقه اجماع وجود دارد. حتما دخالت دارد و کاری می کند که امت منحرف نشوند. امام حضور دارد و آنچه که لازم است به مردم برساند، می رساند حتی فقه و اینها را. امام زمان(عج) به مرحوم "شیخ مفید" می فرماید: «تو وظیفه ات این است که فتوا بدهی و من وظیفه ام این است که بر تو نظارت کنم و اگر اشتباه کنی جلوت را بگیرم.» اینکه امام حضور ندارد، نخیر؛ حضور دارد. هر جا که لازم باشد حتی در زمینه احکام و فقه هم مردم و علما را هدایت می کنند و همه فقهای عظیم الشان ما نمایان امام زمان(عج) هستند و ارتباط وجود دارد.

ابنا: مگر امام زمان(عج) در آخرین توقیع خود به "علی بن محمد سمري"، نیاورده است که بعد از این کسی در ارتباط نخواهم بود؟

- حجت الاسلام محمدی: متن توقیع این است «الا و من ادعی المشاهده فهو مفتر کذاب» در اینجا معنی مشاهده چیست؟ مشاهده چند معنی دارد. آیا کسی که در خواب امام زمان(عج) را مشاهده کرده است باید بگوییم شما مفتری و کذاب هستید؟ یا شخصی در بیداری امام زمان(عج) را مشاهده کرده، چیزی هم نگفته و ادعایی هم نداشته است، بعد از مرگ متوجه شده اند که این شخص با امام زمان(عج) در ارتباط بوده است. چه کسی گفته که این شخص مفتری کذاب است؟ یکی از شاگردانش فهمیده که ایشان خدمت امام زمان(عج) رسیده است. خودش نگفته بلکه بعد از مرگش مشخص شده است. افرادی مثل مرحوم "مقدس اردبیلی" و دیگر آقایان خدمت امام رسیده اند و هیچ اشکالی ندارد.

مشاهده ای که در این توقیع نفی شده، مشاهده ای است که نشان دهنده جایگاه "علی بن محمد سمري" باشد. کسی بگوید: «من امام زمان(عج) را مشاهده می کنم و امام زمان(عج) گفت که فلان پیام را به مردم بده!» یعنی بخواهد همان نقشی که نواب خاص داشته اند را ایفا کند. این شخص تکذیب شده و مفتری کذاب است. این جنس از مشاهده که شخص خود را جای نایب خاص امام زمان(عج) معرفی کند چه در خواب

باشد یا در بیداری، چه شفاهی چه کتبی، هر چه باشد ما آن را تکذیب می کنیم. تا موقع ظهور خود امام زمان(عج) این راه بسته مانده است. یعنی زمانی که دوران غیبت صغری تمام شد و دوران غیبت کبرا شروع شد این جنس از مشاهده منتفی شد. نه اینکه کل مشاهده منتفی شده باشد. این کتاب هایی که در زمینه مشاهده امام زمان(عج) نوشته شده است اگر شما جمع کنید پنج یا شش جلد قطور می شود. انسان هایی از مراجع، علمای بزرگ، زهاد و عباد که همه عمرشان یک دروغ نگفته و انسان های وارسته شریف بودند امام زمان(عج) را ملاقات کرده اند. نه این نوع مشاهده مشکلی ندارد. مشاهده ای که حکایت از نیابت خاصه دارد تکذیب شده است. اگر چنین مشاهده در روایا، بیداری، کتبی یا شفاهی باشد هر چه باشد ما تکذیب می کنیم و شخص را مفتری می دانیم.

ابنا: دخالت امام زمان(عج) در چه مسائلی است؟ آیا ایشان در مباحث فقهی مثل احتیاط ها نیز دخالت می کنند؟

حجت الاسلام محمدی: جایی که امت بخواهد منحرف شود امام زمان(عج) دخالت می کند. اگر شخص به یکی از دو احتیاط عمل کند، صحیح است. حکم خدا باشد یا حکم خدا نباشد اینها مصاب هستند. اگر مرجع اشتباه کرده باشد به ثواب می رسد، هم مأجور است و هم معذور. همچنین مقلد هم مأجور است و هم معذور. امام زمان(عج) در جایی که امت منحرف می شود دخالت می کند و از انحراف جلوگیری می کند.

ابنا: سوال بعدی این است که انتظار فرج به چه معانی است؟

- حجت الاسلام محمدی: به مفهوم انتظار فرج به دو شکل می شود نگاه کرد. یک نگاه منفی که غربی ها این نگاه را دارند. یعنی باید دست بگذاریم و هیچ کار و اقدامی نکنیم که مثلا امام زمان(عج) خودش می آید و این کارها را انجام می دهد. و نتیجه این نگاه بی حالی، بی کاری، بی عملی، ظلم پذیری و عقب ماندگی است. و هیچ کس نمی تواند این معنی را قبول کند. دومین معنا؛ معنای مثبت از انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی حرکت، قیام، انقلاب، زمینه فراهم کردن و جا پا درست کردن برای حضور آن منجی. ببینیم آن منجی چه کار می خواهد انجام دهد ما در همان راستا حرکت بکنیم. اگر او بناست جهان را پر از عدل و داد کند باید جا پا داشته باشد. وقتی می آید اقلا تیم مختصری داشته باشد. اگر همه فاسد و ظالم باشند امام زمان(عج) با چه کسی بیاید و با چه کسی قیام خود را شروع کند؟ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» اگر

همه صالح نباشند و مومن صالح العمل نداشته باشیم چگونه امام زمان(عج) می تواند جهان را پر از عدل و داد بکند؟ بنابراین باید این نگاه را مثبت تلقی کرد. در این نگاه مثبت، انتظار فرج یعنی اینکه هر کس امام زمان(عج) را در همان حدی که باور دارد و در همان مقامی که هست در جهتی حرکت کند که فرج اقتضا دارد. ببینیم اهداف امام زمان(عج) چیست؟ و برای چه چیز می خواهد ظهور کند؟ همان ها را در حد و توان خودمان اجرا و پیاده بکنیم و دنبالش باشیم. این اگر باشد آن وقت معنایش این است که ما منتظر هستیم.

هر کس در جای خودش؛ یک عالم باید در حدی تخصص پیدا کند و عالم شود که اگر امام زمان(عج) فردا آمد و فرمود که در تانزانیا به روستایی برو و رسالت علمی انجام بده. این عالم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ ایثار باید آمادگی داشته باشد. و هم اینکه توان علمی او به حدی باشد که بتواند اهداف امام زمان(عج) را اجرا کند. یک نظامی باید در حدی از تخصص، اخلاق، آمادگی، ایثار و فداکاری باشد که فردا امام زمان(عج) به او گفت: «در فلان گوشه دنیا در فلان جزیره، تعدادی آدم خوار مشکلی برای مردم آنجا ایجاد کرده و عدالت را به خطر انداخته اند، شما باید بروی آنجا، یک تیم برداری، آنجا را سازماندهی کنی و این مأموریت نظامی را انجام دهی.» این نظامی هم باید تخصص و هم آمادگی لازم را داشته باشد. این می شود انتظار. پیشینیان ما هم یک چنین مفهومی را از انتظار می فهمیدند. اینکه اسب را زین می کردند، اسلحه را آماده می کردند و گاهی سوار می شدند، اینها فیلم نبود. واقعا معتقد بودند زمانی که امام زمان(عج) می آید عدالت را تحقق می بخشد. برای تحقق عدالت انسان باید زحمت بکشد. امام صادق(ع) فرمودند: «این امر محقق نمی شود مگر با عبور از دریاهاى خون و عرق». انسان باید آماده خون دادن و عرق ریختن باشد. امام اگر فردا آمد به لحاظ روحی هم باید آمادگی داشته باشیم. اگر امام زمان(عج) به من گفت: «شما تا حالا که در رسانه ها صحبت کردی و چنین و چنان کردی، خدا قوت؛ امروز مأموری که به فلان جزیره دور افتاده بروی و آنجا وظیفه ات را انجام دهی.» من نباید بگویم که نه؛ من پیر شده ام، با این شأن و مقامم بیایم با این روستایی صحبت کنم؟! من باید آمادگی روحی و تخصص لازم داشته باشم. اگر این طور شد من منتظر هستم. اگر نه؛ بند شغل، بند پست، بند مقام، بند شأن، بند عنوان، ما را به زمین بسته اند. این بندها مانع انجام مأموریتی است که امام زمان(عج) به من محول کرده است. من منتظر امام نیستم. حالا صبح تا شب داد بزنم «یا ابن الحسن»، فایده ندارد. در عمل باید تحقق پیدا کند. این می شود انتظار مثبت که همه منتظر می شوند و همه باید در جهت انتظار قدم بردارند.

ابنا: گروههایی در خاورمیانه از مباحث آخر الزمان مثل پرچم های سیاه، داعش و سفیانی سوء استفاده می کنند. و خود را گروه سفیانی یا دجال می نامند. تحلیل حضرت عالی از این موضوع چیست؟

- حجت الاسلام محمدی: اولاً این مطلب باید روشن شود که مراد از آن روایات چیست؟ روایات دجال و سفیانی در جهت منفی، و روایاتی که راجع به سید حسنی، سید حسینی، سید خراسانی، سید یمانی یا سید هاشمی - هر پنج تا در روایات آمده است - از جهت مثبت. آیا دو دسته روایات در صدد بیان جریان، مکتب و اندیشه هستند؟ یا نه؛ در جهت بیان یک شخص خاص و «قضیه فی واقعه» است؟ دو نظر مطرح است: یکی اینکه دجال شخصی است، در آخر الزمان ظهور می کند، یک چشم در پیشانی دارد و الاغش فلان خصوصیات را دارد. این یک فرد است. سفیانی هم همین طور، فردی است که صفات او در روایات مشخص شده است، قیام خواهد کرد و سایر مسائل. اگر این باشد ۱۵ روز بعد از آمدن سفیانی، امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد. یا دجال بعد از ظهور امام زمان (عج) می آید. نه قبل از ظهور امام زمان. سید خراسانی از خراسان می آید و به امام زمان (عج) می پیوندد. اگر به این معنا باشد اصلاً مسئله از ریشه متفی است.

ما نظر دوم را قبول داریم. امام صادق (ع) فرمودند: «زمانی پیامبر (ص) بود و ابوسفیان بود. زمانی امیرالمومنین (ع) بود و معاویه. زمانی امام حسین (ع) بود و یزید.» این یک جریان است و این جریان تا قیامت ادامه دارد در آخر الزمان هم امام زمان (عج) حسین (ع) می شود و سفیانی یا دجال، یزید و یزیدیان خواهند شد. اگر به معنای جریان باشد - که نظر ما همین است - آن وقت دجال و سفیانی فرد نیست و جریان است. دجال یعنی مکتب تحریف گری، مکتب دروغ زنی، مکتب منحرف کردن و گمراه کردن مردم. اگر این باشد صهیونیزم، دجال می شود. تمام روایاتی که در مورد دجال داریم به تمام معنا بر داعش منطبق است. اگر سفیانیت پاره کردن کردن شکم بندگان خدا و شهادت و جگرشان را درآوردن و به دندان گرفتن است، هند جگرخوار این کار را کرد و داعش هم، همین کار را می کند. روش، مکتب، حرف و اخلاق همان است. بر این اساس ما یقین داریم که داعش سفیانی است و گروههای تکفیری با این کارهایی که انجام می دهند با آنچه که در کربلا می شد و آنچه که در جنگ احد انجام شد، هیچ فرقی ندارند. و اگر سفیانیت را یک جریان بگیریم اینها قطعا و بدون تردید از مصادیق سفیانیت است. از طرف دیگر؛ اگر ما سید حسنی، سید حسینی، سید یمانی و سید خراسانی را رهبر گروه حق و شیعه بدانیم، "امام خمینی (ره)" هم حسنی، هم حسینی، هم خراسانی، هم یمانی و هم هاشمی بود. در حالی که امام (ره) موسوی بود، نه حسنی، نه حسینی، نه خراسانی و نه یمانی. ولی به نظر ما هر پنج تا بود. چون مراد از یمانی این نیست که در یمن زندگی کند. روایت که می گوید: «یک در بهشت از قم باز می شود» معنایش این نیست که آن زمان قم دروازه ای داشته و ما از این

دروازه وارد بهشت می شویم. نه؛ منظور مکتب قم است. مکتب قم راهی به سوی بهشت است. سید حسنی یعنی رهبر شیعه، امام(ره) چون رهبر شیعه بود، سید حسنی بود. و در عین حال سید حسینی هم بود. رهبر معظم انقلاب با اینکه اهل خراسان نیست اهل خامنه است، دست و پا می زند که بگویند پدرش چون به مشهد آمده، اهل خراسان است. مشهد چه ربطی به خراسان دارد؟ مشهد دهها سال، صدها سال بعد از صدور این روایات به وجود آمده است. در عصر صدور این روایات مشهدی وجود نداشته است. خراسان در آن زمان نصف ایران را شامل می شد. نفهمیدند که سید خراسانی یعنی رهبر شیعه، به این اعتبار مقام معظم رهبری سید حسنی است. در عین حال سید یمانی هم هست. این آقایان کلی تلاش کردند که بگویند "سید حسن نصرالله"، سید یمانی است؛ چون جد هفتم وی مدتی در یمن زندگی می کرد. ایشان به اعتبار اینکه رهبری گروهی از شیعیان را بر عهده دارد هم یمانی است و هم خراسانی. با اینکه اصلاً به یمن نرفته است؛ نه به خراسان ربط دارد و نه به یمن. رهبر معظم انقلاب ما در آن واحد هم حسینی، هم حسنی هم خراسانی، هم یمانی و هم هاشمی است. به این معنی ما این را، جریان می دانیم. وقتی که جریان شد اینها از مصادیق آن است. آیا رهبر معظم انقلاب همان کسی است که در روایات داریم که در آخرالزمان نیرویی را حرکت می دهد و به امام زمان(عج) می پیوندند؟ می تواند باشد. انشاءالله که همین باشد و ما دعا می کنیم همین باشد. و شاید مصادیق دیگری باشد. ولی همین جریان است با این مشخصه ها که عرض کردم. آن وقت مقابل این جریان صهیونیزم، آمریکا، گروههای تکفیری - این نوچه های آمریکا - است. گروههای تکفیری بیشتر از نیروهای نظامی خود آمریکا، به آمریکا کمک کرده اند. اینها سفیانی و دجال می شوند، به همان معنایی که در روایات آمده است.

ابنا: مشکلی که وجود دارد این است که تطبیق علائم ظهور بر مصادیق، مردم را سرخورده می کند.

- حجت الاسلام محمدی: عرض کردم الان امامی که از دنیا رفته است را سید حسنی می دانیم. رهبر معظم انقلاب را نیز سید حسنی می دانیم. این جریان ادامه دارد. یک دجال و سفیانی هم در زمان امام زمان(عج) ظهور خواهد کرد. آیا سفیانی همین داعش است؟ یا نه، این داعش از بین خواهد رفت و سفیانی های دیگری خواهد آمد؟ ما نمی دانیم. اما این جریان ادامه دارد. چون در روایات آمده است که تا زمان ظهور امام زمان(عج) بیش از ۷۰ دجال ظهور می کنند. اینها همه دجال هستند یکی از این دجال ها، در آخرالزمان و در زمان ظهور امام زمان(عج) خواهد آمد. اگر ما جریان و مکتب گرفتیم همه مشکلات برطرف می شود.

ابنا: از طرف دشمنان و از طرف بعضی از شیعیان به نوعی شاهد مهدی هراسی هستیم. بعضی ها امام زمان(ع) را شخصیتی معرفی می کنند که همیشه در حال جنگ خواهد بود و بعد از کشتارهای وسیع به حکومت جهانی خود خواهد رسید. تحلیل حضرتعالی در مورد این دیدگاه چیست؟

- حجت الاسلام محمدی: هدف دشمنان این است که به اسلام ناب ضربه بزنند این مشخص است. به نظرم این امر بدیهی است که کسی که جهان را پر از عدل و داد کند «یَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» خودش ظلم کند؟ آدم بی گناه را بکشد؟ بزرگتر از کشتن انسان بی گناه ظلمی سراغ دارید که تحقق پیدا کند؟ آیا ظهور امام زمان(عج) باعث می شود که لطمه ای به انسان بی گناه وارد شود؟ نه کشتن انسان بی گناه، یک خسارت کوچک وارد شود؟ این ظلم است و خلاف هدف اصلی است. پس امام زمان(عج) به هیچ بی گناهی کوچک ترین ظلم نمی کند. او می آید تا جهان را شاد و آباد کند نه اینکه ویران کند. این یک بحثی است که امام زمان(عج) با چه سلاحی می آید؟ ما ضمن اینکه معتقدیم که امام زمان(عج) با پیشرفته ترین سلاح های روز می آید؛ اما سلاح، سلاح کشتار جمعی نیست. اگر امام زمان(عج) از سلاح کشتار جمعی استفاده کند آن وقت کسی باقی نمی ماند. الان آمریکا آن قدر بمب اتم دارد که دهها بار زمین را با خاک، یکسان و نابود کند. اگر امام زمان(عج) با سلاحی بیاید که صدها بار این کار را کند، خوب؛ کسی باقی نمی ماند که بخواهد آنها را هدایت کند. امام چه کسی می خواهد باشد؟ امام، بدها را هم نمی کشد بلکه آمده تا آنها را زنده کند. اگر آمده زنده کند، با شمشیر از بین ببرد؟ بر چه کسی می خواهد امامت کند؟ عدل را بر چه کسی می خواهد تحقق ببخشد؟ اهداف امام را باید تحلیل کنیم. امام برای آبادانی، شادی، عدالت و از بین بردن ظلم و جنایت و رعب می آید. در آیه ای که قرائت کردم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» این آیه می رساند که امام زمان(عج) می خواهد چه کار بکند. می خواهد امنیت و عدالت برقرار کند. نه اینکه ظلم کند و خوف ایجاد کند. پس این ترس جایی ندارد.

ابنا: از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشتید تشکر می کنم.

در انتظار منجی - ۵ : چه رابطه ای بین امام حسین (ع) با امام زمان (عج) وجود دارد؟

با توجه به نزدیکی ایام اربعین حسینی که سوگوری برای سرور و یالار شهیدان اوج می گیرد، گفتگوی این هفته را به "ارتباط بین امام حسین (ع) و امام مهدی (ع)" و "رابطه قیام عاشورا با نهضت مهدوی" اختصاص داده ایم.

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام والمسلمین فؤادیان» پژوهشگر سرشناس حوزه مهدویت و فرجام شناسی است.



وی ارتباط بین قیام عاشورا و نهضت امام زمان (عج) را بسیار وثیق دانست و گفت: در آیات، روایات، ادعیه، زیارات و تشرفات ارتباط تنگاتنگی بین امام مهدی (عج) و امام حسین (ع) وجود دارد. روایاتی وجود دارد که امام حسین (ع) درباره امام مهدی (عج) بیان کرده است و احادیثی که امام مهدی (عج) برای امام حسین (ع) بیان فرموده است.

فؤادیان تاکید کرد: در مورد رابطه بین امام زمان (عج) و امام حسین (ع) فقط ما سخن نگفته ایم، بلکه دشمنان ما هم در این مورد فعالیت و اظهار نظر کرده اند. مثلاً چهارصد نفر از دانشمندان صهیونیست در "تل آویو" جمع شدند تا ببیند هویت شیعه و انقلاب اسلامی چیست. مجموعه مقالات و سخنرانی های این همایش به عنوان "انقلاب تشیع و مقاومت" چاپ شده است. آنها می گویند: «شیعیان با یاد امام حسین قیام می کنند و با نام امام مهدی قیامشان را حفظ می کنند.» یعنی مهمترین دشمنان ما معتقدند: «هویت شیعه امام حسین (ع) است و آرمانشان امام مهدی (عج) است و باصطلاح دو نگاه سرخ و نگاه سبز دارند».

وی با بیان اینکه عاشورا در ظهور ریشه دارد و ریشه ظهور نیز عاشورای امام حسین (ع) است ادامه داد: قیام امام حسین (ع) آرمان، هدف و غایت داشت؛ لذا منتظران امام مهدی (عج) باید عاشورایی باشند؛ و حسینیه ها

مهدیه باشد و مهدیه ها حسینیه. ما که به عشق امام حسین(ع) به سر و سینه می زنیم باید با دست دیگر تمنای فرج داشته باشیم. با یک چشم در رثای سیدالشهداء(ع) گریه می کنیم و با چشم دیگر ندبه خوان امام زمان(عج) هستیم.

این پژوهشگر مباحث مهدویت با اشاره به اینکه امام زمان(عج) خوانخواه امام حسین(ع) است خاطر نشان کرد: امام مهدی(عج) منتقم همه خونهایی است که به ناحق ریخته شده و منتقم تمام ظلم های است که در عالم صورت گرفته است؛ حتی ظلم قابیل به هابیل. وقتی که حق نمایان شود و امام مهدی(عج) سراسر هستی را به قرب خدا بکشاند در این صورت پاسخ دندان شکنی به تمام ظلم های انباشته در طول تاریخ داده است. اهل باطل دست به دست هم داده اند تا حق نمایان نشود؛ ولی امام مهدی(عج) حق و حقیقت را به تمام هستی ارزانی خواهد داشت.

وی در مورد "رجعت شهدای کربلا" هم اظهار داشت: در کتاب "الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة" اثر «شیخ حر عاملی» عبارات فراوانی درباره رجعت امام حسین(ع) وجود دارد که بیان می کند آن حضرت در عصر ظهور برخواهد گشت. مثلاً امام صادق(ع) می فرماید: «رجعت عمومی نیست؛ بلکه دو گروه — سران خیر و سران شر — برخواهند گشت». یعنی امام حسین(ع) و یارانش بر می گردند و یزید، شمر و عمر بن سعد نیز بر می گردند. ظالمان و مؤمنان برجسته طول تاریخ رجعت می کنند. در ادعیه و زیارت هایی که در مورد امام حسین(ع) است نیز می خوانیم: «بایابکم موقن» یعنی ما به بازگشت شما ایمان داریم. در زیارت نامه قمر بنی هاشم و شهدای کربلا هم آمده است که «برجعتکم مقر» یعنی به بازگشت شما اقرار داریم.

متن کامل مصاحبه با استاد فؤادیان را در زیر بخوانید:

به کوشش: احمد محبوبی

ابنا: آیا می توان بین مباحث عاشورا و مباحث مهدویت ارتباطی برقرار کرد؟

— بسم الله الرحمن الرحيم. در آیات، روایات، ادعیه، زیارات و تشرفات ارتباط تنگاتنگی بین امام مهدی(عج) و امام حسین(ع) وجود دارد. در قرآن آیه ای داریم که امام حسین(ع) به امام مهدی(عج) تاویل کرده است. در مورد آیه «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا» امام حسین(ع) می فرماید: «شمس» وجود نازنین پیامبر(ص) است. «والقمر

إذا تلاها» بعد از خورشید، قمر است که حضرت علی(ع) است. و مقصود از نهار در «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» روز ظهور امام مهدی(عج) است و زمانی که امام زمان(عج) ظهور می کند جهان را از تیرگی و تاریکی ها نجات می دهد.

پس آیاتی در قرآن وجود دارد که امام حسین(ع) تأویل به امام مهدی(عج) دارد. از طرف دیگر آیاتی داریم که امام مهدی(عج) آنها را درباره امام حسین(ع) تفسیر کرده است. از حضرت حجت(عج) درباره آیه اول سوره مریم «کهیحص» سوال کردند ایشان این آیه را در رابطه با امام حسین(ع) تعبیر کردند که به قضیه کربلا اشاره دارد.

از طرف دیگر آیات دیگری داریم که ائمه(ع) فرموده اند که منظور از این آیات، امام حسین(ع) و امام مهدی(عج) است. مثل این آیه ای که در سوره اسراء آمده که «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» امام زمان(عج) می فرماید «مظلوم» امام حسین(ع) است که به شهادت رسیده است. «فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا» و خداوند نمی گذارد خون ایشان هدر رود و منتقمی خواهد آمد. «مظلوم» در آیه امام حسین(ع) و «منصور» امام مهدی(عج) است.

روایاتی داریم که امام حسین(ع) درباره امام مهدی(عج) بیان کرده است و احادیثی که امام مهدی(عج) برای امام حسین(ع) بیان فرموده است. پس در احادیث هم دلدادگی عجیبی بین این دو امام می بینیم. ۳۰۰ روایت داریم که امام مهدی(عج) از نسل، ذریه و صلب و تبار سید الشهداء است.

در ادعیه و زیارات هر دعایی که برای امامی وجود دارد ذکر امامی دیگر شکوفا می شود. برای نمونه روز سوم شعبان روز تولد امام حسین(ع) است، صحبت از امام مهدی(ع) می شود. و در مفاتیح است که زمانی که به همدیگر تبریک می گوئیم، امام زمان(عج) را یاد کنیم. اعمال شب نیمه شعبان از اعمال شب های قدر هم بیشتر است. ولی با فضیلت ترین این اعمال، زیارت سیدالشهداء(ع) است. در زیارت عاشورا دو جا از امام مهدی(عج) یاد شده است. یاد هر امامی در هر زیارتی می آید یاد امام دیگر شکوفا می شود. پس معلوم می شود ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در عبارات دعای ندبه «این الحسن و این الحسین»، «این الطالب بدم المقتول بکربلا» صحبت از امام حسین(ع) است. در تشرفات هم زیاد داریم که عنایت امام مهدی(عج) به مجالس سید الشهداء(ع) وجود دارد. علامه امینی در کتاب الغدير جلد هفت صفحه ۱۴ می گوید: «مشهور میان ما شیعیان این است که در هر مجلس و محفلی قصیده "ابن عرندس" خوانده شود امام مهدی(عج) به آن مجلس توجه دارد.» قصیده ابن عرندس قصیده ای است که در رثای ابا عبدالله(ع) است و نمونه هایی از تشرفات در این باره نقل شده است.

در مورد رابطه بین امام زمان(عج) و امام حسین(ع) فقط ما سخن نگفته ایم، بلکه دشمنان ما هم در این مورد اظهار نظر کرده اند. چهارصد نفر از دانشمندان صهیونیست در "تل آویو" جمع شدند تا بپند هويت شیعه و انقلاب اسلامی چیست. و مجموعه مقالات آنها به عنوان "انقلاب تشیع و مقاومت" چاپ شده است. آنها می گویند: «شیعیان با یاد امام حسین(ع) قیام می کنند و با یاد امام زمان(عج) قیام شان را حفظ می کنند.» یعنی مهمترین دشمنان ما معتقدند: «هویت شیعه امام حسین(ع) است و آرمانشان امام مهدی(عج) است و دو نگاه سرخ و نگاه سبز دارند.» امام خمینی(ره) فرموده اند: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.» مردم را یاد عاشورا به خیابان ها کشاند و پیروز شدند و دیگر نمی شود آنها را شکست داد. به خاطر اینکه انقلاب اسلامی مقیاس کوچکی از جامعه جهانی امام زمان(عج) است و ما باید پرچم را به دست صاحب اصلی انقلاب بسپاریم و ما زمینه ساز حکومتی دیگر هستیم. این شیعه در هر کجای جهان باشد - مثل "سید حسن نصرالله" و "آیت الله سیستانی" - با ظلم نمی سازد. هر شیعه ای که در هر جای جهان باشد با یاد امام حسین(ع) زیر بار ظلم نمی رود. شیعه قیام می کند و از طرف دیگر مانند برخی از انقلاب ها خود فروخته نشده و به انحراف کشیده نمی شود. چون یک آرمان بزرگی برای شیعه وجود دارد و آن ظهور حضرت بقیه الله(عج) است این حرف دشمنان ماست. «چه خوش آید که سر دلبران، گفته آید در حدیث دیگران» دشمنان ما اقرار و اعتراف به پیوند قضیه عاشورا و انتظار دارند.

ابنا: آیا در مورد بحث مهدویت و عاشورا کتاب یا کتاب هایی نوشته شده است؟

— در این زمینه حدود سی کتاب نوشته شده است. مثل کتاب "از فرات تا فرات" از طرف جمعی از نویسندگان، چون امام حسین(ع) از مکه خروج کرد تا به سمت کوفه برود ولی در کربلا ماند. امام مهدی(عج) از مکه قیام می کند و سفر نیمه تمام سیدالشهداء(ع) را تمام می کند و پایتخت حکومت جهانی امام عصر(عج) مسجد کوفه خواهد بود. همچنین آثاری مانند "تأملی نو در نینوا و انتظار"، "از ظهر تا ظهور"، "از حسین تا مهدی" و کتاب هایی که در رابطه با شرح زیارت "ناحیه مقدسه" نوشته شده است. این کتاب ها را مرکز تخصصی مهدویت در حوزه علمیه قم چاپ کرده است.

ابنا: محققانی که در این زمینه کار کرده اند چه کسانی هستند؟

— «آیت الله کریمی جهرمی»^(ع) اولین کسی است که در این موضوع کتاب مستقل و مفصلی تألیف کرد و در آن به بررسی مقایسه ای و تطبیقی بین حضرت مهدی(ع) و امام حسین(ع) پرداخت. البته قبل از ایشان «آیت الله صابری همدانی» کتابی به نام «المهدی علی لسان الحسین» تألیف کرده اند که احادیثی که امام حسین(ع) در مورد امام مهدی(عج) گفته بودند را جمع آوری نموده است.

الحمدلله اکنون آثار خوبی در این رابطه شکل گرفته است. در این موضوع همایشی نیز به نام «راه سرخ و راه سبز» برگزار شد و مجموعه مقالات خوبی به دبیرخانه این همایش واصل شد. در کل کارهای فاخر و خوبی در این رابطه زیاد است.

ابنا: آیا از امام حسین(ع) روایت یا روایاتی در مورد بشارت به ظهور امام مهدی(عج) در جوامع روایی ما وجود دارد یا نه؟

— از امام حسین(ع) نه تنها در مورد بشارت به ظهور بلکه روایاتی در مورد علائم ظهور هم آمده است. امام حسین(ع) می فرماید: «منا اثنی عشر مهديا» دوازده مهدی داریم «أولهم علي بن أبي طالب، و آخرهم التاسع من ولدِي و هو القائم بالحق» نهمین نفر از فرزندان من می آید او امام قائم بر حق است، «یحیی الله تعالی به الأرض بعد موتها، و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لو کره المشرکون» این بشارتی از امام حسین(ع) در مورد امام زمان(عج)، که در «کمال الدین»^(ص) شیخ صدوق^(ع) جلد یک که روایات را بر اساس معصومین آورده، نقل شده است. یا در حدیثی دیگر امام حسین(ع) می فرماید: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی ینخرج رجلا من ولدِي فیملأ الله الارض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما، کذلک سمعت رسول الله» امام حسین(ع) می فرماید: من از زبان جدم پیامبر(ص) شنیدم که اگر از دنیا یک روز باقی نماند، فردی از صُلب تو می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند. این روایت از امام حسین(ع) اشاره به ظهور امام مهدی(عج) دارد. روایتی داریم که امام حسین(عج) در شب عاشورا در جمع یاران خود می فرماید: «من از پیامبر(ص) شنیدم که تو در سرزمین طف کشته می شوی. خوشا به حال کسانی که تو را یاری می کنند اینها افرادی هستند که بعد از زمان ظهور، رجعت می کنند و فرزند تو را هم یاری می کنند.»

در شب بسیار سرنوشت ساز عاشورا امام حسین(ع) به ظهور امام مهدی(عج) بشارت می دهد. یعنی کاری که امام حسین(ع) انجام داده است ادامه پیدا می کند و دستاورد کار امام حسین(ع) در عصر ظهور آشکار می

شود. در روایات آمده است که شعار یاران امام مهدی(عج) "یا ثارارت الحسین(ع)" است. خطی که سید الشهداء(ع) در عالم ترسیم کرده است تا روز ظهور ادامه پیدا می کند. به عبارت دیگر پشتوانه مباحث فرهنگی همین مباحثی است که برای عاشورا مطرح می کنیم. عاشورا در ظهور ریشه دارد و ریشه ظهور، عاشورای امام حسین(ع) است. و عاشورای امام حسین(ع) آرمان، هدف و غایت دارد و آن ظهور امام مهدی(ع) است. منتظران امام مهدی(عج) عاشورایی هستند. حسینی‌ها باید مهدیه باشد و مهدیه‌ها باید حسینی‌ها باشند. ما که به عشق امام حسین(ع) به سر و سینه می زنیم باید با دست دیگر تمنای فرج داشته باشیم. با یک چشم در رثای سیدالشهداء(ع) گریه می کنیم و با چشم دیگر ندبه خوان امام زمان(عج) هستیم.

ابنا: در روایات آمده است که امام زمان(عج) خوانخواه خون امام حسین(ع) است. انتقام گرفتن امام زمان(عج) چگونه خواهد بود؟

— یعنی امام مهدی(عج) منتقم همه خونهایی است که به ناحق ریخته شده و منتقم تمام ظلم‌های است که در عالم صورت گرفته شده است؛ حتی اگر ظلمی توسط قایبل به هابیل شده باشد. امام مهدی(عج) پاسخ دهنده تمام ظلم‌هایی است که به بشریت شده است. یعنی وقتی که حق نمایان شود و امام مهدی(عج) سراسر هستی را به قرب خدا بکشاند در این صورت پاسخ دندان شکنی به تمام ظلم‌های انباشته در طول تاریخ داده است. اهل باطل دست به دست هم داده اند تا حق نمایان نشود ولی امام مهدی(عج) حق و حقیقت را به تمام هستی ارزانی خواهد داشت.

ابنا: آیا خونخواهی امام زمان(عج) به معنی زنده کردن مردگان اهل باطل و انتقام گرفتن از آنهاست؟

— ما بحثی به نام رجعت داریم. رجعت هم در قرآن هم در روایات و هم در ادعیه آمده است. در قرآن نمونه‌هایی داریم که مرده بودند و زنده شدند. مثل "عزیر پیامبر"، که صد سال مرد سپس زنده شد.

در ادعیه و زیارت‌هایی که در مورد امام حسین(ع) است می‌گوییم: «بایابکم موقن» ما به بازگشت شما ایمان داریم. در زیارت نامه قمر بنی هاشم شهدا و شهدای کربلا داریم که «برجعتکم مقرر» به بازگشت شما اقرار داریم. در کتاب "الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة" شیخ حر عاملی، عبارات فراوانی درباره رجعت امام حسین(ع) که آن حضرت در عصر ظهور برخواهد گشت. امام صادق(ع) می‌فرماید: «رجعت عمومی نیست بلکه دو گروه؛ سران خیر و سران کفر برخواهند گشت»، یزید، شمر، عمر بن سعد و غیره بر می‌گردند

در مقابل امام حسین(ع) و یارانش هم بر می گردند. درباره دعای عهد روایتی از امام صادق(ع) وجود دارد که هر کس چهل صباح این دعا را بخواند در عصر ظهور رجعت خواهد کرد. ظالمان و مومنان برجسته طول تاریخ رجعت می کنند. کسانی که به اهل بیت(ع) و حضرت زهرا(س) ظلم کرده اند باز خواهند گشت. ما در زیارت جامعه کبیره می خوانیم ما به بازگشت همه شما یقین داریم. اهل بیت(ع) که بر می گردند دشمنان و مخالفین و اینها بر می گردند سران کفر هم بر می گردند. اما روایتی که در بحارالانوار و کمال الدین آمده که امام زمان(عج) خلفا را از قبر در می آورد و آتش می زند در سند این روایت "مفضل بن عمر" وجود دارد که از غالیان است و به لحاظ سند این روایت ضعیف است.

حال امام مهدی(عج) بر می گردد آیا لازمه اش این است که حتما یکی یکی ظالمان مثل نمرودها و فرعون ها را از قبرها بیرون بکشد؟ "هروی" به امام رضا(ع) عرض می کند: «از امام صادق(ع) روایتی وجود دارد که هرگاه قائم قیام کند بازماندگان قاتلان سیدالشهداء(ع) را به کیفر پدرانشان می کشد. در حالی که در قرآن می خوانیم: «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى». به عبارت دیگر؛ هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد.» کسی در قم خطایی کرده در شیراز گردن یک نفر دیگر را نمی زنند! یک عده امام حسین(ع) را مظلومانه به شهادت رساندند در عصر ظهور که فاصله زمانی زیاد است امام مهدی(عج) فرزندان آنها را بکشد؟ این طبیعی نیست. چرا گناه پدران را گردن آنها می اندازید؟ امام رضا(ع) فرمود: «آنچه که بیان کردی از قرآن و روایات اجداد ما کاملاً صحیح است. ولی در عصر ظهور افرادی وجود دارند که راضی به فعل آباء و اجدادشان هستند و امام زمان(عج) با آنها نبرد خواهد کرد.» امروزه گروه داعش مصداق این حدیث است. داعشی ها در سوریه می گویند: «غایت آرزوی ما این است که مجسمه معاویه را در میدان سوریه درست کنیم در حالی که سر بریده اباعبدالله(ع) در دست اوست و از سر اباعبدالله(ع) خون می چکد.» الان هم افرادی هستند که راضی به فعل یزید هستند. آیا داعشی ها راضی به فعل آباء و اجداد خودشان یعنی بنی امیه نیستند؟ اگر هستند امام زمان(عج) در عصر ظهور با آنها برخورد می کند. در نتیجه؛ این دو معنی را می توانیم برای این روایات بیان کنیم که؛ دشمنان اهل بیت(ع) رجعت می کنند، رجعت حق است و ما از اصل خود دست نمی کشیم. و با توجه به روایت امام رضا(ع) که در علل الشرایع و عیون اخبار الرضا آمده است، افرادی که به افعال یزید و شمر راضی بودند امام با آنها برخورد خواهد کرد.

ابنا: در جهانی که اکثریت آن در راه حق نیستند، چه لزومی دارد ما بگوییم که عده ای رجعت می کنند و امام زمان(عج) با آنها جنگ خواهد کرد! آیا نبرد با اهل باطل که در سراسر گیتی هستند از اولویت های امام زمان(عج) نیست؟

— درگیری را برای امام مهدی(عج) قائل نیستیم، امروزه جنگ نرم، فضای سایبری و پدافند غیر عامل مطرح است. مگر چقدر مسلمان داریم که با این مسلمانان امام زمان(عج) با جهان کفر مبارزه کند. مد نظر ما باید باشد که جنگ در حکومت مهدی(عج) به صورت بسیار کم و اقل است. امام مهدی(عج) امام شرق و غرب عالم است و امام جغرافیای خاص نیست. وقتی حضرت عیسی پشت سر امام مهدی(عج) نماز بخواند و به مسیحیان عالم بگوید: «شما که منتظر آمدن من بودید امام من، این آقا است» همه به این سمت خواهند آمد. در غیبت نعمانی روایت داریم که «عبدُ الشمس و القمر» یعنی خورشید پرست ها و ماه پرست ها از یاران امام مهدی(عج) خواهند شد. یعنی تشنگان عدالت به طرف حضرت حجت(عج) خواهند آمد. به عبارت دیگر؛ ظلم و ستم آنقدر بر بشریت فشار می آورد که وقتی حضرت ندای عدالت سر می دهد مردم جهان چون تشنه عدالت هستند فارغ از مذهب، ملیت و دینشان به سوی امام مهدی(عج) می آیند. پس امام مهدی(عج) برای شیعه و برای اسلام نمی آید برای همه بشریت و همه هستی می آید و او امام همه موجودات است. هدف خلفت چیست؟ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» امام زمان(عج) هدف خلقت را محقق می کند. نباید بگوییم که امام زمان(عج) با افرادی که اقلیتی باشند و خط فکری خاص داشته باشند مبارزه می کنند. حضرت برای همه هستی و برای همه مخلوقات می آید.

وقتی روایات را می خوانید متوجه می شوید که تمام روایات عصر ظهور در خاورمیانه مطرح می شود. به خاطر اینکه این منطقه حساسیت دارد و از لحاظ ژئوپولوتیک مهم است. ما معتقدیم امام مهدی(ع) می آید و با همه انسان ها کار دارد. امام مهدی(عج) نمی آید که به اختلافات شیعه و سنی دامن بزند. او می آید که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». امام صادق(ع) می فرماید در سه جای قرآن این آیه آمده است و او می آید که دین اسلام بر جهان و بر همه ادیان غلبه کند.

ابنا: وظیفه محبین و شیعیان اهل بیت در ماه محرم و نسبت به امام زمان(عج) چیست؟

— «مرحوم موسوی اصفهانی» در کتاب "مکیال المکارم" ۸۰ وظیفه برای منتظران امام زمان(عج) بیان کرده است. ما وظایف فراوانی نسبت به امام زمان(عج) داریم اما در ماه محرم و عاشورا اینکه، ما عاشورا را مقید و محدود به دهه شصت و یک هجری نکنیم و باید ادامه دهیم. عزاداری های ما جریان آینده ساز باشد. این

حسینیه ها است که منتظران را پرورش می دهند. این بحث ظهور در عاشورا ریشه دوانده است. من که مسئول هیئت هستم، عزاداری می کنم و خیمه ابا عبدالله (ع) برپا می کنم اکتفا نکنم به قضیه عاشورا و بگویم که امام حسینی بود و دشمن آن شمر و یزید بودند و این قضیه را به یک تاریخ خاص محدود نکنم. امام حسین (ع) دشمن داشت و با ظلم نساخت. امروزه عصاره و خلاصه تمام جریان های حق امام مهدی (عج) است. باید دشمن را بشناسیم و بصیرت داشته باشیم. من باید در هیئت خود بگویم که صهیونیست ها بزرگترین دشمنان امام مهدی (عج) هستند. دشمن زمان را باید شناخت. انسان اگر عاشورا را مقید و محدود نکند نمی تواند یک منتظر واقعی باشد. امام حسین (ع) می خواهد که ما درس عاشورا را برای امروز و فردای خود فرا بگیریم تا با ظلم نسامیم، دشمنانمان را بشناسیم و امامان را بشناسیم. اگر جایگاه حجت خدا را نشناسیم مثل این است که شمری که امام را می شناخت می آید و روی سینه حضرت قرار می گیرد. باید از این مجالس و از این فرصت ها تمام افراد خصوصا مسئولین هیئت ها برای معرفی امام زمان (عج) بهره برداری کنند و دشمن اصلی اهل بیت (ع) که امروزه صهیونیت ها هستند را بشناسند.

ابنا: به چه دلیل در زیارت عاشورا نام امام زمان (عج) در دو جا یاد شده است؟

— زیارت عاشورا حدیث قدسی است. در روز عید غدیر زمانی که پیامبر (ص)، امام علی (ع) را معرفی می کند ۱۹ فراز آن، درباره مهدی (عج) است. اینها حلقه های متصل به هم هستند. شیعه امام دارد. آرمان و اهداف سید الشهداء (ع) که در زیارت عاشورا منعکس شده با بحث ظهور پیوند خورده است. ما اهداف امام حسین (ع) را آنقدر ادامه دار می بینیم که می گوئیم «ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور». یعنی خطاب به امام حسین (ع) عرض می کنیم: کسی با اهداف شما می آید و انتقام خون به ناحق ریخته شما را می گیرد، پاسخگوی دعوت شماست و ما دوست داریم تا در این صحنه باشیم. امام مهدی (عج) خطاب به امام حسین (ع) می فرماید: «لَئِنْ أَخَّرْتَنِیَ الْاَلْهُوْرَ وَ عَاقَنیَ عَنِ نَصْرِکَ الْمَقْدُوْرَ لَأَبْکِیْنَنَّ صَبَاحًا وَ مَسَاءً» ای جد غریبم؛ اگر زمانه مرا به تأخیر انداخت و در رکاب شما نبودم، هر صبح و شام در رثای شما خون گریه می کنم. پس ما باید این فرهنگ را از امام زمان (عج) یاد بگیریم. صبح و شام امام زمان (عج)، امام حسین (ع) است. ما اگر محرم و صفر به یاد امام حسین (ع) می افتیم امام مهدی (عج) کسی است که صبح و غروب تمام طول سال ایشان، امام حسین (ع) است.

ابنا: اینکه گفته می شود امام مهدی(عج) زمانی که ظهور می کند پنج ندا می دهد «الا یا اهل العالم انا الامام الغائب، الا یا اهل العالم انا الصمصام المتتم...» آیا این روایت صحیح است؟

— این روایت در کتاب "الزام الناصب" مرحوم "شیخ علی یزدی حائری" آمده است. ایشان از معاصران است و الزام الناصب متعلق به دویست سال پیش است. این روایت در متون اولیه و پنج قرن نخست یعنی تا زمان کتاب های شیخ مفید و غیره موجود نیست.

شیخ علی یزدی حائری می گوید: زمانی که امام مهدی(عج) ظهور می کند بین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد و می فرماید: «الا یا اهل العالم انا الامام الغائب، الا یا اهل العالم انا الصمصام المتتم، الا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً، الا یا اهل العالم ان جدی الحسین طرحوه عریاناً، الا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحقوه عدواناً».

روایات دیگر اولین سخنرانی امام زمان(عج) در کنار کعبه را آورده اند و این فرازاها در این روایات نیست. روایات معروف و معتبری داریم که امام زمان(عج) زمانی که ظهور می کند، می فرماید: «هر کس می خواهد در آدم نگاه کند من فرزند آدم هستم، هر کس می خواهد در نوح نگاه کند، من فرزند نوح هستم. من بقیه الله فی ارضه هستم.» روایاتی که در متون قدیمی وجود دارد معتبرتر است.

ابنا: آخرین سوال در مورد رجعت امام حسین(ع) است در این باره توضیح دهید.

— در روایات آمده است که اولین امامی که رجعت خواهد کرد امام حسین(ع) است و زمانی که امام زمان(عج) شهید شد مراسم غسل، کفن و دفن امام مهدی(عج) توسط ایشان انجام می گیرد. امام حسین(ع) و ائمه(ع) رجعت کرده و راه قیام و انقلاب امام مهدی(عج) را ادامه می دهند و همان دستاوردها تا زمان قیامت وجود دارد. خداوند هدف و غرضی در خلقت دارد که در عصر ظهور محقق می شود. مقدمه نباید از ذی المقدمه طولانی باشد. از اول عالم تا امروز بشر چنین هدفی را ندیده است. حالا که به چنین هدفی رسیده، قیامت بر پا شود؟! لذا زمانی که امام مهدی(عج) ظهور کند بعد از ایشان، ائمه معصومین(ع) ادامه دهند همان حکومت هستند. و ما معتقدیم از زمان ظهور تا قیامت فاصله بسیار طولانی خواهد شد. چون تازه عمر زمین شروع شده، حیات واقعی با ظهور مهدی(عج) محقق شده است و بشر تازه طعم زندگی را می چشد. به همین خاطر فاصله قیامت تا ظهور طولانی خواهد بود. در روایات آمده است که امام حسین(ع) ۳۰۰ سال حکومت می

کند. این حکومت ادامه پیدا می کند، همه هستی بهره مند می شوند تا به قرب خدا برسند. و زمانی که خدا اراده کند قیامت برپا خواهد شد. و عالم به مرحله بعد می رود.

ابنا: تشکر می کنم به خاطر این فرصتی که در اختیار ما گذاشتید.

در انتظار منجی - ۶: بلوغ اجتماعی از اساسی‌ترین بایسته‌ها و کاستی‌های عصر غیبت است / شیعیان هم مهدویت را نمی‌شناسند!

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین فرامرز سهرابی» عضو هیأت علمی مؤسسه آینده روشن و کارشناس عرصه مباحث مهدویت است.



متن کامل مصاحبه با استاد سهرابی را در زیر بخوانید:

ابنا: اهمیت موضوع مهدویت چیست؟

— بحث مهدویت بحثی به روز است و به طور ویژه به دوران غیبت اختصاص دارد و مباحث مهدویت از همان زمان شکل‌گیری جامعه اسلامی و بعثت، از زبان پیامبر(ص) مورد توجه بوده است و پیامبر(ص) پیوسته می‌فرموده «افضل اعمال امتی انتظار الفرج» و مردم را به فرج امت توجه می‌دادند. گرچه فرج به معنای عام و خاص داریم ولی وقتی معنای عام آمد قطعاً معنای خاص را هم در پی دارد که مورد اکمل فرج، همان فرج امام زمان(عج) است. پیامبر(ص) به بهانه‌های مختلف مردم را به مسأله مهدویت توجه می‌دادند. مسأله مهدویت با نگاه دینی خصوصاً در عصر غیبت اختصاص به جهان اسلام و شیعیان دارد.

جهان خسته و ملول برای نجات خود از این همه فشارها، سختی‌ها و دردها که در طول تاریخ به او تحمیل شده گریزی ندارد جز اینکه به بحث مهدویت معطوف شده و به راه نجات برگردد. و لذا حضرت امیر(ع) می‌فرماید «لتعطفن علينا الدنيا» روزی اهل دنیا و جهان بعد از چموشی‌های مختلفی که داشته، به ما بازگشت

خواهد کرد و به ما روی خواهد آورد؛ و آن بازگشت پس از عبور از گردنه های سخت، و خوردن سر بشریت به سخره ها و سنگ های متعدد اتفاق خواهد یافت؛ که تنها راه نجات مسیر اهل بیت (ع) و چنگ زدن به فرهنگ ولایت و مهدویت است.

ابنا: شرایط ظهور امام زمان (عج) چیست؟ و اینکه گفته می شود بشر باید آماده ظهور امام زمان (عج) باشد، به چه معناست؟

— بشر به خاطر نابالغی خود در مسیر پر سنگلاخ پر از جهل و انانیت و تفکر امانیستی و خود محوری همیشه ضربه خورده است و باید از این مسیر انانیت و جهالت عبور کرده و به بلوغی در سطح اجتماعی برسد. یعنی جوامع بشری باید از این خامی و نابالغی گذر کرده، به سلامتی عبور کنند و در مسیر بلوغ قرار بگیرند که ما از آن به "بلوغ اجتماعی" تعبیر می کنیم اگر بشر به بلوغ اجتماعی دست یابد مشکل جدی نرم افزاری مسئله که بحران عصر غیبت است، حل خواهد شد. به نظر حقیر، نرم افزار بحران عصر غیبت فقدان بلوغ اجتماعی است. بشر باید به مقام خواستن برسد. مقام خواستن، توانستن را به دنبال می آورد. لذا در روایتی از امام باقر (ص) در مورد توقیت آمده است: «إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ» همانا مردم به خاطر شتاب و عجله شان در امر ظهور خودشان را به هلاکت می رسانند و خداوند هم حکیم است تابع عجله و شتاب مردم نیست. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةً يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا» مردم به خاطر شتاب و عجله، خودشان را به هلاکت می رسانند، می خواهند زود به آستانه ظهور دست پیدا کنند در حالی که خدا تابع عجله مردم نیست. خداوند حکیم است و حکومت معصوم و ظهور حضرت (عج) فرایندی دارد، فرایند باید تحقق پیدا کند و غایت شکل بگیرد. اگر مردم به آن غایت رسیدند تحقق امر ظهور، لحظه ای پس و پیش نمی افتد و ما از این به "بلوغ اجتماعی" یاد می کنیم یعنی خود مردم باید به این حد برسند و اگر خود مردم به این غایت یعنی نقطه بلوغ و نقطه عطف تاریخی رسیدند تحقق امر ظهور پس و پیش نمی افتد.

بلوغ اجتماعی به مثابه شرط بسیار مهمی است حداقل اش این است که یکی از شرط های اساسی، بلوغ اجتماعی است و این هم ناظر به حوزه خواست و اراده انسان هاست. بشر در طول تاریخ چموشی های زیادی داشته است. تجربه می خواهد تا بشر را به این پختگی و بلوغ برساند. بشر نمی تواند این گره را با دست خود باز کند. با تفکر انانیت، اومانیست، انسان محوری و خود پرستی کار به سامان نمی رسد. اگر بشر این معنا را فهمید به مرحله اضطرار رسیده است. بشر باید درک کند و بداند که بدون امور و حیانی و آسمانی

نمی تواند امور خود را به سامان برساند این، اساس کار است. اگر ما در حوزه مهدویت بخواهیم اقدام جدی کنیم باید به دنبال شناسایی راهها و راهکارهای این بلوغ اجتماعی باشیم. با چه مکانیسمی می شود این بلوغ اجتماعی را در جامعه فراهم کرد؟ با چه مکانیسمی می توان بشر به آستانه اضطرار به دین و اضطرار به حجت دست پیدا کند؟

لذا در دعای افتتاح که می گوئیم «إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ» بحث از رغبت اجتماعی به دولت کریمه مطرح است. یعنی تمایل بشر باید به دولت کریمه معطوف شود و به دولت کریمه احساس نیاز کند. به صورت فردی و گروههای بزرگ و کوچک توجه به حضرت حجت(عج) به وجود آمده است؛ ولی بحث دولت کریمه بحث منطقه ای نیست. آخرین دولت و دولت جهانی است. در دولت و جهان، یک پای آن دولت و یک پای آن جهان است. یعنی در جوامع بشری باید توجه و التفاتی به آن دولت کریمه به وجود بیاید.

اگر این رغبت به وجود نیاید و بشر از این عقبه های جهل و جهالت عبور نکرده باشد و حضرت ظهور کنند چه اتفاقی می افتد؟ همان اتفاقی که برای اجداد طاهرین اش افتاد. همه ائمه(ع) به خاطر نابالغی بشر به شهادت رسیدند. به خاطر اینکه بشر به آن بلوغ نرسیده بود که احساس اضطرار و نیاز کند و بفهمد که بدون حجت الهی اموراتش به سامان نمی رسد. لذا نه تنها این حس را نداشت بلکه این احساس را داشت که حجت الهی مزاحم آلف و الوف و زندگی اوست لذا او را به شهادت رساند. تمامی انبیا و اولیا این داستان برایشان بوده است.

در ظرف مشیت الهی، امام زمان(عج) آخرین حجت است اگر مشیت خداوند به این تعلق گرفت که حجج خود را بفرستد و مردم آنها را به شهادت برسانند فرصتی بوده برای آخرین حجت؛ ولی بعد از آخرین حجت دیگر فرصتی نیست. این آخرین حجت الهی است و بر اساس مشیت الهی دیگر این اقتضا را ندارد که خدا او را بفرستد و مردم او را به خاطر جهل و نادانی شان به شهادت برسانند.

ابنا: فرایند بلوغ اجتماعی چگونه محقق می شود، چه شاخصه هایی دارد؟ و چه اتفاقاتی باید بیافتد تا بلوغ اجتماعی شکل بگیرد؟

- حجت الاسلام و المسلمین سهرابی: بلوغ اجتماعی سه شاخصه جدی دارد: اولین آنها رغبت اجتماعی به دولت کریمه است مردم باید میل شان معطوف به دولت کریمه باشد. در بحث های جامعه شناسی و روان شناسی و حتی در مباحث علوم سیاسی می گویند که فرایند تغییر تابع تصرف و ایجاد میل اجتماعی است.

وقتی بخواهیم در جامعه تغییری ایجاد شود باید در میل اجتماعی تصرف و تحولی ایجاد کنیم تا جامعه از نقطه «الف» به نقطه «ب» برسد. اگر بخواهیم جامعه ای را متحول کنیم باید میل آنها را تغییر بدهیم و باید تغییر ذائقه اجتماعی به وجود بیاید. و استکبار هم این کار را می کند. لذا وقتی می بینید که در عرصه مُد یا عرصه های فرهنگی ذائقه سازی کرده، ذائقه اجتماعی مردم را تغییر می دهند تا به سمت نقطه ای که مطلوب شان است برسند و اهداف شان را عملی کنند و بخشی از این، ناظر به سبک زندگی است.

اگر ما می خواهیم بلوغی شکل بگیرد خود این بلوغ، تغییر از عدم بلوغ، خامی، بی بصیرتی و جهالت به سمت بلوغ اجتماعی است. اینجا باید کار نرم شکل بگیرد و آن تغییر میل و ذائقه اجتماعی است. اگر سطح میل و جهت تمایلات اجتماعی جامعه ای مثلاً به دیکتاتوری یا مدل های موجود حکومتی معطوف باشد همین وضعیت خواهد بود. ولی اگر میل انسان عوض شد و آستانه تمایلات او از این سطح به سطح دیگری رفعت پیدا کرد اینجا تغییرات شکل می گیرد. رغبت و میل اجتماعی باید به سمت دولت کریمه باشد در این صورت اولین محور کلیدی در سمت و سوی ایجاد بلوغ اجتماعی شکل می گیرد لذا «إِنَّا نُرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ».

البته در اینکه چگونه می توان این رغبت اجتماعی را به وجود آورد، بلوغ اجتماعی معطوف به دولت کریمه چگونه دست یافتنی است و مهندسی آن چگونه باید باشد؟ باید گفتگو شود.

پس اولین شاخصه بلوغ اجتماعی، رغبت اجتماعی به دولت کریمه است بعد از رغبت اجتماعی، شکایت اجتماعی است. در این فراز دعای افتتاح که می فرماید «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَهُ وَ لَيْتَنَا» بحث از شکایت اجتماعی است. وقتی که میل انسان از سطح عادی روی برگردانده شده و معطوف به سطح عالی شود دیگر به سطح دانی قانع نمی شود. از سطح دانی شکایت می کند و ذهن و تقاضای انسان به سمت و سوی عالی معطوف می شود. لذا جهت گیری از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب شکل می گیرد. و شکایت اش از وضعیت موجود جدی می شود. و وضعیت غیبت برای شخص غیر قابل تحمل می شود.

ولی قبل از شکل گیری تغییر میل اجتماعی و شکایت، فضای غیبت برایش عادی شده بود. یعنی اعتیاد به فضای غیبت و دوران غیبت برایش عادی شده بود. و لذا طراز زندگی متناسب با همین وضعیت موجود بود. ولی وقتی که میل انسان عوض شد دیگر از این سطح زندگی موجود روی بر می گرداند، آستانه اش تغییر پیدا می کند، از وضعیت موجود شاکی می شود، وضعیت مطلوب می خواهد و این فضای غیبت که به آن معتاد شده بود برایش سخت می شود. لذا فریاد «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ» را سر می دهد و عظمت بلا را حس می

کند. تا قبل از این مرحله، عظمت بلا، مصیبت ها و سختی ها را می دید ولی عظمت بلا را حس نمی کرد بدبختی ها را می دید ولی التفات نداشت. پس در این صورت به شکایت اجتماعی می انجامد.

وقتی که رغبت و شکایت اجتماعی که شاخصه های بلوغ اجتماعی هستند، شکل می گیرد به سومین شاخصه بلوغ اجتماعی شکل می گیرد و آن استعانت اجتماعی است «وَ أَعِنَّا عَلَىٰ ذَٰلِكَ بِفَتْحٍ مُّبِينٍ تُعَجَّلُ». می گوید: «أَعِنَّا»، به استعانت اجتماعی می رسد. یعنی جمع و گروه کارشان به اینجا می انجامد که می گویند: خدایا فتح معجل و فرج آقارا برسان. می رسد به مقام خواستن، فتح معجل می خواهد. سطح و موضوع خواسته اش عوض شده است. میل و شکایت اجتماعی شکل گرفته بعد در این تطورات و تحولاتی که به وجود آمده و تغییر انفسی که در شخص شکل گرفته، سطح خواسته اش عوض می شود و از خداوند فرج و فتح معجل می خواهد.

انسان به مقام خواستن می رسد. این مقام خواستن، توانستن را به دنبال دارد. بشر در طول تاریخ هر چه خواست به آن دست پیدا کرد انرژی فسیلی و هسته ای را خواست و به آنها رسید. امکان دارد در دل طبیعت انرژی ای فراتر، بالادست تر و برتر از انرژی هسته ای باشد اگر بشر احساس نیاز کند که اینها نمی تواند به نیازش پاسخ دهد به آنها هم دست پیدا می کند. این بشری که انرژی فسیلی و هسته ای را خواست و دست یافت هنوز به این حد از بلوغ و خواستن نرسیده که امام زمان(عج) خواه و حجت خواه شود به این حد از خواست نرسیده که اضطرار الی الحجه در وجودش شکل بگیرد.

ابنا: منظور از بشر چه کسانی هستند آیا مسلمانان مدنظر شماست یا بشر به معنای عام آن؟

- حجت الاسلام و المسلمین سهرابی: بشر به صورت کل می گوئیم؛ حتی در سطح اسلامی و حتی در سطح شیعیان که صف مقدم این فرهنگ هستند. جهان شیعه ما هنوز با فرهنگ انتظار و مهدویت نا آشناست. مهدویت سطحی از فرهنگ او را پوشش داده ولی در عمق وجود او که رکن زندگی و رکن سبک زندگی اش باشد و همه ساحت های زندگی او را پوشش دهد را شامل نشده است. چون امام و امامت رکن توحید و دین است او هنوز این حس و معرفت را ندارد. یک آشنایی فرهنگی اجمالی دارد؛ ولی با عمق، خیلی فاصله دارد. این فاصله با عمق به گونه ای است که حتی در جامعه شیعی هم به طور جدی موج می زند و خود را نشان می دهد. فرهنگ امامت و ولایت و معارف علوی به ما یک نکته را می آموزد که جایگاه امر و ولایت معصوم بسیار رفیع است. می فرماید که «إن أمرنا صعب مستصعب لایحتمله إلا ملک مقرب أو نبی مرسل أو عبد قد امتحن الله قلبه للایمان» سقف حکومت و حاکمیت ولایت و امامت پایه های محکمی می

خواهد. هر کسی تحمل ولایت، حاکمیت و حکومت معصوم را ندارد. یعنی حکم حکومت، حاکمیت و ولایت ما سخت است هر کسی نمی تواند آن را تحمل کند و هر کسی هم قابلیت تحمل را ندارد، الا ملک مقرب و نبی مرسل و مومنی که قلب آن مُمْتَحَن باشد، آزمون هایی را پس داده و ظرفیت تحمل امامت و ولایت را داشته باشد. و این همان فضایی است که ما آن را بلوغ اجتماعی یاد می کنیم. یعنی بشر در آن فرایند تاریخی، باید آزمون هایی پس دهد تا به آن ظرفیت، غایت و بلوغ برسد؛ که اگر برسد آمادگی تحمل ولایت معصوم را خواهد داشت. به گونه ای که وقتی حضرت ظهور کرد دیگر خیلی ترس از این نیست که حضرت به شهادت برسد. نه؛ حضرت را حفظ و کمک می کنند. و این مطلب به این معنا نیست که ما قائل به معجزه و امدادهای الهی نباشیم. خداوند حکیم است حتی امدادهای الهی اش را هم در یک شرایط خاصی می فرستد. پس وقتی می گوییم در صف مقدم جامعه شیعی و اسلامی است بعد جوامع بشری، منظور این است که هر کدام در ظرف وجودی خودشان. ظرف وجودی شیعی گسترده تر است، چون آن حضرت امام شیعه است، باید بشناسد، باور داشته باشد، در خود جامعه شیعی نهادینه کند و سربازان آن حضرت را آماده کند. و این لایه هایی دارد و مشکک است «کل امر بحسبه». پس این بلوغ اجتماعی از اساسی ترین بایسته ها و کاستی های عصر غیبت است.

اهم مسائل در عصر غیبت بلوغ اجتماعی است و از اهم مسائل مهندسان فرهنگی جامعه شیعی این است که به این مسئله بپردازند و سازو کارها و الزامات بلوغ اجتماعی را فراهم کنند. با رویکرد بلوغ اجتماعی سبک زندگی عصر غیبت را تعریف کنند. متناظر با بلوغ اجتماعی فرهنگ جامعه و مهندسی فرهنگی را رقم بزنند. متناظر با بلوغ اجتماعی تمدن نوین اسلامی در عصر غیبت شکل بگیرد و رقم بخورد. با این حساب ما می بینیم که برای رسیدن به آستانه ظهور یکی از الزامات جدی، بلوغ اجتماعی است؛ برای اینکه ما جامعه منتظر را مهندسی کنیم باید به مسئله بلوغ اجتماعی توجه جدی داشته باشیم و سه شاخصه؛ رغبت اجتماعی، شکایت اجتماعی و استعانت اجتماعی را مهندسی کنیم؛ مقدمات اش را فراهم کنیم تا جامعه به آن بلوغ اجتماعی واصل شود و دست یابد. اینجاست که می گوییم جامعه خواسته اش عوض شده و به مقام خواستن می رسد. و این خواستن را به عنوان نماد بلوغ اجتماعی یاد می کنیم. اگر امام زمان(عج) در توقیع شریف می فرماید: «أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» زیاد دعا کنید و دعای تعجیل فرج بخوانید مفهومی بهتر فهمیده می شود. دعا و خواستن نماد بلوغ اجتماعی است. اگر در جامعه ای دعا کننده و دعا کردن برای تعجیل فرج زیاد شود حکایت از این می کند که این جامعه به بلوغ اجتماعی نائل شده است. یعنی جامعه خواسته اش عوض شده و جامعه امام زمان خواه شده است. در این نگاه و با این رویکرد دعای برای فرج

و تعجیل فرج امام زمان(عج) نماد بلوغ اجتماعی می شود. یعنی از یک نگاه دم دستی دیگر گذر کرده و نگاه فاخر و بالاتری به بحث دعا می کنیم و دعا نماد بلوغ اجتماعی می شود.

اگر جامعه به این سطح از خواستن رسید از بلوغ اجتماعی برخوردار شده و جامعه منتظر شکل می گیرد و این یکی از ارکان، مقدمات و شرایط تحقق فرج است. البته ما قائلیم که ظهور امام زمان(عج) با اذن و عنایت الهی خواهد بود ولی همه کارهای خداوند براساس حکمت است و وسائل و اسباب باید فراهم شود و مشیت خداوند در مجموعه شرایط شکل می گیرد. اینطور نیست که همین طور و بی حساب و کتاب باشد. یکی از شرایط مهم بحث بلوغ اجتماعی است که بخش عظیم آن در حوزه اختیار و اراده انسانی است. و باید بحث کرد که با چه مکانیسمی می شود فرهنگ رغبت اجتماعی را فعال سازی کرد و بعد گفت که به شکایت اجتماعی و بحث استعانت اجتماعی می رسد. مباحثی است که باید روی آنها کار شود، گفتگو شود و تبدیل به یک مدل مفهومی مهندسی بلوغ اجتماعی شود. یعنی ما بر اساس مدل مفهومی، بتوانیم مهندسی بلوغ اجتماعی مان را طراحی کنیم.

ابنا: راهکار تبلیغ فرهنگ مهدویت در جامعه چگونه باید باشد؟ چگونه تبلیغ کنیم که عده ای از این مسئله سوء استفاده نکنند؟

- حجت الاسلام و المسلمین سهرابی: تبلیغ مهدویت باید معقول، کارشناسی شده، عالمانه باشد و آسیب ها را از بین ببرد. اینکه راجع امام زمان(عج) حرف بزیم حرف درستی نیست منتها ما نباید درباره مباحث مهدویت هر حرفی بزیم. باید حرف پخته و فنی بزیم و اگر حرف های خام و ناپخته و غیر کارشناسی بزیم می تواند آسیب زا باشد و مشکلاتی را فراهم کند. می تواند به دکان و دستگاه تبدیل شود و برای کسانی که می خواهند شیطنت کنند مقدمات بازار گرمی فراهم شود. ولی اگر عالمانه و کارشناسانه به مسئله پردازیم هر چه حرف بزیم جایز است.

ابنا: تکلیف و وظیفه مردم در عصر غیبت چیست و چه کار باید انجام دهند؟

- حجت الاسلام و المسلمین سهرابی: مردم باید بر اساس آموزه های دینی آستانه معرفتی شان را بالا ببرند. یعنی وقتی که معرفت شان عمیق تر شد و بالغ و رشید شدند در این عرصه دعا هم که می کنند دیگر لغلغه زبان نیست بلکه دغدغه وجودشان می شود. یعنی دعایی که متناسب با رغبت، شکایت و استعانت است.

دعایی است که بر اساس معرفت عمیق است این به این معنا نیست که به کسی که در سطح پایینی قرار دارد به دعا و توسل او اشکال بگیریم. نه؛ هر کس در جای خود قرار دارد و هر کس را در همان جایی که قرار دارد با معرفت بخشی می خواهیم دو قدم جلو بیاوریم. هر کس به حسب استعداد و ظرف وجودی خود باید یک پله معرفت خود را نسبت به امام زمان(عج) جلو ببرد و بر اساس این معرفت رو به جلو، نوع نگاه شخص عوض می شود.

ابنا: از اینکه این فرصت را در اختیار ما گذاشتید متشکریم.

در انتظار منجی - ۷: آیا جریان حوثی همان "یمانی عصر ظهور" است؟ / احمد الحسن کیست؟

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین محمد شهبازیان» کارشناس مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم و کارشناس مباحث مهدوی است که بحث "یمانی عصر ظهور" را با او مطرح نمودیم؛ بحثی که اینک با توجه به جریانات اخیر یمن، مورد علاقه و پیگیری منتظران موعود است.



متن کامل مصاحبه با استاد شهبازیان را در زیر بخوانید:

ابنا: جایگاه یمانی در نشانه های ظهور امام زمان(عج) چیست؟

— بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد یمانی آخرالزمان، روایاتی در منابع شیعه و سنی وجود دارد. ۱۵ روایت و یک گزارش تاریخی از «سطیح کاهن» در منابع شیعی وجود دارد. در منابع اهل سنت هم در ۳ روایت به بحث یمانی پرداخته اند. البته اهل سنت روایتی را هم با عنوان قحطانی دارند که بنده در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدم که قحطانی نمی تواند یمانی باشد. پس عملاً مجموعه گزارش و روایاتی که در شیعه و سنی نسبت به یمانی داریم ۱۸ روایت است.

ابنا: این روایات معتبر هستند؟

— همه این ۱۸ روایت ضعف سند دارند؛ یعنی نمی توانیم واقعاً آنها را روایت معتبر بنامیم و بگوییم این روایت جزء روایات های معتبر ماست. اما از مجموع ۱۵ روایت، ۶ روایت قابل قبول است. یک سری روایات ضعیف هم با همدیگر همپوشانی دارند. از روایات اهل سنت نیز فقط یک روایت را قبول می کنیم.

ابنا: آیا مشخصات یمانی در این روایات ذکر شده است؟

— در مورد ویژگی های یمانی آنچه که از مجموع روایات به دست می آید این است که نهایتاً می توانیم بگوییم که اصل یمانی قابل اثبات است و لا غیر. یعنی اینکه ما از روایات مشخصات ظاهری برای یمانی بیان کنیم، اینگونه نیست. اینکه مشخصه ای با عنوان اینکه اسم آن چیست و از کدام قبیله است؟ چیزی در روایات نداریم. یک نکته گنگ و مبهمی به عنوان یمانی وجود دارد. اگر این اصل را بپذیریم که یمانی جزء نشانه های ظهور است می گوییم یمانی از یمن خواهد آمد و جزء لشگریان مهدی(عج) خواهد بود. اما اسم آن چیست؟ چه حرکتی قرار است انجام دهد؟ چه ویژگی و خصوصیتی دارد؟ و یاران آن چه کسانی هستند؟ چیزی در فضای روایات نداریم.

به علاوه اینکه در بحث یمانی روایات متعارضی داریم؛ در بعضی روایات آمده است که یمانی در دوره حضرت مهدی(عج) زنده است و فعالیت می کند. روایت دیگر می گوید یمانی نود سال قبل از مهدی(عج) کشته می شود، بعد فرزند او روی کار می آید و بعد از تولد امام زمان(عج) یمانی رجعت خواهد کرد. یعنی یمانی در حکومت مهدی(عج) رجعت می کند نه اینکه او به عنوان زمینه ساز حکومت مهدی(عج) است. در روایتی آمده است که خروج یمانی با سفیانی و خراسانی همزمان است؛ اما در روایتی دیگر، یمانی قبل از سفیانی حرکت می کند. در یک دسته روایات یمانی بر سفیانی غلبه می کند، اما در روایات دیگر، سفیانی بر یمانی غلبه می کند. از این تشتت روایات نمی توانیم نظر جامعی استخراج کنیم و تعدد یمانی ها برداشت کنیم. چون تعدد، زمانی است که وقتی روایات معتبر و فضای روایات را تحلیل می کنیم به این تقسیم بندی دوگانه و یا سه گانه بودن یمانی برسائیم؛ در صورتی که همه در مورد ظهور مهدی(عج) و آمدن یک یمانی سخن می گویند. وجه تمایزی هم نیست که - بالفرض - یک یمانی از چین می آید و یک یمانی از یمن. همه روایات از یک عنوانی به نام یمانی صحبت می کنند.

پس تفاوت و تعارض بین روایات وجود دارد و از بین ۱۸ روایت ۱۰ یا ۱۲ روایت ضعیف السند و غیر اعتبار است و علاوه بر ضعف سند به این روایات در کتب دیگر اعتنا نشده است. مثلاً یک روایت در کتاب غیبت طوسی آمده و در جای دیگر بیان نشده است. نهایت چیزی که در مورد روایات یمانی می توانیم بگوییم این است که در روایات آمده که فردی یمانی از یمن خواهد آمد حال چه کسی است نمی دانیم؟ و در تطبیق مشکل داریم.

ابنا: یمانی، شخصیتی مثبت است یا منفی؟

— در یک روایت آمده است که «رایته اهدی الرايات»؛ یعنی در بین خراسانی، سفیانی و یمانی که خروجشان در یک سال و یک روز و یک ماه خواهد بود، پرچم یمانی هدایتگرتر است. سفیانی که باطل است؛ اما یمانی نسبت به خراسانی، حق را بیشتر همراه خود دارد. اما این تک روایتی است که «شیخ طوسی» در الغیبه و «مرحوم نعمانی» در کتاب الغیبه ذکر کرده اند. این روایت در کتاب غیبه نعمانی ضعف سند دارد و می بینیم که فضای روایت، فضای دوران قیام «ابومسلم خراسانی» است.

از نظر بنده، سند گزارش شیخ طوسی معتبر است. طبق مبانی رجالی «آیت الله العظمی خوئی»، سند کتاب العیبه شیخ طوسی، ضعیف است به دلیل وجود شخصی به نام علی بن محمد قُتیبه که وی نه مدحی دارد و نه ضعفی؛ و ما نمی توانیم این را بپذیریم. ولی آیت الله شبیری زنجانی طبق مبانی خود علی بن محمد بن قُتیبه را می پذیرد. روایت الغیبه شیخ طوسی می گوید: فردی یمانی همزمان با خراسانی و سفیانی خروج خواهد کرد و پرچم او هدایت گر است. اگر این روایت را بپذیریم این هدایتگر بودن دلالت بر مدح فردی به نام یمانی است.

ابنا: در مورد تاریخچه مدعیان دروغین یمانی بگویید. آیا در تاریخ، یمانی هم مدعیان دروغین داشته است؟

— در روایت بحثی به نام یمانی و قحطانی داریم؛ به همین خاطر افرادی برای اینکه بخواهند خودشان را موجه جلوه دهند از این عناوین استفاده می کردند. مقدسی در کتاب «البدع و التاریخ» افرادی که به عنوان یمانی و قحطانی خود را معرفی کرده اند را آورده است. یا افراد مستقیماً خود را یمانی معرفی کرده اند و یا به وسیله یارانشان.

به عنوان نمونه، افرادی «حوثی ها»ی یمن را به عنوان یمانی معرفی می کنند (که البته از سوی خودشان چنین ادعایی وجود ندارد).

یا در عراق فردی با عنوان «ابی عبدالله الحسینی القحطانی» معروف به حیدر مشنت خود را به عنوان یمانی معرفی کرد. فرد دیگری مثل «احمد بن اسماعیل بصری» که بین یاران خود به نام احمد الحسن معروف است می گوید: من یمانی هستم. اینها از روایات سوء استفاده کرده و خود را یمانی و نائب مهدی (عج) معرفی می کنند. در صورتی که در روایات یمانی اشاره ای به نام، عنوان و اسم یمانی نشده است. ما نمی توانیم بگوییم که آقای فلانی یا فلانی، یمانی است. ما به فرض بپذیریم یمانی عادل است و پرچم حق به دست اوست اما

چه کسی می تواند مصداق را اثبات کند؟ سال های سال هم بین شیعیان و هم در بین اهل سنت افراد متعددی خود را به عنوان یمانی معرفی کرده اند، پس نمی توانیم دلیلی بر اثبات و تطبیق پیدا کنیم.

ابنا: مدعیان دروغین یمانی در شیعه بیشتر بوده است و یا در اهل سنت؟

— آمار دقیقی نداریم که چه کسانی به صورت ویژه خودشان را به عنوان یمانی معرفی کرده اند. در تاریخ آمده است که «عبدالرحمن بن اشعث» در زمان قیام علیه حجاج، خود را قحطانی و یمانی معرفی کرد. مقدسی در کتاب البدع والتاریخ جلد ۱ صفحه ۱۱۴ در باب خروج المهدی، گزارشی را ذکر کرده و افرادی که خود را به عنوان یمانی و قحطانی معرفی کرده اند، را آورده است. در بین اهل سنت خیلی روایات یمانی مرسوم نیست. در اهل سنت گزارش رایات سود و پرچم های سیاه را زیاد داریم و به این مطلب خیلی استناد کرده اند و حتی طالبان خود را به عنوان رایات سود و خراسانی معرفی می کردند و در بین داعش هم این زمزمه وجود دارد. در بین شیعیان چون یمانی را با این روایت مشهور می شناسند که خروج یمانی، سفیانی و خراسانی در یک روز اتفاق خواهد افتاد و پرچم یمانی، پرچم حقی است، گرایش به ساختن یمانی بیشتر بوده است. در کتب اربعه روایت یمانی آمده است ولی در مورد بعضی از نشانه های ظهور در کتب اربعه روایتی نداریم.

روایت یمانی در روضه کافی است بعضی از محققین معتقدند که روضه کافی متعلق به کلینی است اما کلینی دقتی که در اصول و فروع کافی داشته، در روضه اعمال نکرده است به همین خاطر اگر روایتی در روضه کافی وجود دارد، اعتبار اصول کافی را را نباید بر این حمل کنیم.

ابنا: اگر کسی مدعی شود که من یمانی هستم با چه دلایلی دیدگاه وی را نقد کنیم؟

— در دوره معاصر افرادی وجود دارند که تبلیغات زیادی می کنند و می گویند که من همان یمانی ام. «احمد اسماعیل بصری» معروف به احمد الحسن، یکی از این افراد است یا «حیدر مشتت» که کشته شد، همین ادعا را داشت. ادعای اینها این است که ما یمانی هستیم، پرچم ما هم پرچم هدایت است و برای ظهور زمینه سازی می کنیم. ما دو با اینها بحث داریم: اول اینکه همان گونه که گفته شد کلیتی در مورد یمانی داریم اما روایات یمانی گویا نیست و اهل بیت(ع) در شناخت یمانی به ما معیاری نداده اند که مشخصات یمانی چیست و ما باید از او تبعیت کنیم. ما امروز چنین دلیلی نداریم و خداوند هم تکلیف بمالایطاق نمی کند.

مشکل ما با این مدعیان این است که شما چه دلیلی بر اثبات یمانی دارید؟ فردی ادعا کرده من یمانی ام، می گوئیم دلیل بر عهده مدعی است. شما مدعی هستید، دلیل چیست؟ می گوید ما روایات یمانی را داریم. دقیقاً احمد الحسن این گونه می گوید، مگر ما روایات یمانی نداریم؟ بله، روایات یمانی داریم اما چه کسی گفته تو همان یمانی هستی؟ تو باید دلیل بیاوری. در روایت آمده است که «یمانی من الیمن» این روایت صریحاً می گوید: خروج یمانی از یمن خواهد بود؛ احمد الحسن که متولد عراق و بصره است، پس یمانی نیست.

نکته دیگر اینکه احمد الحسن مدعی عصمت است در حالی که ما دلیلی بر عصمت یمانی نداریم. اینکه روایت می گوید پرچم یمانی هدایتگر است مثل این روایت، در مورد سلمان و ابوذر و زراره هم آمده است. اینکه اهل بیت (ع) فرموده اند از اینها تبعیت کنید یعنی اینها معصوم هستند؟ این چنین چیزی نیست. گفته اند که بین شما اینها بهتر هستند؛ مثل اینکه گفته می شود از بین مراجع فلانی اعلم است این به این معنی نیست که فلانی معصوم است. روایت نشانه های ظهور می گوید پرچم یمانی هدایتگر است؛ در صورتی که احمد الحسن می خواهد اثبات کند که یمانی معصوم است. به احمد الحسن می گوئیم طبق اشتباهاتی که شما در روایت خوانی، در مباحث قرآنی و حدیثی داری تو صلاحیت نداری و هدایتگر نیستی. کسی که روایت جعلی بخواند کسی که روایت را تقطیع کند و قسمتی از روایت را باب میل خود بخواند کسی که معنای روایت را نفهمد و به دروغ به مردم ترجمه و معنای غلطی از روایت را انتقال دهد، یقیناً نمی تواند هدایتگر باشد و صلاحیت هدایتگری ندارد پس اگر ما یمانی را به عنوان پرچم هدایتگر بپذیریم احمد الحسن، حیدر مشنت و کسانی که مدعی یمانی بودن هستند، اولین معیار را ندارید و آن هدایتگری است. اگر یمانی را با خصوصیات آن بپذیریم لوازم او با حق بودن، راست گو بودن و عالم بودن اوست اما زمانی که کتاب های مدعیان یمانی را مشاهده می کنیم می بینیم این خصوصیات را ندارند.

ابنا: احمد الحسن به عنوان مدعی یمانی در عراق چه فعالیت هایی دارد؟ و چگونه مردم را به طرف خود جذب می کند؟

— در کتاب ره افسانه ای که در نقد این جریان نوشتیم و در سایت «هو الطرید» وجود دارد مختصری به جریان احمد الحسن پرداخته ایم. اجمالاً او فردی است که سواد حدیثی و حوزوی ندارد و لیسانس رشته مهندسی شهرسازی از دانشگاه عراق گرفته است. وی در بصره ادعا کرد که من با چهار واسطه از اولاد امام زمان (عج) و یمانی موعود هستم و قرار است حکومت عصر ظهور را زمینه سازی کنم. وقتی حضرت

مهدی(عج) حکومت تشکیل داد و از دنیا رفت، من و یازده مهدی دیگر امامان بعد از امام مهدی(عج) خواهیم شد. وی قصه مهدیون را مطرح می کند و می گوید: بعد از امام مهدی(عج) که حکومت ائمه(ع) تمام شد ۱۲ مهدی می آیند و من(احمد الحسن) مهدی اول هستم و پدرم (امام زمان) حکومت را به من خواهد داد. احمد الحسن و حیدر مشنت با هم هماهنگ شده بودند که من می گویم یمانی هستم و تو نائب من هستی. بعد با هم اختلاف پیدا کرده، یکدیگر را لعن و نفرین کردند. سپس هر دو مدعی شدند که من یمانی هستم.

ابنا: آیا احمد الحسن طرفدار هم دارد؟

— اینها کمابیش در عراق و در ایران مخصوصاً در خوزستان طرفدارانی دارند. شبکه ماهواره ای دارند و در فضای اینترنت فعال اند. صد کتاب بر مبنای روایات جعلی در اثبات جریان خود نوشته اند. اینها رؤیا و خواب و استخاره را حجت می دانند. وی اساساً سید نیست ولی ادعا می کند که جزء سادات هستم و شجره من به امام زمان(عج) می رسد. اینها از عدم سواد حدیثی مردم و شوق و اشتیاق آنها به امام زمان(عج) سوء استفاده می کند تا خود را به عنوان فردی مثبت و یمانی و فرزند امام زمان(عج) جا بزنند.

ابنا: ارتباط احمد الحسن با مراجع چگونه است و آیا اساساً مراجع را قبول دارد؟

— هدف اصلی استعمار ضربه زدن به مرجعیت است. اینکه مرحوم مجلسی در بحار در باب فضیلت قم می گوید علم از نجف و کوفه به قم می آید و اینکه امام صادق(ع) به مردم مستضعف فکری - فرهنگی جهان می فرماید: «فعلیکم بقم» به قم مراجعه کنید؛ مراجعه به قم مراجعه به بقال و خیاط که نیست؛ طبیعتاً مراجعه به علمای آن شهر است. امام حسن عسکری(ع) در روایتی فرمود: «فللعوام ان یقلدوه». مردمی که تخصص حدیثی ندارند باید به اهل فن، متخصص، علما و مراجع مراجعه کنند. دقیقاً ما می بینیم که جریان وهابیت و استعمار غرب مراجع را هدف قرار داده اند. هرچند غرب در مورد گسترش وهابیت در مناطق شیعه نشین موفق نشد ولی دست به کار دیگری زد و از خود جمعیت شیعه یارگیری کرد و افرادی مثل احمد الحسن را به اسم فرزند امام زمان(عج) و یمانی معرفی کرد.

احمد الحسن اولین کاری که کرد این بود که مراجع شیعه را هدف قرار داد. احمد الحسن می گوید: تمام فقهای شیعه دجال هستند و امروز یکی از مراجعی که بیشترین مقابله با استعمار، انگلیس و آمریکا را دارد آیت الله سیستانی است و احمد الحسن هم آیت الله سیستانی را خیلی مورد هجوم قرار می دهد و به دنبال

شکستن هیبت ایشان در بین شیعیان است. احمد الحسن کتابی در مورد حرمت تقلید از مراجع نوشته، می گوید تقلید بدعت است و خمس دادن به مراجع حرام است. می گوئیم پس خمس را به چه کسی بدهیم؟ می گوید به من احمد الحسن! یعنی برای خودش کیسه می دوزد و مراجع را هم در صف اول دشمنان خود معرفی می کند. تعبیر یاران احمد الحسن این است که فقها و مراجع همان کسانی هستند که روبروی مهدی(عج) می ایستند در حالی که در روایات آمده است که در آسیب ها و مشکلات آخر الزمان به قم، علما، مراجع و اهل حدیث مراجعه کنید.

احمد الحسن شیعه اثنی عشری است در بصره بزرگ شده ولی انحراف فکری دارد الان هم اثری از آن نیست و مشخص نیست کجاست. ممکن است مرده باشد و جریان غرب از این نام موج سواری می کند.

ابنا: در پایان اگر نکته ای دارید بفرمایید.

— نتیجه گیری اینکه: ما یک روایت داریم شاید این روایت را قبول کرده و بگوئیم که یمانی از علائم حتمی است. اما نظر شخصی بنده این است که خیلی به روایات یمانی به عنوان نشانه های ظهور اطمینان ندارم، چون خلاف نظر مشهور است. آنچه که از مجموع روایات یمانی می توانیم بگوئیم این است که یمانی جزء علائم محتوم است و پرچم او پرچم حق است؛ اما روایت معتبری در اینکه من وظیفه ای در شناخت یمانی دارم، وجود ندارد. به عبارت دیگر موظف به شناختن و تبعیت از او نیستم. به اعتقاد من نشانه های ظهور نقشی در شناخت حجت الهی ندارند. خودمان را درگیر نشانه های ظهور نکنیم چون اولاً باید بدانیم جایگاه و اعتبار نشانه های ظهور چه میزان است؟ ثانیاً این روایات آنقدر گنگ و مبهم اند که قابلیت تطبیق ندارند.

لذا در روایت آمده است همان معیارهایی که برای شناخت حضرت علی(ع) و سایر ائمه(ع) داریم به وسیله همان معیارها امام زمان(عج) را بشناسیم. آیا الزاما حضرت علی(ع) را به وسیله سلمان شناختیم؟ نه؛ ما طبق آیات، روایات و تصریح رسول خدا(ص) فهمیدیم که حضرت علی(ع) همان مصداق امام است. به همین خاطر حضرت علی(ع) هم گد می دهند که «اعرف الحق ثم تعرف اهله» اول معیار های حق را بشناس بعد معیارهای آن را مصداق یابی کن. ما امروزه در جامعه خود به یکسری روایات مبهم چنگ می زنیم که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و به دنبال سفیانی، دجال و یمانی می گردیم تا امام زمان(عج) را بشناسیم در حالی که نباید اینگونه باشد.

ابنا: از اینکه این فرصت را در اختیار ما گذاشتید متشکریم.

در انتظار منجی - ۸: ویژگی های یاران امام زمان (عج) چیست؟ / همه یاران حضرت همان ۳۱۳ نفر نیستند میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد صابر جعفری» کارشناس مباحث مهدوی است که بحث "یاران امام زمان (عج)" را با او مطرح نمودیم.



متن کامل مصاحبه با استاد جعفری را در زیر بخوانید:

ابنا: تعداد یاران حضرت مهدی (ع) در عصر ظهور چند نفرند؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: یاران حضرت مهدی (عج) چند دسته هستند بعضی از آنها یاران خاص و ویژه اند که ۳۱۳ نفر هستند. آنها ارکان اصلی سپاه حضرت را تشکیل می دهند و در روایت آمده است که اگر این تعداد کامل شدند زمان ظهور فرا رسیده است. اما همه یاران حضرت فقط همین ۳۱۳ نفر نیستند بلکه ۳۱۳ نفر فرماندهان و کادر اصلی هستند و برخی از اینها را خانم ها تشکیل می دهند و یاران دیگری هم در ادامه اضافه خواهند شد و ظهور فقط با ۳۱۳ نفر نخواهد بود.

این ۳۱۳ نفر که در روایات آمده است معمولاً حاکمان، وزرا و فرماندهان هستند و حضرت قیام نمی کند مگر اینکه این ۳۱۳ نفر بیایند. در روایت دیگری آمده است که ۳۱۳ نفر که آمدند باز حضرت صبر می کند و یک لشکر ده هزار نفری به آنها ملحق می شود.

ابنا: ویژگی ها و امتیازات یاران امام زمان(ع) چیست؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: در مورد ویژگی ها و خصوصیات یاران امام زمان(ع) مطالب مختلفی گفته شده و نوشته شده است. «حجت الاسلام نصرت الله آیتی» در فصلنامه انتظار موعود شماره دو، در بحثی با عنوان ویژگی یاران حضرت، مقاله ای نگاشته است. آقای پورامینی کتابی به نام «جوانان، یاوران حضرت مهدی» که بنیاد مهدی موعود این کتاب را چاپ کرده است، در مورد ویژگی یاران امام زمان(عج) بحث کرده است. کتاب دیگر «امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه) موجود موعود» از آیت الله جوادی آملی است. ایشان در این کتاب به ویژگی و وظایف اجتماعی منتظران پرداخته، دعای امام عصر (اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصية و...) را شرح داده و وظیفه اصناف مختلف را نسبت به امام زمان(عج) مشخص کرده است که مثلا وظایف دانشجویان چیست؟ وظیفه زنان چیست؟ و...

آیت الله جوادی در این کتاب، نمایی از ویژگی یاران را آورده است و کتاب های مختلفی که درباره مهدویت نوشته شده بخشی به یاران ایشان می پردازد.

در مورد ویژگی های یاران امام زمان(عج) از چند زاویه می توان سخن گفت، اول اینکه یاران امام زمان(ع) با توجه به کار و رسالتی که می خواهند انجام دهند؛ یعنی اینها یار چه کسی هستند؟ اگر اینها یاران حضرت مهدی(عج) هستند باید نوع نگاه و زاویه دید آنها از نظر سنخیت و از نظر رفتار با امام زمان(عج) سازگار باشد.

اگر بخواهیم ویژگی های یاران حضرت مهدی(عج) را بررسی کنیم یک راه این است که ما با توجه به اهداف حضرت مهدی(ع) و ویژگی یاران ایشان را بیان کنیم. یعنی اگر حضرت مهدی(عج) آمده است که ستم و ظلم را از بین ببرد روحیه یاران ایشان هم باید ستم ستیزی باشد. اگر حضرت دغدغه جهانی دارد و می خواهد برای جهانیان عدالت را بگستراند پس یاران حضرت هم باید نگاه جهانی داشته باشند. گرچه هیچ کس به اهل بیت(ع) و امام زمان(عج) نمی رسد ولی اگر عبادت، معنویت و ارتباط با خدای حضرت مهدی(عج) ویژه و زبانزد است کسی که می خواهد از یاران او باشد او هم باید چنین باشد. در روایتی آمده است که حضرت در مقابل خدا مثل عقابی که بال های خود را در هم پیچیده، متواضع است. یا چهره او در عبادت به زردی گراییده است. خب؛ یاران حضرت هم در این سنخیت ها باید باشند. اگر حضرت مهدی(عج) در اوج قاطعیت، مهربان است یاران حضرت هم باید به این سمت حرکت کنند. آنها در مقامات به حضرت نمی رسند اما چون یار ایشان هستند آن رنگ و ملاک در اینها هم باید پیدا شود. لذا نمی شود کسی با بدی ها و با زشتی ها همسو و همراه باشد بعد بگوییم این شخص یار حضرت است. البته این سخن به این معنا نیست

که فقط پاکان و مخلصان می توانند امام زمان(عج) را دوست داشته باشند یا عاشق امام زمان(عج) هستند، نه آنها نیز می توانند امام زمان(عج) را دوست داشته باشند؛ امام زمان(عج) برای همه مهربانی، خوبی و عدالت را حاکم خواهد کرد و اینها هم از این سفره یقیناً فیضی خواهند برد؛ اما طبیعی است کسی که یار حضرت باشد باید سنخیتی با ایشان داشته باشد.

پس اولین راه در بررسی یاران حضرت توجه به خصلت ها و خصوصیات خود حضرت مهدی(عج) است که چه کسانی یار این آفتاب عالم تاب هستند کسانی که از این نور بهره ای جسته اند و بخشی از این نورانیت ها را دارند. راه دوم راهکار تحلیل عقلی است. در این راهکار ما توجه می کنیم به اینکه اهداف قیام امام زمان(عج) چیست؟ ببینیم حضرت قرار است چه کار انجام دهد؟ اگر قرار است عالم پر از عدل و داد شود و مهدویت به معنای امنیت جهانی است، طبیعی است که نگاه یار امام زمان(عج) نگاه جهانی خواهد بود؛ نگاه حداقلی نیست و شخص تنها به فکر شهر و خانواده خود نیست؛ توجه اش به تمام عالم است؛ درد این آدم این است که «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ». نگاه و توجه، جهانی است چون گستره، گستره جهانی است اگر قرار است این فرد در مهدویت نقشی داشته باشد باید خودش را برای آن فضای جهانی آماده کرده باشد.

ابنا: از دیدگاه قرآن و روایات یاران امام زمان(عج) چه خصوصیتی دارند؟

حجت الاسلام و المسلمین محمد صابر جعفری: در قرآن آیات متعددی وجود دارد که بحث مهدویت را مطرح می کند. آیات متعددی اصل مهدویت و وعده الهی که جهان پر از عدالت خواهد شد و بدی ها از بین خواهد رفت، را بیان کرده است: « وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ » این وعده الهی و قانون است، آیه «كَتَبْنَا» دارد، به عنوان قاعده ای است که به هیچ عنوان تغییر نمی کند و آن این است که: زمین را صالحان وارث خواهند شد. آیه دیگر: « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ». تهدید را می شود خُلف کرد، یعنی اگر کسی تهدید کرده که عذاب می کند، می تواند با لطف و کرم ببخشد اما وعده، تخلف پذیر نیست. در روایات آمده که اگر شما به حیوانی وعده دادید، علفی را نشان دادید که او حس کرد علف است باید به او علف را بدهی. لذا خداوند که جامع همه صفات کمالیه است خُلف وعده نمی کند. خدا وعده داده که صالحان، زمین را وارث خواهند شد. آیات متعددی دیگری وجود دارد که فضای عصر ظهور را مشخص کرده است؛ در این آیات «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» اصل مهدویت را مطرح می کند، یا آیاتی که غلبه مؤمنان را بیان کرده است. در این آیات ما به یک نکته می رسیم که وعده و غلبه تحقق خواهد یافت. اما در مورد ویژگی های یاران حضرت،

مطالبی در این آیات وجود دارد که به ما کمک می کند. در آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ بَرِئُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» خداوند وعده داده که «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» وارثان زمین اند؛ پس یاران حضرت «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» هستند. اولین ویژگی عبودیت آنهاست و دومین ویژگی این است که آنها این شایستگی و صلاحیت را دارند که از بندگان صالح خداوند باشند. همان طور که خدا در آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» به اهل ایمان و عمل صالح وعده داده است. یعنی روشن است که چه کسانی وارثان زمین و یاران حضرت خواهند بود و باید اهل ایمان و عمل صالح باشند.

در آیه «وَأَنْزَلْنَا أَنْزِلًا مُبِينًا عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» خداوند به مستضعفان وعده داده که آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار خواهد داد. این بحث وجود دارد که مستضعفان چه کسانی هستند؟ خدا به پیامبر(ص) می فرماید: کسانی که به رزم و جنگ دعوت می کنی اینها که نمی توانند به میدان بروند اشکشان جاری می شود که تو آنها را نمی توانی به یاری بگیری اما آنها با چه ویژگی در این آیه گفته شده اند؟ به اینکه مستضعفان هستند: «لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لَيَأْتِيَنَّهُمْ الْقَوْلُ لَأَجِدُنَا أَوْ كُنَّا فِي الْمَدِينَةِ الْمَكْرُوهَةِ وَالَّذِينَ اتَّوَكَّلُوا لَنُنْفِثَنَّاهُمْ فِي الْقَرْيَةِ الَّتِي نَبْنِي بِهَا عَلَى الْوَالِدِ وَالَّذِينَ اتَّوَكَّلُوا لَنُنْفِثَنَّاهُمْ فِي الْقَرْيَةِ الَّتِي نَبْنِي بِهَا عَلَى الْوَالِدِ» کسانی که تلاش می کنند اما قدرت آن را ندارند، نه کسانی که دنبال عافیت طلبی هستند؛ اینها معیار نیستند. مستضعفان کسانی هستند که اینها را به استضعاف کشیده اند، نه این که خود را به خواری داده باشند.

راهکار بعد در بررسی ویژگی های امام زمان(عج) روایات است. از روایات استفاده می شود که بیشتر یاران امام زمان(عج) جوانان هستند. البته اینکه جوانان از یاران ایشان باشند، مطلب عجیبی نیست؛ چون پیامبر(ص) فرمود: «وقتی من به رسالت مبعوث شدم جوانان به من ایمان آوردند و پیران با من مخالفت کردند.» البته تمام پیران اینگونه نبودند که با حضرت مخالف باشند. بی آلایشی و بی تعلقی جوان باعث می شود که حق پذیرتر باشد. در زمان جنگ تحمیلی هم این گونه بود الان هم همین طور است. جوانان برای حق، پذیراترند و گاهی سن که بالا می رود تعلقات دنیا، خانواده و زندگی، انسان را زمین گیر می کند. البته این به این معنا نیست که پیران از یاران حضرت نیستند در یاری امام زمان(عج) راه برای پیر و جوان باز است در روایتی از حضرت علی(ع) در مورد یاران حضرت آمده است که «اسماءهم فی الارض مجهوله» اینها در زمین شناخته شده نیستند.

یاران امام زمان (عج) با ستم مبارزه می کنند و به دنبال احیای قرآن و سنت هستند، متعبدند و با قرآن مأنوس هستند؛ در روایت آمده است که اینها جانشان و دیدگانشان با قرآن نورانی می شود و تفسیر قرآن در جانشان جای می گیرد. اینها با بدی ها مبارزه می کنند در روایت آمده حضرت وقتی قیام می کند اول با یاران خود بیعت می کنند و با اینها تعهد و عهدی می بندند که «الا یسرقوا و لایزنوا...» سرقت نکنند و به سمت ناپاکی ها نروند.

در روایات دیگر آمده است که یاران حضرت انسان های عزت مدار هستند یعنی کسانی که سستی در مقابل دشمن به خرج نمی دهند. در عین اینکه با محبت و مهربان اند «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» هستند. اهل بردباری، صبر و حوصله اند. اینها «قلوبهم مجتمعۃ» انسان هایی هستند که یک دل اند. زمان دفاع مقدس هم رزمندگان اسلام خیر همدیگر را می خواستند و همدل بودند. یاران امام زمان (عج) در مسیرشان استوارند، کسانی هستند که «لَا يَخَافُونَ كَوْمَةً لَّائِمَةً». در ذیل این آیه روایتی وجود دارد که اینها اصحاب امام زمان (عج) هستند.

شجاعت و ویژگی دیگر یاران حضرت است؛ روایتی وجود دارد: «قلوبهم كزبر الحديد» اینها مانند پاره های آهن هستند یا شیرانی هستند که هیچ چیزی آنها را از میدان به در نمی کند.

ایثار دیگر ویژگی خوب یاران امام زمان (عج) است؛ خوبی ها و خوشی ها را به هم هدیه می کنند.

نگاه و مبارزه یاران حضرت جهانی است کسانی هستند که در امتحان های مختلف محکم ایستاده اند چون قرار است حاکمیت جهانی باشد و امامی بیاید که همه عالم را رهبری کند لذا امتحان هم سخت تر است. یار امام زمان (عج) باید از امتحان های مختلف، پیروز بیرون بیایند، امتحان هایی که شاید دهها برابر سخت تر از امتحان طلحه و زبیر باشد. یعنی کار، کار سختی است.

ویژگی دیگر اینکه، دنیا برای اینها بی ارزش است. دنیا را در اختیار دین قرار داده اند؛ یعنی روحیه شهادت طلبی دارند و نسبت به دنیا بی تعلق اند؛ نه اینکه تن به مرگ دهند چون خیلی از اینها می خواهند حکومت حضرت را ببینند. اما دنیا در نزد اینها بی قدر و منزلت است.

در مباحث توحیدی «رجال عرف الله حق معرفته» هستند، در نگاهشان به حضرت عشق می ورزند در روایت آمده است که اینها عاشق حضرت هستند و حتی به زین مرکب حضرت تبرک می جویند. روایت دیگری می گوید: حضرت وقتی به کوفه می آید آنها از شوق آن قدر گریه می کنند که متوجه نمی شوند حضرت چه گفت. خدا امام را رحمت کند در جماران مردم که به دیدارشان می رفتند گریه می کردند. یا امروزه گاهی

ورود رهبر معظم انقلاب در دل‌های حاضرین فضای خاصی را ایجاد می‌کند. این فضا درباره امام زمان (عج) قابل قیاس با کسی نیست.

سایر ویژگی‌های یاران امام زمان (عج) زهد، علم، بصیرت، تقوا، عدالت خواهی، بردباری و نظم است.

ابنا: زنان چند نفر از یاران حضرت مهدی (عج) را تشکیل می‌دهند؟ و وظیفه آنان چیست؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: در روایات آمده است که ۵۰ نفر از ۳۱۳ نفر، زنان هستند و در روایت دیگر آنها ۱۳ نفر یاد شده است. برخی گفته‌اند که اینها جزء ۳۱۳ نفر، و برخی هم گفته‌اند که علاوه بر ۳۱۳ نفرند که به نظر می‌رسد زنان جزء ۳۱۳ نفر باشند.

از امام صادق (ع) روایتی وجود دارد که همراه حضرت مهدی (عج) ۱۳ نفر زن هستند؛ راوی - مفضل بن عمر - می‌پرسد وظیفه زنان چیست؟ حضرت می‌فرماید: « یداوین الجرحی » اینها بیماران را مداوا می‌کنند، کما اینکه در عصر پیامبر (ص) هم زنانی بودند که این کار را می‌کردند. ایشان در این روایت، ام ایمن، سمیه مادر عمار یاسر و بعضی از زنان را نام می‌برد. در این روایت بخشی از فعالیت این زنان مشخص شده است. در بعضی از روایت‌ها به صورت عام آمده است که زنان در عصر ظهور در خانه‌ها تفسیر می‌گویند. این روایت نشانگر جایگاه علمی زنان است.

ابنا: در روایاتی از برخی شهرها نام برده شده که یاران امام زمان (عج) از این شهرها هستند و حتی تعداد دقیق یاران با اسم یاد شده است. آیا این روایات صحت دارد؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: اینکه نام یا شهر یاران حضرت در بعضی روایت‌ها آمده، معتبر و قابل اعتماد نیست. متأسفانه با توجه به اینکه شهر یا نام افرادی در روایات آمده است این بهانه‌ای برای برخی شیادها فراهم شده و با دستکاری در روایت ادعا می‌کنند که منظور روایت من هستم و می‌بینیم که در اصل سند، این نام نیست، چند نام بوده و شخص نامی را بالا پایین کرده و گفته منظور از این روایت من هستم. از این دروغ‌ها وجود دارد و این روایات قابل اعتنا نیست. راه برای کسی بسته نیست همانطور که پیشتر گفتم در روایت آمده است «اسماءهم فی الارض مجهوله» اینها در زمین شناخته شده نیستند و ناشناس‌اند.

ابنا: آیا همه یاران حضرت، شیعه اثنی عشری اند یا از سایر شیعیان و مذاهب هم افرادی جزء یاران امام زمان(عج) خواهند شد؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: آنچه که وجود دارد این است که در یاری حضرت افراد از نظر ویژگی ها و رفتارها هر چه به ایشان نزدیک تر باشند، مسئولیت و جایگاهشان مهم تر است. اما اینکه بگوییم یاران ایشان را فقط شیعیان مخلص و مخلص تشکیل می دهند، این نیست. البته ممکن است ۳۱۳ نفر در اوج و بالاترین ها باشند اما اینکه بگوییم که یاران حضرت فقط شیعیان هستند چنین چیزی نداریم. بله؛ زمان جنگ تحمیلی افرادی به جبهه ها می آمدند که گاهی اصلاً نماز نخوانده بودند ولی در فضای جبهه و جنگ، از بهترین ها می شدند. یعنی ممکن است افرادی از غیر مسلمانان، به حضرت کمک کنند، به مقامات بالا برسند، راه دین و عبادت را پیدا کنند و در مسیر قرار بگیرند. چون حضرت سخن از جان و دل و فطرت بشریت می گویند.

ابنا: افرادی که رجعت می کنند جزء این ۳۱۳ نفرند یا نه؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: افرادی که رجعت می کنند به ۳۱۳ نفر اضافه خواهند شد و ۳۱۳ نفر یاران حضرت، افراد زنده هستند.

ابنا: فعالیت های فرهنگی یاران امام زمان(عج) در جهت برقراری قسط و عدل در جهان چیست؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: اولین حرکت فرهنگی رفتار عملی یاران است. همانطور که در آغاز قیام امام با آنان عهد می بندد و از آنان پیمان می گیرد بر برخی امور نظیر عدم سرقت، عدم تن به بدی دادن، عدم تجمل گرایی و سایر تعهدات. اینان نیز در عمل خود الگویی برای این امر می شوند چون امام خود ساده می پوشد و دل به دنیا نداده و اسیر رانت ها و افراد نمی شود. این خود مهمترین کار فرهنگی در جهت بسط عدالت است که افرادی روی کار می آیند که ویژگی شان تقوی و شایستگی هاست. از سکوی پرش ناعادلانه زر و زور و تزویر بهره نجسته اند و این در منظر مرآی مردم یعنی عدالت.

ابنا: سلاح یاران امام زمان(عج) چه خواهد بود آیا آنها با سلاح های متعارف فعلی مبارزه خواهند کرد؟

- حجت الاسلام محمد صابر جعفری: برخی اصرار دارند که حضرت از شمشیر استفاده می کند چون ظاهر برخی روایات شمشیر است. اینها استدلال هایی می آورند که اسلحه های دیگر کشتار جمعی هستند و با این سلاح ها، با گناه و بی گناه کشته می شوند ولی جنگ با شمشیر جنگ تک به تک است. اما در مقابل جوابی که برخی می دهند این است که اصل اینکه حضرت سلاح دارد و جنگ هم دارد، را نمی شود انکار کرد؛ بالاخره حضرت می خواهد عدالت برقرار کند و دشمنان زیادی با او روبرو خواهند شد همانگونه که با پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) روبرو شدند؛ اصلاً آنها جنگ را شروع می کنند. حال اینکه سلاح حضرت چیست اصراری وجود ندارد که حضرت از شمشیر استفاده کند. قرائن و استدلال هایی وجود دارد از جمله اینکه ما در روایات آمده است که «الجنة تحت ظلال السیوف» بهشت زیر سایه شمشیرهاست. آیا معنی این جمله این است: کسانی که فقط از شمشیر استفاده کرده و کشته شده اند به بهشت می روند؟ یا بهشت زیر سایه مجاهدت و مجاهدان است؟ بهشت متعلق به کسانی است که جهاد می کند و می جنگد؛ با نیزه باشد یا دست خالی و یا هر چیز دیگر. لذا سیف، نماد مبارزه خواهد شد. یعنی حضرت مبارزه هم دارد. پس بحث سیف صرفاً نمی تواند دلیل باشد که بر ظاهر آن بمانیم.

جواب کشتار های دسته جمعی و کشته شدن بی گناه و با گناه این است که ممکن است که با رشد اسلحه های مختلف و پیشرفت تکنولوژی نظامی، اسلحه ها به سمتی بروند که بی گناه و با گناه از بین نروند؛ مثلاً ممکن است با پیشرفت علم از لیزر استفاده شود که فرد خاصی را هدف قرار دهند. البته اصرار نداریم بگوییم از لیزر حتماً استفاده می شود. بنابراین تاکید به اینکه شمشیر تک به تک بوده و بی گناه و با گناه کشته نمی شوند و با اسلحه های کنونی کشتار جمعی می شود، بی معناست. غیر از اینکه برگشت به دوره شمشیر یعنی عقب گرد از تمام پیشرفت ها، و این خیلی هزینه دارد و اتفاقات زیادی باید بیفتد تا این مسئله رخ دهد.

در انتظار منجی - ۹: فرصت‌ها، تهدیدها و آسیب‌های مباحث مهدویت و آخر الزمان چیست؟

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین زهیر دهقانی آرانی» کارشناس مباحث مهدوی است که بحث "مهدویت؛ فرصت‌ها، تهدیدها و آسیب‌ها" را با او مطرح نمودیم.



ابنا: مسأله انتظار منجی مورد توجه بسیاری از جهانیان است. بفرمایید فرصت‌هایی که در موضوع مهدویت برای ما پیروان مذهب اهل بیت(ع) وجود دارد چیست؟

— بسم الله الرحمن الرحيم. اندیشه مهدویت ظرفیت بسیار بالایی دارد که ما به آن توجه نکرده‌ایم. چند سالی است که غربی‌ها بسیار به این بحث توجه نموده و بشدت علیه آن کار می‌کنند. ما امروزه با یک سری فرصت‌های بی نظیر در زمینه مهدویت در جهان مواجه هستیم که متأسفانه به دلیل همان عدم توجه، آن‌ها را از دست می‌دهیم و رقیبان و دشمنان ما از آن‌ها به سود خود استفاده می‌کنند. ظرفیت‌ها و فرصت‌ها در زمینه مهدویت سه دسته است:

اول: ظرفیت والای مهدویت با توجه به ذات خود؛

دوم: ظرفیت آن با توجه به شرایط کنونی جهان و منطقه؛

و سوم: ظرفیت آن با توجه به شرایط کنونی شیعیان و کشور ایران.

یک ظرفیت ذاتی مهدویت که ما از آن غافل هستیم، زنده و پویا بودن این اندیشه در طول اعصار و زمان هاست. ویژگی تشیع این است که در هر زمانی زنده و پویاست؛ مثلاً مباحثات «هانری کربن» با «علامه طباطبایی» که بسیار مشهور است را ببینید؛ یکی از مباحثی که کربن را به اسلام علاقه‌مند کرد و دل‌باخته آن شد - گرچه ظاهراً مسلمان نشد - همین بحث مهدویت بود. وی جمله عجیبی دارد که ما کمتر به آن توجه

کرده‌ایم وی می‌گوید: «به نظر من مذهب شیعه تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته، پیوسته ولایت را زنده و پابرجا می‌دارد... من به خاطر بحث درباره شیعه و رسیدن به حقایق این مذهب نزدیک بود پست تحقیقاتی خود را در دانشگاه سوربن از دست بدهم.» آقای کربن به این عقیده باور دارد که رابطه خدا و خلق و لو اندک زمانی قطع نمی‌شود زیرا همیشه باید حجت خدا در زمین باشد. ما در هیچ مذهب دیگری تا کنون چنین چیزی نه دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم. مگر اینکه به تازگی از این اندیشه شیعی وام گرفته باشد و این نکته قابل توجهی است.

همچنین در جای دیگر در خاطرات مربوط به آقای کربن از قول افرادی که به دیدن علامه طباطبایی می‌رفتند نقل شده است که: آقای کربن بعضی اوقات به اصرار از ما می‌خواست که: مرا به مسجد جمکران ببرید! می‌گفتیم: تو که مسلمان نیستی تا در آنجا عبادت کنی، پس برای چه می‌خواهی به مسجد جمکران بروی؟ کربن می‌گفت: "من آنجا حسی را پیدا می‌کنم که در هیچ جای دیگر برای من سابقه ندارد".

این همان ظرفیت ذاتی است که ما به آن توجه نکرده‌ایم.

ابنا: در رابطه با ظرفیت جهانی و بین‌الادیانی چه؟

— بله، مهدویت از آن عقایدی است که می‌تواند گفتمان بین‌المللی در سطح جهان ایجاد کند زیرا اندیشه آن منطقه‌ای، قشری و یا برای افراد خاصی نیست و بلکه برای کل مردم جهان است. این دومین ظرفیت بزرگ مهدویت است.

مثلاً ما قائل هستیم که در کنار منجی اسلام یک کمک یار خواهد آمد و آن «حضرت عیسی بن مریم» است؛ ولی ما چرا نمی‌توانیم آن را برای مسیحیت روشن کنیم و بگوییم که منجی شما نیز همراه منجی ما می‌آید و نیازی به دعوا بین این دو مذهب نیست؟

ظرفیت بعدی که ما در مورد مهدویت داریم این است که ما معتقدیم و اثبات نیز می‌کنیم که اندیشه‌های شیعی در کل و به خصوص اندیشه مهدویت دارای پشتوانه محکم عقلی و کلامی است. سایر ادیان با این مورد بسیار مشکل دارند و بیشتر این موضوع برایشان پذیرفتنی است تا اثباتی.

ابنا: آیا امکان عرضه مباحث مهدویت در جهان وجود دارد؟

— در موضوع ظرفیت و شرایط کنونی جهان و منطقه، اولین مسئله بحران‌هایی است که در جهان موج می‌زند و به پررنگ‌ترین مسئله حال حاضر جهان تبدیل شده است که شامل انواع بحران‌های اخلاقی، اقتصادی، جنگ‌ها و غیره است و ما باید با مهدویت که برای همه آن‌ها پاسخی دارد، با این بحران‌ها مبارزه کنیم. نکته اینجاست که چرا ما جواب‌های این مسائل را با استفاده از مهدویت به جهانیان ارائه نمی‌دهیم؟!

بحث دیگر این است که رشد اسلام خواهی در دو دهه اخیر کاملاً مشهود بوده است. شاید ما توجه نکرده باشیم که این هجمه‌هایی که به خصوص از سال ۲۰۰۰ میلادی تا کنون علیه اسلام انجام می‌شود، دلیلش چیست. دلیل آن چیزی جز آمار رشد اسلام خواهی در این کشورها نیست. این آمارها بین روسا و بزرگان این کشورها منتشر شده و به آنان هشدار تبدیل اروپا و غرب به اروپا و غرب مسلمان را می‌دهد. تصدیق این حرف، سخن پاپ قبلی در سال ۲۰۱۱ میلادی است که گفت: «امروز روزی است که جمعیت مسلمان جهان از ما کاتولیک‌ها بیشتر است».

این آمارها در غرب منتشر شده است و زنگ خطری برای روسا و بزرگان غرب به صدا در آورد که باید از اسلام خواهی و رشد اسلام در غرب جلوگیری کنیم و بهترین کار منفور کردن چهره اسلام در میان غربی‌هاست. که متأسفانه در برخی زمینه‌ها موفق هم بوده اند.

مورد بعدی که اوضاع جهانی را برای ما مشخص می‌کند توجه شدید به مسائل آخر زمانی و منجی گرایانه در جهان است. یکی از مصادیق اثبات این حرف، رشد ساخت فیلم‌ها و سریال‌های آخر زمانی در سال‌های اخیر در آمریکا است که حتی یکی از این سریال‌ها هم اکنون در آمریکا در حال پخش است.

مورد بعدی آمار موجود است که توسط دو موسسه معتبر آمار گیری آمریکایی انجام شده است و به این وسیله توجه مسیحیان به مسائل آخر زمان را سنجیده اند. موسسه PEW آمریکا در دو سال ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ میلادی اقدام به آمارگیری در مورد باور مردم نسبت به ظهور مسیح نموده است که در سال ۲۰۰۶ مردمی که باور به ظهور دارند ۲۰٪ و مردمی که باور ندارند ۳۸٪ است و در سال ۲۰۱۰ آمار این مردم به ۴۷٪ و ۳۸٪ تغییر پیدا کرده که نشان از اعتقاد نیمی از مردم آمریکا به ظهور مسیح در طول ۴۰ سال آینده دارد.

سومین دسته ظرفیت و شرایط کنونی شیعیان و کشور ایران نسبت به مهدویت است. به حمد الهی سمت و سوی حرکت حوادث منطقه به سود قدرت شیعیان و ایران بوده است و این مطلب را دوست و دشمن تایید می‌نمایند. جک اسمیت یکی از نویسندگان ضد مهدویت حال حاضر است که کتابی نیز در این زمینه به چاپ

رسانده است؛ وی می‌گوید: «وقتی یک فرد اتفاقات کنونی جهان را از نقطه نظر شیعه بنگرد، کاملاً متحیر می‌شود. یمن به دست حوثیان افتاده، ملک عبدالله در عربستان مرده و جهان بیش از گذشته در برابر اسرائیل ایستاده است. پازل شیعیان برای ظهور مهدی در حال تکمیل شدن است!». از این بحث می‌خواستم به این نتیجه برسم که از اوضاع حال حاضر جهان، می‌توانیم بهره‌برداری زیادی به سود شیعه کنیم.

موضوع دیگر توجه و علاقه شدید مردم به موضوع مهدویت است. مهدویت نه فقط بین ما شیعیان بلکه در حال حاضر در عالم اسلام مطرح است. دلیل این موضوع را نیز آماری که همان شرکت آمارگیری آمریکایی (موسسه PEW آمریکا) در بیست و سه کشور که عمدتاً مسلمان بودند، - البته به جز ایران - گرفته است، ثابت می‌کند. این شرکت آمارگیری پرسشی مبنی بر اینکه آیا مهدی ایرانیان به زودی ظهور خواهد کرد، مطرح کرد و در نتیجه گیری آن آمده است: به طور میانگین ۴۲٪ مردم این کشورها که شامل کشورهای مثل افغانستان، پاکستان، تونس و ترکیه نیز دیده می‌شود، به این موضوع (آمدن قریب الوقوع مهدی (عج)) ایمان دارند. که با یک جمع و تفریق به جمعیت ۶۷۰ میلیون نفری مردم مهدی خواه می‌رسیم که به گفته خود مهدی جویان غربی نظیر «تیموتی اسموت» حیرت‌انگیز است.

این مباحث نشان از ظرفیت بسیار بالای اندیشه مهدویت در هر سه دسته آن در عالم هستیم. این بحث بسیار کاربردی را می‌توان برای تبلیغ شیعه و زمینه‌سازی ظهور استفاده کنیم.

ابنا: از دیدگاه حضرت‌عالی تهدیدهای مباحث مهدویت چیست؟

— در بحث تهدیدها یک بحث درون دینی داریم و یک برون دینی و درون دینی. با درون مذهبی‌ها در عقیده یکی هستیم ولی با تطبیقات بیجا، توقیت و سایر مباحث بر علیه مهدویت ناخواسته فعالیت می‌کنند. این گروه بعضاً انگیزه‌های انحرافی و ایده‌های خطرناکی دارند و عده‌ای به خاطر برداشت‌های اشتباه و یا اینکه احادیثی را نتوانستند خوب تفسیر کنند مورد اشتباه واقع شدند. مثل مباحث فیلم ظهور بسیار نزدیک است. این‌ها را با گفتگو می‌توانیم به مسیر درست هدایت کنیم.

برخی از این درون مذهبی‌ها مثل انجمن حجّتیہ خطرناک هستند. اعضای انجمن حجّتیہ مخالف هر گونه فعالیت اصلاحی قبل از ظهور بودند و می‌گفتند نباید هیچ کاری کنیم و برخی مخالف انقلاب بودند. یا برخی از دگران‌دیشان‌الگوهای انحرافی و نادرست از مهدویت معرفی کرده و شبهاتی بیان می‌کنند که اینها عمدتاً در خارج از کشور حضور دارند و با برداشت‌های خود مشکل ایجاد می‌کنند و برای مهدویت تهدید هستند.

گروه دیگر؛ گروه های تکفیری و وهابیت هستند اینها هم با الگوهایی که معرفی می کنند با مهدویت مخالفت می کنند؛ به این صورت که الگویی را برای عالم معرفی می کنند که کاملاً با اهداف مهدویت مخالف و معارض است. برای نمونه؛ گروه های تکفیری مثل داعش، طالبان و مفتی های وهابی، تصویری از حضرت مهدی(عج) معرفی می کنند که تصویر خیلی بدی است و باعث خراب شدن وجهه مهدویت در عالم می شود و ما امروزه نتایج آن را می بینیم. این ها مسلمان هستند و با مهدویت تعارض دارند.

گروه دیگر مسلمان نیستند و خارج از اسلام اند یکی از اینها بهائیت است. تبلیغ بهائیت ضد مهدوی است و مسیحیت تبشیری اساساً منکر بحث مهدویت شیعی است. از غیر مسلمانان گروه دیگری که خطرناک هستند صهیونیسم مسیحی است که یک تفکر قوی رسانه ای دارند و بر علیه مهدویت مستقیم و غیر مستقیم فعالیت می کنند. این گروه به صورت مستقیم در ده سال اخیر سی یا چهل کتاب ضد مهدوی نوشته اند و به صورت غیر مستقیم منجی خود را به گونه ای معرفی می کنند که مخالف منجی اسلامی عمل می کند.

ابنا: آسیب های مباحث مهدویت چه مسائلی است؟

— آسیب ها بیشتر به کسانی مرتبط است که دغدغه مهدوی دارند ولی متأسفانه به جنبه های فعالیت خود توجه نمی کنند و در نتیجه آسیب هایی پدید می آید. برای نمونه قشرهای خاصی از مردم را هدف قرار می دهیم در حالی که سعی نمی کنیم کل مردم را روشننگری کرده و با اهداف حضرت مهدی(عج) آشنا کنیم. با توجه به روایات مهدوی یک زمینه سازی عمومی باید ایجاد شود و باید غیر شیعیان و حتی غیر مسلمانان را آگاه کنیم و قرار نیست فقط بچه مذهبی ها آماده حضور باشند.

ما بعضی وقت ها توجه به نیازهای قشر مخاطب خود نداریم و جامعه ای برای آینده ترسیم می کنیم که فقط یک جامعه آرمانی برای قشر خاصی است. مثلاً ما نمی گوئیم که حضرت ولی عصر برای زنان، جوانان و طیف های دیگر چه خواهد کرد.

متأسفانه نیروهای مذهبی که دغدغه دارند حواسشان به پیشرفت ها و جنبه های جدیدی که در اجتماع رخ می دهد، نیست و نتیجه اش این می شود که از ابزارها و روش های قدیمی و پیش پا افتاده استفاده می کنند و شخص، مخاطب جدید را از دست می دهد. امروزه قشر جوان از شبکه های مجازی زیاد استفاده می کند. متأسفانه نیروهای مذهبی خیلی به سمت این ابزارها نمی روند؛ یا تبلیغ مهدویت در شبکه های مجازی به وسیله الگوها و روش های قدیمی است و فکر می کنند که اینها جواب می دهد. به جای مباحث معرفت

افزایی، بحث های شعاری و احساسی فضای مجازی ما را پر کرده است؛ در حالی که بحث معرفت افزایی و آماده سازی خیلی مهمتر از بحث احساسی است.

ابنا: از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشتید تشکر می کنم.

در انتظار منجی - ۱۰: آسیب های ملاقات گرایی / راههای نجات از "دام مدعیان دروغین ملاقات با امام زمان(عج)" چیست؟

بحث این هفته، سخنرانی «حجت الاسلام و المسلمین حسن قائمی» کارشناس مباحث مهدویت در مورد آسیب شناسی مباحث مهدویت با موضوع «ملاقات گرایی» است. این سخنرانی در هفته جاری در مسجد امام حسن عسکری(ع) پردیسان قم ایراد شد.



متن سخنرانی استاد قائمی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

از آرزوها و علایق همه ما شیعیان دیدن جمال دلربای مهدی فاطمه(س) در بیداری و یا عالم خواب است. در این موضوع که مشتاق دیدن آن حضرت هستیم بحثی نیست و طبیعی است. بحث بر سر این است که آیا ما به دنبال ملاقات بریم یا نه؟ برخی با ادله ای قائلند که در عصر غیبت امکان ملاقات وجود ندارد این دیدگاه صحیح نیست و این ادله جواب داده شده است.

ویژگی های کسانی که امام زمان(عج) را ملاقات کرده اند

امکان ملاقات در عصر غیبت وجود دارد؛ اما با چند ویژگی:

اول: در اکثر ملاقات های انجام شده افراد با امام زمان(عج) ایشان را نشناخته اند؛ جز در برخی موارد خیلی خاص.

دوم: کسانی که آقا را دیده و به محضر ایشان تشریف داشته اند، لطف الهی بوده و هیچ ادعایی نداشته اند.
به قول شاعر:

هر که را اسرار حق آموختند / مهر کردند و دهانش دوختند

در دوران غیبت صغری و غیبت کبری نیز اشخاصی ادعای ملاقات با امام، و بالاتر از آن ادعای امام زمان بودن داشته اند. برخی دیگر ادعای نیابت و حتی مدعی همسری امام بودند. این ادعاها در طول تاریخ بوده و تکرار شده است. ریشه پذیرش این افراد از طرف مردم در جهل و بی اطلاعی آنها از نشانه ها و علائم ظهور است.

خاستگاه ادعای ارتباط با امام زمان(ع)

جهل و کم اطلاعی، شهرت طلبی، اختلالات روانی، کمبودها و کم توجهی های روحی و روانی در دوران کودکی و مرید بازی از علل ادعای ملاقات با امام زمان(عج) است و بهترین روش جهت ارضا و پاسخگویی و جبران این کمبودها، ادعای ارتباط با حضرت مهدی(عج) است.

راههای نجات از دام مدعیان دروغین ملاقات با حضرت مهدی(عج)

۱. قرآن و سنت؛ معیار تشخیص حق و باطل بودن سخنان و ارزیابی شخصیت یک شخص است.
این مدعیان از برخی آیات قرآن استفاده می کنند و می گویند فلان کار را انجام دهید، فلان دعا را بخوانید و غیره. بیشتر به دنبال جذب مشتری و سوء استفاده از افکار مردم ساده لوح هستند.
۲. در دوران غیبت کبرا، امام زمان(عج) به هیچ عنوان نماینده و نایب خاص ندارند.
۳. آنچه که از طریق خواب رحمانی و کشف و شهود عرفانی صحیح به دست می آید گرچه در جای خود ارزش والایی دارد ولی برای دیگران حجت نیست. یعنی امکان اینکه شخص، امام زمان(عج) را در خواب ببیند، وجود دارد؛ اما اولاً: کسی که ایشان را در خواب دیده به کسی اطلاع نمی دهد و ثانیاً فقط برای خود آن شخص حجت است.

۴. مدرک خواستن از کسانی که توصیه های اخلاقی و نسخه های دینی ارائه می دهند. مدعیان ملاقات نسخه های خاص پیچیده و اذکار خاصی می گویند، که معمولاً سند و مدرکی ندارد و باصطلاح "من در آوردی" است.

۵. مدعیان، سخنان باطل را در لابلائی سخنان خوب و حق پنهان می کنند فریب ظاهر آنان را نخوریم. یعنی همه صحبت های این مدعیان، اشتباه و غلط نیست؛ زیرا اگر چنین بود مردم سریع متوجه می شوند و معمولاً چند مطلب صحیح و خوب و روایت و آیه معتبر را بیان کرده و در لابلائی آن حرف های کذب و دروغ خود را بیان می کنند و به خورد مردم می دهند.

۶. خبر دادن از امور غیبی مربوط به زندگی یا برآورده شدن حاجت با توصیه و نسخه ای که او ارائه داده، دلیل بر حق بودن او نیست. مدعیان ملاقات، معمولاً از عالم غیب خبر داده، از گروهی برای عوام فریبی استفاده کرده و یا حتی شیاطین را به تسخیر خود در می آورند و برای رسیدن به اهداف خود از آنها استفاده می کنند.

باید توجه داشت که هیچوقت خداوند از اسرار گذشته مردم پیش کسی خبر نمی دهد؛ زیرا خدا "ستار العیوب" است و اسرار افراد را برای احد الناسی فاش نمی کند. کسی که مدعی اطلاع از اسرار و گناهان دوران زندگی افراد است قطعاً از شیاطین در این مسیر کمک گرفته است و موارد متعددی از این مباحث دیده شده است. هر کس که از علوم غریبه و غیب خبر داد دلیل بر حقانیت وی نیست، اتفاقاً فردی که از سر زندگی افراد خبر می دهد در حال انجام فعل حرامی است و نشان از غلط بودن راه آن است.

۷. لزوم تقلید از مرجع تقلید جامع الشرائط زنده و پیروی از ولی فقیه. همیشه ارتباط داشتن با یک مرجع تقلید زنده و پیروی از راه ولایت فقیه کلید رهایی از این مشکلات و گرفتاری هاست. معمولاً مدعیان ملاقات می گویند که به سراغ مراجع و علما نروید زیرا علما دست این مدعیان را برملا می کنند. این افراد معمولاً از افرادی با ظاهر موجه برای موجه جلوه دادن اعمالشان استفاده می کنند و از کانال آنها مردم را به سمت خود می کشند و فریب می دهند.

۸. کسانی که صرفاً از طریق دعا، اذکار، اوراد و امثال آن به درمان دردها و گرفتاریها می پردازند کارشان بر خلاف سنت الهی یعنی نظام اسباب و مسببات است.

در مورد اذکار نیز که برخی افراد مدعی می‌گویند فقط شفای شما با این ذکر و به دست من است از یک اصل الهی فاصله می‌گیرند که خدا در نظام اسباب و مسببات، فقط از راهش وارد می‌شود و دعا، کمک‌کننده این اسباب است، دعا موثر است به شرطی که شخص حرکت داشته باشد.

چند نکته در مورد ملاقات :

الف : در دوران غیبت کبرا اصل بر عدم ملاقات است چرا که اقتضای غیبت همین است.

ب : قطعاً تا به حال افرادی به خاطر قرار گرفتن در شرائط اضطراری و توسل به حضرت یا به خاطر طهارت نفس محضر ایشان مشرف شده اند ولی: اولاً: این تشرفات به إذن و اختیار خود حضرت بوده نه آنان؛ ثانیاً: در اغلب این موارد، موقع تشرّف حضرت را نشناخته اند؛ ثالثاً: از این قضیه برای مطرح نمودن خودشان هرگز استفاده نمی‌کردند.

در عصر غیبت کبری اصل بر ملاقات نکردن است. برخی جریان‌ها با سوءاستفاده از جریان ملاقات با امام زمان(عج) دنبال پایین آوردن شأن ایشان هستند. در عصر غیبت جز در موارد خاص و اضطراری امام زمان(عج) قرار نیست دیده شوند. آثار تخریبی افرادی که به دنبال ملاقات با امام زمان(عج) هستند و موفق نمی‌شوند معمولاً به دو شکل است: یا کلاً منکر وجود امام زمان(عج) می‌شوند و می‌گویند اساساً امام زمانی وجود ندارد و وجود ایشان دروغ است. یا می‌گویند ما خیلی ناخالص و ناپاک و بی‌لیاقت بودیم که نتوانستیم ایشان را ببینیم! و در نتیجه دچار افسردگی و مرض و دارو و درمان می‌شوند.

ج : تشرّف محضر امام زمان(عج) نعمت بزرگ الهی است و آرزوی هر شیعه‌ای است؛ اما ما مأمور به تلاش برای دیدن حضرت نیستیم بلکه مأمور به تقرّب به او هستیم با انجام واجبات، ترک محرّمات و رعایت آداب و اخلاق اسلامی.

ما در هیچ روایتی موظف به دیدن امام زمان(عج) نشده ایم. حتی در ادعیه‌ای مثل «دعای عهد» که آرزوی ملاقات می‌کنیم باید فرازهای قبل و بعد آن را دقت کنیم، ما دنبال ملاقات آن حضرت در حکومت ایشان هستیم و آرزوی حضور در حکومت حضرت و دیدن ایشان در عصر ظهور را داریم. ما باید دنبال انجام وظیفه خود در عصر غیبت باشیم و از کجا معلوم که دیدار با حضرت به سود ما و یا به صلاح ما باشد؟ صرف دیدار حضرت که مشکلی را حل نمی‌نماید. مگر مردم مدینه ۲۳ سال با پیامبر(ص) نبودند؟ پس چرا به جز عده‌ای از آنها ولایت حضرت علی(ع) را قبول نکردند؟

چه بگویند امام زمان(عج) امروز می آید، یا فردا و چه در آینده نزدیک یا دور، وظیفه من به عنوان یک منتظر واقعی هیچ فرقی نمی کند. هرکس باید وظیفه خودش را به نحو احسن انجام دهد. آن وقت خود حضرت مهدی(عج) به ما سر می زند؛ و نمونه هایی از این سر زدن ها، مقدس اردبیلی و علامه بحرالعلوم می باشند. نکته بعد اینکه کسانی که توفیق تشریف پیدا کردند یا به خاطر اضطرار بوده و با تمام وجود امام زمان(عج) را خواسته اند و یا به خاطر پاکی نفس و طهارت باطنی بوده است. اما همه این تشرفات به اذن خدا و اذن امام زمان(عج) بوده و هیچ کدام به اختیار افراد نبوده است و در اکثر تشرفات آقا را نشاخته اند و کسانی که به این تشرفات نائل شدند، دنبال سوء استفاده از آن نبودند.

آسیب های ملاقات گرائی

۱- به وجود آمدن تزلزل اعتقادی به خاطر عدم موفقیت؛

۲- گرفتار توهمات و خیالات شدن؛

۳- فراهم شدن زمینه برای شیادان و فرصت طلبان؛

۴- باز ماندن از رسالت و وظیفه اصلی یعنی زمینه سازی ظهور.

وظایف اصلی منتظر امام زمان(عج)

وقتی وظایفمان را درست انجام دهیم، گرفتار آسیب های ملاقات گرای می شویم. وقتی کسی دچار این آسیب شود در اعتقاداتش متزلزل می شود؛ زیرا به ملاقات آقا نمی رسد و فراموش کرده که اصلاً قرار نیست هرکسی آقا را ببیند. همچنین از وظایف اصلی منتظر که اولین و مهمترین آن معرفت امام، دوم محبت امام و سوم اطاعت امام است، بازمی ماند.

نمونه ای از مدعی دروغین ملاقات با امام زمان(عج)

به طور مثال یکی از مدعیان ملاقات با امام زمان(عج)، شش سال بیشتر درس حوزه نخوانده بود و با پیش نمازی، استخاره، اذکار و تعبیر خواب مردم را به خود جلب می کرد. یکی از ویژگی های این شخص این

بود که در مراسم ها اذکار خاصی می گفت، که دیگران آن را نمی گفتند مثلاً در سینه زنی در شور می گفت: «انا سائل سائل جعفر» یا «انا عطشان عطشان جعفر». و منظور وی از جعفر، امام جعفر صادق (ع) بود. ویژگی بعدی این فرد صدای خوب او بود و در نتیجه طرفدارانی برای خود جذب کرده بود.

این مدعی دروغین در سخنرانی خود می گفت که اولین شرط برای رسیدن به امام زمان (عج) باور من است؛ زیرا من نایب و مأمور مستقیم آقا هستم.

نکته جالب این است که پس از دستگیری، این مدعی دروغی به جرم های خود اعتراف کرد و نحوه مجذوب کردن مردم به خود را توضیح داد. وی در اعترافات خود گفت: "ما از طرف کشورهای غربی و آقای نوری زاد - ضد انقلاب معروف - حمایت می شدیم". جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا نیز پس از دستگیری این فرد رسماً اطلاعیه داد و از او حمایت کرد.

وجه مشترک مدعیان ملاقات

وجه مشترک بیشتر مدعیان دروغین ادعاهایی نظیر: «نزدیک بودن ظهور»، «من تنها نایب امام هستم»، «زمان و فرصت دیگری برای ظهور باقی نیست»، «علامت های ظهور را من مشاهده می کنم»، «من از زمان ظهور خبر دارم» می باشد و علت استفاده از این ادعاها این است که مشتاقان امام زمان (عج) جذب این حرف ها و افراد شوند و اینان به اهدافشان که فریب مردم و غفلت از امام زمان (عج) است، برسند.

در انتظار منجی - ۱۱ : تبارشناسی جریان "احمد الحسن" / روش های تبلیغی جریان مدعی یمانی چیست؟
میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین عبدالقادر همایون» پژوهشگر فرق و ادیان و کارشناس مباحث مهدویت است که مناظره هایی با مبلغان جریان احمد الحسن در شهرهای مختلف انجام داده است.



متن گفتگو با حجت الاسلام همایون در ذیل می آید:

ابنا: موضوع گفتگوی ما در مورد احمد الحسن مدعی یمانی است، چون فعالیت های احمد الحسن به بحث یمانی مربوط می شود، در ابتدا در مورد یمانی و خروج یمانی مختصری توضیح دهید.

- بسم الله الرحمن الرحيم. ما در باب علائم دو نوع علائم حتمی و غیر حتمی داریم و پنج نشانه حتمی و محتوم می باشد و در روایات نیز به همین نام محتوم از آنها یاد شده است. یکی از آنها خروج یمانی و سفیانی است و در روایات تاکید شده است که خروج یمانی و سفیانی در یک ماه، یک روز و یک ساعت اتفاق می افتد. خسف بیداء یعنی فرو رفتن سپاه سفیانی در منطقه ای بین مکه و مدینه، ندای آسمانی و قتل نفس زکیه از نشانه های دیگر قبل از قیام امام زمان (عج) می باشند.

در ابتدا نکته ای را عرض می کنم که اگر آن را خوب توضیح دهیم شاید تمام ادله احمد الحسن یکجا باطل گردد. ما در ادله مهدویت بین ظهور و قیام آن حضرت تفاوت نگذاشته ایم و این باعث انحرافات شده است. در ادبیات عامیانه ظهور و قیام حضرت یکی است اما حقیقت امر این است که بین ظهور و قیام تفاوت وجود دارد. در روایات عموماً هر جا صحبت از ظهور می شود، می گوید این امر ناگهانی است؛ «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ» جز ناگهان بر شما روی نمی دهد، مانند قیامت است. و در روایت دیگر آمده است که احدی جز حق از آن یعنی ظهور حضرت آگاه نیست.

از طرف دیگر در روایاتی برای ظهور حضرت علامت می‌آورد، که این نشانه دادن ظهور و آن ناگهانی بودن در نگاه اول تناقض دارد. برای پیشگیری از این تناقض باید ما بین ظهور و قیام حضرت تفاوت قائل شویم، قیامی که در روایات با نام خروج از آن یاد شده است.

اعتقاد مسلم شیعه بر این است که باب نیابت خاص حضرت مسدود است. ما در روایت داریم نفس زکیه سفیر امام است. سفیر یعنی از طرف امام مأموریت خاصی را باید انجام دهد و عبارت دیگر سفیر، نایب است. در اینجا انسداد نایب خاص حضرت خدشه دار شده و راه را باز می‌نماید تا افرادی مثل احمد الحسن بگویند که من همان یمانی هستم، اما این یمانی باید قبل از قیام بیاید نه قبل از ظهور. و اینجا دو حادثه اتفاق می‌افتد و این علائم مربوط به خروج و قیام حضرت است. در حالی که هنوز حضرت، ظهور نکرده است احمد الحسن چگونه مدعی است که یکی از نشانه‌های قیام حضرت است؟

ابنا: در مورد شخصیت یمانی که در روایات آمده است به اختصار توضیح دهید. آیا این شخصیت مثبت است یا منفی؟

- ما در اصل وجود یمانی یعنی اینکه شخصی که به یمانی مشهور است خروج می‌کند، حرفی نداریم و حتمی است. ما در بحث یمانی داریم که در زمان خروج یمانی خرید و فروش سلاح حرام است، این مباحث جزئیات و فرعیات این موضوع است. حتمی، خروج یمانی است و اینکه ما در زمان خروج یمانی، پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نداریم به طریق اولی نشان می‌دهد اصل شخصیت یمانی چهره‌ای مثبت است، و یمانی دقیقاً در مقابل جریان سفیانی قرار می‌گیرد.

یکی از اشکالاتی که ما به احمد الحسن که مدعی یمانی بودن است داریم این است که بر فرض محال شما همان یمانی هستید، همان روایتی که شما بر آن استناد کرده‌اید، آیا نمی‌گوید که یمانی با سفیانی در یک روز و یک ساعت خروج می‌کند و یمانی به مقابله با سفیانی می‌رود؟ پس سفیانی کجاست؟ اگر داعش را بگویند که با آن در سال اختلاف ظهور دارند و باز هم بر فرض محال‌تر قبول کنیم که داعش یا آل سعود یا رژیم صهیونیستی همان سفیانی است که می‌گویید، پس چرا به مقابله با آن نمی‌روید؟ زیرا جنگ با سفیانی از وظایف یمانی است که در روایات مشخص شده است. اصلاً جنگ پیش کش شما، چرا احمد الحسن حتی یک بیانه نیز بر ضد این سفیانی‌های زمان، نداده است.

ابنا: در مورد احمد الحسن و شخصیت او و اعتقادات و مراحل ادعای یمانی بودنش توضیح دهید.

- شخصی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع متولد ۱۹۷۳ میلادی در بصره در شهر زبیر از قبیله سیامور است که خود را سید معرفی کرده تا با ۵ واسطه خود را به امام زمان (عج) برساند. در زمان صدام حسین، این شخص مقدمات حرکت خود را قبل از ادعای یمانی بودن پی ریزی کرد. مثلاً به فقرا کمک می‌کرد و سعی می‌کرد بین مردم وجهه مثبتی پیدا کند و خود را انسان با تقوایی نشان می‌داد. در ضمن این حرکات، این شخص در دانشگاه بصره فوق لیسانس عمران می‌گیرد و بعد از آن دو سال در حوزه شهید صدر در نجف درس می‌خواند و معمم می‌شود. یکی از دلایلی که پشت این جریان احمد الحسن دست‌های پنهان وجود دارد این است که اینها مدعی هستند که حتی یک برگ فتوکپی شناسنامه، عکس، مدرک دانشگاهی و... از وی در حوزه و دانشگاه موجود نیست و این را یک نشانه می‌دانند و ادعا می‌کنند امر خدا بر آن شد که این مدارک از بین بروند و باقی نمانند. در حالیکه علم پیامبر (ص) و امامان (ع) اکتسابی نیست بلکه الهی و از سوی خداست. احمد الحسن ادعای عصمت می‌کند و بر فرض عصمت، باید علم الهی داشته باشد ولی درس خوانده است و این نشانه دیگری بر باطل بودن این مدعی دروغین است.

احمد الحسن پس از نابودی حکومت صدام با همکاری شخصی بنام حیدر مشطط ادعای خود را مبنی بر اینکه امام زمان (عج) را در خواب دیده، ارائه کرد، نظیر کاری که دقیقاً بهائیت انجام داد. این جریان به گمان من دقیقاً تجدید بهائیت است زیرا اکنون تاریخ مصرف بهائیت در زمینه مهدویت و خاتمیت و سایر مباحث تمام شده است و برای ما خطری ندارد البته نباید از آن چشم پوشی کرد و همچنان باید مراقب باشیم.

جریان احمد الحسن دقیقاً کپی جریان بهائیت حتی در تلون عقیده است. احمد الحسن از رؤیت امام در خواب به رؤیت امام در بیداری و از آن به بابیت امام که نوعی دیگر از یمانی بودن است، رسیده است. و به تازگی مبلغان این جریان چهره‌ای از احمد الحسن معرفی می‌کنند که کاملاً مطابق با امام زمان (عج) است. یعنی به مرور مطابق جریان بهائیت در حال انتقال کارکردهای امام زمان (عج) به احمد الحسن هستند. و بعید نیست که احمد الحسن ادعای پیامبری و خدایی نیز بکند. البته از چهره این افراد کاملاً مشخص است که این کاره نیستند و رهبری و هدایت این جریانات از طرف دست‌های پشت پرده‌ای است که قصد ضربه زدن به اسلام را دارند.

ابنا: جریان احمد الحسن و پیروانش با چه استدلال‌هایی مردم را به طرف خود جذب می‌کنند؟

- اولین گام و یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها اینان در بحث تبلیغ، رد و انکار علم رجال است زیرا می‌دانند که علم رجال همچون سدی محکم جلوی انحراف از روایات و احادیث است. مبلغان این جریان از همان اول می‌گویند که ما چیزی به نام علم رجال نداریم و دیگر شما نمی‌توانی بگویی فلان حدیث فلان مشکل را دارد.

جالب است بدانید این جریان عمر کوتاهی دارد حداکثر ۱۲ سال؛ و در همین مدت کوتاه چندین انشعاب در آن بوجود آمده است و هر کدام در این انشعابات روش خود را دارند و بزرگان این انشعابات یکدیگر را قبول ندارند که همین از دلایل باطل بودن آن است.

ما به جریان حاکمی که جریان احمد الحسن را تبلیغ می‌کند و به انصار عراق معروف هستند، می‌پردازیم و مهمترین دلیل‌هایی که می‌آورند را بررسی می‌کنیم. یکی از ادله‌ای که اینها زیاد هم استفاده می‌کنند این است که ما در بحث مهدویت چندین روایت داریم که تاکنون کسی نظیر احمد الحسن آن‌ها را برای ما توضیح نداده است و احمد الحسن اولین شخص است که این مفاهیم را برای ما تبیین کرده، پس او بر حق است. و این یکی از مهم‌ترین دلایل آنان است.

اولین شخصی که به علی محمد شیرازی ایمان آورد شرح آن در کتاب تاریخ بهائیت وجود دارد و جالب است. می‌گوید شخصی وارد شیراز شد و جوانی به دیدنش آمد، جوان بیگانه پرسید که برای چه کاری به شیراز آمده‌ای؟ او گفت برای پیدا کردن امام زمان (عج) به اینجا آمده‌ام. جوان پرسید که آیا نشانه‌ای هم داری؟ گفت بله در روایات آمده که امام زمان سنش کمتر از ۲۰ و بیش از ۳۰ نیست و سایر خصوصیات را بیان کرد. جوان گفت: آیا این نشانه‌ها را در من می‌بینی؟ پیرمردی که نامش «ملا حسین بشرویه ای» بود گفت بله تمام این نشانه‌ها را در تو می‌بینم. آن جوان که همان علی محمد شیرازی بود گفت من همان امام زمان هستم. می‌بینید که چقدر مضحکانه اولین نفر به علی محمد شیرازی ایمان آورد و از آن مضحکانه‌تر نیز دلیل مبلغان جریان احمد الحسن هست که عرض کردم.

من همیشه گفته‌ام که مبلغان یمانی اگر کتاب‌های علی محمد شیرازی را خوانده بودند %۱۰۰ بهایی شده بودند زیرا آنان نیز به همین روش از روایات برای اثبات خود استفاده می‌کنند. اگر کتاب «ایقان» حسین علی نوری، پیامبر ساختگی بهایی را خوانده بودند نیز همین اتفاق برایشان می‌افتد. اگر این طریق استدلال را قبول دارند تا الان یا باید بابی، یا بهایی یا حداقل قادیانی شده بودند و از بی‌سوادی و عدم دسترسی به منابع، پیرو این جریان شده‌اند.

به طور کلی اینها در استفاده ابزاری از روایات، روایات را یا جعل، یا تقطیع و یا تحریف می‌نمایند. مثلاً ده روایت را نقل و از هر کدام یک کلمه گرفته و می‌گویند پس ثابت شد که احمد الحسن همان یمانی موعود است، این کاری است که هرکسی می‌تواند آن را انجام دهد.

یکی دیگر از مهم‌ترین ادله‌ی اینها خواب است و عنوان می‌کنند که شما نیت کنید احمد الحسن را در خواب ببینید و یک سری اذکار "من در آوری" نیز به شخص می‌دهند که بخوانید و سه روز هم روزه بگیرید، امام زمان به خواب شما می‌آید و می‌گوید با پسر من بیعت کنید. اتفاقاً خیلی‌ها هم اینکار را کردند و در خواب چیزی ندیدند. گرچه بر فرض محال اگر کسی در خواب چیزی ببیند، حجیت ندارد.

جالب اینجاست که تا به اینها می‌گوییم که خواب حجت نیست، می‌گویند پس مسجد مقدس جمکران چیست؟ آنها اینقدر بی‌سواد هستند که نمی‌دانند که حسن بن مثله جمکرانی را از خواب بیدار کردند و جریان کاملاً در عالم واقعیت اتفاق افتاد و خواب مطرح نیست.

بحث دیگر اخبار غیبیه‌ای است که می‌گویند احمد الحسن پیش بینی کرده است. مثلاً می‌گویند از سقوط صدام خبر داده است. در زمان حاضر دیگر خبر از غیب دادن مطلب حل شده‌ای است. گفته می‌شود شاه نعمت الله ولی در شهر کرمان پیشگویی‌هایی کرده که به واقعیت پیوسته است. ما تحقیق کردیم و دیدیم که وی حدود ۱۰۰ پیشگویی انجام داده و از بین آنها فقط دو پیشگویی، آن هم به طور کلی نه در جزئیات به واقعیت پیوسته است که از این نمونه‌ها در طول تاریخ فراوان است.

مبلغان این جریان همیشه می‌گویند که ما آماده مناظره با علمای اسلام، مسیحیت و یهود در هر جای دنیا هستیم. یک نمونه از مناظره‌ها را عرض می‌کنم: خبر احمد الحسن به آیت الله سید صادق روحانی از مراجع مقیم در قم رسید. ایشان فکر کردند احمد الحسن جوانی است که وجه برایش مشتبه شده است و ما وی را آگاه می‌کنیم که به مرگ جاهلی از دنیا نرود. احمد الحسن گفت من اگر به ایران بیایم مرا به قتل می‌رسانند. آیت الله روحانی که فهمید قضیه فراتر از مشتبه شدن وجه است فرمود، خب بگویند کجا هستید من بیایم. گفت نه، شما می‌خواهید آدرس مرا پیدا کرده و مرا به قتل برسانید. آیت الله روحانی مجدداً گفتند که یک کشور سومی پیدا کنید تا در آنجا با هم مناظره کنیم ولی احمد الحسن نیامد. آیت الله روحانی گفتند من ۴۰ جلد کتاب در فقه نوشته‌ام، شما اشکالات کتاب مرا بگویید، مگر شما امام نیستید و عصمت ندارید؟! احمد الحسن گفت من وقت خواندن کتاب شما را ندارم. درحالی‌که اگر بر فرض محال، احمد الحسن عصمت داشت با علم الهی سریعاً باید می‌گفت در جلد فلان، صفحه فلان مشکل دارد.

مناظره کردن این افراد - به اصطلاح آماده - نیز اینگونه است و کاملاً شعاری است. عده‌ای فریب این جریان را خورده‌اند و یک طرفه فقط ادعاهای اینها را شنیده و چشم و گوش بسته قبول کرده اند. متأسفانه یکی از مشکلات ما این است که امروز در زمینه مهدویت خوب ورود پیدا نکرده و به سؤالات جوانان پاسخ درست نداده‌ایم.

یکی دیگر از دلایلی که این مبلغان جریان احمد الحسن استفاده می‌کنند باب استخاره است که عنوان می‌کنند شما نیت کنید، کتاب را باز کنید، خود قرآن شما را راهنمایی می‌کنند. استخاره‌هایشان نیز این گونه است که به سود خود تعبیر می‌کنند و کاملاً عوام فریبانه است یعنی اگر خوب بیاید می‌گویند: «احمد الحسن بر حق است» و اگر بد بیاید می‌گویند: «اگر به احمد الحسن ایمان نیاوری دچار بلا می‌شوی.» در ضمن ما نباید این اصل را فراموش کنیم که استخاره حجت نیست.

مبلغان این جریان مدعی هستند احمد الحسن دارای کرامت است. یکی از کرامت‌های این فرد مدعی دانستن محل قبر حضرت زهرا (س) است و می‌گوید که کنار قبر امام حسن مجتبی (ع) است. حدود سه سال پیش در خوزستان نیز مدعی وجود داشت که دقیقاً همین ادعا را داشت ولی آدرس دیگری می‌داد. این چه کرامتی است که نتوانیم آن را ثابت کنیم و کرامات احمد الحسن همه از این دست و ثابت نشده است.

ابنا: چه نوع افرادی از طرفداران جریان احمد الحسن هستند و مبلغان احمد الحسن از چه ابزارهایی جهت اشاعه افکار انحرافی خود و جذب افراد استفاده می‌کنند؟

- شبهه امر باطلی است که خود را به حق شبیه می‌کند و اندک اندک جای حق را می‌گیرد، به گونه‌ای که دیگر شما حق را نمی‌بینید. جریان احمد الحسن فرقه نیست زیرا فاکتورهای آن را ندارد بلکه یک جریان است و در اصل شبهه‌ای در مهدویت است که خاستگاه آن بحث خروج یمانی است. جوانان مذهبی ما که به دنبال مباحث مهدویت هستند، هدف این جریان انحرافی قرار می‌گیرند.

مهم‌ترین ابزار تبلیغی آن‌ها اینترنت است. جوان مذهبی ما وارد تالارهای گفت‌وگوی مذهبی به اسم امام زمان (عج) می‌شود و این سایت‌ها و تالارها متعلق به جریان احمد الحسن است؛ یعنی استفاده ابزاری از اسم امام زمان (عج) برای رسیدن به اهداف خود. هیچ وقت حرفی از احمد الحسن در سردر این تالارها نیست و معمولاً به اسم امام زمان (عج) است. اطلاعات جوانان ما نیز در بحث مهدویت اطلاعات تخصصی نیست و هنگامی که وارد این تالارها می‌شوند آن‌ها یکسری اصولی را استفاده می‌کنند نظیر اخلاق حسنه - به مبلغان

این جریان توهین می‌شود اما اخلاق خوب را رعایت می‌کنند - و به وسیله آن جوانان را جذب و پس از آن ادعاهای خود را مطرح و جوانان را فریب می‌دهند.

بنده با نظر برخی دوستان که صراحتاً می‌گویند مبلغان این جریان پول می‌گیرند، مخالف هستم. این اولین جریان سازی انحرافی استعمار نیست بلکه ده‌ها شبهه وارد اسلام و تشیع کرده و تبدیل به جریان شده است. نحوه ورود این جریان‌ها متفاوت از یکدیگر نبوده است. حالا ما بگوییم فلان مبلغ جریان احمد الحسن ماهی فلان دلار پول می‌گیرد و من این فرد را می‌شناسم و مطمئن هستم که این فرد یک دلار هم پول نگرفته است. این حرف باطل باعث می‌شود که من دیگر حرف‌های راست مخالف احمد الحسن را هم قبول نکنم. لذا این بسیار مهم است که ما در پاسخگویی به این جریانات انحرافی تا علم نداریم سخن نگوییم و وقتی که عالم به آن شدیم تا وقتی که سندی برای اثبات حرف خود نداریم برای مبارزه به این جریانات ورود نکنیم.

نحوه عمل استعمار برای این جریان‌های انحرافی نیز کاملاً مشخص است که یک سری نیرو با موجب دارد و یک سری نیرو بی‌موجب. پس ما در جریان احمد الحسن افرادی داریم که پول می‌گیرند مثلاً نفر اول تبلیغی این جریان که ساکن سوئد است و به ایران آمد و شروع به تبلیغ این جریان کرد، پول‌های هنگفتی دریافت می‌کند و برای این ادعایمان نیز سند داریم. اما این شخص قرار نیست که هرکسی را با خود همراه کرد با پول باشد. شما وقتی من را شست و شوی مغزی بدهید، من با شما همراه هستم تا زمانی که در صداقت شما برای من خدشه‌ای وارد نشود. شست و شوی مغزی یک اصل برای مبلغین این جریانات استعماری است و اینان اصول روان‌شناسی نحوه برخورد با افراد گوناگون را می‌دانند. کسانی که به این طریق جذب این جریان‌های انحرافی می‌شوند همان کسانی هستند که ندانسته این کار را انجام و هنگامی که پای بحث افراد درست می‌نشینند، متوجه می‌شوند که فریب خورده‌اند.

یکی دیگر از ابزارهای این افراد برای ترویج این جریان انحرافی، دروغ‌گویی است و به قول معروف مثل آب خوردن دروغ می‌گویند. در جریان بهائیت شخصی به نام عبدالحسین آیتی ملقب به آواره داریم، وی مدتی بهایی بودند و در آن زمان بهایی‌ها آب دهان او را برای تبرک می‌بردند. خداوند به ایشان عنایت کرد، مستبصر شد و یک کتاب با نام «کشف الحیل» در رد بهائیت نگاشت. وی یک سخنرانی حدود ۳۹ یا ۴۰ سال پیش انجام داد که در آن رسماً اعتراف می‌کند که من از بچگی فلج مادرزاد بودم. از طرف بهائی‌ها نامه‌ای برایش آمد که شما در سخنرانی‌هایت بگو، من شب خواب عبدالبهاء را دیدم، رفتم خوابم را مسجد تعریف کردم، مسلمانان ریختند و پای من را شکستند و اینگونه مظلوم‌نمایی کن. وی گفت، من به آنان گفتم که

مردم می‌دانند من فلج مادرزاد هستم و دروغ ام برملا می‌شود و آبروی من می‌رود. گفتند این صلاح امر است و باید گفته شود.

یکی از مبلغای احمد الحسن داستانی تعریف کرد که یکی از همسایگان ما احمد الحسن را انکار کرد و به منزل رفت. سقف خراب شد و پایش شکست و خیلی تلاش کرد که توانست زنده بماند. بعد به حقانیت احمد الحسن پی برد و به او ایمان آورد. در جلسه‌ای نشسته بودیم و از قضا گوینده این جریان و خود آن شخص هم که پایش شکسته بود، آنجا بودند. جریان را از ایشان سوال کردم که آیا اینگونه بوده است؟ او گفت شکستن پای من متعلق به سه سال پیش است که گچ سقف کنده شد، افتاد و پای من شکست و در آن زمان اصلاً جریان احمد الحسن وجود نداشت که به آن ربط داشته باشد. به آن مبلغ احمد الحسن گفتم فلانی، این آقا چی می‌گوید؟ این آقا که منکر داستان شما شد؟ شخص پا شکسته گفت: برای من همه چیز مشخص شد و از این جریان انحرافی براءت می‌کنم و بلافاصله محل را ترک کرد. گفتم فلانی جواب شما برای این دروغی که گفتید چیست؟ گفت برای صلاح امر لازم است انسان برخی اوقات بعضی حرف‌ها را بزند.

این داستان یک نمونه از دروغ‌گویی‌های این افراد است.

ابنا: روایت وصیت که مبلغین جریان احمد الحسن از آن برای حقانیت ادعاهای خود استفاده می‌کنند، چیست؟ - اینان اول می‌گویند که یک از سنت‌های برجای گذاشته از پیامبر وصیت است. بعد می‌گویند آیا ممکن است پیامبری که این همه به وصیت سفارش کرده، خود وصیت نکرده باشد بعد این روایت وصیت را نقل می‌کنند که %۱۰۰ از نظر سلسله سند و علم رجال مشکل دارد. روایت وصیت این است: پیامبر(ص) در شب وفات خود به امام علی (ع) فرمودند: وصی بعد از من تو هستی و زمانی که زمان فوت تو رسید، امامت را به فرزندت حسن تسلیم می‌کنی و ادامه پیدا می‌کند تا امام زمان (عج) تا اینجا روال حدیث کاملاً روشن است. در ادامه حدیث عبارتی آمده «یا علیّ سیکون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً» یعنی بعد از امام دوازدهم، دوازده مهدی می‌آید. بعد پیامبر(ص) این دوازده مهدی را نام می‌برد. اول آن‌ها هم نام من و هم نام پدر من است و سه نام دارد: احمد، عبدالله و مهدی.

جدای از مشکل سندی این روایت، ما معتقدیم که پیامبر(ص) در جاهای مختلف که بزرگ‌ترین آن، اجتماع غدیر بود و حدیث معروف ثقلین را فرمودند، وصیت نموده و امام علی (ع) را به عنوان وصی خود معرفی

کرده است. حال اگر اینان منکر این قضیه بشوند که پیامبر برای خود قبل از شب وفات وصی انتخاب نکرده است که اصل اعتقاد شیعیان را زیر سوال می‌برند.

نکته دیگر این است که طبق روایت خودشان، این شخص بعد از امام دوازدهم می‌آید، پس چرا احمد الحسن قبل از حضرت آمده است؟!

البته این افراد در جواب سوال فوق می‌گویند که احمد الحسن هنوز خروج نکرده است که ما برای این مطلب دو جواب داریم، اول اینکه اگر قرار باشد که بعد از حضرت خروج کند دیگر کارکرد یمانی بودن را ندارد زیرا یمانی قبل از خروج حضرت می‌آید و تناقض دارد! دوم اینکه ما به این افراد که می‌گویند خروج نکرده می‌گوییم که فریبتان داده‌اند، زیرا احمد الحسن تاکنون دو خروج داشته و اقدام به قیام مسلحانه بر علیه مراجع شیعی عراق نموده است.

ابنا: بیشترین طرفداران جریان انحرافی احمد الحسن در کدام کشور و در چه سطحی هستند؟

- مهد این جریان انحرافی در عراق است. در بین برادران عرب زبان ما مسئله‌ای به نام بیعت وجود دارد که از قدیم رسم بوده است. مبلغین این جریان انحرافی از این مسئله سوءاستفاده کرده‌اند و طرفدارانی در بین برادران عرب زبان ما در استان خوزستان و شهر اهواز داشته‌اند. اخیرا نیز یک برنامه ریزی و کار استراتژیک و تشکیلاتی جدید بر روی حوزه‌های علمیه ما شروع کرده‌اند.

وجوه اشتراکی بین جریان احمد الحسن و وهابیت وجود دارد که حداقل آن دشمنی آنان با مرجعیت شیعی به خصوص در عراق و دیگری تکفیری بودنشان است. در بحث تکفیر خیلی راحت می‌گویند که باید ایمان بیاورید و اگر ایمان نیاورید، کافر هستید و بعضا در فضای مجازی و حقیقی افراد مخالف خود را تهدید به مرگ می‌کنند.

در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

استعمار و بیگانه از این جریان حمایت می‌کند و رشد این جریان زائیده هزینه‌هایی است که پشت سر این جریان وجود دارد. این یک جریان انحرافی است زیرا نامگذاری این جریانات به نام فرقه، جز آسیب به تشیع چیز دیگری ندارد. از بدو ظهور اسلام که همزادی اسلام با تشیع بر همگان واضح و مبرهن است، دشمنان

سعی کردند تا تشیع را از مسیر اصلی خود منحرف کنند و هر اتفاقی را در این مذهب حقه حادث شد، از آن فرقه بسازند که نمونه‌های زیادی از آن داریم نظیر عبدالله بن سبا که شخصیت افسانه‌ای است و تبدیل به یک فرقه شد که اصل تشیع را به آن نسبت می‌دهند و یا جریان‌ات دیگر، که شاید یک نفر و یا فرق و ملل نویسان مخالف تشیع آنها را ساخته‌اند. لذا امروز ما باید با بصیرت و هوشیار باشیم تا خودمان با دست خودمان فرقه سازی نکنیم و این جریان احمد الحسن نیز یک جریان انحرافی است که حادث شده است. الحمدلله این جریان در کمتر از ده، دوازده سال در حال افول است و مردم دسته دسته در حال اعلام برائت از این جریان هستند و چندین شبکه بزرگ مجازی این‌ها در همین دو هفته گذشته به دلیل نداشتن جواب برای سوالات جوانان تعطیل شد.

ابنا: از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشتید ممنون و متشکرم.

در انتظار منجی - ۱۲: پاسخ به شبهاتی در مورد مسجد جمکران / آیا عریضه نویسی به امام زمان (عج) سند دارد؟

میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین عزیزالله حیدری» است وی مسئول واحد پرسش و پاسخ موسسه در راه حق است و در عرصه مباحث مهدویت کتاب های "امام مهدی (عج) تجسم امید و نجات" و "انتظار و انسان معاصر" را به رشته تحریر درآورده است. زمینه مطالعاتی وی در تفسیر، مهدویت و اخلاق اسلامی است و با مسجد جمکران نیز همکاری می کند.



متن کامل گفتگو با استاد حیدری در ذیل می آید:

ابنا: آیا سند بنای مسجد مقدس جمکران معتبر است؟

بسم الله الرحمن الرحيم یک مقدمه خیلی کوتاه باید عرض کنیم و آن این است که مدیریت و رهبری انقلاب اسلامی اثرات زیادی داشته و باعث تزلزل و ایجاد مزاحمت برای امپراتوری های مسلط و مفسد شده است به همین خاطر نسبت به آن حسادتشان برانگیخته شده است. همچنان که در مورد ولایت حضرت علی (ع) و برتری و فضیلت ائمه (ع) در قرآن آیه داریم که «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» آیا مردم حسد می ورزند که خدا از فضل خود به پیامبر و خاندانش داده است. این حسد در بین برخی که در مورد ولایت امیرالمومنین و ائمه وجود داشته، در این زمان تجلی دیگری در مورد مسجد جمکران پیدا کرده است چون مسجد جمکران کانونی برای اتحاد قلب ها و تعالی و رشد شیعیان شده است. به همین خاطر عده ای در صدد تخریب و صدمه زدن به این مسجد مقدس برآمده اند چون مسجد جمکران تبدیل به یک پناهگاهی برای مردم شده است.

در سند مسجد جمکران می‌خوانیم که «حسن بن مثله جمکرانی» می‌گوید در سال ۳۷۳ هجری در شب سه شنبه خوابیده بودم، بیدارم کردند و آمدم به موضعی که الان به آن مسجد مقام می‌گویند، امام زمان (عج) و جمعی از یارانش نشسته بودند که حضرت به من دستور احداث این مسجد را دادند.

در اینجا در سه گام سند این مسجد را ذکر و ثابت می‌کنم:

گام اول برای اثبات سند، مراجعه به کتاب تاریخ قم است که از کتاب مونس الحزین از امیرالمومنین (ع) روایتی نقل می‌کند که می‌فرماید، پایین و مشرف به کوه خضر - البته اسم کوه خضر سندی ندارد - مکانی با برکت ساخته می‌شود. فقط مشکل انتساب کتاب مونس الحزین، به شیخ صدوق است. اگر اینچنین نیز باشد با روش‌های علم الحدیث و درایه الحدیث مشکل حل می‌شود. ابن شهر آشوب که فردی معتبر در زمینه علم حدیث و رجال است در کتاب المناقب خود می‌گوید مونس الحزین متعلق به فتال نیشابوری است و وی در کتاب مونس الحزین به سندی از عیسی بن حسن از امام صادق (ع)، با سند، معجزه‌ای از معجزات امام حسن مجتبی (ع) را ذکر می‌کند که مسجد جمکران نیز در آن نقل شده است. مرحوم مجلسی از سید محمد بن ابیطالب حسینی در کتاب تسلیه المجالس از کتاب مونس الحزین، حدیثی نقل می‌کند. یعنی این کتاب، کتاب معتبری است. فتال نیشابوری در سال ۵۰۸ به شهادت رسیده و دو قرن بعد نویسنده کتاب تاریخ قم که معاصر شیخ صدوق بود، از این کتاب نقل می‌کند. البته اینگونه نقل کردن باز هم اتفاق افتاده است و نمونه‌های آن نظیر کتاب قاموس الرجال از مرحوم شوشتری که شخصی بسیار متبحر در علم رجال بوده است. نمونه دیگر در کتاب مقنعه شیخ مفید نیز وجود دارد. پس از این جهت که هم این شیوه نقل مرسوم و هم فتال نیشابوری فردی مورد اطمینان است، به یک اطمینان و آرامش خاطر در سندیت این مسجد می‌رسیم.

گام دوم اینکه به روایت پذیرفته شده از نظر وثوق مضمون در اصطلاح تسامح در ادله سنن می‌گویند. این تسامح در ادله سنن از آنجا گرفته شده که روایتی مستند است و نظیر اصطلاح سازی‌های دنیای غرب، بدون مبنا و پشتوانه علمی نیست. این احادیث که به احادیث «مَنْ بَلَّغَ» معروف هستند، می‌گویند که اگر حدیثی دیده شد که در آن ثوابی گفته شده است، شخص به آن ثواب عمل کند، بعد معلوم شد که چنین چیزی وجود نداشته است، آن شخص ثوابش را می‌برد چون فسق و فجوری انجام نداده، بلکه عمل مقبول و مطلوبی نزد خداوند صورت گرفته است. همچنین بدعتی در دین یا کارهای گناه و خلاف شرع انجام نشده است مثل بعضی اعمالی که در عرفان‌های کاذب و صوفیان وجود دارد.

گام سوم این است که بزرگان فرموده‌اند که مسجد سند نمی‌خواهد. مسجدی ساخته شده است و گروهی از مومنان به آنجا می‌روند، به امامشان متوسل شده‌اند و اعمال خیر انجام داده‌اند. فقط قرآن به ما گفته است که

کسانی که باتقوا هستند مسجد بسازند. حتی در احادیث داریم که هر جا مسجدی ساخته می‌شود در آنجا خون شهیدی ریخته شده است.

فقط یک نکته را باید اینجا اضافه کنیم و آن هم هوشمندی و تدبیر امام زمان (عج) است که یک کانون اجتماع و پیوند قلب‌های مومنان در دوران انتظار با جغرافیای خاصی در ایران انتخاب کرده که تبدیل به یک کانون هدایت و جریان اصیل دینی برای دنیا شده است.

پس مسئله سندیت از جهات مختلف حل شده است و همینطور می‌بینیم که علمای بزرگ ما که در مسائل حدیثی سختگیر بودند نظیر شیخ مرتضی حائری، در کتاب خود می‌نویسد: «مسجد جمکران دارای ویژگی‌هایی است که سبک عبادی آن با عباداتی که در روایات به ما رسیده است، هماهنگ است». مرحوم آیت الله مرعشی نجفی که از مردان بزرگ رجال معاصر و از خُبره‌های این فن است می‌فرماید: «من چهل روز در این مسجد بیتوته کرده‌ام». آیت الله بروجردی که در چهار فقه اهل سنت نیز متبحر بود گفته است: «اگر من می‌توانستم، تمام نمازهایم را در این مسجد می‌خواندم». همچنین امام خمینی (ره) نیز حرف استاد خویش را بیان کرده است و رهبر انقلاب نیز در طول هفته به این مسجد می‌آیند و شعری زیبا نیز برای آن سروده‌اند. حتی ایشان می‌فرمایند که وقتی سید حسن نصرالله نزد من آمده بود و در حال گفتن مشکلات بود به او گفتم: «من خودم برای حل مشکلات، به مسجد جمکران رفته و آنجا درد و دل می‌کنم». و ایشان سید حسن نصرالله را به مسجد جمکران آوردند. در مورد آیت الله فاضل لنکرانی گفته‌اند که پانصد بار به مسجد جمکران مشرف شده است. آیت الله مکارم شیرازی یک سخنرانی مفصلی دارند که می‌فرماید: «دستور ساخت این مسجد در بیداری بوده و در خواب نبوده است». آیت الله بهجت صحبت‌های جالبی در خصوص مسجد جمکران دارند و به سوالاتی در مورد این مسجد پاسخ داده‌اند. حتی به سوالی که گفته بود چه زمانی به مسجد برویم پاسخ داده بودند: «به دلتان رجوع کنید، چه زمانی اقبال دارد». بزرگانی نظیر آیت الله گلپایگانی، شیخ محمد تقی بافقی، شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی و... نیز نظر مثبتی به این مسجد داشته‌اند، که خود دلیلی بر سندیت این مسجد مقدس است.

ابنا: اینکه امام زمان (ع) به آخرین نایبشان فرمودند: هر کس ادعای مشاهده کرد، کذاب و مُفتری است با اینکه حسن بن مثله جمکرانی امام زمان را مشاهده کرده است، تناقض ندارد؟

– آیت الله وحید خراسانی فرمودند: ما دو نوع دیدار داریم، دیدار اختیاری و دیدار عنایتی. این روایت به مفهوم ارتباط و دیدار اختیاری است. در دیدار اختیاری، ادعای مشاهده امام به این معناست که «من هر موقع

بخوایم می‌توانم امام را ببینم یا حرفی از طرف ایشان بیاورم.» اینها دروغ و کذب است. اما اینکه امام به کسی عنایتی کرده و شهودی داشته‌اند نمونه‌های زیادی از این تشرفات بیان شده است و مطابق با آن روایت پیامبر است که از ایشان پرسیدند که امام غایب چه فایده‌ای دارند؟ ایشان فرمودند: امام در زمان غیبت همچون خورشید پشت ابر است. خورشید پشت ابر گاهی جلوه‌ای می‌کند که ایمان مومنان و منتظران را پایدار و استوار نگه دارد.

ابنا: اینجا سوالی مطرح می‌شود که مثلاً شخصی در یک شهر مدعی می‌شود که امام زمان (عج) را در خواب دیده است و ایشان گفته‌اند که اینجا مسجدی بنا کن. آیا این، شبیه جریان حسن بن مثله جمکرانی نخواهد بود؟

- در قضیه حسن بن مثله جمکرانی، جریانی وجود دارد که جا دارد اینجا گفته شوند. حسن بن مثله جمکرانی پس از گرفتن دستور از امام مبنی بر ساخت مسجد، به ایشان عرض کرد که اگر من به مردم بگویم که شما دستور داده اید، مردم حرف من را باور نخواهند کرد. حضرت فرمودند من دلیلی قرار می‌دهم تا مردم باور کنند. فرمودند شما برو در گله اصغر کاشانی، گوسفندی با فلان مشخصات وجود دارد و اگر این گوسفند را در روز چهارشنبه ذبح کرده و بین مردم تقسیم کنند، هر مریض لاعلاجی شفا پیدا می‌کند. او این کار را انجام داد و همه مریض‌ها شفا پیدا کردند و از آن پس مسجد ساخته شد. این دلیل اثبات صحیح بودن ادعای حسن بن مثله جمکرانی است. همچنین حضرت می‌فرمایند که این زمین را شخصی غصب کرده و در آن چندین بار کشت و زرع نموده است و سه فرزند این شخص به عقوبت غصب زمین، جوان مرگ شده‌اند. بعد از آن هم ما کرامات گوناگونی از این مسجد دیده ایم که به اصطلاح جدید دانشمندان کلام در غرب، به آن تجربه دینی، می‌گویند. این تجربه مکرر دینی نیز دلیل دیگری بر صحت سند این مسجد است. مرحوم شهید آیت الله صدر در کتاب اصول خود، در بحث حدیث متواتر، بحث حساب احتمالات را بیان می‌کند و می‌گوید وقتی طرف تکرار حادثه‌ای زیاد باشد، طرف مخالف آن منفی می‌شود. یک حادثه به دفعات تکرار نمی‌شود و به قول ایشان چراغ دروغ، کم فروغ است. بنابر حدیث متواتر، وقتی نمونه‌های زیاد از کرامات این مسجد و عنایات امام زمان (عج) داریم دلیل بر صحت این مسجد است.

ابنا: برخی از علما احتمال داده‌اند که مسجد جمکران همان مسجدی است که وقتی عده‌ای از کوفیان از دست حجاج فرار کرده‌اند، در روستای جمکران مقیم شده، مسجدی بنا کردند و در آن مسجد نماز می‌خواندند، همچنین گفته می‌شود که خطاب اسدی در آن مسجد، نماز می‌خوانده است.

- هیچ دلیلی برای این ادعا وجود ندارد و فاقد سند است. حتی در کتاب تاریخ قم که جاهای مهم و امامزاده‌ها و مسجد جمکران را نقل می‌کند چیزی از آن مسجد ذکر نکرده است.

ابنا: آیا اعمال مسجد مقدس جمکران نیز سند دارد؟

- در همان سندی که امام به حسن بن مثله جمکرانی دستور احداث مسجد را داد، امام زمان (عج) می‌فرمایند که این دو نماز را در آن مسجد برپا دارند.

ابنا: آیا سندی برای خواندن دعای توسل در شب چهارشنبه در مسجد جمکران وجود دارد.

- قرائت دعای توسل روز خاصی ندارد و خواندن این دعا در شب چهارشنبه در مسجد جمکران سندی ندارد. فقط مردم به دلیل دستور ذبح گوسفند در چهارشنبه، به عنوان تبرک این روز را انتخاب کرده‌اند. حتی از بزرگان و فقهای معاصر نیز برای خواندن دعای توسل سوال کردیم فرمودند که دعای توسل وقت خاصی ندارد. همچنین در روز جمعه که متعلق به امام زمان (عج) است و شب جمعه که در روایات سندی برای خاص بودن آن داریم، مردم بیشتر به این مسجد رجوع می‌کنند.

ابنا: مردم می‌گویند که اگر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود امام زمان (عج) را می‌بیند، آیا این حرف صحت دارد؟

- چهل بار رفتن به مسجد جمکران، فقط به خاطر مستنداتی که ما درباره ارزش تربیتی این عدد داریم، دارای اهمیت است. تاثیر تربیتی عدد چهل فقط برای سقف زمانی خاص برای جا افتادن یک عادت تربیتی خوب یا ترک یه عادت بد مورد استفاده است. مثلا تاثیر منفی شراب تا چهل روز باقی می‌ماند، دعای عهد را چهل روز بخوانید، پیامبر (ص) در چهل سالگی به پیامبری رسید و نمونه‌های بسیار دیگر فقط نشان دهنده این است که یک قابلیت معنوی و مادی در این عدد نهفته است. وگرنه مواردی دیده و گزارش شده که خانمی یک

هفته نیت کرده به مسجد بیاید و در انتهای هفته مرادش را دریافت کرد. یا زنی همسرش را گم کرد و دوازده هفته نیت کرده به مسجد بیاید و پس از اتمام هفته دوازدهم، شوهرش را یافت.

مشاهده امام زمان (عج) بعد از چهل شب رفتن به مسجد جمکران یک شایعه بی اساس بیش نیست. مبنای اساسی تفکر شیعی در مهدویت این است که امام غایب است، و علت‌های آن در روایات آمده است که ما خودمان یکی از دلایل آن هستیم. وقتی ما دلیل غیبت هستیم چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که اینگونه با امام زمان (عج) قرار بگذاریم و تحمیل کنیم که ایشان را باید بعد از چهل شب در مسجد جمکران ببینیم.

البته ما موردی نداشته‌ایم که بعد از چهل شب شخصی بگوید که از ندیدن آقا دل‌مان شکست! چون به کرات حوائج خاصی گرفته‌اند و این خود نشانه‌ای برای اثبات توجه به آنهاست. توقع دیدن امام زمان (عج) بعد از چهل شب، توقع غلطی است و اگر کسی امام زمان (عج) را مشاهده کرد، از عنایت ایشان است و دیدن امام زمان بعد از چهل هفته، قانون نیست و هیچ مستنداتی ندارد.

در مسجد جمکران برخی عنایت‌هایی می‌شود که انسان با دیدن و شنیدن این اتفاقات ایمانش چند برابر می‌شود. اینجا جا دارد یک مورد از این قضایا را که در این مسجد رخ داده برایتان عرض کنم:

یکی از دوستان در یکی از این کیوسک‌های پرسش و پاسخ بود که یک خانمی که وضعیت حجابش به کسانی که به این مسجد می‌آید نمی‌خورد، آمد و گفت: آقا این پول را بگیرید و به کسی بدهید که برای من نماز امام زمان (عج) بخواند. دوست ما در پاسخ گفت: خانم، نماز امام زمان (عج) پولی نیست و شما هر تعداد که می‌خواهید بخوانید. خانم گفت: من نمی‌توانم بخوانم و دوست ما دیگر دلیل آن را جویا نشد، پول را گرفت و گفت به یکی از افرادی که به مسجد جمکران می‌رود می‌گویم یک نماز هم برای شما بخواند. این خانم از کیف خود کاغذی در آورد و گفت: کسی که نماز امام زمان (عج) را می‌خواند، لطفاً بعد از نماز این اسم‌ها را دعا کند. همکار ما دید که روی کاغذ این اسامی نوشته شده است، ژانت، ژاکین و رابرت! و به خانم گفت: خانم! چرا اسم ارمنی بر روی فرزندان گذاشته‌اید؟ مگر مسلمان فرزندان خود را این گونه نامگذاری می‌کند؟ خانم گفت: من مسیحی‌ام و ارادتمند آقا امام زمان (عج) هستم، چندین بار به ایشان متوسل شده‌ام و ایشان حاجت مرا داده است و بعد از این، دیگر به حضرت مسیح متوسل نمی‌کنم.

چه کسی یک زن مسیحی را به این ایمان رسانده است؟ چه کسی به او گفته تو به جمکران برو و آنجا متوسل شو؟ این دسته اتفاقات شاهد گویای آن روایاتی است که در عصر ظهور یاران امام زمان (عج)، وقتی پیام ایشان را به دنیا می‌رسانند، جهان مسیحیت با شنیدن صدای تکبیر امام زمان (عج) تسلیم می‌شود.

ابنا: سوال بعدی در مورد سرمایه گذاری‌هایی است که برای توسعه مسجد جمکران انجام می‌دهند، که به اعتقاد برخی منتقدین حتی قم و حرم حضرت معصومه (س) را تحت شعاع خود قرار داده است و برخی افراد که برای زیارت به قم می‌آیند، اگر نتوانند به مسجد جمکران بروند فکر می‌کنند که اعمالشان ناقص است. دیدگاه حضرت عالی در این زمینه چیست؟

- از قدیم الایام مردم ایران به خصوص خود مردم قم به زیارت این مسجد حتی با پای پیاده می‌آمدند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روشن‌تر شدن بحث مهدویت، توجه مردم به این مسجد و استقبال از آن بیشتر شده است. زائرینی که به مسجد می‌آمدند با کمبود جا، آب آشامیدنی و مشکلات دیگر روبه‌رو می‌شدند. استقبال مردم باعث شد تا اقداماتی برای رفع این مشکلات انجام شود. از طرف دیگر مردم از برخی چیزها خبر ندارند مثلاً همین مناره‌های موجود را بارها به تولیت مسجد ایراد گرفته‌اند که چرا به جای صرف این همه هزینه برای مناره‌ها، چیزهای عام‌المنفعه دیگری احداث نکردید! در حالی که یک تاجر ثروتمند کویتی یا دبی به این مسجد آمد و گفت من می‌خواهم اینجا مناره بسازم که جلوه‌ای به این مسجد بدهد. به وی گفتند که به جای آن پولش را در جای دیگر هزینه کنید. گفت اگر نمی‌خواهید من می‌روم. تولیت که دید وی مصرّ احداث مناره است با طرح وی موافقت کرد.

توسعه مسجد از دو طرف نیز به وسیله خیریه شروع شد و وی که دیده بود مردم به این مسجد می‌آیند و در سرما و گرما بیرون می‌مانند، تصمیم به این کار خداپسندانه گرفت و حتی کارفرمایش را هم خودش انتخاب کرد. البته طرح توسعه مسجد در حال حاضر با کمک‌های مردمی ادامه می‌یابد که طبق آمار در سال حدود پانزده میلیون نفر به این مسجد می‌آیند و اخیراً دولت در ردیف بودجه نیز به این امر مبلغی اختصاص داده است و از طرف دولت اندکی به مسجد کمک می‌شود اما اینطور نیست که همیشه اینگونه بوده باشد. حتی در زمان یکی از رؤیس جمهورها، گفته شد که مسجد باید خودش هزینه‌های خود را تامین کند.

توجهات به این مسجد به خاطر کارکردهای معنوی آن است و حوائجی که مردم به واسطه آن دریافت کرده‌اند. البته عکس گفته شما نیز اتفاق افتاده است که عده‌ای با کاروان به این مسجد آمده‌اند و به ما گفته‌اند که به دلیل زمان اندک، نتوانسته‌ایم به حرم حضرت معصومه (س) برویم و ناراحت هستیم. یا یکبار با جوانی هم صحبت شدم که می‌گفت، من نمی‌دانم چرا مردم قم به این دو گنجی که دارند، یعنی حرم حضرت معصومه (س) و مسجد جمکران، توجه خاصی ندارند، که نشان از اعتقاد مردم به هر دو مکان مقدس به واسطه کرامات و سابقه تاریخیشان است. غالباً مردم ابتدا به زیارت حرم حضرت معصومه (س) می‌روند و پس از آن به مسجد جمکران می‌آیند.

مردم به سه گونه زیارت می‌روند، زیارت حاجتی، عادتی و ارادتی؛ که بخش سوم با ارزش‌تر از همه است و ریشه در محبت، و محبت ریشه در معرفت دارد. زیارت ارادتی متأسفانه کمتر است و بیشتر مردم دنبال حاجت هستند. موردی داشتیم که با معلمی بازنشسته به سمت جمکران در حرکت بودیم، این معلم تا چشمش به مسجد افتاد، اشک در چشمانش پیچید. گفتم مشکلت زیاد است؟ گفت نه مشکلی نیست. گفتم پس چرا اشک در چشمانت جمع شد. آهی کشید و گفت برای وفا و لطف آقا، که بارها به مورسید اما نگذاشت که پاره بشود.

ابنا: آیا چاه عریضه جمکران یا به تعبیر مردم چاه مسجد جمکران تقدس و سندی دارد؟

- اولاً تقدس این چاه هیچ سندی ندارد و چاهی به نام چاه مسجد جمکران نداریم. ثانیاً این چاه، چاه عریضه است نه چاه امام زمان (عج). و این چاه، چاهی قدیمی است و دلیل ماندگاری آن این است که طبق روایتی که در کمال الدین شیخ صدوق، تحفة الزائر مجلسی و مفاتیح النجاة مرحوم سبزواری نقل شده است «هر که حاجتی داشته باشد آن را در نامه‌ای بنویسد و در کنار قبر یکی از امامان بیاندازد و یا آن را ببندد و مهر کند و در میان نهر یا چاه عمیق یا غدیر (حوض‌های آب در بیابان) بیاندازد، به محضر امام عصر (عج) می‌رسد و آن حضرت خودش عهده دار روا نمودن حاجت می‌شود».

این جریان از آنجا ریشه گرفته است که زمانی که نایب‌های خاص امام زمان (عج) برای ارتباط با ایشان و جلوگیری از افشا شدن جای امام، نامه می‌نوشتند و امام آن را دریافت و پاسخ آن‌ها را می‌دادند، از امام سوال کردند که چگونه می‌شود در عصرهای دیگر با امام زمان صحبت نمود، می‌فرمایند بنویسند.

چون مردم به وسیله عریضه انداختن در چاه یا نهر حاجت گرفته‌اند که موارد آن مشاهده شده است، تصور می‌کنند که چاه چیز خاصی است در صورتی که عریضه نویسی ادب اظهار حاجت به خدمت امام زمان (عج) است. البته برای جلوگیری از انحراف مردم، مسجد جمکران کتابی مشروح با نام "عریضه نویسی" از یکی از محققین چاپ کرده که در آن مستندات عریضه نویسی آورده شده است. همچنین در نزدیکی چاه، تابلویی نصب شده که این چاه هیچگونه تقدسی ندارد.

ابنا: احتمال دارد در کنار مساجد و یا امامزاده های سایر شهرها، چاهی کنده شده و به مرور زمان در آنجا عریضه نویسی به امام زمان(عج) باب شود و این باعث سوء استفاده افراد شیاد خواهد شد.

- اینجا منعی موجود نیست که کسی در چاهی عریضه ای بیاندازد. اینکه در جاهای دیگر عریضه نویسی سنت شده و تقدس پیدا کند، کنترل شده است در کاشان و یا جای دیگر این اتفاق رخ داد و شخصیت های موثر و مسئولین مقابله کردند، که این کار را نکنید. من در مذاکرات تولیت جدید و تولیت قدیم حضور داشتم. تولیت جدید حجت الاسلام حاج آقا رحیمیان گفتند که «در ذهنیت ما این بوده که چاه را برداریم و بگویم که این چاه هیچ خصوصیتی ندارد.» متنها مردم که به مسجد جمکران آمده اند و با امام زمان(عج) گفتگویشان را کرده اند و نمازشان را خوانده اند می گویند که یک چیزی هم نزدیک دستشان باشد تا حاجتشان را به وسیله عریضه به چاه بیاندازند و بروند.

ابنا: برای برخی که اطلاعات کافی ندارند چاه جمکران موضوعیت دارد.

- ما با این مقابله کرده ایم در کنار کتابی که چاپ شده است، مقابله اینگونه است که چهل نفر از علما و فضلا هر شب چهارشنبه در کنار چاه عریضه جمکران در ازدحام مردم حضور دارند و به مردم پاسخگویی، و راهنمایی می کنند و کم کم اسم این کلمه تبدیل می شود؛ چاه امام زمان که می گفتند فرهنگ سازی شده و امروزه چاه عریضه می گویند.

ابنا: احتمال دارد که در آینده چاه عریضه برچیده شود؟

- بله این احتمال وجود دارد.

ابنا: در مورد آثار و برکات مسجد مقدس جمکران توضیح بدهید.

ما برکات و کرامات عجیبی از این مسجد مقدس داریم که دو نمونه از آن را برایتان بیان می کنم.

شخصی گفت من یک شب بعد از خواندن فاتحه برای شهدا به مسجد جمکران می رفتم که دیدم دیر وقت شده و تردد ماشین برای جمکران کم شده است، به هر ماشینی می گفتم یا پر بود یا جمکران نمی رفت. خسته شدم گفتم برگردم و به منزل بروم. یک ماشین آمد گفتم توکلت علی الله، به راننده گفتم جمکران، گفت

بفرمایید. تا نشستیم مسافری دیگر اعتراض کردند و گفتند که ما جمکران نمی‌رویم؟! راننده به من گفت ابتدا مسافری را می‌رسانم سپس شما را به جمکران می‌برم. بعد از رساندن آن‌ها به مقصد، به سمت جمکران رفتیم. گفتم چرا مرا به جمکران می‌رسانید با اینکه جمکران در مسیر شما نبود؟ گفت کسی بگوید جمکران، زانوهای من می‌لرزد و نمی‌توانم او را نبرم. مسجد جمکران حکایتی بین من و آقا دارد. گفتم پس لطفی کن ما که همدیگر را نمی‌شناسیم و بعد از رسیدن هم، از همدیگر جدا می‌شویم، پس حکایت را تعریف کن. گفت: شبی ساعت دوازده شب، خسته از سرکار به سمت منزل می‌رفتم. هوا پاییزی و سوز و سرما بود که دیدم یک خانم و آقا به همراه دو بچه کنار جاده ایستاده‌اند. از کنار آن‌ها که رد شدم، گفتند جمکران. گفتم من خسته‌ام و نمی‌برم. مقداری رفتم و بعد فکر کردم، نکند خدا وظیفه‌ای بر گردن من نهاده و لطف امام زمان(عج) باشد که آنها را برسانم. با وجود کم میلی آن‌ها را به جمکران رسانده و به خانه برگشتم. به بچه‌هایم گفتم که من امروز آنقدر خسته‌ام و دیر وقت شده که احتمالاً بخوابم و نماز صبح ام قضا بشود، نماز صبح من را بیدار کنید. ده دقیقه بود که دراز کشیده بودم و تازه خوابم می‌برد که صدایی به من گفت خوابیدی؟ بلند شو. بلند شدم گفتم: کسی من را صدا زد؟ به خودم گفتم بخواب، خسته‌ای، هزian می‌گویی! دوباره دراز کشیدم نزدیک بود که بخوابم، صدایی دوباره گفت: باز خوابیدی؟ با صاحب صدا صحبت کردم، گفتم چرا نخوابم؟ گفت برو جمکران. گفتم تازه جمکران بودم برای چه بروم؟ گفت آن خانواده گریه می‌کنند و نگران هستند. گفتم به من چه؟ گفت: کیف پولشان در ماشینت جا مانده، برو و آن را تحویل بده. به خودم گفتم ماشین را نگاه کنم، ببینم اگر خواب می‌بینم و وهم است، برگردم بخوابم. در ماشین را باز کردم دیدم که کیفی در صندوق عقب است. آن را باز کردم، دیدم که داخل آن چند میلیون پول وجود دارد. سوار ماشین شدم و رفتم جمکران. دیدم دم درب یکی از ورودی‌ها همان زن با دو بچه‌اش نشسته و در حال گریه کردن هستند. گفتم خواهر چرا گریه می‌کنی؟ گفت برادر من، شما که نمی‌توانی کاری بکنی، چرا سوال می‌کنی؟ گفتم شوهرتان کجاست؟ گفت: چرا سوال می‌کنی؟ گفتم: من همان راننده ای هستم که شما را به مسجد جمکران آوردم، گمشده نداری؟ گفت: شوهرم در مسجد متوسل به امام زمان(عج) شده است. گفتم بلند شو، داخل مسجد برویم. به یکی از خدام اسم شوهرش را گفتیم تا صدایش کند، آن مرد با صورت و چشمانی سرخ آمد و شروع به فریاد زد که چرا نمی‌گذاری به تو سلم برسم چرا نمی‌گذاری به بدبختیم برسم و...؟ زن گفت: این آقا آمده و گفته که مشکلاتان را حل می‌کنم. گفت شما کی باشید؟ کیف را در آوردم و به او دادم. مرد کیف را گرفت و درب آن را با خوشحالی باز کرد و گفت چرا این را آوردی؟ گفتم آقا به من گفت که بیایم. چهره‌ها بارانی شد و به زانو افتادند و گفتند یعنی امام زمان(عج) ما را دیده؟ گفتم این جمله برای خود آقا امام زمان(عج) است که می‌فرمایند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ»

دمی زحاجت ما نمی‌کنی غفلت / که این سجیه به جز در شما نمی‌بینم

ز بس که گرد معصیت نشسته بر چشمانم / تو در کنار منی و تو را نمی‌بینم

مرد گفت: ما با این پول می‌خواستیم خانه بخریم و گفتیم اول به جمکران بیاییم و آن را تبرک کنیم که این اتفاق بر ایمان افتاد.

یا مردی که از استرالیا آمده بود گفت: من ۱۵۰۰۰ دلار نذر مسجد جمکران کردم. گفتیم مسجد شماره حساب دارد می‌توانستی آن را از استرالیا واریز کنی. گفت نه، من باید به مسجد می‌آمدم. گفت که با یک خانم خارجی ازدواج کرده بودم، دیدم که همسرم شبی در حال بستن ساک و جمع کردن وسایل شخصی خود است. به او گفتم کجا خانم؟ گفت به دنبال زندگی خودم می‌روم. گفتم ما دو تا بچه داریم، کجا می‌خواهی بروی؟ گفت این حرف‌ها برای شما مسلمان‌هاست، زندگی ما هیجان ندارد و من دیگر تو را نمی‌خواهم. در بُهت من و بچه‌ها که در حال گریه بودند، خانم رفت. تا رفت من فقط این مطلب از مادرم به یاد آمد که گفته بود: ما در موقع گرفتاری، امام داریم. گفتم: آقا امام زمان (عج) اگر همسر من را برگردانی، من به مسجد جمکران می‌آیم و نذر ۱۵۰۰۰ دلاری خود را تقدیم می‌کنم. تا صبح با نگرانی بچه‌ها را در آغوش گرفته بودم. فردا دیدم که کسی در می‌زند. رفتم در را باز کردم و دیدم که همسرم با ساک و وسایلش آمده است. به او خوش آمد گفتم و پرسیدم آمده‌ای که بمانی؟ گفت بله. گفتم چه شد که برگشتی؟ گفت هنگامی که رفتم، قلبم منقلب شد. دیگر آرام نبودم، به فکر افتادم که بچه دارم و باید برگردم و برگشتم که بمانم.

ابنا: در پایان اگر نکته ای دارید، بفرمایید.

نکته آخر همان دعای امام زمان در روز جمعه است که در فرازی می‌فرماید: «أَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُتَتَّظِرِينَ لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ» این سه وظیفه، منتظر باشیم یعنی دغدغه داشته باشیم و به وضع موجود راضی نباشیم، دوم تابع باشیم، زندگیمان یک رنگ و عطری از امام داشته باشد و سوم ناصر باشیم، در زندگی کار و سهمی در کمک به امام داشته باشیم.

یکی از بزرگان جمله بسیار زیبایی می‌گویند که: «به همان اندازه که در غیبتش مقصریم، در ظهورش موثریم.»

ابنا: بسیار سپاسگزارم که وقت ارزشمند خود را در اختیار ما قرار دادید.

در انتظار منجی - ۱۳: معنای انتظار فرج چیست؟ / شیعیان چگونه مانع تعجیل ظهور می شوند؟

به مناسبت نیمه شعبان سالروز ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خبرنگار ابنا با «حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفر فکری فلاح» کارشناس اداره پاسخ به شبهات مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره موضوع "انتظار فرج" گفتگو کرده است. وی معتقد است: انتظار سازنده انتظاری مسئولیت آفرین است و انتظار آثار فردی و اجتماعی بر شخص منتظر دارد. حجت الاسلام فکری در تبیین سخنان خود به آیات و روایات استناد کرده است.



متن گفتگو با استاد فکری به شرح ذیل است:

ابنا: انتظار فرج در لغت و اصطلاح به چه معناست؟

- مسئله انتظار از نظر معنای لغوی یعنی چشم داشت نسبت به حقیقت؛ به عبارت دیگر مسئله و مطلبی داشته باشیم و تغییری در وضعیت موجود را مورد نظر قرار دهیم.

در شرع مقدس مسئله انتظار به معنای منتظر شدن برای وضعیت بهتر، خیلی مورد تأکید قرار گرفته است. انتظار فرج به معنای کلی آن یعنی هر انسان مؤمن و مسلمانی اگر در وضعیت سخت قرار گرفت آن را پایان راه تلقی نکند و با امید و توکل به حق و اقدامات مناسبی که خودش می تواند انجام دهد، وضعیت بهتری پیش رویش ساخته و به آن برسد. در فرهنگ قرآن این مسئله در یکجا به این صورت بیان شده که «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» هیچ وقت با دیدن سختی خود را نبازید؛ با سختی، آسانی است. یعنی فاصله بین این دو زیاد نیست و اگر بتوانید دشواریها را درست مدیریت کنید، از درون همان سختی، آسانی نیز به وجود خواهد

آمد. این مسئله به معنای فرج کلی است که حتی در این راستا برخی از بزرگان تحقیقات میدانی انجام داده اند و کتابی گسترده به نام "الفرج بعد الشده" نگاشته اند.

مسئله مهم تر در باب انتظار فرج، فرج انتظار امام عصر (عج) است و در قرآن مجید این مسئله تشریح شده است. خداوند در آیه ۵۵ سور نور می فرماید: « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا » خداوند وعده داده به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده اند، حاکمیت زمین را به آنها دهد. به این وعده الهی در ذیل این آیه و آیات دیگر قرآن اشاره شده است که تحقق کامل آن در عصر ظهور آخرین امام معصوم و منجی بشریت است. این نویدی برای اهل ایمان و تقواست که با دیدن ظلم و فشارها روحیه و امید خود را از دست ندهند و امید به ظهور امام عصر (عج) و برپایی عدالت واقعی در گسترده زمین را داشته باشند، ریشه ظلم را از زمین بکنند و همه مردم در سایه عدل و عدالت این حکومت به آرامی زندگی نمایند.

ابنا: معنی و مفهوم انتظار فرج را در روایات بیان کنید.

- در روایات به طور کلی به این مسئله تصریح شده و حتی برای منتظران واقعی فرج ارزش های زیادی قائل شده اند که اینجا بعضی از این نمونه ها را ذکر می کنیم.

منتظران واقعی برترین مردم همه اعصار و دوران ها هستند همانطور که امام زین العابدین (ع) در کتاب کمال الدین شیخ صدوق می فرماید: « إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ » کسانی که در زمان غیبت امام عصر (عج) قائل به امامت حضرت و منتظر ظهور ایشان هستند، با فضیلت و برتر از مردم هر زمانی هستند.

امام صادق (ع) مسئله انتظار را با صراحت در سخنانش بیان می کند: « مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَيَّ أَمْرًا هَذَا فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ ضَرَبَ فُسطَاطَهُ إِلَى رِوَاقِ الْقَائِمِ » هر یک از شما بر این امر (امامت معصوم) از دنیا رود در حالی که در حال انتظار باشد، مانند کسی است که در خیمه فرماندهی امام عصر (عج) حضور داشته است. آن شخصی که در عصر غیبت واقعاً منتظر ظهور حضرت است این ویژگی را دارد که همان مقام، اجر و پاداش حضور در خیمه فرماندهی امام زمان (عج) را به او می دهند.

امام زین العابدین (ع) می فرماید: « مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوَالِئِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَائِهِ بَدْرٌ » کسی که ثابت قدم باشد بر دوستی ما در عصر غیبت امام زمان (عج) خداوند ثواب هزار شهید از شهدای بدر را به او می دهد.

روایات در بحث انتظار زیاد است به گونه ای که در کتاب های مربوط به مهدویت فصلی با عنوان انتظار و فضیلت انتظار وجود دارد و روایات مربوطه را در آن جمع آوری کرده اند.

ابنا: حدیث «انْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةً» به چه معناست؟

- این حدیث به معنای انتظار فرج واقعی است یعنی اگر کسی حقیقتاً امام را بشناسد، معنای امامت را درست درک کند و خودش صالح شود، این انسان منتظر با این ویژگی که خودش را اصلاح و در فکر اصلاح جامعه باشد، انتظارش عبادت است یعنی هر حرکتی می کند، کار خیری انجام دهد و امر به معروف و نهی از منکر کند، همه افعال وی نه تنها عبادت است بلکه افضل از عبادت است زیرا به امید تحقق دولت اسلامی به دست امام زمان (عج) اعمال خود را انجام می دهد.

ابنا: ملاک تشخیص انتظار سازنده و انتظار مخرب چیست؟

- یک ملاک کلی که بتوانیم آن را در نظر بگیریم این است که آن انتظاری که مسئولیت آور باشد، انتظار سازنده است یعنی من بدانم منتظر واقعی امام عصر (عج) چه کسی است، چه ویژگی ها و چه وظایفی دارد. اما انتظار مخرب برداشت نادرستی از انتظار است که در ذهن برخی جای گرفته و می گویند ما منتظر هستیم به گونه ای که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند».

برخی از گروه دوم می گویند ما کاری به جامعه نداریم که در آن چه می گذرد، صبر می کنیم که تا وقت ظهور برسد و تحول ایجاد شود. یک عده گام پیشتر می گذارند و می گویند چون در برخی روایات داریم: « به یملا الله الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً » پس از اینکه زمین پر از ظلم و جور شد، خداوند حجتش را می فرستد تا زمین را پر از عدل و داد کند، پس می گویند بکشیم که در زمین ظلم و جور انجام دهیم تا امام عصر (عج) زودتر ظهور کند، غافل از اینکه همانطور که در آیه شریفه ذکر شد، یاران حضرت کسانی هستند که ایمان کامل دارند و افراد صالح همراه با عمل صالح هستند، پس منتظر واقعی بدانند که باید خودش مؤمن باشد و عمل صالح نظیر امر به معروف و نهی منکر، جهاد، عدالت گستری و هر چیزی که

خداوند در قرآن دستور داده است، انجام دهد. هر منتظر واقعی باید در حد توان خود برای اصلاح خود و جامعه تلاش کند، اما چون تحقق عدالت کلی از دست تک تک ما بر نمی آید، ما باید تا ظهور حضرت حجت صبر نماییم تا ایشان و یارانش این وعده الهی را تحقق ببخشند و ریشه ظلم و ظالم را بخشکانند.

ابنا: بیاناتی که در مورد معنای انتظار فرمودید آیا علمای گذشته شیعه هم اینچنین می گفتند یا گفتمانی است که بعد از انقلاب اسلامی حادث شده است؟

- قرائت انتظار صحیح نه تنها از علمای گذشته بلکه از لسان ائمه (ع) و روایات است. در روایتی که ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل می کند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأُئِمَّةَ خَاصَّةً وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ وَ الْوَرَعَ وَ الْجِتْهَادَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ» امام صادق (ع) به اصحاب خویش فرمود: آن چیزی را که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بنده ای قبول نمی کند، نمی خواهید؟ آنها گفتند: به، بفرمایید، فرمود: «اقرار به شهادتین و اقرار به آنچه که خداوند امر کرده است و آنها را بپذیرد، ولایت ما خاندان عصمت و طهارت را داشته باشد و از دشمنان برائت بجوید؛ و چیزی که موجب قبولی اعمال می شود، انتظار برای امام زمان (عج) است. همچنین امام در ادامه فرمودند: ما دولت و حکومتی داریم که خداوند هر وقت بخواهد آن را محقق می کند.

در ادامه حدیث امام وظیفه منتظران واقعی را بیان می کند. کسی که می خواهد از یاران امام زمان (عج) باشد باید منتظر باشد. حال چگونه منتظر باشیم؟ امام بیان می کند: باید اهل تقوا و ورع باشد. ورع یک درجه از تقوا بالاتر است، تقوا آنجاست که در برخورد با گناه خویشتن دار باشیم و گناه نکنیم اما ورع آنجایی است که در امر شبهه ناک نیز متوقف شویم. بنابراین شخص منتظر باید خیلی اهل احتیاط باشد، یعنی آنجا که یقین به گناه ندارد نیز خویشتن دار باشد. حسن خلق داشته باشد و اخلاقش، اخلاق اسلامی باشد؛ بنابراین اگر کسی از انتظار غیر از این برداشت را داشته باشد انتظار مخرب و ویرانگر می شود. کسی که شرایط انتظار را مطابق روایتی که عرض شد رعایت کند اگر مُرد و امام بعد از مرگ او ظهور کرد، مانند کسی که ظهور را درک کرده به او پاداش می دهند. یعنی اهل کوشش، تلاش و دین داری باشد.

بنابراین معنای دقیق انتظار یعنی احساس مسئولیت داشته باشیم، اول در پی تهذیب نفس خود بوده و سپس دیگران و اجتماع. یعنی اگر بخواهیم فرهنگ انتظار را نشر دهیم باید فرهنگ قرآن و اسلام را نشر داده، اول خود عامل آن باشیم و دیگران را نیز عامل به آن کنیم.

ابنا: انتظار چه آثاری در بُعد فردی و اجتماعی فرد منتظر دارد؟

- در بُعد فردی باید به گونه ای باشیم که امام عصر ما را بپذیرد و لایق باشیم که در رکاب امام عصر (عج) قرار بگیریم بنابراین تمام تکالیف منتظر واقعی که در حدیث فوق توضیح داده شد را انجام دهیم. اما در بُعد اجتماعی وقتی کسی خودش را بر اساس آموزه های اسلامی ساخت، مطمئناً به فکر اصلاح جامعه نیز می باشد زیرا برتری جامعه اسلام به این است: « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ »

یا در سوره مبارکه عصر، خداوند قسم یاد می کند و می فرماید: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» قسم به عصر، که انسان هم در خسارت و زیان است، مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند. یعنی یک منتظر واقعی باید به برنامه های قرآنی عمل نماید. خودش ایمان آورد، عمل شایسته انجام دهد و در فکر ساختن جامعه باشد. عمل صالح نسبت به جامعه معنی گسترده ای پیدا می کند یعنی تعاون به دیگران، دستگیری از ضعفا، انفاق، از نعمت های خدا که به او بخشیده است به دیگران از لحاظ مادی و معنوی و علمی ببخشد و یک منتظر واقعی برای امام زمان (عج) یارگیری می نماید و آنها را آموزش و تربیت می کند تا بتوانند لیاقت سربازی امام زمان (عج) را داشته باشند؛ به صورت خلاصه وظایف منتظر را می توان تعلیم و تربیت اجتماع و گسترش فرهنگ اسلام نظیر دعوت به صبر و استقامت، امید بخشی و سایر ارزش های اسلامی در بین اقشار مختلف به خصوص جوانان دانست.

منتظر واقعی غیر از اینکه گلیم خود را از آب بیرون می کشد و به فکر تأمین نیازهای مادی و معنوی خود است، باید در فکر تأمین نیازهای اجتماع نیز باشد.

ابنا: چه تفاوت های بین شخص منتظر و غیر منتظر وجود دارد؟

- شخصی که منتظر نیست یعنی نسبت به آینده هیچ امیدی ندارد و خوش بین نیست. بنابراین وضعیت موجود را به هر نحوی قبول و به همان موازات حرکت خواهد کرد. دیگر آینده نگری نخواهد داشت. افراد توان بالفعل خود را نگاه می کنند و اگر در برابر کمبودها و نابسامانی ها نتوانستند واکنشی نشان دهند، مأیوس، دلسرد و بی تفاوت می شوند؛ اما شخص منتظر به آینده امیدوار است و اگر در مقابل تحولی که باید بوجود بیاورد توان کافی را در خود نمی بیند چون می داند که نیروی قویتر در انتظار است که عدالت گستر جهانی

است، دیگر مایوس، دلسرد و بی تفاوت نمی شود. مثالی عرض می کنم: در جبهه جنگ به یک نیرو می گویند که از همه طرف محاصره شده اید، اگر نیروها انتظار رسیدن نیروی کمکی را نداشته باشد، نهایت کوششی که بکند این است که تمام استعدادهای خود را در مقابل دشمن به کار می گیرد. چون نیرو اندک است، به محض اینکه متوجه شوند محاصره شده و نیروی کمکی در کار نیست روحیه خود را باخته و استعدادهای بالفعل خود را نیز از دست می دهند. حال اگر به آنها گفته شود اگر مقداری مقاومت کنید نیروی کمکی زیادی می آید، با این حرف و روحیه قوی ای که بدست می آورند از استعداد خود چند برابر استفاده می کنند. خدا در قرآن به مؤمنان می فرماید: بیست نفر شما به اندازه دویست نفر دشمن توان پیدا کردید؛ زیرا امید به نصرت الهی داشتید؛ بنابراین شخصی که منتظر امام زمان (عج) است و می داند این وعده، وعده الهی است و محقق خواهد شد با تمام توان خود تلاش و کوشش می کند تا به اهداف خود برسد. امید و انتظار به آینده مایه قوت روحی شخص منتظر می شود و این، نیروی مضاف بر استعداد بالفعل است.

ابنا: چه دعاهایی توصیه شده که شیعیان برای تعجیل فرج امام زمان (عج) در عصر غیبت بخوانند؟

- در این مورد در کتابی به نام "صحیفه المهدی" دعا‌های زیادی نقل شده است؛ از دعاهایی که خیلی بر آن تاکید شده است، دعای ندبه است که در آن منشوری از وظایف منتظران واقعی تبیین شده است. اگر کسی با توجه به معانی، این دعا را بخواند و سعی در پیاده کردن آن در زندگی خود کند، می تواند به منتظر واقعی تبدیل شود. دعای بعدی دعای غریق است که سفارش شده در عصر غیبت خوانده شود. در بخشی از این دعا آمده است: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». باز می بینیم که مفهوم مهم که مورد توجه قرار گرفته است ثبات قدم معنوی و حفظ دین است که در توضیح این مطلب به روایتی اشاره می کنم:

محمد بن خلاد می گوید نزد امام رضا (ع) رفتم، ایشان آیه دوم سوره عنکبوت را تلاوت فرمود: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» آیا مردم گمان می کنند که آنان رها می شوند تا بگویند ایمان آوردیم و آنها (به وسیله عمل) آزمایش نخواهند شد؟ امام از من پرسید فتنه در نظر شما چیست؟ من اندیشیدم و گفتم: به نظر من فتنه در دین است، شبهاتی در دین می گسترانند و مردم را از دین خارج می کنند. امام دو جمله بعد از شنیدن پاسخ محمد بن خلاد فرمود: «يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ» در فتنه و آزمون سخت قرار می گیرند، همانطور که طلا را در آتش قرار می دهند؛ این روایت نشان می دهد در آخر الزمان دینداری سخت می شود. «يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ» طلا را در آتش قرار دهند باکی ندارد و طلا هرچه در آتش قرار

بگیرد خالص تر می شود. در این آزمون ها و فتنه ها، ایمان ناب شیعیان و منتظران واقعی تحقق پیدا می کند لذا در دعاها به این مسئله اشاره شده است. از جمله «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» دعای بعدی، دعای «الهی عظم البلاء» است که به دعای فرج مشهور است. توصیه به این دعاها هم به خاطر توجه به مضامین مسئولیت آور آنهاست؛ مثل اینکه بدانیم در چه موقعیت خاص زمانی هستیم و چه شرایط سختی حاکم است و برای حفظ دین خود و جامعه همراه با توسل به امام عصر و توکل به خدا چگونه تلاش بکنیم، مورد توجه قرار گرفته اند.

البته باید این نکته را اشاره کنم که دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لِرُؤَيْكِ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ...» دعای سلامتی امام زمان (عج) است که اشتباهاً به دعای فرج مشهور شده است و دعای فرج، دعای «الهی عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ...» است.

اشاره ای به روایتی می کنم که شرایط در آخر الزمان را توضیح می دهد. امام به یکی از اصحاب خود می فرماید شرایط در آخر الزمان به گونه ای سخت می شود که دو سوم مردم کره زمین کشته می شوند و می پرسند: آیا شما دوست نداری جزء آن یک، سوم باقی مانده باشی؟ وقتی این اتفاق بیفتد همه مردم، انتظار دارند منجی الهی بیاید. وقتی منجی موعود از کنار خانه کعبه نداد داد «الا یا أَهْلَ الْعَالَمِ قَدْ ظَهَرَ مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) فَاتَّبِعُوهُ، تهتدوا» ای مردم! آن یادگار خاندان پیغمبر، ظاهر شده است؛ از او پیروی کنید و هدایت بشوید. همه بی مهابا، طوعاً و رغبتاً به استقبال حضرت می آیند و همه اهل نجات دعوتش را می پذیرند و بر این اساس، در این دعا هم از خدا درخواست می کنیم که خدایا این شرایط را برای ایشان فراهم بفرما و تمام زمین در اختیار حضرت قرار بگیرد. «وَتُمْتَعُهُ فِيهَا طَوِيلًا» مدت حکومت ایشان را هم طولانی بفرما؛ زیرا زمان دقیق آن برای ما مشخص نیست.

ابنا: آیا دعا کردن های ما تاثیری در فرج امام زمان (عج) دارد یا در زمان مقرری که خداوند در قضای خویش قرار داده است، امام زمان ظهور خواهند کرد؟

- دعا قطعاً تاثیر دارد زیرا قضا و قدر به آن معنا نیست که خداوند زمان خاص را در نظر گرفته باشد و قابل تغییر نباشد. حتی در لسان روایات از معصومین آمده است که گاهی بعضی از شیعیان اشتباهی کردند و اسرار اهل بیت (ع) را فاش کردند، دشمن به آنها ضربه زد و بداء حاصل شد. این روایت نشان از آن دارد که اگر شرایط همانطور که برنامه ریزی شده بود، پیش می رفت، تعجیل در فرج حاصل می شد. اکنون نیز اینگونه

است. صرف دعا خواندن کافی نیست، ما باید به مضامین دعا توجه کنیم و از آن نیرو و استعدادی که خدا به ما داده استفاده کرده و کاستی نکنیم، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. بنابراین هرچه ما زودتر شرایط را در خودمان فراهم کنیم و یاران حضرت آماده شوند، خداوند فرج را خواهد رساند و در فرج حضرت تعجیل خواهد شد.

ابنا: با توجه به روایت «أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» برخی می‌گویند، خداوند در آن تاریخی که مقدر کرده امام زمان (عج) ظهور خواهد کرد و این دعاها را فقط برای فرج خودمان است نه برای تعجیل در ظهور امام زمان (عج)، نظر شما در این مورد چیست؟

- این حرف با مفهوم قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» مغایر است. خداوند این دنیا را دنیای علت و معلول قرار داده است، اعمال و رفتار ما در سرنوشت ما تأثیرگذار است. اگر ما انسان صالح و خواهان امام معصوم باشیم، خداوند امام را می‌فرستد، اگر جامعه خواهان نباشد فرج امام زمان (عج) به تعویق خواهد افتاد تا شرایط فراهم شود. بنابراین اگر کسی چنین برداشتی و نظری داشت حداقل اینست که ما با حفظ احترام می‌گوییم که نظر شما اشتباه است زیرا خداوند دستور داده است که شما چنین باشید، من برای شما چنان می‌کنم. مثلاً اگر اهل تقوا باشید، نعمات و برکات الهی برای شما نازل خواهد شد. خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبه منا» وجود امام زمان (عج) برای ما لطف الهی است، فایده لطف اقتضا می‌کند حجت الهی باشد. تصرف امام در عالم تکوین و حکومت یک لطف دیگر است. مردم زمانی به دنبال امام علی (ع) می‌روند و بیعت می‌کنند، امام حاکمیت را می‌پذیرد و یک زمان از یاری امام خودداری می‌کنند. شما نهج البلاغه را نگاه کنید که چقدر امام از مردم گلایه می‌کند، اگر بنا به مقدّر قطعی باشد دیگر گلایه معنی ندارد. امام می‌فرماید: اگر شما از یاری امام معصوم کوتاهی کردید کار به جایی می‌رسد که معاویه بر جامعه مسلط می‌شود.

امیرالمؤمنین در یکی از خطبه‌های خود می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدَّالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَىٰ بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَبِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ» به خدا سوگند من می‌بینم که دشمن بر شما مسلط می‌شود. چرا؟ آیا به دلیل تقدیرات الهی است؟ امام علت اجتماعی را ذکر می‌کند. می‌فرماید: آنها با اینکه مسیرشان باطل است با هم متحد هستند اما شما پیرو امام حق هستید اما با هم اختلاف دارید. آنها پیشوایشان امام باطل است اما هرچه دستور داد، اطاعت می‌کنند، شما امامتان معصوم است اما هرچه دستور می‌دهد تخلف می‌کنید. آنها در

مملکت خودشان امانت دار هستند و حقوق یکدیگر را رعایت می کنند اما شما در مملکت خود خیانت می کنید. این سه عامل شکست ما و پیروزی آنهاست. پس تقدیر الهی این است، هر کس درست عمل کرد یعنی به شرایط پیروزی پایبند بود، پیروزی نصیبش می شود و اگر به شرایط شکست پایبند بود اگرچه ایمان داشته باشد و انسان خوبی نیز باشد، شکست نصیبش می شود.

ابنا: تشکر می کنم از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار ما گذاشتید.

- از خبرگزاری ابنا و فعالیت های گسترده این خبرگزاری در اطلاع رسانی اقدامات و فعالیت های شیعیان جهان تشکر و قدردانی می کنم.

در انتظار منجی - ۱۴ : رجعت در زمان ظهور؛ امری تبیین نشده / فلسفه و فواید " رجعت " چیست؟
 میهمان این هفته خوانندگان ابنا «حجت الاسلام و المسلمین هادی حسین پور» استاد مرکز تخصصی مهدویت
 حوزه علمیه قم است که در مباحث انتظار، شرایط ظهور، معرفت امام و رجعت تخصص دارد.
 مسأله رجعت از مباحثی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و آثار علمی چندانی درباره آن وجود ندارد.



ابنا: رجعت در لغت و اصطلاح به چه معناست؟

- بسم الله الرحمن الرحيم. رجعت، در لغت به معنی بازگشت است؛ اما بازگشت به جایی که انسان سابقه ای در آن دارد. رجعت به معنی بازگشت است و معنای «در جایی که قبلا در آن بوده» در این کلمه نهفته است. در قرآن آمده است: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» قسم به آسمان که دارای «رَجَع» است. «رَجَع» به معنی باران است و دلیل اینکه به آن «رَجَع» می گویند این است که همیشه در گردش است و از بین نمی رود یعنی آب، بخار شده به آسمان می رود، تبدیل به ابر می شود و به صورت بارش باران یا برف به زمین دوباره برمی گردد و این چرخه ادامه دارد. یا به پاسخنامه می گویند مرجوع، یا ترجیع که در فارسی به معنی چهچهه زدن است یا «إمرأه الرجاع» به زن بیوه ای که به منزل پدرش برمی گردد، گفته می شود. پس در لغت هر جا رجعت به کار برده شود به معنی بازگشت به مکانی است که در آن بوده است و سابقه دارد.

در اصطلاح مباحث مهدویت، رجعت به معنی بازگشت دو گروه از مردگان به دنیا به همان صورتی که در گذشته بودند، پس از ظهور و قبل از قیامت است. در تک تک کلماتی که در این تعریف آمده است، نکته وجود دارد. اینکه گفتیم بازگشت دو گروه از مردگان، در رجعت ما معتقدیم هم مؤمنین و هم کفار به دنیا باز می گردند و به اینگونه نیست که افراد جدیدی بیایند. گفتیم به همان صورتی که در گذشته بوده اند، نه آنکه

دچار تناسخ ارواح گردند، در رجعت منظور آن نیست که روح انسان در قالب بدن جدید یا پیکر حیوانات برمی گردد بلکه به همان صورتی که در گذشته بوده است پس از رجعت نیز همانگونه بر می گردد و این رجعت اصطلاحی ما، باید پس از ظهور و قبل از قیامت باشد. شیخ مفید در کتاب اوایل المقالات در این زمینه مطلبی نوشته و ادله ای نیز آورده است.

ابنا: رجعت در روایات شیعه چه جایگاهی دارد و آیا اهل سنت نیز به رجعت اعتقاد دارند؟

- در شیعه روایات رجعت فراوان است مثلاً شیخ حر عاملی کتابی پیرامون رجعت با نام «الایقاظ من الهجعه برهان علی الرجعه» دارد که در این کتاب بیش از ۵۰۰ حدیث در زمینه رجعت آورده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار روایات رجعت را آورده و می نویسند: «روایات رجعت متواتر است و اگر نگوییم که روایات رجعت متواتر است ما دیگر در هیچ زمینه ای نمی توانیم ادعای تواتر نماییم.» این حرف نشان از حجم بالای احادیث در این زمینه دارد به گونه ای که به اعتقاد برخی از علما، جزء ضروریات مذهب شده است. حتی حدیثی در کتاب *مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ مَرْحُومِ شَيْخِ صَدُوقِ* از امام صادق (ع) نقل شده که می فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا» کسی که به رجعت ایمان نیارد، از ما نیست.

احادیث در زمینه رجعت علاوه بر کتب فوق در کتاب های زیادی از جمله مرحوم شیخ کلینی در کتاب کافی، کتاب کمال الدین و تمام النعمه از شیخ صدوق و الغیبه شیخ طوسی و کتاب های دیگر نیز آمده است. ما چند روایت از کتاب شیخ حر عاملی در این زمینه بیان می کنیم:

امام صادق (ع) می فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمَ الْكُرَّةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (روزهای خدای عزوجل سه روز است: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت).

در زیارت رجبیه که نایب سوم امام زمان (عج)، حسین بن روح نوبختی نقل می کنند: «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَجِيَّاتُهُ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ» خدا این سعادت را به من اعطا کند که در زمان رجعت شما برگردم. علمای شیعه در بحث رجعت متفق القول اند و حتی یک نفر هم نداریم که آن را رد کند و برخی از آنان گفته اند که رجعت از ضروریات مذهب است. پس در اصل رجعت شیعه اتفاق نظر دارد.

در اهل سنت عده اندک و انگشت شماری رجعت را قبول کردند آن هم به نحو اجمال، نه به تفصیل شیعه. مثلاً قبول دارند که اصحاب کهف رجعت می کنند. اهل سنت رجعت را قبول ندارند و حتی به آن طعنه هم

می‌زنند. بعضی از علمای اهل سنت نیز می‌گویند که رجعت از اعتقادات عرب جاهلی است (النهایه فی قریب الحدیث و الاثر، ابن الأثیر، ج ۲، ص ۲۰۲)، یا در جای دیگر می‌گویند اعتقاد به رجعت، جزء اعتقادات یهود، نصارا، بدعت گزاران و هوا پرستان است (اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، ج ۲، ص ۹۲۷). جالب است بدانید شرح حال نویسان اهل سنت در کتاب های تراجم در روایان مشترک بین اهل سنت و شیعه، برخی را رد می‌کنند به دلیل اینکه آنها به رجعت ایمان دارند. مثلاً «جابر بن یزید جعفی» که از خواص اصحاب امام محمد باقر (ص) است و روایتی وجود دارد که هرچه می‌گفت راست بود. اما در اعتقاد اهل سنت، در کتاب تهذیب الکمال ج ۴، جابر جعفی ضعیف و کذاب است زیرا به رجعت ایمان دارد. یا شعبی در مورد جابر جعفی و داوود ابن ابی یزید، در تهذیب الکمال ج ۸ می‌گوید: «اگر روزی من این دو را گیر بیاورم و چیزی جز یک سوزن پیدا نکنم، این دو را با سوزن به هم می‌دوزم.» الکامل فی الضعفاء الرجال، راجع به جابر می‌گوید: «من از جابر هیچ حدیثی نمی‌گویم زیرا به رجعت ایمان دارد.» ما کسانی را داریم که اهل سنت به خاطر اعتقادشان به رجعت، آنها را رد می‌کنند.

جالب است که این مسئله به تمسخر اهل سنت نیز کشیده شده است که یک نمونه را بیان می‌کنیم. ماجرای بین ابو حنیفه و مؤمن طاق رخ داده که هر دو شاگرد امام صادق (ع) بودند. روزی ابو حنیفه به مؤمن طاق گفت: آیا تو به رجعت اعتقاد داری؟ گفت: بله. ابو حنیفه در حال تمسخر گفت: از جیبیت ۵۰۰۰ دینار به من پول بده، وقتی در رجعت من و تو برگشتیم، من آن را به تو پس می‌دهم. مؤمن طاق سریع جواب داد: ضمانتی به من بده که در روز رجعت، به شکل انسان می‌آیی؛ می‌ترسم به شکل میمونی درآیی و من نتوانم قرضم را پس بگیرم. مؤمن اینگونه پاسخ داد چون اهل سنت به تناسخ اعتقاد دارند.

ابنا: جایگاه رجعت در قرآن را بیان کنید.

- یکی از راههای اثبات رجعت، به وسیله آیات قرآن است. ما در قرآن سه دسته آیات در این زمینه می‌توانیم بیان کنیم.

دسته اول آیاتی که دلالت بر امکان رجعت می‌کند: برای نمونه آیاتی که در مورد قیامت صحبت می‌کند، طبیعتاً امکان رجعت را هم می‌رسانند؛ مانند سوره حج آیه ۶: «ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». این (آثار قدرت) دلیل است که خدا حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققاً بر هر چیز تواناست. ممکن است کسی بگوید که این آیه مربوط به قیامت است، ما نیز حرفی نداریم؛ در رجعت نهایت حرف ما این است که خدا مردگان را زنده می‌کند.

آیه دیگری که امکان رجعت را بیان می کند در سوره یاسین آیات ۷۸-۷۹ است: «وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ». و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت: «چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می بخشد؟» بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر گونه آفرینشی داناست.»

دسته دوم آیات رجعت به دنیا در اقوام گذشته است. من اگر بخواهم از همان اول قرآن شروع کنم، سوره بقره آیات ۲۵۹-۵۶-۷۳-۲۴۳ و آیات بسیار دیگر در سوره های دیگر در این زمینه وجود دارد. من آیه ۲۵۹ سوره بقره که داستان عزیر پیغمبر است را بیان می کنم: «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». یا به مانند آن کس (عزیر) که به دهکده ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود ، گفت: (به حیرتم که) خدا چگونه باز این مردگان را زنده خواهد کرد! پس خداوند او را صد سال میراند سپس زنده کرد و برانگیخت و به او فرمود که چند مدت درنگ نمودی؟ جواب داد: یک روز یا پاره ای از یک روز درنگ نمودم. خداوند فرمود: بلکه صد سال است که به خواب مرگ افتاده ای، نظر در طعام و شراب خود بنما که هنوز تغییر ننموده اند، و الاغ خود را بنگر (که اکنون زنده اش کنیم تا احوال بر تو معلوم شود) تا تو را حجت و نشانه ای برای خلق قرار دهیم (که امر بعثت را انکار نکنند) و بنگر در استخوانهای آن که چگونه درهم پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم. چون این کار بر او روشن گردید ، گفت: به یقین می دانم که خدا بر هر چیز قادر است.

خداوند در آیه ۵۶ سوره بقره نیز می فرماید: «وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». و (یاد آرید) وقتی که گفتید: ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه خدا را آشکار ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن را مشاهده می کردید. سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم شاید خدا را شکر گزارید. روایتی از امام علی (ع) در بحارالانوار جلد ۵۳ در مورد این افراد وجود دارد که می فرمایند: این عده زنده شدند، به خانه خود بازگشتند، مثل مردم زندگی کردند، صاحب فرزند شدند و وقتی مرگ آنان رسید همانند مردم عادی از دنیا رفتند.

دسته سوم آیاتی در مورد رجعت به دنیا در اقوام آینده است. به طور مثال در سوره نمل آیه ۸۳ آمده است: «وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ». و (ای رسول، امت را به یاد آر) روزی که

از هر قومی یک دسته را که تکذیب آیات ما می کنند بر می انگیزیم و آنها (برای سؤال) باز داشته خواهند شد. این آیه بهترین دلیل برای واقع شدن رجعت در امت ماست. در کتاب مجمع البیان از مرحوم طبرسی حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که می فرماید: کسی محضر امام صادق (ع) رسید و راجع به آیه فوق سؤال کرد. امام فرمود: مردم (اهل سنت) راجع به این آیه چه می گویند؟ آن شخص گفت: مردم می گویند این آیه راجع به قیامت است که خدا مردم را محشور می کند. امام فرمود: این آیه مربوط به روز قیامت نیست، آیا خداوند در روز قیامت دسته ای را بر می انگیزد و عده دیگری را رها می کند؟ این آیه مربوط به رجعت است.

سوره انبیا، آیه ۹۵ نیز همانند آیه فوق و مربوط به رجعت در آینده است.

ابنا: فلسفه و فواید رجعت چیست؟

- طبق احادیث یکی از فلسفه و فواید رجعت، تحقق وعده الهی در نصرت مؤمنان است. همانطور که در سوره فاطر آیه ۵۱ خداوند می فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» بی تردید ما پیامبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی دادن] به پا ایستند، یاری می کنیم. در کتاب بحارالانوار جلد ۵۳، امام صادق (ص) ذیل این حدیث فرمودند: اینکه ما پیامبران و مؤمنان را یاری می کنیم - به خداوند قسم - در رجعت است؛ ندیدی بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند. مانند ۷۰ پیامبری که در یک روز توسط قوم بنی اسرائیل کشته شدند. خداوند وعده داده است که حتماً آنها را یاری می کند. آن دوره تاریخ به گونه ای بود که ظرفیت تحقق این وعده الهی را نداشت پس در رجعت این اتفاق می افتد.

فلسفه دوم رجعت، عزت مومنان و ذلت کافران است. یعنی عزت مؤمنین در دنیا قبل از مرگ همانگونه که خداوند خواسته است، برای مردم آشکار نگشت. این نکته را باید بگوییم که پاداش واقعی در قیامت است و خداوند بخشی از پاداش خود را در این دنیا قرار داده است. همانطور که در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: مؤمنان برمی گردند تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد و تبهکاران برمی گردند تا خداوند آنها را خوار کند. (بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۶۴). بعد حضرت فرمود: غیر از آن عذاب اکبر، ما یک عذاب ادنی هم داریم که به کافران در این دنیا خواهد رسید.

خداوند در آیه ۱۲۴ سوره طه می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش تنگ می شود و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم. روای می گوید از امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق سؤال کردم که این آیه می گوید: دشمنان اسلام در تنگی معیشت و سختی زندگی گرفتار می شوند، اما اکنون که دشمنان در ناز و نعمت هستند و با ناز و نعمت هم می میرند؟ امام فرمود: بگذار ایام رجعت برسد می بینید که چه زندگی تنگ و سختی خواهند داشت.

فلسفه سوم رجعت برخورداری مؤمنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر (عج) است. خیلی از مؤمنان دوست دارند، توفیق در رکاب امام زمان بودن را داشته باشند و امام را به هر نحوی که امکان دارد یاری کنند. کسانی که از دنیا می روند، این توفیق از آنها سلب می شود و برای رفع این محدودیت، خداوند رجعت را قرار داده است تا مؤمنین راستین که تنها مانع آنها برای قرار گرفتن در زمره یاران حضرت ولی عصر (عج) مرگ است با رجعت این مانع برطرف شود. در ادعیه های ما نظیر دعای عهد و سایر دعاها نیز این مطلب آمده است.

طبق احادیث، فلسفه چهارم رجعت اقامه حدود و قصاص اجرا نشده است. گرفتن انتقام مظلوم از ظالم، تشفی دل مومنین و سایر فلسفه ها نیز از دیگر اهداف رجعت هستند که در روایات آمده اند. امام کاظم (ع) در بحار الانوار جلد ۵۳ فرمودند: «مردمی که مردند به دنیا برمی گردند، انتقام خودشان را از هرکسی آزار دیده اند، می گیرند.» یا امام صادق (ع) راجع به سید الشهداء (ص) فرمود: «اولین کسی که به دنیا برمی گردند، امام حسین (ع) و یارانش است و آن طرف یزید و یارانش هستند و همانطور که یزید امام و یارانش را شهید کردند، یزید و یارانش به وسیله امام حسین و یارانش از بین خواهند رفت.»

فلسفه پنجم رجعت طبق احادیث، ظهور قدرت الهی در رجعت است. امام صادق (ع) ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» می فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمَ الْكُرَّةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ «روزهای خدای عزوجل سه روز است: روزی که قائم قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت». از علامه طباطبایی پرسیدند مگر تمام روزهای سال برای خداوند نیست؟ ایشان گفتند: همه ایام برای خداوند است ولی همه روزها انتساب عام است اما این روزها انتساب خاص به خداوند است زیرا ظهور قدرت خداوند به نحوی است که همه را متوجه خودش می کند.

یکی دیگر از فواید و فلسفه رجعت، ایجاد روحیه استقامت و زنده نگه داشتن روحیه انتظار است. اگر بر فرض محال به کسی بگویند که شما هرچقدر انتظار و سعی و تلاش کنی تا چند نسل از فرزندان نمی توانند

زمان ظهور را درک کنند، ممکن است انسان دچار تزلزل شود. همه ما برای درک زمان ظهور امید داریم و آن چیزی که این امید را تقویت می کند، رجعت است. زیرا اگر نتوانیم زمان ظهور را درک کنیم، چنانچه منتظر واقعی باشیم، با رجعت می توانیم به صف یاران امام زمان (عج) بیوندیم و مرگ که بین انسان و همه چیز فاصله می اندازند به خواست خداوند بین انسان و امام زمان (عج) نمی تواند فاصله بیاندازد.

شب عاشورا پس از اینکه امام حسین (ع) فرمود هرکس می خواهد برود، من ناراحت نمی شوم، و یارانش اظهار وفاداری کردند. ایشان دو مطلب فرمود: ابتدا جایگاه هر کدام را در بهشت به آنها نشان داد و دوم بحث رجعت را بیان کردند و فرمودند: «بشارت می دهم به شما اگر ما را کشتند، ابتدا پیش پیغمبر می رویم و مقداری که خداوند بخواهد آنجا می مانیم. اولین کسی که زمین برای آن باز می شود من هستم و بر می گردم به زمین.» این حرف در روحیه این افراد تأثیر زیادی گذاشت که امام سجاد (ع) فرمود: «یاران پدرم با صورت به استقبال شمشیر می رفتند.» در دعای عهد نیز همین را بیان می کنیم.

ابنا: سؤال دیگر در مورد رجعت این است که چه کسانی به دنیا رجعت خواهند کرد؟

- به طور کلی، دو گروه مؤمنین و کفار رجعت می کنند. اما همه انسان ها رجعت نخواهند کرد، اگر قرار شود همه برگردند قیامت می شود. در احادیث آمده است که مؤمنین محض و کفار محض رجعت می کنند مانند امام حسین (ع) و یارانش و یزید و یارانش.

نکته بعد اینکه رجعت مخصوص به عده خاصی نیست که محدودیت نفری داشته باشد. با ذکر مثال توضیح می دهیم که ملموس تر باشد. ما می خواهیم در دانشگاهی، به اردو برویم و صد نفر بیشتر ظرفیت نداریم و می گوئیم که صد نفری که معدل آنها از همه بیشتر است را می بریم. اما یک بار دیگر می گوئیم که می خواهیم اردو ببریم و ظرفیت نفری نداریم مثلاً تمام دانشجویان هم که نمره بیاورند، آنها را هم می بریم. رجعت نیز از برداشت بنده از احادیث اینگونه است و ظرفیت محدودی ندارد.

در روایات رسیده از اهل بیت (ع) عده ای را نام برده اند. نام بردن عده ای به معنای نفی ما بقی نیست و از باب نمونه نام برده شده اند؛ مثلاً ائمه و معصومین جزء رجعت کنندگان هستند که حدیث آن ذکر شد. یا روایاتی داریم که ذکر عدد کرده است برای نمونه امام صادق (ع) فرمود: هنگامی امام حسین (ع) و یارانش رجعت می کنند، همراه ایشان ۷۰ نفر از پیامبران رجعت می کنند. در برخی دیگر از روایات آمده است رجعت برای برگشت افراد صالح امت هاست و نام آنها آمده است؛ مثل، اصحاب کهف، مؤمن آل فرعون، از میان

اصحاب پیغمبر و ائمه(ع)، سلمان فارسی، مقداد، مالک اشتر، عده ای از بانوان و عده ای کثیری از مؤمنین و کفار که نام آنها ذکر نشده است نیز رجعت می کنند.

ابنا: آیا رجعت جسمانی است؟

- بله طبق روایت و احادیث نظیر حدیث امام علی (ع) که ذکر شد، افراد همانگونه که از دنیا رفته اند، به این دنیا رجعت می کنند.

ابنا: اینکه گفته می شود که در رجعت تمام انبیا و امامان(ع) باز می گردند صحیح است؟

- چون همه ائمه و انبیا ما را به قتل رساندند و یاری نشدند، طبق احادیث باید همه آنها رجعت کنند.

ابنا: آیا رجعت اختیاری است؟

- طبق احادیث رجعت برای مؤمنان اختیاری است و به مؤمنینی که در عالم برزخ هستند، عرضه می شود که حضرت مهدی (عج) در دنیا ظهور کردند، آیا می خواهید رجعت کنید؟ اما رجعت در مورد کفار اجباری است، زیرا می دانند که قرار است ذلیل و خوار بشوند به همین خاطر تمایلی به رجعت ندارند.

ابنا: در رجعت آیا امکان توبه برای گناهکاران و کفار وجود دارد؟

- روایت خاصی که بشود به این سؤال نسبت داد وجود ندارد اما آنچه که به ذهن می رسد این است که کفار فرصت توبه ندارند زیرا طبق احادیث این گناهکاران برای گرفتن انتقام بازگردانده می شوند مانند کسی که برای اعدام برده می شود که دیگر در راه، فرصت توبه ندارد.

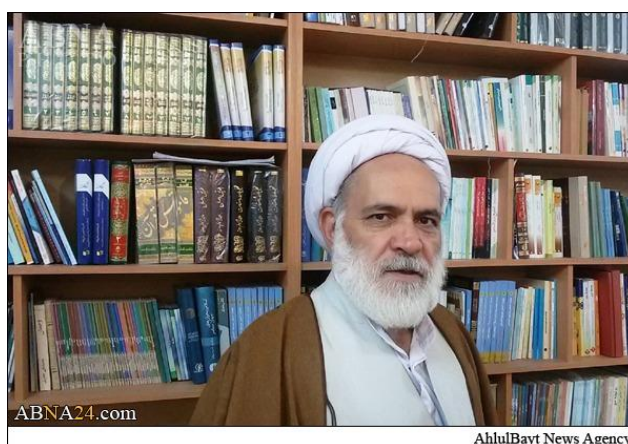
ابنا: یک سوالی که به ذهن انسان می آید این است که عذاب الهی در قیامت و جهنم دردناک تر و عذاب آور تر از مجازات در این دنیا است، پس دیگر چرا کافران را به این دنیا باز می گردانند تا مجازات شوند؟

- در فلسفه رجعت عرض شد که جایگاه اصلی عذاب در قیامت است اما خداوند می خواهد بخشی از آن را در این دنیا به کافران بچشاند. با یک مثال این مطلب را توضیح می دهم، شما فرض کنید که خانواده شهدای جنگ تحمیلی ایران و عراق در مکانی حضور دارند. همه ما می دانیم که یکی از عناصر داغدار شدن این خانواده ها، صدام است و صدام از همان لحظه که وارد برزخ می شود، در عذاب است و تا قیامت و جهنم هم در این عذاب خواهد ماند. اگر به خانواده های شهدا بگویند که آیا می خواهید که در این دنیا نیز علاوه بر آن دنیا این فرد ظالم مجازات شود و انتقام خون های بی گناهی که ریخته است، از او گرفته شود، آیا استقبال نمی کنید و خوشحال نمی شوید؟ قطعاً جواب آنها مثبت خواهد بود. این لطف خداوند است که خواسته است کافران بخشی از عذاب خود را در این دنیا ببینند و باعث تشفی دل مؤمنین در این دنیا شود.

ابنا: از فرصتی که در اختیار ما قرار دارید سپاسگزاریم.

در انتظار منجی - ۱۵: آیا در عصر ظهور کشتار جمعی رخ می دهد؟ / مردم جهان با ظهور مهدی (عج) مشکلی نخواهند داشت

بحث این هفته، متن سخنرانی «حجت الاسلام و المسلمین حبیب الله احمدی» در نشست «پدیده ظهور» است که در نهم خرداد در قم برگزار شد. حجت الاسلام احمدی از نویسندگان حوزوی است که مقالات و کتاب های متعددی از وی منتشر شده است. کتاب "امام مهدی (عج) امید زندگی" و مجموعه ای ۱۴ جلدی با موضوع الگوی زندگی ائمه معصومین (ع) از آثار اوست.



متن سخنرانی استاد احمدی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

در موضوع مهدویت فرازهایی قابل اندیشه و پژوهش است، اولی تعیین وقت ظهور می باشد که با نشانه هایی که در برخی آثار آمده به عنوان یک آسیب در موضوع مهدویت مطرح است. اهل بیت (ع) در رابطه با موضوع مهدویت آسیب شناسی نموده و به این موضوع به صورت متعدد پرداخته و همواره هشدار داده اند که تعیین وقت در مورد ظهور حضرت مهدی (عج) امری کذب است و کسی نباید برای ظهور وقت تعیین کند. جمله "كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ" در بسیاری از آثار روایی به چشم می خورد که از زبان عترت رسول خدا (ص) صادر شده است.

نکته دوم این است که موضوع مهدویت توأم با خرافات فراوانی می باشد و علت آن ممکن است مسئله بسیار حساس اجتماعی بودن حضرت مهدی (عج) برای دشمنان عترت و همچنین تلاش بسیار از سوی دشمن برای

گنجاندن خرافات به اساس مفاهیم آن و حتی رخنه در منابع اصلی و متقن دینی است. یکی از آسیب شناسی های موضوع مهدویت زدودن خرافات از اندیشه و عقیده پیروان مهدویت است.

نکته سوم بردن نام حضرت مهدی موعود است. آیا بردن نام حضرت در زمان غیبت اشکال دارد؟ مطلوب و یا مکروه است؟ به دو نظریه در این رابطه اشاره می کنیم، اول: نظریه مرحوم مجلسی است که ایشان بر این باورند که همچنان در زمان غیبت هم باید از بردن نام حضرت یعنی "محمد بن الحسن المهدی" اجتناب کرد. شاید این نظریه به لحاظ مُحَدَّث بودن ایشان باشد. در مقابل نظریه مرحوم طبرسی است که ایشان بر این باور صحیح است که بردن نام حضرت در زمان غیبت هیچ مانعی ندارد و بلکه مطلوب است. علت آن این است که ممنوع بودن بردن نام حضرت، مربوط به دوران کودکی ایشان بود که در این دوران خطراتی از سوی دشمنان برایشان وجود داشت و امنیت جان حضرت را تهدید می کرد؛ به همین جهت در احادیث به این نکته پرداخته شده است که نام و نشان حضرت را پنهان دارید تا ایشان از دسترس دشمن در امان باشد. اما از هنگامی که غیبت صغری و به دنبال آن غیبت کبری شروع شد، دیگر چنین تهدیدی وجود ندارد و اینگونه روایات را نمی توان تعبدی فرض کنیم. بحث های اعتقادی باید استدلالی و اندیشه ای باشد. به نظر می رسد دیدگاه مرحوم طبرسی در این زمینه شفاف تر و مستندتر باشد. بردن نام امام زمان (عج) که هم نام حضرت رسول (ص) "محمد" است و کنیه ایشان، کنیه پیامبر، "ابوالقاسم" است، مطلوب می باشد. در دعای سلامتی امام زمان «اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ...» نیز مطلوب است که با نام حضرت یعنی "محمد بن حسن المهدی" آغاز کنیم.

بحث اصلی در مورد پدیده ظهور است که از محورهای مهم بحث مهدویت به شمار می رود. در این راستا اخبار فراوان و متضادی در منابع متقن و معتبر دینی ما چه شیعه و چه اهل سنت به چشم می خورد. به دو نظریه در اینجا اشاره می کنم: نظریه اول که بسیاری از نویسندگان شیعه و دیگران به آن می پردازند و حتی می شود گفت که در این مورد زیاده روی می کنند این است که در ظهور حضرت مهدی (عج) کشتار جمعی اتفاق می افتد به گونه ای که خون تا رکاب حضرت می آید و حضرت جمعیت انبوهی را از تیغ شمشیر می گذراند تا بتواند به اهداف متعالی خود برسد و یک نظام جهانی مستقر کند. در مقابل این نظریه، نظریه دیگری مطرح است که در هنگام ظهور کشتار جمعی رخ نداده و حتی یک نفر هم کشته نمی شود و به اندازه خونریزی که از حجامت اتفاق می افتد، در حادثه و انقلاب مهدی (عج) خونریزی نمی شود. این نظریه در کنگره حضرت مهدی ارائه شد و بیشترین سؤال هم در دانشگاه کوفه مربوط به این مقاله بود. این مقاله فرآیندی را طی کرد تا تبدیل به کتاب "امام مهدی (عج) امید زندگی" شد.

محور اول تبیین این نظریه مربوط به زمینه ظهور است و محور دوم نظریه به فرآیند قیام و ظهور مهدی (عج) مرتبط است.

در مورد زمینه ظهور باید به اساس و مبانی‌های متقن و خلل ناپذیر دین توجه داشت: اول اینکه نه تنها دین اسلام بلکه ادیان الهی، دین رحمت هستند نه دین خشونت. دو گروه، ادیان الهی را خشن معرفی می‌کنند: گروه اول دشمنان دین هستند که می‌توان گفت آن‌ها فرصت طلبی می‌کنند. گروه دوم از بین خود مسلمانان می‌باشند که در اثر ناآگاهی، دین را خشن و دین شمشیر معرفی می‌کنند؛ در حالیکه این دیدگاه برخلاف موازین دینی است. ادیان الهی به خصوص دین اسلام، دین رحمت و شفقت از ابتدا تا به انتهاست. در قرآن مجید خداوند پیامبر را "رحمة للعالمین" معرفی می‌کند. دین برای جامعه شمشیر نیاورده، بلکه پیامبر آن پیامبر رحمت، برهان و اندیشه است. با شمشیر نمی‌توان اعتقاد ایجاد کرد بلکه عقیده با برهان پدید می‌آید. دین حتی با کفار و معاند سرستیز ندارد، ستیز دین با کفار و به خصوص مشرکین در حدی است که مانع را از سر راه بردارد؛ و وقتی این مهم انجام شد شمشیر اعاده می‌شود. این آیه نحوه برخورد با مشرکین را بیان می‌کند: «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَفْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ» که شدیدترین برخورد قرآن با مشرکین و سردمداران کفر است. ولی این برخورد تا زمانی است که دشمن برای اسلام، مانع و چالش ایجاد کند، ادامه دارد. در ادامه آیه می‌فرماید «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» مشرکین اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، راهشان را باز گذارید. و این اتفاق در زمان رسول الله (ص) در فتح مکه بسیار شفاف و روشن اتفاق افتاد. در فتح مکه ابوسفیان الدالخصام، سردمدار شرک و کفر تسلیم شد و پیامبر (ص) نیز کاری به او نداشت؛ با اینکه ابوسفیان بیشترین جنگ را علیه پیامبر (ص) به راه انداخته بود. اصولاً عقیده با برهان پدید می‌آید نه با شمشیر، همانطور که در قرآن آمده است: «لا اکراه فی الدین» که فقط مربوط به دین اسلام نیست بلکه به طور کلی می‌گوید که فرهنگ و عقیده اجباری نیست. اگر پیامبر ما، پیامبر رحمت است، مهدی موعود (عج) نیز امام رحمت است. مهدی (عج) امام و مجری همان دینی است که پیامبر (ص) بر جامعه جاری کرده است و سیره ایشان نیز سیره پیامبر (ص) خواهد بود.

در اینجا چند روایت در مورد سیره و سنت امام زمان (عج) بیان می‌کنیم. در کتاب کمال الدین شیخ صدوق از رسول خدا (ص) نقل شده است که «الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي» (کمال الدین و تمام النعمة للصدوق: ۳۷۸) مهدی مجری ملت و شریعت رسول الله (ص) است. برای هیچ امامی چه معصوم و غیر معصوم به طور کامل فرصت اجرای دین رسول الله پدید نمی‌آید جز در زمان حضرت مهدی (عج). محمد بن مسلم می‌گوید: درباره سیره و روش قیام

حضرت قائم (عج) از امام باقر (ع) پرسیدم، آن حضرت فرمود: «بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى يُظْهِرَ الْأِسْلَامَ». سیره مهدی (عج)، سیره رسول الله (ص) است تا اینکه بتواند اسلام را در جامعه مستقر سازد. (الغیبه نعمانی، ص ۳۲۷)

زمینه ظهور مهدی، اعتلای فرهنگی است تا جامعه بارور شود. و تا اندیشه جامعه تکامل پیدا نکند که پذیرای یک نظام عدل الهی در گستره کره زمین باشد، ظهور مهدی (عج) تحقق پیدا نمی‌کند. همان عواملی که باعث غیبت مهدی (عج) در زمان عباسیان شده است همچنان به قوت خود باقیست. باید فرهنگ سازی و اعتلای فرهنگی انجام و مستقر شود، پس از آن است که ظهور تحقق پیدا می‌کند. فکر نمی‌کنم این مطلب نیاز به برهان داشته باشد زیرا عواملی که باعث غیبت یک رهبر می‌شود، همان عوامل باعث تداوم غیبت خواهد شد و ظهور در این شرایط بی معنا و بی نتیجه است. بر اساس این نکته که مستند در آثار روایی است در برابر مهدی (عج) چه کسانی چالشگر و مخالف هستند؟ چالشگری برای ملت‌هاست یا برای دولت‌های استکباری؟ قهراً جواب این سؤال، گزینه دوم است؛ زیرا ملت‌ها با مهدی (عج) مشکلی ندارند، آرمان ملت‌ها، آرمان مهدی (عج) است. ملت‌ها اعتقاد، آرامش، امنیت و آسایش می‌خواهند که تمام این اهداف در آرمان‌های مهدی (عج) تحقق دارد. مردم با مهدی (عج) مشکلی ندارند که بخواهند چالشگری کنند و دچار کشتار جمعی شوند. مردم بر اثر اعتلای فرهنگی و اندیشه، پذیرای حکومت مهدی (عج) خواهند بود. کسانی که با مهدی (عج) چالشگری خواهند نمود، دولت‌های استکباری هستند زیرا منافع آن‌ها در خطر است و به این علت به ستیز با مهدی خواهند آمد.

نظریه اول که مبتنی بر خشونت و کشتار جمعی است، پیامدها و بازتاب‌های فراوانی داشته و دارد و اگر بخواهیم مثال بزینم داعش، امروز نمونه‌ای از همان نظریه است. داعش یک پدیده جدیدی نیست بلکه این فکر و جریان اجتماعی از آغازین روز استقرار دین اسلام مطرح بوده، فقط فراز و نشیب داشته است که داعش یک فراز گسترده آن است. این پیامد همان نظریه‌ای است که دین را دین خون، شمشیر و خشونت معرفی می‌کند. تصور نکنید که این نظریه فقط در فقه اهل سنت مطرح است بلکه در فرق دیگر نیز مطرح است. پیامد بزرگ و خطرناکی که این نظریه دارد، پیدایش این نوع جریان‌های خشن اجتماعی است.

محور دوم بحث این است که ساختار و فرآیند ظهور مهدی (عج) چگونه خواهد بود که خونریزی و کشتار جمعی رخ نمی‌دهد؟ در حالیکه سلاح و قدرت در اختیار قدرت‌های استکباری و چالشگر بر علیه مهدی (عج) است. در روایات به یک نکته بسیار مهم و قابل توجه اشاره شده است که «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ

بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ» مهدی (عج) ما با رعب و وحشتی که در دل دشمنانش افکنده می‌شود، یاری می‌شود و با نصرت الهی مؤید است، زمین چون تکه کاغذی که در دست می‌پیچد، در اختیارش قرار می‌گیرد.

سردمداران کفار در اثر رعب و وحشتی که از توانمندی مهدی (عج) مشاهده می‌کنند، هیچگونه چالشگری بر علیه مهدی (عج) انجام نمی‌دهند. کسی بر علیه مهدی (عج) و آرمان‌های او سلاحی نمی‌تواند به دست بگیرد و مثال بسیار روشن در این زمینه، سیره رسول الله (ص) در فتح مکه است. در فتح مکه، ابوسفیان از قدرتمندان عرب که در اکثر جنگ‌های خونین نظیر بدر، احد، احزاب و سایر جنگ‌ها علیه پیامبر (ص) دست داشت و در آن زمان هیچ قدرتی قوی‌تر از ابوسفیان در مکه علیه پیامبر (ص) نبود، نتوانست کاری در برابر پیامبر (ص) انجام دهد. پیامبر (ص) با مانوری که با ۱۰۰۰۰ هزار نیرو انجام داد و ابوسفیان نیز آن را مشاهده می‌کرد، کاری کرد که ابوسفیان همان شب اعتراف کرد، کسی حریف پیامبر (ص) نیست. ابوسفیان مرعوب قدرت و مانور رسول خدا شد و پیامبر هم با ایشان کاری نداشت و مکه، یعنی کانون قدرت نظامی، توطئه و سلاح برتر علیه پیامبر، بدون آنکه حتی یک نفر کشته شود به دست ایشان فتح شد. پیامبر (ص) ابوسفیان و دار و دسته وی را بخشید اما دستور اعدام دوازده نفر را نیز صادر کرد. در ظهور حضرت مهدی (عج) نیز چنین اتفاقی می‌افتد یعنی دشمنان تا دندان مسلح و مستکبر مرعوب حضرت می‌شوند و تاب ستیزه جویی نخواهند داشت. روایات و آثار ما نیز همین ادعا را تأیید می‌کند که ما در اینجا به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ «إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَ لَا يُهْرِيقُ مِخْجَمَةً دَمًا» بشیر نبال روایت می‌کند که به امام باقر (ع) عرض کردم که مردم می‌گویند به راستی وقتی که مهدی (عج) قیام کند کارها برای او به خودی خود حل شود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نشود. (الغیبه للنعمانی، ۳۹۹)

حدیث ذیل از طریق منابع اهل سنت است و همانطور که می‌دانید منابع اهل سنت در بحث مهدویت بیش از منابع شیعه است: «بیایع المهدی بین الرکن و المقام لا یوقظ نائما و لا یهریق دما» محل قیام و ظهور مهدی (عج) مکه است؛ نه در سرداب سامرا. دشمنان به شیعه این تهمت را می‌زنند که شیعیان شب‌های جمعه به بالای سرداب می‌روند و منتظر ظهور مهدی‌شان هستند. این حدیث می‌گوید: زمان ظهور حضرت مهدی (عج) کسی که خواب است، ناگهانی بیدار نمی‌شود. یعنی تا این حد به کسی ضرری نمی‌رسد و خونی از کسی ریخته نمی‌شود. این آثار را به عنوان مؤید فرایند طرح شده در رابطه با ظهور مهدی مطرح شده است. ما در این رابطه با یکسری اخبار مواجه هستیم که به آن‌ها روایت نمی‌توان گفت. این آثار مجعولات هستند که باید در پیرایش و پالایش کردن اینگونه آثار جرأت داشت؛ حتی اگر در منابع متقن ما باشند. یکی از

زیرکی‌ها و توطئه‌های دشمن این است که مجعولات را در بین منابع معتبر می‌گنجاند. اگر مجعولات کتاب خاصی داشته باشد یا در کتاب‌های بی پایه و اساس مطرح شود کسی به آن‌ها توجه نخواهد کرد. حدیث مجعول ممکن است در جوامع روایی متقن ما باشد و ما در اینجا به نمونه‌هایی از آن‌ها که نیاز به پالایش دارند اشاره می‌کنیم:

در زمان امام باقر (ع) سؤالات بسیاری در زمینه مهدویت وجود داشت. زراره بن اعین می‌گوید: «قُلْتُ أَسِيرٌ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ ص قَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةُ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ لِمَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَاكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَيْبَ أَحَدًا وَيَلِّ لِمَنْ نَأَوَاهُ». زراره بن اعین از امام باقر (ع) در مورد مهدویت سؤال کرد که آیا سیره مهدی مثل سیره رسول الله است؟ حضرت فرمود: هیهات یا زراره، نمی‌شود و محال است که مهدی به سیره رسول الله باشد. رسول الله با نرمش، شفقت و رحمت، مردم را به هم پیوند می‌داد و ائتلاف قلوب پدید می‌آورد، در حالی که کار مهدی قتل است و توبه کسی را نمی‌پذیرد. وای بر کسی که مهدی را ملاقات کند! (الغیبة للنعمانی، ۳۲۷) از مهدی، هیتلر و بدتر از آن ساخته اند.

یا در روایتی دیگر آمده است: «إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقِي أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ». امام باقر (ع) می‌فرماید: وقتی مهدی ظهور کند، امر، کتاب، روش و داوری جدیدی با خود می‌آورد، تمام رفتار مهدی جدید می‌شود. پس امام زمان کدام دین را می‌خواهد احیا کند؟ کارش فقط قتل است! کسی را باقی نمی‌گذارد. نویسندگان از همین روایات، کشتار جمعی را استناد کردند که خون تا رکاب می‌آید. روایت دیگر این است: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ع لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ الْفُرْسِ إِلَّا السَّيْفُ» امام صادق (ع) فرمود: چون مهدی (عج) خروج فرماید تنها چیزی که میان او و مردم شامل عرب و عجم خواهد بود، شمشیر است. (بحار، ۵۲، ۳۸۹)

در یکی از این منابع روایی آمده است: «يُقْتَلُ فِيهَا الرَّجَالُ وَ تُشَقُّ بُطُونُ الْحَبَالِي» حضرت مردان را می‌کشد و شکم زنان حامله را می‌درزد و کودکان را سر نیزه‌ها بالا می‌برد. این کار به مراتب از کارهای داعش بدتر است. چطور می‌توان این روایات که حتی در منابع متقن ما آمده است را باور کرده و بپذیریم در حالی که که با باورهای اساسی و مستند ما در چالش است. این روایات اگر صحیح‌اعلایی باشند یعنی تمام راویان آن تا معصوم (ع)، عادل و امامی موثق باشند، سنداً قابل پذیرش نیستند؛ زیرا با اساس دین در اختلاف است. این گونه روایات با کتاب خدا در تعارض است و اینها را ما نگفته‌ایم، بلکه به نام ما زده‌اند. این دست روایات در موضوع مهدویت به طور کلی باید پالایش شوند.

داعش ارتباطی به قیام «سفیانی» ندارد/ تطبیق روایات ظهور امام زمان (عج) با زمان معاصر، خلاف شرع است
«آیت‌الله علی کورانی» متولد منطقه جبل عامل در جنوب لبنان و از علمای برجسته آن دیار است. همزمان با
پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی راهی ایران شده و سالهاست که در شهر قم سکونت دارد آن
هم به یک دلیل مهم: موضوع عصر ظهور و اعتقاد به اینکه آغاز حرکت حضرت مهدی (عج) از مشرق خواهد
بود.



وی از محضر اساتیدی همچون آیت‌الله شیخ محمدتقی فقیه، سید علا بحرالعلوم، شیخ محمدتقی ایروانی،
آیت‌الله ابوالقاسم خویی و آیت‌الله شهید صدر استفاده کرده است و هر چند تالیف ده‌ها کتاب با عناوین
مختلف، تاسیس مرکز المعجم الفقهی، تالیف دانشنامه امام مهدی در ۴۰ فصل و سخنرانیهای در شبکه‌های
ماهواره‌ای به زبان عربی و فارسی که موضوع همه آنها به گفته خودش درباره امام مهدی (عج) است باعث
شده که او چهره‌ای شناخته‌شده در میان کشورهای اسلامی و مسلمانان باشد اما آنچه او را بیش از همه نه فقط
در ایران که در سایر کشورهای عربی مشهور کرده، تالیف کتاب "عصر ظهور" است که به زبان‌های مختلف
ترجمه شده است. چاپ بیست و هفتم این کتاب زمستان سال ۹۲ از سوی انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل
انتشار یافته است.

کورانی در کتاب عصر ظهور، با گردآوری و بررسی احادیث مشترک میان شیعه و سنی درباره نشانه‌های ظهور
حضرت مهدی (عج) به تفسیر و تحلیل این احادیث پرداخته و تصویری کلی از دوران پیش از ظهور حضرت
مهدی (ع) ارائه می‌کند.

گفت‌وگو با این روحانی ۷۰ ساله و خوش‌روی لبنانی که فارسی را با لهجه عربی صحبت می‌کند، درباره
کتاب «عصر ظهور» در خانه‌اش در قم انجام شد در اتاقی که زینت‌بخش آن کتابخانه‌ای بزرگ بود؛ کتابخانه‌ای

که در میان همه کتابهایش دانشنامه چند جلدی امام مهدی (عج) از تالیفات علی کورانی خودنمایی می‌کرد و البته عکسی از «یاسر» فرزند کورانی که در منطقه جبل عامل شهید شده است:

به کوشش: سعیده محبی

کتاب عصر ظهور را زمانی که در ایران بودید، نوشتید؟

— بله؛ اوایل جنگ بود؛ حدود ۲۷-۲۸ سال پیشتر. من این کتاب را ۴-۵ ماهه تمام کردم. چون برای نوشتن از کامپیوتر استفاده می‌کنم و با احادیث آشنا هستم، معمولاً تالیف کتاب‌هایم سریع انجام می‌شود و معروف است که می‌گویند فلانی سریع‌التالیف است. الان بگویند فلان حدیث از کیست، آن را در ذهنم پیدا می‌کنم و می‌توانم لابه‌لای منابع بگردم و بینم این حدیث در کدام منبع آمده است.

شما چه زمانی از لبنان به ایران آمدید؟

— بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و از همان آغاز جنگ به ایران آمدم. ۲ سال هم جبهه رفتم.

چه شد که از لبنان به ایران آمدید؟

— مسئله عصر ظهور مهمترین دلیل آمدن من به ایران بود. ما اعتقاد داریم به ظهور امام مهدی (عج) و اینکه آغاز حرکت ظهورش از سرزمین مشرق شروع می‌شود و اعتقاد داریم که این حرکت متصل به ظهور حضرت است و این باعث شد که به ایران بیایم. احادیث وارد شده از اهل بیت (ع)، قومی را روایت می‌کنند که از دیار سلمان هستند و از مشرق قیام می‌کنند و آنها نخستین زمینه‌سازان ظهور خواهند بود. بنابراین من به عنوان یک شیعه که به این احادیث و روایات اعتقاد دارد، معتقدم که انقلاب اسلامی ایران، از حرکت‌های زمینه‌ساز برای ظهور امام مهدی (عج) است.

منظور از مشرق‌زمین که در کتاب هم به آن در بخش‌های مختلف اشاره کرده‌اید، ایران است؟

— بله. بررسی‌های مختلفی درباره این موضوع شده و این موضوع حتی در بین علمای اهل سنت نیز مطرح بوده و آنها هم اعتقاد دارند که یاران‌امام مهدی (عج) اهل پرچم‌های سیاه و اهل خراسان هستند. این روایت که آغاز حرکت زمینه‌سازان ظهورامام مهدی (عج) از سرزمین مشرق و از ایران خواهد بود و یاران‌امام مهدی (عج) اهل پرچم‌های سیاه هستند پیش همه علمای مسلمین معروف است. البته مدتی پیش وهابی‌ها این موضوع را رد کردند و گفتند که منظور از این نقل ایرانی‌ها نیستند بلکه صاحبان پرچم‌های سیاه، طالبان هستند و خراسان هم شامل منطقه افغانستان است. وهابی‌ها با این ادعاها می‌خواهند از احادیث پیغمبر (ص) فرار کنند. مسئله این است که این حرکت — یعنی انقلاب اسلامی ایران — فراهم‌کننده زمینه ظهور است یعنی اتفاقات زمینه‌ساز ظهورامام (ع) با این جنبش آغاز می‌شود. در روایات شیعه آمده است که «امر» امام از مشرق آغاز می‌شود. در روایات سنی آمده است که او از مشرق می‌آید. پس ارزش انقلاب اسلامی به این است که زمینه‌ساز ظهورامام (ع) است. بنابراین و با توجه به این موضوع است که من به ایران آمدم البته ابتدا ساکن تهران بودم و بعد به قم آمدم.

در روایات مربوط به زمینه‌سازان ظهور که در منابع مختلف آمده است و شما نیز در کتاب عصر ظهور به آن اشاره کرده‌اید، از خراسانی‌ها، اهل قم و اهل طالقان نام برده شده است. منظور از این اقوام ایرانی‌ها هستند یا اهالی همان مناطق خاص؟

— از سرزمین ایران در روایات گاهی به طالقان یعنی محدوده کوه‌های البرز، گاهی با نام خراسان، گاهی به عنوان قوم سلمان، سرزمین مشرق و اهل قم اسم برده شده است که منظور از همه اینها ایران است. این روایت مشهور است که عده‌ای خدمت‌امام هادی (ع) رسیدند. حضرت پرسیدند اهل کجا هستید. گفتند اهل ری‌امام فرمودند خیلی خوش آمدید اهل قم. آنها گفتند جانمان به فدای شما، ما اهل ری هستیم. حضرت گفت بله، ولی اهل قم هستید. اهل قم یعنی شیعیان در این سرزمین و کل ایرانی‌ها. یا اینکه وقتی می‌گویند «سید خراسانی» از زمینه‌سازان ظهور در ایران است، لزوماً خراسانی نیست. خراسانی یعنی حاکم ایران. مثل یمانی حاکم یمن و شامی حاکم سوریه.

از چه زمانی دغدغه نوشتن کتاب «عصر ظهور» را داشتید؟

— من قبل از نوشتن این کتاب سخنرانی‌های زیادی درباره امام مهدی (عج) داشتم و کتابچه‌های کوچکی هم نوشته بودم. ولی کتاب کاملی نداشتم تا اینکه وقتی به ایران آمدم، آن را نوشتم و چاپ کردم. بعد هم در قم با همکاری یک موسسه تحقیقاتی شروع به تدوین کتاب دانشنامه امام مهدی (ع) کردم که مفصل و کامل شده کتاب عصر ظهور است.

ظاهراً این کتاب در کشورهای عربی هم پرمخاطب است؟

— بله. الحمد لله کتاب در کشورهای عربی و ایران بارها تجدید چاپ شد. ترجمه‌هایش هم به زبان‌های ترکی، اردو، هندی انگلیسی، اندونزیایی و مالزیایی است. این کتاب در کشورهای عربی بسیار مورد توجه و پرفروش شده است.

خودتان فکر می‌کردید این کتاب چنین پرمخاطب شود؟

— خب همه شیعیان جهان به موضوع ظهور و اینکه ان شاء الله بر اساس روایات، انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز ظهور امام مهدی (عج) است، اعتقاد دارند و همین دلیل استقبال از این کتاب شده است. در میان ایرانی‌ها از این جهت مورد توجه قرار گرفت که کتاب دارای بشارتی خوشحال‌کننده برای آنها به عنوان قوم سلمان است. با نگاهی به تاریخ و سابقه ایرانی‌ها در اسلام و گرایش آنها به اهل بیت (ع) و با رقم زدن انقلاب اسلامی، آنها نشان داده‌اند که آنها لیاقت این بشارت را دارند؛ این بشارت که ایرانی‌ها مسئولیت و رسالت مهمی در فراهم کردن شرایط برای ظهور دارند و از جایگاهی خاص در میان ۳۱۳ نفر اصحاب خاص امام مهدی (عج) برخوردارند.

از عصر ظهور فقط مسلمانان استقبال کرده‌اند یا اینکه مورد توجه غیرمسلمانان و مسیحیان نیز قرار گرفته است؟

— بسیار مورد توجه مسیحیان قرار گرفته است. یک بار در جایی مسیحیان به من گفتند کشیش بزرگی از مسیحیان اقدام به خرید این کتاب کرده بود. پرسیدیم برای چه این کتاب را خریده‌اید. آن کشیش گفته بود

بچه‌های ما ملحد شده‌اند می‌خواهم این کتاب را بخوانند و بفهمند که حضرت مسیح نیز یکی از کسانی است که در زمان ظهور امام مهدی (عج) باز می‌گردد و در کنار امام مهدی (عج) خواهد بود. چرا که مسیحیان هم به موضوع ظهور منجی اعتقاد دارند.

احادیث مربوط به وقایع عصر ظهور را از کجا و کدام منابع جمع‌آوری کرده‌اید؟

— منابع معروف است؛ همان منابعی که ذکر امام مهدی (عج) در آنها هست و در بین علمای سنی و شیعه شهرت دارند. در کتاب‌های سنی باب‌هایی در مورد امام زمان (عج) هست و آنها کتاب‌های معروف درباره امام زمان (عج) هم دارند. مثلاً سیوطی کتاب «العرف الوردی» را دارد یا «متقی هندی» کتاب «کنز العمال» را دارد که کتاب مخصوص امام زمان (عج) است. «نعیم بن حماد» که هم‌عصر امام رضا (ع) است هم کتاب «الفتن» را دارد که خیلی مشهور است و خودش منبع است. البته اعتماد ما به منابع شیعه است. مهمترین منابع ما «کمال الدین» شیخ صدوق، «کافی» شیخ کلینی، «الغیبه» شیخ طوسی و «الغیبه» نعمانی است. اینها کتاب‌های مخصوص شیعه است که برخی کاملاً مختص به امام زمان (عج) هستند و برخی فصولی درباره امام زمان (عج) دارند. استناد من به این منابع است.

فصلی از کتاب شما به زمینه‌سازی ایرانیان برای ظهور امام موعود اختصاص پیدا کرده است. این موضوع فضا را برای برخی سوء استفاده‌ها و تطبیق آنها با شخصیت‌هایی در ایران باز کرد. مثلاً در مستند «ظهور خیلی نزدیک است» که چند سال پیش ساخته شد به کتاب شما استناد داده شده بود.

— من همان موقع آن فیلم را نقد کردم به این علت که وقتی می‌گویی فلانی «شعیب بن صالح» است یا فلانی «سید خراسانی» است در واقع داری «توقیت» می‌کنی یعنی می‌گویی که امام زمان (عج) در عمر این آقا ظاهر می‌شود که این توقیت — یعنی تعیین وقت برای ظهور — است و امامان، ما را از توقیت نهی کرده‌اند. تعیین وقت برای ظهور حرام است و وقتی ما کسی را با احادیث وارد شده تطبیق می‌کنیم یعنی وقت گذاری کرده‌ایم و این خلاف است.

شما مخالف تطبیق هستید؟

— بله؛ ابا نمی‌شود تطبیق داد و این کار را نفی کرده‌ام.

پس چرا خودتان به دلیل تطبیق مواردی با ایران و انقلاب اسلامی در این کشور هستید؟

— البته مقدمات را می‌شود تطبیق داد چرا که مقدمات غیر از مسئله هستند. اینکه در روایات آمده زمینه‌سازان ظهور از مشرق‌زمین و قوم سلمان هستند را می‌توانیم با ایرانی‌ها تطبیق بدهیم و گفتن این نکته به معنی تعیین وقت نیست چرا که ما به سال مشخصی اشاره نکرده‌ایم. اگر گفتیم این منطبق می‌شود با ایرانی‌ها اشکال ندارد. ولی اگر انطباق می‌دادیم و می‌گفتیم این آقا از یاران امام است، یعنی امام در زمان این آقا ظاهر می‌شود، اشتباه بود. چرا که وقتی این آقا بمیرد معلوم می‌شود که ما اشتباه کرده‌ایم. ائمه همواره ما را از این تطبیق‌ها نهی کرده‌اند. بعضی‌ها آمدند و برخی شخصیت‌های موثر در دوران ظهور را با چهره‌هایی در زمان حال تطبیق دادند. این تطبیق‌ها را نمی‌شود قبول کرد چرا که معنی آنها تعیین وقت است و این یعنی زمان ظهور حضرت را معین کردن. ما در احادیث صحیح و متواتر اهل بیت (ع) داریم که این کار حرام است.

شما این مستند را دیده‌اید؟

— در مقطعی فیلم آن را برایم آوردند که تایید کنم، گفتم: نمی‌توانم تایید کنم. اینها خیالاتی است. کار ما با منطق و عقل و بر اساس روایات اهل بیت است و احادیث باید از منابع درجه اول باشد. اما اگر یک نفر همین جوری یک روایتی گفت که قابل استناد نیست.

از جمله نشانه‌های ظهور قیام سفیانی در شام است که شما هم در کتاب به آن اشاره کرده‌اید. به اعتقاد شما تحولات سوریه ارتباطی به قیام سفیانی دارد؟

— در این مورد خیلی از من سؤال می‌کنند و پاسخم به همه منفی است؛ برای اینکه علامت‌هایش نیامده است.

کدام علامت‌ها؟

— قبل از قیام سفیانی باید خلأ سیاسی در عربستان و جنگ قبیله‌ای به وجود بیاید. در این شرایط خود دولت حاکم در عربستان از سفیانی درخواست اعزام نیرو برای حفظ امنیت در مدینه می‌کند. علامت دیگر، وقوع زمین لرزه در دمشق است. زمین در «حرستا» — که روستایی در دمشق است — خسف می‌شود یعنی فرو می‌رود. بعد از وقوع این نشانه‌ها یک نفر که صورتش لکه لکه است و معروف به «ابقع»، علیه «اصهب» قیام می‌کند. یعنی «اصهب» حاکم آن وقت است و ابقع قیام می‌کند علیه او. بنابراین برای تطبیق باید به نص صریح روایات و علامت‌ها رجوع کنیم.

امکان تغییر در ترتیب وقوع علامت‌ها و یا حتی عدم وقوع آنها وجود ندارد؟

— خیر؛ وقتی اهل بیت(ع) با اطمینان از خروج سفیانی صحبت کرده‌اند، پس وقوع این اتفاق حتمی است و علامت‌هایش هم حتمی است و باید واقع شود. بدون ظهور این علایم و نشانه‌ها انقلاب امام زمان(عج) واقع نمی‌شود و ظهور حضرت مشروط به تحقق این نشانه‌هاست.

قیام کشورهای عربی نیز ارتباطی با اتفاقات دوره ظهور ندارد؟

— البته اوصافی مانند ورود غربی‌ها به عراق در روایات دیده می‌شود ولی فاصله آنها با ظهور امام مهدی(عج) مشخص نیست. در روایات داریم که در کشورهای عربی مردم مثل اسبانی که ریسمانشان رها می‌شود به خیابان‌ها می‌ریزند و به خروش می‌آیند، این نشانه‌ها هست. ولی نمی‌توانیم بگوییم که انقلاب کشورهای عربی مانند آنچه در مصر اتفاق افتاد جزو حوادث قبل از ظهور است. علامت‌های قابل اعتماد، آنهایی هستند که از نظر عقلی و علمی متصل به ظهور حضرت باشند.

اقدامات گروه‌های تروریستی داعش در سوریه و عراق نیز ارتباطی با خروج سفیانی در شام — که از علائم ظهور است — ندارد؟

— خیر. من در کتاب به موضوع خط سفیانی و خروج سید یمانی به عنوان مهمترین نشانه‌های قبل از ظهور اشاره کرده‌ام. بنابراین باید این علامت‌ها بیاید تا بتوانیم بگوییم که ظهور نزدیک است.

چرا در مقدمه کتاب به موضوع ساخت فیلم «نوستراداموس» اشاره کرده‌اید؟

— خب؛ ساخت این فیلم بزرگترین فعالیت تبلیغاتی دشمنان بود که ارتباط مستقیم با اعتقاد ما شیعیان به ظهور امام مهدی (عج) داشت. این فیلم سه ماه پی‌درپی در شبکه‌های مختلف تلویزیون آمریکا پخش شد. شواهد نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها در ساختن این فیلم دست داشتند و همه هدفشان هم متحد کردن اروپا و آمریکا برای دشمنی با مسلمانان بود. سازندگان این فیلم نکته‌ای را به پیشگویی نوستراداموس اضافه کرده‌اند و آن اینکه پس از شکست اروپا و نابودی شهرها و نمادهای تمدن آمریکا توسط موشک‌های غول‌پیکری که در اختیار امام مهدی (عج) است آمریکایی‌ها برای رویارویی با امام به کمک روسها متوسل می‌شوند و بالاخره هم بر امام مهدی پیروز می‌شوند. این فیلم بر اساس کتاب پیشگویی نوستراداموس ساخته شد که اعتبار علمی ندارد چون به زبان قدیم فرانسه و بسیاری مبهم نوشته شده است که می‌شود تفسیرهای مختلفی از آن کرد. این کتاب بعد از انقلاب با تفسیرهای متعدد منتشر شد و به چاپ‌های میلیونی رسید. بعد هم فیلم شد و با پخش در شبکه‌های تلویزیونی میلیونها نفر آن را دیدند. مسلمانان و شیعیان باید بدانند که پشت ماجرای این فیلم چه بوده است و اینکه دشمنان اسلام از خیزش اسلامی در کشورهای مسلمان در هراس‌اند و از هر عنصر تبلیغاتی استفاده می‌کنند تا برای ملت‌های خودشان اعلام خطر کنند. البته تمام واکنش‌های غرب در برابر اعتقاد به ظهور امام مهدی پس از انقلاب اسلامی شروع شد چرا که این انقلاب به نام حضرت و با شعار آماده کردن منطقه خاورمیانه و جهان برای ظهور شکل گرفت و پیروز شد.

علامت‌های متصل به ظهور کدام‌ها هستند؟

— در روایات داریم که حضرت ۱۵ روز قبل از ظهورشان، جوانی از یارانشان را برای ایراد بیانیه خود به مکه می‌فرستد؛ اما به محض اینکه جوان بعد از نماز پیام حضرت یا فرازهایی از آن را برای مردم می‌خواند، به او حمله‌ور می‌شوند و او را داخل مسجدالحرام بین رکن و مقام به قتل می‌رسانند. ۱۵ روز بعد از این واقعه حضرت ظهور می‌کنند. این واقعه که به قتل نفس زکیه معروف است بصراحت در روایات آمده و مشخص و از علامت‌های متصل به ظهور حضرت است. ولی علامت‌های مطلق را نمی‌توانیم بگوییم متصل به ظهور حضرت هستند.

خیلی‌ها احتمال می‌دهند که حوادث سوریه شاید جزو نشانه‌های ظهور سفیانی باشد.

— شاید مقدمات باشد ولی نمی‌توانیم بگوییم که علامت سفیانی است. خیلی به من اصرار کردند که بگوییم این حوادث به قیام سفیانی در شام ربط دارد. اما باید بر اساس علامت‌هایی که اهل بیت(ع) مشخص کردند حرف زد و تأیید کرد و بدون این ملاحظات نمی‌شود. اصل قوت هر موضوع، در تفسیر تعبیرات پیغمبر(ص) و اهل بیت(ع) است. اینکه اولاً متن صحیح و محکم پیدا کنید و بعد اینکه این متن و ابعاد مختلف آن را بفهمید و تفسیر کنید. احادیث این گونه تحلیل می‌شوند.

غیر از شما کس دیگری روایات مربوط به ظهور را این طور تفسیر و تحلیل کرده است؟

— الحمد لله هستند. الان هم در قم چند مرکز تخصصی مهدویت فعال است و کتاب‌ها و برنامه‌های خوبی دارند.

دانستن درباره نشانه‌های ظهور چقدر به درد ما می‌خورد؟

— خیلی مهم است. اول اینکه امید می‌دهد که حرکت ما و رهبر ما به طرف دولت عدل الهی است. نمی‌شود که دولت ظلم به طرف دولت عدل حرکت کند. دانستن این موضوع در ایجاد عدالت در داخل کشور بسیار مهم است. اطمینان مردم به اینکه حکومت ایران در جهت ظهور امام زمان(عج) است، خیلی فواید دارد. دیگر اینکه وقتی ایرانی‌ها اعتقاد دارند که حرکت ما برای امام زمان است باید همه مسئول شوند که ظلم به مردم نکنند و با آنها با عدالت رفتار کنند و بترسند از ظلم و بی‌عدالتی، چرا که این حرکت متصل به ظهور حضرت است. دولت جمهوری اسلامی در تسریع حرکت ظهور در این منطقه موثر است و دانستن این نکته برای مردم ایران خیلی مهم است.

به اعتقاد شما در جامعه ایران و در سال‌های پس از انقلاب چقدر در شناسایی و معرفی درست نشانه‌های ظهور در میان عامه مردم کار شده است؟

— در این خصوص کم‌کاری شده و همین کم‌کاری متأسفانه آسیب زیادی زده است؛ مثل ادعاهایی که در خصوص ارتباط با امام مهدی (عج) هر روز از گوشه و کنار داخل ایران پیدا می‌شود و پیدایش عرفان‌های دروغ‌زمینه رشد این ادعاها را فراهم کرده است. عرفان کاذب در ایران زمینه مهمی برای این ادعاهاست.

فکر می‌کنید همین موضوع باعث پیدایش کسانی شده که ادعای ارتباط با امام زمان (عج) را دارند؟

— بله؛ خیلی تأثیر دارد. یک بار در یک مصاحبه از من پرسیدند که کتاب عصر ظهور باعث ترغیب ایرانی‌ها به غیبت می‌شود و این یعنی ادعا و باعث آسیب جامعه می‌شود. گفتم: نه؛ اگر ربطی به غیبت عقلانی و منطقی داشته باشد هیچ آسیبی ندارد و فواید زیادی دارد. آسیب در این خصوص در جامعه ایران از دو ناحیه است: اول عرفان کاذب که الان زیاد شده و دوم غلو در اشخاص و مسئولان و اینکه صفات معصومان را به مسئولان تطبیق می‌دهند. آسیبی که به جامعه ایران می‌رسد از کتاب عصر ظهور نیست؛ از این افراط‌ها است. آسیب‌ها از آنجایی است که می‌گویند بیایید عارف به خدا شوید تا برسید به درجات بالا و «فناء فی الله». خب وقتی که به درجه «فناء فی الله» برسید یعنی الله کوچک می‌شوید. وقتی الله کوچک شدی، خب امام زمان هم می‌شوی! کسی که فکر می‌کند مثل خداست، چرا فکر نکند مثل امام زمان (ع) است؟ دیگران هم فکر می‌کنند این آقا با امام زمان ارتباط دارد و به مقامات بالا در عرفان و صفات رسیده است. این اولین آسیب است. بعد هم می‌آیند به طلبه‌ای که هنوز راه و مدارجی را طی نکرده، می‌گویند آیت‌الله و القاب زیاد بر او می‌بندند و صفات امام به او می‌دهند. خب وقتی صفات ائمه را به افراد معمولی و فلان روحانی می‌دهند، خطر دارد. بنابراین این آسیب‌ها از کتاب عصر ظهور نیست. پیدا شدن سر و کله این گروه‌ها و کسانی که ادعای ارتباط با امام زمان را دارند به این علت است که هوای نفس و غرضی دارند.

ولی به هر حال امکان سوء استفاده از کتاب شما هست.

— از خود قرآن هم هست. این نظر درستی است ولی این موجب این نمی‌شود که این کتاب را تالیف نکنیم. باید کتاب‌هایی از این دست تالیف شود اما باید مواظب باشیم و به کسانی که می‌خواهند تحریف کنند، اجازه این کار را ندهیم ولی باید واقعیت‌ها گفته شود. تقویت عقاید مردم، ایجاد امید در آنها و تشویقشان به سمت

عدل الهی، معرفی و ویژگی‌های دولت عدل الهی و فشار به مسئولین که عدالت در جامعه را با عدالت الهی تطبیق دهند، همه‌اش لازم است. حال اگر در این بین تحریفی شد باید مقابله با سیستم.

در فرهنگ مهدوی صرف نظر از موضوع عدالت جهانی چه نکته یا نکته‌های برجسته‌ای وجود دارد که قابل اشاعه است؟

— اول اینکه مشکل ما با غربی‌ها را امام مهدی (عج) حل می‌کند چرا که بعد از ظهور حضرت، مسیح از آسمان می‌آید و پشت سر حضرت نماز می‌خواند. غیر از امام مهدی (عج) کسی نمی‌تواند مشکل ما با غربی‌ها را حل کند. آن حضرت از سوی دیگر مشکل داخلی مسلمین را هم حل می‌کند. وحدت مسلمین به دست امام مهدی (عج) محقق می‌شود. این عدل الهی که قرن‌هاست شعار همه است و فریاد می‌زنند و به نام فقرا انقلاب‌ها برپا می‌شود ولی فقرا فقرشان بیشتر می‌شود هم محقق می‌شود. نکته مهم دیگر موضوع پیشرفت علوم در عصر ظهور و ثروت‌هایی است که توسط امام مهدی (عج) از زمین استخراج می‌شود.

آقای کورانی! به اعتقاد شما در میان آثار مکتوب و تالیفات ما چقدر به اشاعه فرهنگ مهدوی توجه شده است؟

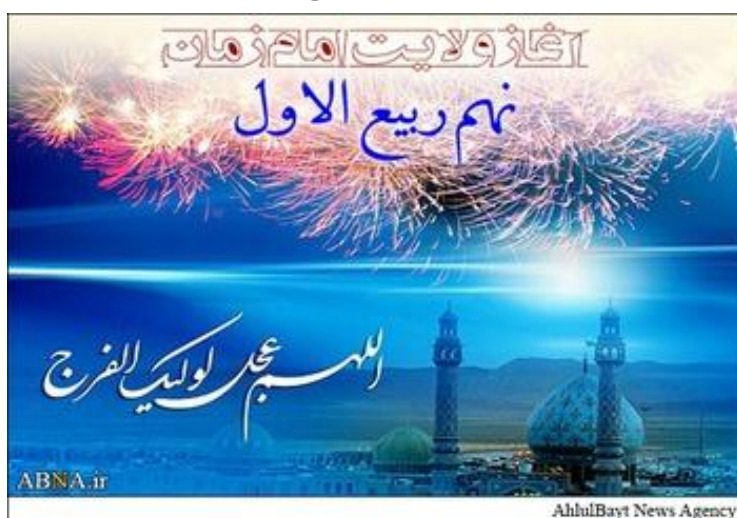
— البته کارهای خوبی شده است ولی هنوز جای کار فراوان است. من امیدوارم فرهنگ امام مهدی (عج) در ایران عمق بگیرد و درباره ابعاد مختلف آن تعمق و دقت شود و بعد به زبان‌های دیگر به خصوص انگلیسی به بیرون مرزهای ایران برود؛ البته علمی و منطقی نه خیالاتی یعنی بر پایه احادیث و روایات. این موضوع خیلی مهم است چرا که اولاً ۸۰ درصد احادیث امام مهدی (عج) بین شیعه و سنی مشترک است و بعد هم اینکه اهل سنت به روایات وارده از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) احترام می‌گذارند و می‌پذیرند. در نشریات و مجلات مختلف ایران و حتی سایت‌ها درباره این موضوع زیاد صحبت می‌شود اما اگر ماهیانه به اندازه چند صفحه مطلب به صورت مختصر و عمیق و علمی درباره امام مهدی (عج)، دولت عدل جهانی و حرکت مهدویت توسط مرکزی به زبان‌های مختلف جهان چاپ شود، خیلی مفید است. باید به دنبال احادیث صحیح و معتبر از منابع اصلی و موافق با قرآن و احادیث اهل بیت (ع) رفت. روش کار من نیز همین است. یعنی این احادیث را پیدا می‌کنم و آن را به عنوان پایه در نظر می‌گیرم و شروع به تحلیل آن می‌کنم. به عبارتی اول دنبال سند صحیح هستم و بعد تحلیل آن حدیث. ولی جاعل‌ها دنبال حدیثی هستند که خودشان می‌خواهند.

آنها یک حدیث ضعیف را می‌گیرند و پایه و اساس می‌گذارند و آن طور که خودشان می‌خواهند، تفسیر می‌کنند. بنابراین باید مراقب این حرکت‌ها بود.

در چاپ‌های بعدی مطالبی به کتاب اضافه یا از آن حذف شد؟

— بله. من حدود ۲۰ سال پیش «عصر ظهور» را نوشتم تا تصویری گویا از دوران ظهور امام مهدی (عج) به زبانی گویا و با تکیه بر آیات و روایات اهل بیت (ع) ارائه کنم. در بیان اسناد و مدارک مطالب کتاب معمولاً به بیان یک یا دو منبع اکتفا کردم چون هدف من ارائه نمای عمومی دوران ظهور و نهضت‌ها و حوادث مربوط به آن زمان بود. همان طور که گفتم بعد از انتشار عصر ظهور، کتاب «دائرةالمعارف امام مهدی (عج)» را طی ۵ سال تهیه و تألیف کردم. بعد از آن دیدم لازم است که در اولین فرصت مطالب کتاب عصر ظهور را نیز بازنگری کنم تا بعضی نظریه‌های مربوط به دوران ظهور آن حضرت را به کتاب اضافه و برخی مطالب اضافی را که از استواری و سندیت چندانی برخوردار نبود و یا وجودشان در کتاب ضروری به نظر نمی‌رسید را حذف کنم. الحمد لله این کار انجام شد و مطالب نسخه‌های تجدید چاپ کتاب استحکام بیشتری دارند.

به مناسبت نهم ربیع الاول؛ ویژگی های حضرت مهدی (عج)



هشتم ربیع الاول سالروز شهادت مظلومانه امام حسن عسکری (ع) و آغاز امامت امام مهدی (عج) است و از حوادث مهم و حساس تاریخ تشیع به شمار می رود.

از دیرباز در بین شیعیان مرسوم بوده است که روز نهم ربیع الاول را با گرامی داشت آغاز امامت امام زمان (عج) جشن هایی برگزار می کنند.

مطلب زیر را با هدف آشنایی بیشتر با شخصیت آخرین حجت خدا در روی زمین و اظهار ارادت به پیشگاه آن حضرت تقدیم می داریم. امید است همیشه یاد آن عزیز پنهان در پس پرده ی غیبت را در دل هایمان زنده داریم و از وظایف خطیر خویش در این دوره ی سرنوشت ساز غافل نباشیم.

اصل امامت

مقوله ی امامت و جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، همواره به عنوان یکی از مباحث مهم اعتقادی مسلمانان در طول تاریخ مطرح بوده است. در دیدگاه شیعه، اهداف نزول کتاب های آسمانی و ارسال پیامبران الهی، هنگامی به طور کامل تحقق می یابد که ختم نبوت با نصب امام معصوم همراه باشد. امام همه ی ویژگی های پیامبر به جز دریافت وحی را داراست که با ولایت تکوینی (قدرت بر تصرف در نظام هستی) و ولایت تشریحی (تبیین و تفسیر آیات و احکام الهی) و از بین بردن نارسایی های موجود، زمینه را برای رسیدن انسان به کمال معنوی فراهم می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، در سال دهم هجری، هنگام بازگشت از حجة الوداع، با نازل شدن آیه «الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی» از سوی خداوند مأمور شدند در محلی به نام «غدیر خم»، انتصاب علی بن ابی طالب (علیه السلام) به مقام امامت را به آگاهی مردم برسانند. ابو جعفر محمد بن جریر طبری؛ تفسیرگر و تاریخ نگار نام دار اهل سنت در اشاره به این واقعه می نویسد:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) [در منطقه غدیر خم] فرمودند: جبرئیل از سوی خداوند دستور آورد که در این جایگاه بایستم و به سفید و سیاه اعلام کنم که علی بن ابی طالب (علیه السلام)، برادر من، وصی من، جانشین من و امام پس از من است.»

البته آن چه گفته شد به اعلام همگانی و رسمی و بیعت گرفتن از مردم مربوط است؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در دوران رسالت، بارها با بیان تعداد امامان و نام بردن از آنان، مسأله ی امامت را تبیین کرده بودند. هنگامی که آیه ی «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم» نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر پرسید: «اولی الامر» که اطاعت شان در ردیف اطاعت شما به حساب آمده است، چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در پاسخ فرمودند: «آنان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان هستند. نخستین آنان، علی بن ابی طالب و پس از او فرزندش، حسن و . . . به این ترتیب یکایک ائمه ی اطهار (علیهم السلام) را نام بردند. هنگامی که به امام دوازدهم رسیدند، با این تعبیر از ایشان یاد کردند که: «ثم سَمی محمد و کنی حجة الله فی ارضه و بقیة فی عباده ابن الحسن بن علی . . . سپس هم نام محمد، هم کنیه ی من، حجة الله و بقیة الله در بین مردمان، فرزند حسن به علی (علیه السلام) هستند...».

ویژگی های حضرت مهدی (عج)

تحصیل کمال واقعی انسان، پس از ختم نبوت، به پیروی از رهنمودهای امام هر عصر وابسته است که پیروی نیز بدون معرفت و شناخت امام ممکن نیست. از این رو، شناخت ویژگی ها و اوصاف ائمه ی اطهار (علیهم السلام) در سیر تکامل فردی و اجتماعی افراد و تحقق ایمان صحیح اهمیت دارد. به گونه ای که با تعبیر گوناگون از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است:

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.()

هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

بدیهی است شناخت امام، مراتبی دارد که هر مرتبه از آن، به بخشی از نیازهای افراد در زمینه های خاص پاسخ می گوید و آنان را به معرفت و کمال رهنمون می سازد.

الف) نسب حضرت مهدی (علیه السلام)

پدر بزرگوار ایشان، امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام یازدهم شیعیان است که در سال ۲۳۲ هـ.ق. در شهر مدینه متولد شد و در سال ۲۶۰ هـ.ق در سامرا به شهادت رسید.

مادر امام زمان (علیه السلام)، نرجس خاتون از طرف پدر، دختر یشوعا پسر قیصر روم شرقی و از طرف مادر، از نوادگان شمعون یکی از حواریون حضرت عیسی (علیه السلام) است که در واقعه ی معجزه ماندی، از روم به مدینه منتقل و سپس در خانه ی امام هادی (علیه السلام)، تحت نظر حکیمه خاتون، دختر امام جواد (علیه السلام)، با احکام اسلام آشنا می شود. آن گاه امام هادی (علیه السلام)، او را به همسری حضرت عسکری (علیه السلام) در می آورند و بدین ترتیب، این بانوی پاک دامن به افتخار مادری مهدی آل محمد (علیه السلام) نایل می گردد. این بانوی پرهیزکار به روایتی در سال ۲۶۱ هجری و بنابر نقل دیگر، یک سال پیش از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، از دنیا رفته اند. قبر شریف این بانوی پرهیزگار، در کنار مرقد مطهر امام یازدهم (علیه السلام) در سامرا قرار دارد.

ب) ولادت حضرت مهدی (علیه السلام)

خلفای عباسی از طریق روایات زیادی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) در باره ی امام مهدی (علیه السلام) نقل شده بود، بر این حقیقت کاملاً آگاه بودند که به زودی در خاندان اهل بیت (علیهم السلام)، نوزادی چشم به جهان خواهد گشود که بساط ظلم و فساد نظام های خود کامه را از جوامع بشری برخواهد چید. بر این اساس، دستگاه حاکم از زمان امام نهم (علیه السلام) به بعد، آن بزرگواران را بیش از پیش زیر نظر گرفته بود. حتی امام هادی (علیه السلام) و فرزندش امام عسکری را از مدینه به سامرا (مرکز خلافت عباسی) انتقال دادند تا اعمال و رفتار آنان را کنترل کنند. این فشارها در زمان امامت امام یازدهم به اوج خود رسید و ارتباط آن حضرت را با شیعیان به حداقل رساند. سردمداران حکومت عباسی، بارها او را به زندان منتقل می کردند و گاه و بی گاه به خانه اش یورش می بردند و به بازرسی می پرداختند تا بلکه به آن نوزاد دست یابند. اما مشیت خداوند آن بود که به مصداق «یریدون لیطفوا نورالله

بافواههم والله متم نوره و لو کره الکافرین»، (این مولود مبارک در این خاندان وحی و نبوت، چشم به جهان گشاید).

در شب نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ هـ ق، در حالی که اصلاً آثار حمل در مادر بزرگوارشان دیده نمی شد، آن امام همام، به عرصه ی وجود گام نهادند. به این ترتیب در آن شرایط بسیار سخت و آکنده از رعب و وحشت، وعده ی خداوند تحقق یافت و دوازدهمین ستاره ی بر حق امامت با طلوع خویش، افول حاکمیت ستم گران را نوید داد.

با وجود مخفی بودن تولد این مولود، امام عسکری (علیه السلام) برای اتمام حجت و پیش گیری از انحراف های بعدی، خبر تولد امام دوازدهم را به دوستان و خویشاوندان و شیعیان خاص رساندند و حتی به برخی از آنان، امام (علیه السلام) را نشان دادند. برای مثال، احمد بن اسحاق قمی یکی از بزرگان شیعه می گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدم و خواستم در باره ی جانشین آن حضرت پرسش کنم. وقتی به حضور آن حضرت رسیدم، بی آن که من، پرسش خود را مطرح کنم، به من فرمودند:

«ای احمد! خدای متعال از هنگامی که آدم را آفرید، زمین را از حجت، خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز آن را از حجت خالی نخواهد گذاشت. برای وجود حجت خداست که بلاها از اهل زمین، دفع می شود و نعمت هایی چون باران بر آنان نازل می شود و زمین، برکت و نعمت های موجود در خود را به انسان ها ارزانی می دارد».

اسحاق بن احمد قمی می پرسد: مولای من! امام پس از شما کیست؟ به دنبال این پرسش، امام به اندرون خانه وارد شدند. سپس در حالی که پسری در حدود سه ساله و هم چون ماه نورانی شب چهارده را در بغل داشتند، بیرون آمدند. آن گاه به من فرمودند: «ای احمد! اگر تو نزد خدای متعال و حجت های او گرامی نبودی، پسر من را به تو نشان نمی دادم؛ همانا او هم نام رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و هم کنیه ی اوست. او همان کسی است که زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت. مثل او در این امت، مثل حضرت خضر (علیه السلام) است. به خدا سوگند! او به زودی غایب خواهد شد و دوره ی غیبت او به اندازه ای طول می کشد که بیشتر مردم به گمراهی و هلاکت گرفتار می شوند. تنها کسانی که خداوند توفیق پایداری در امامت را به آنان ارزانی داشته است، نجات می یابند».

احمد بن اسحاق می گوید: سرورم! آیا نشانه ای هم وجود دارد تا به کمک آن، بیشتر اطمینان قلبی پیدا کنم؟ در این هنگام آن پسر بچه ی زیبا و نورانی، با لهجه ی عربی بسیار فصیح به آرامی فرمودند:

«منم بقیه الله در زمین؛ همان کسی که از دشمنان خدا انتقام می گیرد. ای احمد بن اسحاق! پس از آن که خود او را زیارت کردی، در پی اثر و نشانه ی دیگری نگرد...» (۱)

ج) امامت حضرت مهدی (علیه السلام)

پیش تر اشاره شد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه ی اطهار (علیهم السلام)، با تعبیر گوناگون به مسأله ی امامت حضرت مهدی (علیه السلام) اشاره کرده و تقریباً اطلاعات لازم را در باره ی چگونگی تولد، وقایع زندگی و ویژگی های حکومت آن حضرت در اختیار مردم قرار داده بودند. برای مثال، در یک مورد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به علی (علیه السلام) فرمودند:

«امامان پس از من دوازده نفرند که اولی آن ها تو هستی و آخر آن ها قائمی است که خداوند به دست او، شرق و غرب عالم را خواهد گشود».

و یا در جای دیگر می فرمایند: «... نهمین نفر از امامان، قائم اهل بیت من و مهدی این امت است که در رفتار و گفتار و کردار، شبیه ترین مردم به من است. او پس از یک غیبت طولانی و حیرت و سرگردانی ظهور خواهد کرد و دین خدا را در سرتاسر عالم، حاکمیت خواهد بخشید. او با نصرت و تأییدهای پی در پی خداوند متعال، زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت همان گونه که پیش از آن، از ظلم و ستم پر شده است».

بنابراین به دلیل شرایط خفقان باری که خلفای عباسی ایجاد کرده بودند، حضرت مهدی (علیه السلام) پس از تولد، یک دوره زندگی نیمه مخفی را آغاز کردند. در این دوره که تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)، ادامه داشت، تعداد بسیار اندکی از شیعیان، به دیدار ایشان نایل شدند از آن پس، دوره ی امامت امام دوازدهم (علیه السلام) و مرحله ی خطیر زندگی آن حضرت که به دوره ی غیبت معروف است، آغاز می شود.

مسأله ی اقامه ی نماز بر پیکر مطهر امام عسکری (علیه السلام) توسط حضرت مهدی (علیه السلام)، سبب روشنگری مردم شد و از انحراف های بعدی در مسأله ی امامت جلوگیری کرد. این کار بر همه ی شیعیان آشکار ساخت که پس از امام عسکری (علیه السلام)، فرزند ایشان عهده دار منصب امامت هستند. بدین ترتیب توطئه ی خطرناکی که خلفای عباسی، برای نابودی اساس مکتب تشیع طرح ریزی کرده بودند، خنثی شد.

باید دانست عوامل حکومت عباسی پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، در صدد برآمدند تا کسی را از سوی خلیفه، مأمور نماز خواندن بر جنازه ی آن حضرت کنند و به پندار باطل خود، با این کار، پایان دوره ی امامت را اعلام و خلیفه ی غاصب عباسی را وارث امامت شیعه معرفی کنند؛ اما با وجود مقدمه چینی های بسیاری که انجام داده بودند، نقشه ی آنان عملی نشد. هنگامی که فرد مورد نظر حکومت، آماده ی نماز خواندن بر پیکر امام یازدهم (علیه السلام) بود، ناگهان کودکی در حدود پنج ساله، با وقار و طمأنینه پیش آمد، آن فرد را کنار زد و خود به اقامه ی نماز پرداخت. این در حالی بود که به عنایت خداوند متعال، مأموران حکومتی نتوانستند حتی کوچک ترین عکس العملی از خود نشان دهند. با پایان نماز نیز، پیش از آن که مأموران حکومتی بتوانند کاری بکنند، آن حضرت از دیدگان غایب شدند. بدین ترتیب، دوره ی امامت حضرت مهدی (علیه السلام) آغاز شد.

آغاز امامت آن حضرت، به مشیت الهی و برخی مصالح دیگر، با غیبت همراه بود که به «غیبت صغرا» مشهور است و تا سال ۳۲۹ هجری قمری به طول انجامید. پس از آن، مرحله ی جدیدی از غیبت که به دوره ی «غیبت کبرا» معروف است، آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. این دوران، سخت ترین دوره ی امتحان مردم است؛ زیرا ارتباط مستقیم با امام (علیه السلام) برای همگان میسر نیست و نایب خاصی نیز وجود ندارد تا مردم به وسیله ی او بتوانند از آن حضرت، کسب تکلیف و پاسخ پرسش های شان را دریافت کنند.

در توصیف این برهه از زمان، تعبیرهای بسیاری در روایات وارد شده است که از وجود فتنه های بسیار خطرناک حکایت دارد. بشر در این دوره، به دلیل بی توجهی به ارزش های اصیل الهی و انسانی، با وجود برخورداری از زندگی به ظاهر زیبا، آراسته و مدرن به زندگی نکبت باری دچار می شود. بدین معنا که هر چند شکم ها سیر و زندگی پر زرق و برق خواهد بود، ولی روح ها مضطرب، نگران و سرگشته است و از دست دادن هدف و فلسفه ی درست زندگی، یکایک افراد بشر را به یأس و ناامیدی کشنده ای دچار می سازد.

در فرهنگ اصیل اسلامی، برای پیش گیری از دچار شدن به چنین وضعی، تحت عنوان «وظایف دوران غیبت»، رهنمودهای بسیار مهمی از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) ارائه شده است. رعایت این موارد، سبب در امان ماندن از خطر انحراف است؛ زیرا پای بند نبودن به احکام الهی و از دست دادن ثبات فکری و اعتقادی صحیح، سبب آلودگی به فتنه های آخر الزمان خواهد شد.

امید است با انجام وظایف و تکالیف مربوط به دوره ی غیبت، بتوانیم در شمار منتظران واقعی آن حضرت باشیم و هنگام ظهور مهدی موعود (عج)، شایستگی هم گامی با آن سوار سبزپوش را به دست آوریم.



«حجت‌الاسلام قاسمی» عضو هیئت مدیره مؤسسه بهداشت معنوی، یادداشتی را با موضوع «راه‌های شناخت مدعیان دروغین مهدویت» درباره راه‌های شناخت «مهدی» نماها قلمی کرده است که برای خوانندگان محترم می‌آوریم:

برای اینکه مدعیان دروغین مهدویت و مهدی نماها را تشخیص بدهیم، لازم است که شناخت کامل از امام زمان(عج) داشته باشیم و شناخت آن حضرت ممکن نیست، مگر از طریق روایات رسیده از رسول خدا و ائمه(ع)، زیرا هیچ راه عقلی برای شناخت وی وجود ندارد و از راه عقل و دلیل عقلی نمی‌شود آن حضرت را شناسایی کرد.

پس باید ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی آن حضرت و نیز شرایط و نشانه‌های ظهور وی را، از زبان رسول خدا(ص) و ائمه(ع) بشنویم و از این طریق شناخت لازم را نسبت به شخص آن حضرت و قیام وی حاصل کرد و به این ترتیب، امام به حق را از مدعیان دروغین امامت تشخیص دهیم.

«زراره» از امام صادق(ع) سؤال کرد که چگونه در زمان غیبت، امام زمان(عج) را از مدعیان دروغین امامت تشخیص دهیم، حضرت(ع) فرمود: این دعا را بسیار بخوان: «خدایا خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی، رسولت را نخواهم شناخت، خدایا پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجت و امام زمانت را به من بشناسان، اگر امام زمانت را شناسم، در دینم گمراه خواهم شد». بنابراین بر ما لازم است که امام زمان(عج) را از چهار لحاظ بشناسیم:

۱. از لحاظ شناسنامه‌ای؛

۲. از نظر اوصاف و ویژگی‌ها؛

۳. از نظر اعتقادی و قلبی ؛

۴. از حیث علایم و نشانه‌های ظهور،

اسم و نسب امام زمان(عج): او هم نام و هم کنیه رسول خدا(ص)، فرزند امام حسن عسکری(ع) است، از نظر قد و قامت متوسط و چهار شانه و دارای چهره گندم‌گون که مثل ستاره می‌درخشد و چشمانی در چهره فرو رفته و ابروهای برجسته و پیشانی پهن و بزرگ و دماغ کشیده و بر گونه راستش خال سیاه و دندان‌های پیشین‌اش فاصله دارد و میان دو شانه‌اش پهن است.(۱)

ویژگی‌های امام زمان(عج): دارای مولد پاکیزه، از عیوب و نواقص روحی و جسمی پاک و عالم‌ترین فرد زمان است، از نظر شجاعت شجاع‌ترین و از نظر تقوا متقی‌ترین و از نظر سخاوت سخی‌ترین و از نظر فصاحت فصیح‌ترین و از نظر بلاغت بلیغ‌ترین مردم است، با هر زبان به بهترین وجه سخن می‌گوید، با هر خط و نوشته آشنایی کامل دارد، در صورتی که خواندن و نوشتن را از انسان دیگر نیاموخته است، همان‌طور که از پیش رو می‌بینید، از پشت سر هم می‌بیند، همان‌طور که در بیداری می‌بیند و می‌داند، در خواب هم می‌بیند و می‌داند، مختون به دنیا آمده است، سایه ندارد، وقتی دعا کند مستجاب می‌شود، مرده را زنده می‌کند، هر آنچه می‌گوید عمل می‌کند.(۲)

علائم ظهور: علاوه بر خصوصیات و ویژگی‌های شخص آن حضرت، ظهور و قیام وی نیز علایم و نشانه‌های حتمی و قطعی‌ای دارد که موجب سهولت تشخیص قیام آن حضرت از مهدی‌نماها می‌شود.

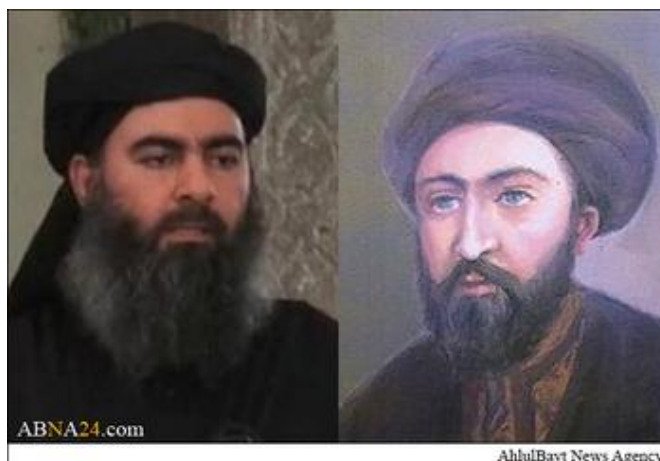
امام صادق(ع) فرمود: «پیش از ظهور قائم (امام زمان) پنج نشانه حتمی است: ۱- خروج سفیانی، ۲- خروج یمانی، ۳- صیحه آسمانی، ۴- قتل نفس زکیه، ۵- فرو رفتن در بیابان»(۳)، با وجود آنچه ذکر شد، هنگامی که حضرت ظهور می‌کند، بر سرش پاره ابری است که بر آن ملکی فریاد می‌زند، این مهدی خلیفه خدا است، دست از فرمانش بر ندارد.(۴)

بنابراین اگر کسی پیش از وقوع علایم و نشانه‌های حتمی ظهور، ادعای امامت کند، ولو آن خصوصیات و علامات بدنی را هم داشته باشد، یقیناً در ادعای خود کاذب است و باید بفهمیم و بشناسیم که امام نیست و به دروغ ادعای امامت می‌کند.

پی نوشت‌ها:

۱. امینی، سید محسن، آشنایی با امام زمان(عج)، نشر طور، صفحه ۲۸،
۲. جعفری، جلال‌الدین، الحجۃ البالغۃ فی اثبات الحجۃ، اصفهان، چاپخانه ربانی، ۱۳۵۸ شمسی، صفحه ۸۲،
۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمۃ، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه،
صفحه ۶۵۰،
۴. امینی، سید محسن، آشنایی با امام زمان(عج)، نشر طور، صفحه ۶۲.

حرکت های مدعی مهدویت؛ از "ابومسلم" و "باب" تا "ابوبکر بغدادی" و "داعش"



ظهور منجی موعود یک اعتقاد عمومی در تمامی ادیان است. کتاب های مقدس آسمانی، چه آنها که بخشی یا تمام آنها وجود دارد و چه آنها که منقولاتی از آنان در کتاب های دیگر آمده است، بشارت داده اند که جهان در سیطره ظلم و فساد نمی ماند؛ بلکه جماعت صالحان به امامت "رهبر موعود" عدل و داد را در گیتی حاکم خواهند کرد.

ریشه دار بودن اعتقاد به مهدی و منجی، موجب آماده بودن مردم اعصار گوناگون برای پذیرش و تبعیت وی شده و می شود. از همین رو، این مفهوم موجب سوءاستفاده فریبکاران و شیادانی شده است که در طول تاریخ با ادعاهای دروغین، خود را مهدی یا از یاران او معرفی کردند تا از رهگذر عقیده پاک مردم به نیت آلوده خویش دست یابند. اتفاقاً بسیاری از این مدعیان، در نقشه خود موفق شده و به مقصود خود رسیده اند؛ چه مدعیان کوچکی که اهداف مالی و رمالی داشته اند، و چه مدعیان بزرگی که توانستند با این ادعا حکومت های عریض و طویل یا مذاهب منحرف دیرپا و گسترده ای برای خویش دست و پا کنند.

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی، در یادداشت زیر به بررسی کوتاهی درباره این ادعاها در طول تاریخ اسلام پرداخته است:

به قلم: احمد مسجدجامعی

یکی از مبلغان بزرگ داعش در رساله ای در اثبات حقانیت خلافت ابوبکر بغدادی، به احادیث ماثور از پیامبر و برخی از اصحاب، اشاره و استناد کرده است تا به تصور خود، نخست حقانیت این خلافت را اثبات کند و سپس آن را زمینه ساز ظهور مهدی بداند. این موضوع بار دیگر اثبات می کند عقیده به ظهور مهدی به

تشیع اختصاص ندارد و حتی تندروترین گروه‌ها نیز از این عقیده بهره‌برداری می‌کنند. شاید نخستین تشکیلاتی که به شکلی از مجموعه این باورها برای اهداف سیاسی بهره‌برد، داعیان بنی‌عباس بودند.

در واقع، مبارزه علیه بنی‌امیه از سال‌ها قبل از سقوط آنها آغاز شده بود و بسیاری از مبارزان با بنی‌امیه که بعدها به هواداران بنی‌عباس پیوستند، از این عقیده با جعل روایاتی در باب علائم ظهور و تطبیق آن بر شخصی که خود را مهدی می‌خواند، استفاده کردند.

یکی از مستندترین روایت‌ها در باب علائم، ظهور پیدا شدن پرچم‌های سیاه از شرق و به ویژه خراسان است که در دوره بنی‌عباس حرکت سیاه‌جامگان با همین روایت آغاز شد.

جالب است که چند روز پیش یکی از مقام‌های ارشد امنیتی تاجیکستان (گل‌مراد حلیم‌اف) که در آمریکا دوره مبارزه با تروریسم را گذرانده بود، به داعش پیوست و پس از آن معلوم شد از نظر داعشی‌ها منطقه وسیعی مانند پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی همگی جزء ولایت خراسان هستند و قرار است پرچم‌های سیاه دوستداران داعش، از همین نقطه خروج کنند.

این یکی از جدیدترین نمونه‌های انحراف در عقیده به مهدی موعود است. سوءاستفاده از این عقیده، خواسته و ناخواسته، وجوه گوناگون دیگری نیز در جامعه ما دارد که چندان امکان پرداختن به آن نیست. به عنوان نمونه ای‌گذرا، کسانی در دوره ما هستند که به قول خودشان، حضرت به دیدن آن بزرگواران می‌رود یا آنکه ادعا می‌کنند در عصر ظهورند و حتی می‌دانند چه کسی همراه حضرت هنگام ظهور خواهد آمد و ملاک همراهی را حتی توحید و ایمان نمی‌دانند.

یکی از جنبه‌های مهم، در کارنامه درخشان میرزاتقی‌خان امیرکبیر، که کمتر دیده شده است، مبارزه و برخورد با جریان‌های تاریک اندیشی مانند «باب» و «سید عالم‌گیر» و... است؛ پیروان باب نیز به دنبال ۳۱۳ نفر بودند و از خراسان راه افتادند تا جهان را مسخر کنند و اگر دلیری و روشن‌بینی امیرکبیر نبود چه بسا ایران در ورطه خطرناک جنگ‌های خونین فرقه‌ای و بی‌حاصل می‌افتاد.

همه این جریان‌ها، در یک نکته اشتراک دارند و آن ضدیت با خردورزی و بروز آن در عرصه‌های اخلاقی و اجتماعی است، در حالی که بنا بر احادیث مسلم، مهدی (عج) برای گسترش علم، عدالت و کرامت انسانی ظهور می‌کند و زمینه‌ساز آن شکوفایی عقلانی است و راه او دنباله حرکت انبیاست...

آنچه از روایات پیامبر و معصومان دریافته می شود، نه تنها اصل ظهور بلکه دوران پس از آن است که اهمیتی خاص دارد. درحالی که جریانات انحرافی علائم ظهور را از خود ظهور مهم تر می شمارند و معلوم نیست پس از ظهور قرار است چه اتفاقی بیفتد و چه ارزش هایی حاکم شود.

این معیاری برای شناسایی تفاوت حرکت های مدعی مهدویت با جریان های پیرو مهدویت است...

جهان پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟



وضعیت جهان بعد از ظهور حضرت مهدی (ع) یکی از بحث‌های رایج در بین مردم است، این سوال در موسسه مذاهب اسلامی طرح و پاسخ داده شده است.

سؤال: جهان پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟

جواب: با ظهور حضرت مهدی (عج) مسیر تاریخ دگرگون شده و فصل نوینی در زندگی انسان‌ها گشوده می‌شود. آن روز اوج اقتدار مستضعفین مؤمن و خواری ستمگران است. با تحقق ظهور، صلح و صفا، امنیت و عدالت، رشد و شکوفایی، توحید و یکتاپرستی با جنگ و خونریزی، ظلم و ستم و شرک و خرافه پرستی مبادله می‌شوند و ثمره تلاش تمام پیامبران، اولیا و اوصیا در آن روز آشکار می‌گردد. در اینجا به بخشی از ابعاد حکومت جهانی آنحضرت می‌پردازیم:

حاکمیت مطلق بر جهان

تمام نقاط زمین در سیطره حکومت امام مهدی (عج) قرار می‌گیرد و عدالتش همه جا سایه می‌افکند. امام باقر علیه السلام در مورد آیه «آنها که اگر در زمین استقرارشان بخشیم (به حاکمیت برسند) نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌دهند، به معروف امر کرده و از زشتی باز می‌دارند و پایان امور از آن خداوند است.» (۱) فرمود: این آیه در مورد خاندان محمد صلی الله علیه و آله است؛ در مورد مهدی (عج) و یارانش می‌باشد، خداوند آنان را فرمانروای شرق و غرب زمین قرار می‌دهد و دین آشکار می‌گردد، خداوند به وسیله مهدی (عج) و یارانش بدعت‌ها و باطل را می‌میراند، همان گونه که سفیهان حق را میرانده بودند تا اینکه نشانه‌ای از ستم باقی نماند. آنان به معروف فرمان داده و از زشتی باز می‌دارند و پایان امور از آن خداست. (۲)

از ضروری‌ترین نیازهای انسان، برقراری امنیت و صلح و صفا در جامعه است. زندگی در محیط نا امن، تلخ و دشوار است. با استقرار حکومت امام مهدی (عج) و سرکوبی اشرار و تبه‌کاران، امنیت در حد عالی و در سراسر گیتی برقرار می‌شود و ثبات و آرامش روانی، جای اضطراب حاصل از ناامنی می‌نشیند.

امام باقر علیه السلام فرمود: قائم (عج) و یارانش می‌جنگند تا همه به توحید و یکتاپرستی رو آورند و چیزی را شریک خدا قرار ندهند. پیرزن ناتوان از شرق زمین به غرب آن مسافرت می‌کند، بدون اینکه از ناحیه کسی آسیب ببیند.... (۳)

پیشرفت برق‌آسای علم

علم و دانش بشری با تمام دستاوردها و مظاهر شگفت‌انگیزش، هنوز دوران کودکی خود را سپری می‌کند و با تحقق ظهور امام مهدی (عج) به بلوغ کامل می‌رسد.

امام صادق علیه السلام فرمود: علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است. مردم تا روز ظهور بیش از آن دو حرف را نمی‌دانند، وقتی قائم (عج) قیام کند، ۲۵ حرف بقیه را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می‌سازد و بدین سان مجموع ۲۷ جزء دانش را نشر می‌دهد. (۴)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:.... مردم در زمان قائم (عج) از حکمت برخوردار می‌شوند تا آنجا که زن در خانه‌اش به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند. (۵)

و نیز فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و به آن، عقل‌هاشان جمع شده و افکار و اندیشه‌شان کامل می‌شود. (۶)

به طور خلاصه، در پرتو هدایت امام مهدی (عج) مردم با افکاری باز، همتی والا و بینشی وسیع پرورش می‌یابند و یک انقلاب فکری و علمی با امواجی گسترده در همه قشرهای جامعه به وقوع می‌پیوندد.

رشد مواد غذایی و گیاهی

هم‌اکنون رشد جمعیت کره زمین، زمزمه کمبود مواد غذایی در آینده را به وجود آورده است، در زمان امام مهدی (عج) خداوند برکات آسمان و زمین را به روی مردم می‌گشاید و هیچ نوع قحطی در هیچ نقطه‌ای از زمین مشاهده نمی‌شود. حذیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه نقل می‌کند: آنها در دوران حکومت مهدی

(عج) فراوان می‌شود، نهرها پر آب می‌گردد، زمین خوراکی‌های خود را چند برابر می‌کند و گنج‌های خود را بیرون می‌دهد. (۷)

و نیز فرموده است: زمین گنجه‌ایش را برای او (مهدی (عج) خارج می‌کند و وی مال و سرمایه بی‌شمار بین مردم پخش می‌کند. (۸) همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود: باران به طور فراوان فرود می‌آید و زمین انواع گیاهان خود را می‌رویاند. (۹)

آبادانی شهرها و گسترش مساجد

در عصر حکومت امام مهدی (عج) شهرهای وسیع و آباد، جاده‌های پهن و مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق ساخته می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: گنج‌های زمین برای قائم (عج) آشکار می‌شود، سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرا می‌گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیره می‌گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد و همه خرابی‌های زمین آباد می‌گردد... (۱۰)

مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وقتی قائم آل محمد (عج) قیام کند، در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که دارای هزار در است و خانه‌های کوفه به رودخانه کربلا می‌پیوندند. (۱۱)

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام چنین نقل کرده است: هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد بود، همان گونه که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به شصت ذراع می‌رساند و تمام مساجدی را که در مسیر راه قرار گیرند، خراب می‌کند... (۱۲)

از این روایات استفاده می‌شود که در زمان قائم (عج)؛ در کنار آبادانی شهرها و راه‌ها، مساجد نیز توسعه یافته و آباد می‌گردد؛ چرا که با رهبری آن حضرت، مردم در مسیر بندگی که هدف آفرینش انسان است قرار می‌گیرند و رفاه و آبادانی در خدمت فضایل و کمالات انسانی در می‌آید.

شکوفایی روحیه برادری و مساوات

در پرتو ارشاد و تربیت امام مهدی (عج)، نفوس انسانی رشد و تکامل پیدا کرده و ارزش‌های اخلاقی به اوج خود می‌رسد. شیعیان به امام باقر علیه السلام عرض کردند: ما در کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه فرمان برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟ گفتند: نه. فرمود: پس این گروه (که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیلتر

خواهند بود. مردم هم‌اکنون آسوده‌اند، (که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند) از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم، از یکدیگر ارث می‌بریم، حدود را برآنان اقامه می‌کنیم، امانتشان را باز می‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی) اما با قیام قائم (عج) آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ ممانعتی برمی‌دارد. (۱۳) اسحاق بن عمار می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که درباره تساوی مردم با دیگر برادرانشان و حقی که هر کس بر دیگری دارد، سخن می‌گفت: من سخت در شگفت شدم و برایم وظیفه بزرگ و خطیری جلوه کرد. آن حضرت فرمود: این، در وقت قیام قائم ماست که در آن روزگار بر هر کس واجب است برادران مؤمنش را تقویت و یاری کند و وسائل لازم را در اختیار آنان قرار دهد. (۱۴) راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که این روایت: «سود گرفتن مؤمن، از مؤمن رباست.» معنایش چیست؟ فرمود: این، به هنگام قیام قائم اهل بیت و ظهور حق است، اما اکنون اگر کالایی بفروشید و سود بگیرید، اشکالی ندارد. (۱۵)

ترسیم زمان پس از ظهور در گفتار امام علی علیه السلام

حضرت مهدی (عج) امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند. - گوسفند در کنار گری می‌چرد. - کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسد. - شر برداشته شده و خیر می‌ماند. - انسان یک مدّ (چارک) می‌کارد و هفتصد مدّ حاصل برداشت می‌کند، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «همانند یک دانه که از آنها هفت سنبل بروید و در هر سنبل صد دانه باشد.» - ربا و زنا برداشته می‌شود و اثری از شراب‌خواری و ربا و خودنمایی باقی نمی‌ماند. - مردم به اطاعت و عبادت و نماز جماعت رو می‌آورند. - عمرها طولانی می‌شود. - امانتها رعایت می‌شود. - درختان پرثمر و برکات افزون می‌گردد. - اشرار هلاک شده و نیکان می‌مانند. - از دشمنان اهل بیت علیه السلام کسی باقی نمی‌ماند. (۱۶)

گفتنی است، همان قدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق‌العاده مشکل و طاقت فرساست، اما حضرت مهدی (عج) به عنوان معمار این جامعه نوین، به قدری از توانایی‌های روحی و معنوی برخوردار است که می‌تواند جهانی را که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند و فراتر از مدینه فاضله‌ای که فلاسفه و دانشمندان ترسیم کرده‌اند، به وجود آورد.

خلاصه

با تحقق ظهور حضرت مهدی (عج)، جهانی نو براساس ارزشهای الهی ساخته می‌شود.

بخشی از ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) این گونه است:

پاک شدن زمین از لوث وجود تبهکاران، حاکمیت همه جانبه مهدی (عج) بر گیتی، صلح و صفا به جای ناامنی و تفرقه می‌نشیند، سپری شدن دوران کودکی علم و دانش و رسیدن به بلوغ کامل، بگونه‌ای که حتی زنان در خانه بر طبق کتاب و سنت حکم کنند و استعدادهای فکری انسان شکوفا شود، قحطی و گرسنگی با فراوانی و سیری مبادله شوند و زمین گنج‌های خود را بیرون ریزد، شهرها و راه‌ها گسترش یافته و آباد گردند، مساجد بدون زرق و برق ساخته شده و توسعه یابند، رفاه مادی در خدمت معنویت قرار گیرد، روحیه برادری و مساوات شکوفا شده، به گونه‌ای که از مؤمن سود گرفته نمی‌شود و همه به یاری همدیگر برمی‌خیزند. معمار این جامعه برین وجود مقدس مهدی (عج) است، چرا که خداوند آن حضرت را بر انجام آن توانا ساخته است. (۱۷)

منابع:

۱. حج (۲۲)، آیه ۴۱،
۲. منتخب‌الاثیر، ص ۴۷۰،
۳. همان، ص ۳۰۸،
۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶،
۵. غیبت نعمانی، ص ۱۵۸،
۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸،
۷. منتخب‌الاثیر، ص ۴۷۲،
۸. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۸،
۹. عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص ۶۰،
۱۰. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲-۱، ص ۳۳۱،
۱۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷،

۱۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۳
۱۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۵
۱۵. همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴
۱۶. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۵۹
۱۷. برگرفته از امامت حضرت مهدی (عج) در اعتقاد ما، علیرضا علی نوری، ص ۱۲۷-۱۳۴.

سخن پایانی

بسم الله الرحمن الرحيم

با سپاس فراوان از مجمع جهانی اهل بیت (ع) به خاطر مصاحبه با افراد خوب و متخصص در مبحث مهدویت ، امیدوارم از این مجموعه دوستان استفاده کرده باشد . و این نکته را قابل ذکر می دانم که این کتاب بخش ۱ الی ۱۵ مجموعه در انتظار منجی می باشد و دوستان می توانند آخر هر هفته مجموعه بعدی این مصاحبه ها را در سایت خبرگزاری اهل بیت (ابنا) (وابسته به مجمع جهانی اهل بیت(ع)) دنبال کنند . اگر عمری باقی بماند بخش های ۱۶ الی ۳۰ این مجموعه بعد از انتشار از سوی مجمع جهانی اهل بیت (ع) به وسیله مجموعه وبلاگ های قرآن ستر نیز به صورت پی دی اف منتشر خواهد شد . با آرزوی ظهور منجی عدالت گستر در روز اول رمضان المبارک

امیر قربانی

اول رمضان المبارک سال یکهزار و چهارصد و سی و شش هجری قمری

بیست و هشتم خرداد ماه سال یکهزار و سیصد و نود و چهار هجری شمسی



از سایت های زیر حمایت می کنیم :

- <http://khamenei.ir> •
- <http://aviny.com> •
- <http://mostazafin.tv> •
- <http://hizbullahcyber.com> •
- <http://www.farhangnews.ir> •
- <http://www.ammarname.ir> •
- <http://www.talkhandak.com> •
- <http://oweis.ir> •
- <http://bookroom.ir> •
- <http://www.ghaemiyeh.com> •
- <http://irannuc.ir> •
- <http://tabyincenter.ir> •
- <http://www.borhan.ir> •
- <http://pfmi.ir> •
- <http://www.islamic-rf.net> •
- <http://www.khatteemam.ir> •
- <http://www.mogawama.ir> •
- <http://rahimpour.ir> •
- <http://www.farsnews.com> •
- <http://www.tasnimnews.com> •
- <http://www.nasimonline.ir> •
- <http://www.rasanews.ir> •
- <http://www.ir-psri.com> •
- <http://iichs.ir> •
- <http://www.irdc.ir> •
- <http://www.motahari.ir> •
- <http://www.imam-sadr.com> •
- <http://www.presstv.ir> •
- <http://fa.alalam.ir> •
- <http://kayhan.ir> •
- <http://www.vatanemrooz.ir> •
- <http://www.rohama.org> •
- <http://www.abna.ir> •
- <http://www.historylib.com> •

- <http://www.ahl-ul-bait.com>
- <http://www.hawzah.net>
- <http://www.asr-entezar.ir>
- <http://quran-journal.com>
- <http://www.noorlib.ir>
- <http://www.598.ir>
- <http://www.ammariyon.ir>
- <http://ashoora.ir>
- <http://fans.hamedzanimusic.com>
- <http://www.masaf.ir>
- <http://www.itf.org.ir>
- <http://www.imam-khomeini.com>
- <http://www.usviewer.com>
- <http://www.asipress.ir>
- و تمام کسانی که در راه اسلام قدم بر می دارند